



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



ما در باران

مشورہء شہینہ
حضرت نرگس خاتون سے

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه

ناشر چاپی:

محب العترة الطاهرة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	اهداء
۱۸	فهرست
۲۴	پیشگفتار
۲۴	اشاره
۲۵	بشارتی بزرگ و مددی تاریخی
۲۷	لن شکرتم لایزیدنکم
۲۹	سرفصلی امیدوارکننده
۳۲	فصل اول : اطلاعاتی ها و بیانیه های مراجع معظم تقلید و علما و محققین عالی مقام پیرامون اهمیت بزرگداشت مقام حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۳۲	اشاره
۳۳	پیام حضرت آیه الله العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظلّه)
۳۷	پیام حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)
۳۸	ترجمه پیام ، آیه الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)
۳۹	پیام حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد جواد علوی بروجردی (دام ظلّه)
۴۱	پیام آیه الله آقای حاج سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه)
۴۳	پیام آیه الله آقای حاج میر سید محمد یثربی (دام ظلّه)
۴۵	پیام آیه الله آقای حاج سید علی حسینی صدر (دام ظلّه)
۴۷	پیام آیه الله شیخ نجم الدین طبسی (دام ظلّه)
۴۸	اطلاعیه آیه الله سید محمد تقی دیباجی اصفهانی (دام ظلّه)
۵۳	بیانیه حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمداقبر موسوی گلپایگانی
۵۸	فصل دوم : مقالات گوناگون درباره شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۵۸	اشاره
۵۹	زندگی و شخصیت حضرت نرجس (علیها السلام) در یک نگاه / شیخ علی اکبر مهدی پور
۵۹	اشاره
۵۹	نام نامی
۶۰	نسبت گرامی
۶۱	نام پدر
۶۱	نام پدر بزرگ
۶۲	نام حضرت نرجس (علیها السلام) در انجیل
۶۳	لقاب گرامی
۶۵	کنیه

۶۵	ملیکه در مکتب حکیمه
۶۷	مدفن
۶۸	زیارت نامه
۶۹	از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم / شیخ علی اکبر مهدی پور
۶۹	اشاره
۷۰	آنجا که کسری و قیصر درهم می آمیزد :
۷۱	نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون (علیها السلام)
۷۶	از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام)
۸۰	سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون (علیها السلام)
۸۱	اجتماعی نافرجام
۸۱	رؤیایی سرنوشت ساز
۸۳	دومین رؤیا
۸۵	شاهزاده و اسارت !
۸۶	دختر قیصر در دودمان پیمبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
۸۷	ملیکه در مکتب حکیمه
۸۸	چند نکته :
۸۸	اشاره
۸۸	۱. گزارشگر گزارش نور
۸۸	۲. دخت یشوعا
۹۰	۳. یشوعا ، یا یسوعا ؟
۹۱	۴. پدر یشوعا کیست؟
۹۴	۵. مبادله اسرا
۹۸	۶. آزادی زندانیان
۹۸	۷. پیرامون رؤیا
۹۹	۸. شمعون، جد اعلا نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۰۰	۹. نتایج به دست آمده :
۱۰۲	کتابنامه حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ علی اکبر مهدی پور
۱۱۴	سیمای حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)در منابع مختلف / شیخ علی اکبر مهدی پور
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	(۱) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب تفسیری
۱۱۴	(۲) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع حدیثی
۱۱۵	(۳) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع سیره ، تاریخ ، فضائل و مناقب
۱۱۸	(۴) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب انساب
۱۱۸	(۵) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب رجالی
۱۱۸	(۶) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب لغت

۱۱۸	حضرت نرجس (علیها السلام) در دائرة المعارف شیعی
۱۱۸	۸) حضرت نرجس (علیها السلام) در آثار نگارنده
۱۱۹	صفات ارزنده حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / آیت الله شیخ محسن فقیهی
۱۱۹	اشاره
۱۲۰	ویژگی های اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۲۰	اشاره
۱۲۰	۱. ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)
۱۲۱	۲. ترجم مهریانی
۱۲۲	۳. صبر و بردباری
۱۲۳	۴. عفت و حیا
۱۲۴	۵. زهد و عدم دلبستگی به دنیا
۱۲۵	۶. احترام به دیگران
۱۲۶	نتیجه گیری
۱۲۷	حافظ سز بزرگ خاندان امامت / شیخ محمد امیری سوادکوهی
۱۲۷	اشاره
۱۲۸	تالگوی نام نرجس قبل از تولد در حدیث لوح
۱۲۹	خاتون دو سرا در آئینه روایات
۱۳۰	بهترین کنیزان
۱۳۱	بهترین زنان
۱۳۱	سرور کنیزان
۱۳۱	سئیده زنان
۱۳۲	نرجس، شاهزاده روم
۱۳۳	بانوی عترت
۱۳۳	زیباترین واژه ها
۱۳۴	بانوی برگزیده زمان خویش
۱۳۴	خاتون دوسرا
۱۳۵	حافظ سز بزرگ خاندان امامت
۱۳۶	تکرار تاریخ
۱۳۷	آبروی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نزد خدا
۱۳۸	راه های توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۳۸	میرزای شیرازی و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۳۹	آیه الله العظمی وحید خراسانی (دام ظلّه) و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) برای دفع کرونا و ...
۱۴۰	بیان آیت الله مجتهدی از توسل بزرگان به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۴۰	توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۱۴۰	شیخ جعفر مجتهدی

- ۱۴۱
- ۱۴۴ نور ولایت در قلب مطهر حضرت نرجس (علیها السلام) / خانم مجتهد زهره صفاتی
- ۱۴۷ گنجینه عصمت / آقای سید محمد موحد ابطی
- ۱۴۷ اشاره
- ۱۴۹ سید و سرور بانوان (سیده الاماء)
- ۱۵۴ بانوی برگزیده
- ۱۵۷ بانوی طاهره و مطهره
- ۱۶۱ وعاء مقدس
- ۱۶۲ ختامه مسک
- ۱۶۵ مروری بر چهار اثر در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) / آقای سید محمد موحد ابطی
- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۵ الف : سیده الاماء
- ۱۶۶ ب : بانوی انجیل
- ۱۶۹ ج: آخرین عروس
- ۱۷۰ د: نرگسدان
- ۱۷۱ جایگاه اسرار الهی، حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ علیرضا نعمتی
- ۱۷۸ شرحی بر زیارتنامه مادر امام زمان روحی فداء / شیخ ابوالفضل سیزی
- ۱۷۸ اشاره
- ۲۰۴ پناهگاه درماندگان
- ۲۰۴ دعای بعد از زیارت بانو ملیکا (علیها السلام)
- ۲۰۷ نرجس خاتون، بانوی پاک و برگزیده / شیخ غلامحسین مجلسی
- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۸ الف : محدثه بودن
- ۲۱۰ ب: طهارت و پاکدامنی
- ۲۱۴ ج : برگزیده شدن
- ۲۱۶ خاتمه
- ۲۱۷ گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم / شیخ علی نظری مؤمن آبادی
- ۲۱۷ اشاره
- ۲۱۸ مادر منجی
- ۲۱۹ نرجس در مصحف فاطمه (علیها السلام)
- ۲۲۰ پیوند آسمانی
- ۲۲۱ ثمره هجرت و اسارت
- ۲۲۱ وفات نرجس خاتون (علیها السلام)
- ۲۲۲ توسل به حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۲۲۳ ۲۰ درس اخلاقی و تربیتی

- ۱: تدین و پاکدامنی در اوج زندگی اشرافی ۲۲۲
- ۲: پاسداری از ایمان در محیط آلوده ۲۲۳
- ۳: امکان ازدواج دختری مرفه با اهل ایمان و ساده زیست ۲۲۴
- ۴: نقش امدادهای غیبی در زندگی ۲۲۴
- ۵: اهمیت خواب های صادقانه در آینده انسان ۲۲۴
- ۶: معالجه بیماری های روحی با نیکی به دیگران ۲۲۴
- ۷: تلاش برای هجرت از محیط های آلوده ۲۲۵
- ۸: پاسداری از حجاب و عفاف در سخت ترین شرایط ۲۲۵
- ۹: برجستگی حیا و شرم در زندگی یک دختر ۲۲۵
- ۱۰: نقش امام شناسی ۲۲۶
- ۱۱: عشق به ولایت و امامت ۲۲۶
- ۱۲: انتخاب عزت و شرف در مقابل متاع دنیا ۲۲۶
- ۱۳: استقبال از آموزش معارف دین ۲۲۷
- ۱۴: انس با عالمان دین ۲۲۸
- ۱۵: ادب در مقابل بزرگان ۲۲۸
- ۱۶: همسررداری و رازداری در فراز و نشیب های زندگی ۲۲۸
- ۱۷: صبر و خویشتن داری ۲۲۹
- ۱۸: داشتن نام های زیبا ۲۲۹
- ۱۹: تربیت فرزند شایسته ۲۳۰
- ۲۰: بریدن از فامیل برای رسیدن به حق ۲۳۱
- جایگاه برجسته توسل و استغاثه... / شیخ مهدی آقابابائی ۲۳۲
- اشاره ۲۳۲
- مقدمه ۲۳۲
- مقام شفاعت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۳۳
- راهنمایی های آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی (دام ظلّه) ۲۳۵
- هر کس به هر قدر که برایش میسر است ۲۳۵
- دستور العمل آیت الله العظمی بهجت (قدس سره) در زمینه توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۳۶
- خواندن دعای عهد و هدیه به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۳۷
- سفارش آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جعفر سبحانی (دام ظلّه) ۲۳۷
- خلاصی از وبا یا خواندن زیارت عاشورا به نیابت از حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۳۷
- مرحوم آیت الله مجتهدی (قدس سره) ۲۳۸
- توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۳۹
- ختم قرآن به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جهت پیدا شدن چک یکی از فضلاء حوزه علمیه قم در حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) در مورد گرفتاری که برای آیت الله مجتهدی پیش آمده بود چنین فرمودند : ۲۳۹
- سفارش آیت الله حاج سید محمد علی روحانی (قدس سره) ۲۴۰

۲۴۰	داستان تشرف حاج محمد به نقل از مرحوم آیت الله ناصرى (قدس سره)
۲۴۲	تشرف خادم حرم عسکریین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای سرطان
۲۴۳	خدمت افتخاری حرم
۲۴۴	توسل به نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۴۵	دستور توسل خاص به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ثواب آن هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۴۷	برآورده شدن حاجات ، با خواندن زیارت عاشورا و هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۴۸	متوسل شدن در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۴۹	حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین انصاریان
۲۴۹	کرامت و عنایتی از حضرت نرجس (علیها السلام)
۲۵۰	توسل به والده ماجده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۵۲	برطرف شدن مواعع ازدواج به برکت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۵۵	گره گشائی از سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۵۸	نذر تألیف کتاب برای حضرت نرجس (علیها السلام) برای بر آمدن حاجت مهم
۲۵۸	نجات از زندان ، کتاب آخرین عروس
۲۶۳	نام فرزندم را «نرجس» گذاشتم
۲۶۴	گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ محسن جلائی
۲۶۵	نمونه ای از فعالیت های مؤثر
۲۶۵	سفر به قم و استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و دیدار با علمای اعلام
۲۶۶	اولین جلسه رسمی و مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) قم ، بیت جناب جون غلام امام حسین (علیه السلام)
۲۶۸	جلسه توجیهی بانوان فرهیخته و تاثیرگذار در راستای گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام)
۲۶۹	جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) اصفهان ، بیت العتره (علیهم السلام)
۲۷۰	سفر به مشهد مقدس و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) و تشکیل جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)
۲۷۱	جلسه توجیهی ، در مقدمه مجلس اصلی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)
۲۷۳	آثار توجه عمومی به نام حضرت نرجس (علیها السلام) و برگزاری جلسات بزرگداشت
۲۷۵	مجلس بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام)
۲۷۷	فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۲۷۷	اشاره
۲۷۸	گلی زگلشن خوشبوی سرمدی / محمد آتشی (آتشی)
۲۸۱	بانوی اجلال علیین / جعفر رسول زاده (آشفته)
۲۸۴	مادر طلووس جنت / سید علی احمدی
۲۸۵	نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار)
۲۸۷	انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام) / اسدالله امینی
۲۸۹	ملیکه عالم ، حضرت نرجس(علیها السلام) / احمد ایرانی نسب
۲۹۱	مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا)
۲۹۳	سلام و نور / علی بیرقدار

- ۲۹۵
- ۲۹۷ قدر و بهای حضرت نرجس(علیها السلام)/ رضا رضائی (بی ریا)
- ۳۰۱ نذر مادر / نوید پور مرادی
- ۳۰۳ صدق نرجس(علیها السلام)/ آرش پور عزیزاده
- ۳۰۶ مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا)
- ۳۱۶ عطر نرگس / علی رضا خیامی
- ۳۱۷ نو عروس فاطمه (علیها السلام)/ سیدابوتراب هاشمی (تراب)
- ۳۱۹ در وصف حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ رمضانعلی جان نثاری
- ۳۲۴ در مدح حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ سیدمحمد مهدی جزایری
- ۳۲۶ لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد
- ۳۲۸ تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان
- ۳۳۰ سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی
- ۳۳۱ عروس خانواده موعود / احمد حیدری
- ۳۳۲ خانه شش گوشه / احمد حیدری
- ۳۳۴ آوای حضرت نرجس(علیها السلام)/ جواد حیدری
- ۳۳۹ شبیه ام موسی (علیه السلام) / مجتبی خرسندی
- ۳۴۱ هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار
- ۳۴۷ همنشین گل زهر(علیها السلام)/ سید مسعود داستار
- ۳۴۸ حضور سبز حضرت نرجس(علیها السلام)/ مهدی داعی
- ۳۵۲ آرامش بعد از طوفان / محسن درویش هرندی
- ۳۵۳ مام ختم الأوصیا / محمد رضا رضائی (ذوالفتون)
- ۳۵۵ بخت بلند حضرت نرجس(علیها السلام)/ محمد حسن زاده (راضی)
- ۳۵۷ دختر مریم و عروس حضرت زهرا(علیها السلام)/ اطهره رضائی
- ۳۶۱ قلب حضرت صدیقه مبینه او/ علی رضوانی
- ۳۶۲ عروس خاندان عصمت (علیهم السلام)/ عباس جواهری (رفیع)
- ۳۶۳ شبیه حضرت زهرا(علیها السلام)/ احمد رفیعی وردنجانی
- ۳۶۸ نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش)
- ۳۷۰ تمام عزت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان)
- ۳۷۴ معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی
- ۳۷۷ داستان زیبای زندگی حضرت نرجس(علیها السلام)/ زهرا محمدی (زمزم)
- ۳۸۵ مادر خورشید / ابوالفضل سبزی
- ۳۸۷ همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس(علیها السلام)/ سید علی موسوی (شعا)
- ۳۹۰ عروس حضرت فاطمه(علیها السلام) / فریدون آقا لُر (سفیر)
- ۳۹۲ مریمی دیگر / زهرا سلیمی
- ۳۹۳ مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی)

- ۴۰۳ ملیکه ولایت / مصطفی هادوی (شهر)
- ۴۰۴ شکوه آفرینش / صدیقه اژه ای (شیدای اصفهانی)
- ۴۰۶ شادمانی حضرت نرجس (علیها السلام) / زهرا صالحی
- ۴۰۸ عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور
- ۴۱۰ ستوده در انجیل / زهرا صرامی
- ۴۱۲ نرجس نیکو بستر / حسنعلی صغیرا
- ۴۱۵ حسرت سلاطین / هاشم طوسی
- ۴۱۶ اسوه تربیت / سعید علامه
- ۴۲۴ یاسی از باغ ترگس ها / احمد علوی
- ۴۲۵ بانوی دلباخته / احمد علوی
- ۴۲۷ چاره کار شیعیان / روح الله فروتن
- ۴۳۸ داستان نورانی حضرت نرجس (علیها السلام) / مرحوم فریور (فریور)
- ۴۴۱ سز مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر)
- ۴۴۴ سیده الاماء / محمود قاسمی
- ۴۴۶ بانوی باران ، حضرت نرجس (علیها السلام) / محمد قدسی (قدسی)
- ۴۵۱ گل ترگس / محمد رضا کاکائی
- ۴۵۵ مادر خورشید / محسن کاویانی
- ۴۵۸ ترگس والاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)
- ۴۶۰ گلشن ترگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)
- ۴۶۳ راز بازگو شده / سید ابوالفضل مبارز
- ۴۶۴ گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر)
- ۴۷۰ عروس آخر زهرا (علیها السلام) / محمد رضا مسعودی
- ۴۷۸ ترگس باغ جنان / پروانه موجودی
- ۴۸۰ عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب
- ۴۸۵ از دربار روم تا مهبط نور / غلامرضا سازگار (میشم)
- ۴۹۳ میراث دار فاطمه (علیها السلام) / محسن ناصحی
- ۴۹۷ مادر منجی ، حضرت نرجس (علیها السلام) / سید محمود مرتضوی (ناظر)
- ۴۹۸ رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر)
- ۵۰۴ می وزد امتید / الهام نجمی
- ۵۰۴ پذیرایی حضرت خورشید / الهام نجمی
- ۵۰۶ مخزن اسرار حق / سید مصطفی مهدوی (نحوی)
- ۵۱۰ مادر ختم الائمه (علیهم السلام) / علی رضا نصیری
- ۵۱۴ همای بخت نرجس (علیها السلام) / عبدالحسین نظری (عبدالحسین)
- ۵۲۰ مادری بر خجّت حق / سید علی مهدوی (والا)

۵۲۵ - شکوفائی نرگس / عباس همتی

۵۲۷ - باعث بقاء امامت / م ، یا وری

۵۲۸ - نام تو مشکل گشا / سمیرا یکه تاز

۵۲۹ - بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور

۵۲۹ - شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور

۵۳۳ - همه اش لطف حضرت زهراست / یونس وصالی (یونس)

۵۳۶ - تصاویر

۵۵۴ - درباره مرکز

مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب : مادر باران - شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام

نویسندگان : جمعی از علماء و محققان عالیقدر قم و اصفهان

سرایندگان : جمعی از شعراء بزرگوار از شهرهای گوناگون

تایپ و صفحه آرایی : آقای شیخ مهدی آقابابایی

نوبت چاپ : پنجم (با اضافات گسترده)

تاریخ انتشار : رمضان المبارک 1444 ق - نوروز 1402 ش

ناشر : محب العترة الطاهرة علیهم السلام

مشخصات ظاهری : [92] ص.

فروست : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس خاتون علیها السلام.

وضعیت فهرست نویسی : فایا

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - داستان

موضوع : نرجس خاتون (س) - - داستان

موضوع : حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، 232 - 260ق - - داستان

موضوع : داستان های مذهبی

موضوع : Religious fiction

رده بندی دیویی : دا297/959 ک657 ق ی الف 1 ج 1401

بهاء : سلام و صلوات نثار روح مطهر حضرت نرجس علیها السلام و استغاثه و دعا برای تعجیل در فرج امام زمان ، حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

جهت دانلود رایگان کتاب به سایت www.madarebaran.com مراجعه نمایید .

ص: 1

اشاره

این مجموعه نورانی که با نیت عرض ارادت و اخلاص به مادر باران و اسوه فضائل و سیده الاماء و جایگاه نگهداری اسرار الهی و شبیه مادر موسی علیه السلام و ستایش شده در انجیل حضرت عیسی علیه السلام و انتخاب شده خاتم الانبیاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم حضرت نرجس خاتون علیها السلام فراهم گردیده ، به محضر تنها فرزند او یعنی پناه عالمیان و منجی انسانها و برافراشنده پرچم عدل و داد بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف مهدی موعود حضرت حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداء می گردد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَيِّبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ ، وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقِمِ

الْحُجَّاتَيْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفِ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

فصل اول: اطلاعیه ها و بیانیه های مراجع معظم تقلید و علماء پیرامون اهمیّت بزرگداشت مقام حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)... 19

پیام حضرت آیه الله العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظلّه)... 20

پیام حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)... 24

ترجمه پیام، آیه الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)... 25

پیام حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد جواد علوی بروجردی (دام ظلّه)... 26

پیام آیه الله آقای حاج سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه)... 28

پیام آیه الله آقای حاج میر سید محمد یثربی (دام ظلّه)... 30

پیام آیه الله آقای حاج سید علی حسینی صدر (دام ظلّه)... 32

پیام آیه الله شیخ نجم الدین طبسی (دام ظلّه)... 34

اطلاعیه آیه الله سید محمد تقی دیباجی اصفهانی (دام ظلّه)... 35

بیانیه حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدباقر موسوی گلپایگانی... 40

فصل دوم: مقالات درباره شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)... 45

زندگی و شخصیت حضرت نرجس (علیها السلام) در یک نگاه / شیخ علی اکبر مهدی پور... 46

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم / شیخ علی اکبر مهدی پور... 56

کتابنامه حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ علی اکبر مهدی پور ... 89

سیمای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در منابع مختلف / شیخ علی اکبر مهدی پور ... 100

صفات ارزنده حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / آیت الله شیخ محسن فقیهی ... 105

حافظ سر بزرگ خاندان امامت / شیخ محمد امیری سوادکوهی ... 113

نور ولایت در قلب مطهر حضرت نرجس (علیها السلام) / خانم مجتهد زهرا صفاتی ... 130

گنجینه عصمت / آقای سید محمد موحد ابطحی ... 133

مروری بر چهار اثر در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) / آقای سید محمد موحد ابطحی ... 151

جایگاه اسرار الهی، حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ علیرضا نعمتی ... 157

شرحی بر زیارتنامه مادر امام زمان روحی فداه / شیخ ابوالفضل سبزی ... 164

نرجس خاتون، بانوی پاک و برگزیده / شیخ غلامحسین مجلسی ... 193

گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم / شیخ علی نظری مؤمن آبادی ... 203

جایگاه برجسته توسل و استغاثه ... / شیخ مهدی آقابابائی ... 218

گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ محسن جلائی ... 250

فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا (علیها السلام)، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ... 263

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی / محمد آتشی (آتشی) ... 264

بانوی اجلال علیین / جعفر سول زاده (آشفته) ... 267

مادر طاووس جنت / سید علی احمدی ... 269

نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار) ... 270

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام) / اسدالله امینی ... 271

ملیکه عالم، حضرت نرجس (علیها السلام) / احمد ایرانی نسب ... 273

- 274 ... مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا) ...
- 275 ... سلام و نور / علی بیرقدار ...
- 276 ... عروس ابوتراب / محمد علی بقانی ...
- 277 ... قدر و بهای حضرت نرجس (علیها السلام) / رضا رضائی (بی ریا) ...
- 280 ... نذر مادر / نوید پور مرادی ...
- 281 ... صدق نرجس (علیها السلام) / آرش پور علیزاده ...
- 283 ... مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا) ...
- 288 ... عطر نرگس / علی رضا خیامی ...
- 289 ... نو عروس فاطمه (علیها السلام) / سید ابوتراب هاشمی (تراب) ...
- 290 ... در وصف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / رمضانعلی جان نثاری ...
- 293 ... در مدح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / سید محمد مهدی جزایری ...
- 294 ... لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد ...
- 295 ... تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان ...
- 296 ... سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی ...
- 297 ... عروس خانواده موعود / احمد حیدری ...
- 298 ... خانه شش گوشه / احمد حیدری ...
- 299 ... آوای حضرت نرجس (علیها السلام) / جواد حیدری ...
- 301 ... شبیه امّ موسی / مجتبی خرسندی ...
- 302 ... هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار ...
- 305 ... همنشین گل زهرا (علیها السلام) / سید مسعود داستار ...
- 306 ... حضور سبز حضرت نرجس (علیها السلام) / مهدی داعی ...
- 308 ... آرامش بعد از طوفان / محسن درویش هرنندی ...

- 309 ... مام ختم الأوصيا / محمد رضا رضانی (ذوالفنون) ...
- 310 ... بخت بلند حضرت نرجس (علیها السلام) / محمد حسن زاده (راضی) ...
- 311 ... دختر مریم و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) / اطهره رضائی ...
- 313 ... قلب حضرت صدیقه میهن او / علی رضوانی ...
- 314 ... عروس خاندان عصمت (علیهم السلام) / عباس جواهری (رفیع) ...
- 315 ... شبیه حضرت زهرا (علیها السلام) / احمد رفیعی وردنجانی ...
- 318 ... نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش) ...
- 319 ... تمام عزت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان) ...
- 323 ... معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی ...
- 325 ... داستان زیبای زندگی حضرت نرجس (علیها السلام) / زهرا محمدی (زمزم) ...
- 329 ... مادر خورشید / ابوالفضل سبزی ...
- 330 ... همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس (علیها السلام) / سید علی موسوی (سُعا) ...
- 332 ... عروس حضرت فاطمه (علیها السلام) / فریدون اقا لُر (سفیر) ...
- 333 ... مریمی دیگر / زهرا سلیمی ...
- 334 ... مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی) ...
- 335 ... از قصر قیصر تا بیت کوثر / محمد جواد غفور زاده (شفق) ...
- 339 ... ملیکه ولایت / مصطفی هادوی (شهیر) ...
- 340 ... شکوه آفرینش / صدیقه اژه ای (شیدای اصفهانی) ...
- 341 ... شادمانی حضرت نرجس (علیها السلام) / زهرا صالحی ...
- 342 ... عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور ...
- 343 ... ستوده در انجیل / زهرا صرامی ...
- 344 ... نرجس نیکو سیر / حسنعلی صغیرا ...

- حسرت سلاطین/ هاشم طوسی... 346
- اسوه تربیت / سعید علامه... 347
- یاسی از باغ نرگس ها / احمد علوی 351
- بانوی دلباخته / احمد علوی ... 352
- دست توسل بر دامن حضرت نرجس (علیها السلام)/ روح الله فروتن ... 353
- چاره کار شیعیان / روح الله فروتن... 357
- داستان نورانی حضرت نرجس (علیها السلام)/ مرحوم فریور (فریور) ... 359
- سرّ مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر)... 360
- سیده الاماء / محمود قاسمی... 362
- بانوی باران ، حضرت نرجس (علیها السلام)/ محمد قدسی (قدسی) ... 363
- گل نرگس / محمد رضا کاکائی... 367
- مادر خورشید / محسن کاویانی ... 369
- نرگس والاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)... 371
- گلشن نرگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)... 372
- راز بازگو شده / سید ابوالفضل مبارز... 374
- گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر)... 375
- عروس آخر زهرا 3 / محمد رضا مسعودی... 378
- نرگس باغ جنان / پروانه موجودی ... 382
- عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب... 383
- از دربار روم تا مهبط نور / غلامرضا سازگار (میثم)... 386
- میراث دار فاطمه (علیها السلام)/ محسن ناصحی... 393
- مادر منجی ، حضرت نرجس (علیها السلام)/ سید محمود مرتضوی (ناظر)... 395

رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر)... 396

می وُزَد اُمّید / الہام نجمی... 399

پذیرایی حضرت خورشید / الہام نجمی... 399

مخزن اسرار حق / سید مصطفی مہدوی (نحوی)... 401

مادر ختم الائمہ (علیہم السلام) / علی رضا نصیری... 403

ہمای بخت نرجس (علیہا السلام) / عبدالحسین نظری (عبدالحسین)... 405

مادری بر حجت حق / سید علی مہدوی (والا)... 409

ملیکہ کل جہان / مرضیہ سادات ہاشمی... 411

شکوفائی نرگس / عباس ہمتی... 412

باعث بقاء امامت / م، یاوری... 413

نام تو مشکل گشا / سمیرا یکہ تاز... 414

بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور... 415

شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور... 415

ہمہ اش لطف حضرت زہراست / یونس وصالی (یونس)... 417

نوعروس آل عصمت (علیہم السلام) / خطیب ولائی آقای... 418

پس از آنکه در اثر آشوب ها و اغتشاشات گسترده در سراسر کشور در هفته های اول نیمه دوم سال 1401 از یک طرف و پیش بینی های هواشناسی در مورد خشک سالی پیش رو آن هم شدیدتر از سال قبل ، دلهره و نگرانی روحی شدیدی را در بسیاری از اقشار جامعه ایجاد کرده بود و مخصوصاً فعالان دینی و ولایی نگران بودند که آشوب های گسترده ضد دینی مانع از برنامه های فاطمیه و مجالس سوگواری و حرکت دستجات عزای فاطمی بگردد .

در سال های گذشته ، به منظور آمادگی برای برنامه های فاطمیه در ماه جمادی الاولی و نیز بزرگداشت شهادت حضرت معصومه (علیها السلام) در دهم ربیع الثانی یک قافله عزاداری با شرکت عدّه زیادی از روحانیون و فضلاء حوزه علمیه اصفهان و جمع کثیری از اقشار مردم با ایمان به وسیله چند اتوبوس و شمار زیادی سواری شخصی عازم شهر مقدّس قم می شدیم و در جلسه بسیار عظیمی که در مسجد اعظم قم به عنوان بزرگداشت و عزاداری حضرت معصومه (علیها السلام) و سالگرد مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سیّد محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) که مصادف با همان ایام بود شرکت می کردیم و برگزاری آن مجلس عظیم در آن مسجد بسیار نورانی و در جوار حرم حضرت معصومه (علیها السلام) علاوه بر بزرگداشت حضرت معصومه (علیها السلام) و

فدائی آن حضرت مرحوم آیت الله موحد ابطحی (قدس سره) یک آماده سازی روحی برای علاقمندان و دلدادگان فاطمی به حساب می آمد و با شور و سوزی که خطیب آن مجلس عظیم و معنوی ایجاد می کرد، حاضرین در مجلس که از فاطمیون با اخلاص و فداکار بودند، خود را برای فعالیت های وسیع برای گسترش امر فاطمیه آماده می کردند.

آشوب های کشوری اقدامات ضد دینی گسترده، بسیاری از دل ها را نگران و گام های زیادی را برای اقدامات لازم به لرزه درآورده بود.

بشارتی بزرگ و مددی تاریخی

چند روز قبل از حرکت قافله و مجلس عظیم مسجد اعظم قم، یکی از اشخاص دلباخته اهل البیت (علیهم السلام) که شدیداً اهل توسلات خالصانه می باشد و عنایات معنوی شامل حال او می شود تلفن زد و گفت: استخاره ای بگیرید و پس از آنکه استخاره بسیار خوب بود اظهار داشت: حال که استخاره خوب است می گویم. در عالم رؤیا به منزل شما که محل عزاداری ها و فعالیت های گسترده فاطمی است وارد شدم و قسمت اطاق ها و کتابخانه شما به همان شکل واقعی خودش بود ولی از جلو حوض تا چشم کار می کرد درخت بود و همه را شته (1) گرفته بود و حوض هم خالی از آب بود و شما و دوستانتان تلاش می کردید که موتور آب کشی را به راه بیندازید ولی موفق نمی شدید.

ص: 12

1- شته حشره ایست از راسته نیم بالان که انگل درختان و گیاهان است و شیره آنها را می مکد و بدین جهت جزو آفات خطرناک نباتات محسوب می شود... و دارای قدرت تولید نسل زیادی می باشند. فرهنگ معین، ج 2، ص 2028.

ناگاه مرحوم آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) وارد شدند و جعبه ای در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * سَبِّحْ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ ...) (1) و ایشان در جعبه را باز کردند و ناگاه کفشدوزهای (2) زیادی از آن بیرون آمدند و به سرعت بزرگ شده و به جان شته ها افتادند و همه را از بین بردند. و سپس آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی به سراغ موتور آب کشی آمدند و انگشت روی کلید آن گذاشتند و ناگاه موتور به کار افتاد و آب فراوان جاری شد.

این رؤیای عجیب و مبشر نسیم و نفحه ای (3) روحانی بود که دل های مستعد را آرام کرد و علاقه مندان با ایمان فاطمیه را دلگرم نمود و ترس و اضطراب ها را به آرامشی خوش مبدل ساخت.

حرکت قافله عزاداری معصومیه به سوی قم، و برگزاری مجلس عزاداری در مسجد اعظم به شکل عجیب و کم سابقه ای انجام گرفت و شور و سوز معنوی و موج ولائی همگان را به اعجاب واداشت.

ص: 13

1- . سوره حدید .

2- . حشره ایست از راسته تاب بالان که دارای سه گونه می باشد و در اکثر نقاط زمین میزید . این حشره کوچک و کروی است و از شته ها تغذیه می کند . بدنش قرمز رنگ و دارای نقاط سیاه رنگ است ... فرهنگ معین ، ج 3 ، ص 3006 .

3- . قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) : إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا ؛ همانا برای پروردگار شما در روزهای روزگارتان وزش های خوش بو است . همانا خود را در معرض آن نسیم های خوشبو قرار دهید (و از بهره مندی از آن خود را محروم نسازید) . بحار الانوار، ج 68، ص 221 .

آشوب های اجتماعی و شورش ها به شکل غیر منتظره ای بر طرف گردید و برخلاف پیش بینی های داخلی و خارجی ، بارش ها شروع شد و به تدریج ، باران ها و برف های غیر معمولی در سراسر کشور بارید و یکی از سال های پر بارش شکل گرفت .

دیر باورها هم ، باور کردند که با عنایت الهی و توسلات به ساحت قدسی فاطمه زهرا (علیها السلام) و عزاداری های با اخلاص فاطمی ، خطر آشوب ها و شورش ها را از یک طرف ، و خشک سالی و کم بارشی های پیش بینی شده را از طرف دیگر بر طرف نمود .

لئن شکرتم لازیدنکم

هنگامی که انجام وظیفه های عمومی در برابر فاطمه زهرا و اخلاص ها و استغاثه های دلسوختگان به نتیجه رسید و آگاهان به الطاف الهی ، با زبان و دل و رفتار ، سپاسگزاری کردند و برخلاف آنها که قرآن مجید درباره آنها می فرماید : (وَ كَأَيُّنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ) ؛ (1) یعنی چه بسیار نشانه هایی (از عظمت و الطاف الهی) که در آسمان ها و زمین است و آنها بر آن مرور می کنند و از آن روی بر می گردانند (و وظیفه سپاسگزاری را انجام نمی دهند) ، این بیداردلان ، در مجالس و محافل عمومی و خصوصی ارتباط بین توسلات و استغاثه ها را با برطرف شدن خطر آشوب ها و شورش ها و خشک سالی ، مورد توجه قرار

ص: 14

می دادند و مردم را به شکرگذاری در پیشگاه پروردگار و سپاسگزاری از ساحتِ قدسی فاطمی تشویق می نمودند .

به دنبال این وظیفه شناسی ، عنایت دیگری شد و از طریق الهامی راهگشا مشخص شد که برای برطرف شدن دیگر مشکلات عمومی که جامعه و کشور را رنج می دهد و طاقت فرسا شده است ، باقی بماند باید دست توسل به دامن مادر باران ، عروس حضرت زهرا(علیها السلام) یعنی حضرت نرجس خاتون(علیها السلام) زد و با آگاه سازی جامعه نسبت به مقام و عظمت این بزرگ بانوی خاندان امامت ، یک خیزش اجتماعی برای متول شدن به ایشان ایجاد شود که با تکریم و تجلیل از این عزیز خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) قلب مطهر و نازنین رحمت واسعۀ الهی یعنی حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خشنود گردد و با نظرة رحیمه ای از آن اقیانوس رحمت ، مشکلات بسیار سنگین اجتماعی و فردی مردم بر طرف گردد .

این الهام الهی و راهنمایی غیبی ، آن چنان با نصرت های الهی و تأییدات گسترده و لائی همراه شد که برای دست اندرکاران فعالیت های علمی و تبلیغی و اجتماعی برای بزرگداشت آن حضرت جای تردیدی باقی نگذاشت که این اقدامات گوناگون موجب خشنودی صاحبان ولایت و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد .

اقدامات گوناگون برای همراه شدن علما و مراجع و فعالان فرهنگی و شعرا و نویسندگان و ... به راحتی به ثمر می نشست و در فرصتی کوتاه ، یک جهش نورانی به سوی برنامه های بزرگداشت آن حضرت انجام گرفت که غیر قابل پیش بینی بود .

دیدارها با علما و بزرگان حوزه علمیه قم و نیز جلسه مبلغین و شعرا در شهر قم و تشکیل مجلس بسیار با عظمت با حضور علما و فعالان تبلیغی و شعرا عالیقدر در مشهد مقدس و فراخوان ادبی مادرانه و دعوت از شعرای سراسر کشور در امامزاده جعفر بن الرضا 8 در شهر اصفهان و نیز جشن های بزرگ و متوسط و کوچک در مساجد و منازل علاقه مندان در شهر اصفهان و برخی شهرهای مجاور و بالاخص مجلس بسیار مفصل و با عظمتی که در حسینیه جوادالائمه (علیه السلام) در آستانه میلاد مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (نیمه شعبان) در روز جمعه دهم شعبان المعظم 1444 قمری برابر با 1401/12/12 با حضور علماء و شعراء و دانشگاهیان و اقشار مختلف مردم تشکیل شد و تحت عنوان مجلس بزرگداشت و توسل به جهت تجلیل و تکریم حضرت نرجس (علیها السلام) به منظور جلب رضایت و لطف حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اجتماعی کم نظیر از نظر ابهت و معنویت شکل گرفت که همه را تحت تأثیر قرار داد و احساس لطف مهدوی به خوبی بر جلسه حاکم بود، و همه و همه نشانه هایی از نصرت الهی و تأییدات صاحبان ولایت به شمار آمد و دل ها را امیدوارتر گردانید.

سرفصلی امیدوارکننده

پس از توسلات و اقدامات خالصانه و ملتجیانه در تکریم حضرت نرجس (علیها السلام) که به منظور جلب عنایت و رضایت منجی عالم، حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انجام گرفت، اخباری منتشر گردید در مورد مذاکرات و توافقات بین المللی و منطقه ای که تنش های خطرناک و مشکل آفرین را

برطرف می سازد و قراردادهای امیدبخش و حرکت در مسیر حُسن همجواری با کشورهای دیگر (که مورد توصیه و تأکید مراجع معظم تقلید بالاخص مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (قدس سره) بوده) به سرعت در حال شکل گیری است و بسیار امیدوارکننده است و با نشانه های معنوی و بشارت های ولائی مشخص گردیده که این دوره ، سرفصلی موفق برای شیعه و پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) با عنایت و لطف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با شفاعت مادر عزیزشان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد .

در پایان ، از همه بزرگان و علماء و مراجع معظم تقلید و شعراء و نویسندگان و مبلغین دلباخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عموم مردم با ایمان و ولایت که در این حرکت و جنبش عظیم با عشق و علاقه و جدیت همراه بودند و در این مقطع از تاریخ ، در تکریم و بزرگداشت یکی از چهره های بزرگ خاندان امامت ، یعنی حضرت نرجس (علیها السلام) گام مؤثری برداشتند ، و زمینه را برای تجلیل گسترده تر در سال های آینده و در دیگر شهرها و کشورها فراهم نمودند ، قدردانی نموده ، و از آنها التماس دعا برای برآورده شدن حوائج متوسلین به حضرت نرجس (علیها السلام) را داریم .

در آستانه سال نو و ماه مبارک رمضان

27 شعبان 1444 قمری برابر 29/12/1401

اصفهان - حوزه علمیه

میر سید حجة موحد ابطحی موسوی اصفهانی

ص: 17



فصل اول : اطلاعیه ها و بیانیه های مراجع معظم تقلید و علما و محققین عالی مقام پیرامون اهمیت بزرگداشت مقام حضرت نرجس خاتون
(علیها السلام)

اشاره

ص: 19

پیام حضرت آیه الله العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظلّه)

متن پیام مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظلّه)

در پاسداشت مقام والای مادر گرامی امام عصر ارواحنا فداه

(حضرت نرجس (علیها السلام))

بسم الله الرحمن الرحيم

« السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةَ الْإِمَامِ ، وَ الْمُوَدَّعَةَ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ، وَ الْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ »

سلام و درود مخصوص بر مادر پیشوای جهانیان بانوی بلند مقامی که ودیعه گاه اسرار و رموز خداوند علام است (عالم به کلیه امور جهان از آسمان و زمین و غیب و شهود) باد. معظمه ای که حامل شریف ترین و با عظمت ترین همه آدمیان است.

در این میان اگر بخواهیم شریف ترین و پرافتخارترین بانوی بانوان جهان (بعد از معدودی بسیار کم همانند حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)) را بشناسیم کسی جز معظمه دوران و بانوی سراسر جهان حضرت نرجس، خاتون هستی صلوات الله و سلامه علیها و علی بعلها و ولدها الحجه نیست.

سه امتیاز برای معدن کرامت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) می باشد که در شناخت ایشان معیار کامل و به تمام معنی است:

1: آن مکرمه، مادر حجت بالغه الهی و پیشوای معصوم و مقتدای نسل بشر امام عصر ارواحنا فداه است. طاهره و مطهره ای که کل نظام وجود از او به وجود آمده و فرزندى را به جهان آفرینش آورده که جهان به وجود پاک وی مفتخر و سرافراز است.

2: معظمه با جلالت و با عظمتی که اسرار دقیق و رموز بسیار مخفی و پنهان و پوشیده ذات لایزال الهی در جهان خلقت به او سپرده شده و وجود نازنینش و دیعه گاه اسرار حضرت رب العالمین است .

قلب پاک آن مخدره محترمه مخزن اسرار برتر و فراتر از عقول انسانی است و گویا عالم وجود ، با اشارات آسمانی او هدایت یافته و راه به وظائف خود می برند .

3: وجه امتیاز و برتری حضرت نرجس (علیها السلام) آن است که حامل شریف ترین و برترین انسان هاست و فرزندى را در درون خود پرورانیده که شریف ترین و با عظمت ترین همه مردمان و جهانیان است .

این بانوی آسمانی ، مظهر کمالات ، بزرگی ، سرافرازی و شرف و فضیلت است .

از سویی مادر در بین امت های با فرهنگ و مترقی خصوصاً اسلام موقعیتی بسیار والا و جایگاهی بس رفیع و شامخ دارد و فرزندان سرافراز و بزرگ و پرافتخار ، شدت دلدادگی نسبت به مادر دارند ، و از این جهت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه کمال دل بستگی و دلدادگی به مادر مکرمه شان دارند و قطعاً کسانی که به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) متوسل شوند و به ساحت آن ملکه قدسی دنیا و آخرت خدمتی ارائه کنند نیز مورد توجه و رحمت خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند بود و چه بسا حوائج بزرگ ، که در پرتو توسل به حضرت نرجس و به دعای فرزند ایشان ، امام زمان به احابت برسد .

ص: 21

حال جا دارد که همگان در بزرگداشت شأن شامخ حضرت نرجس (علیها السلام) قدم بردارند تا از این رهگذر، مشکلات پیچیده و بزرگ و این گرفتاری های فلج کننده امروزی که جامعه دچار آن شده است به برکت توسل به آن معظمه و فرزند یگانه اش برطرف گردد و زندگی راحت و گوارایی برای جامعه پیش آید که قطعاً این گونه خواهد بود... ان شاء الله.

در این میان از جمله اقشاری که جا دارد پیشگام این حرکت مقدّس و نجات بخش گردند، وعاظ و سخنرانان معظم و ارباب قلم و صاحبان ذوق و قریحه شعری و مداحان عزیز می باشند.

وعاظ گرامی و خطباء محترم بکوشند که با تحقیق علمی پیرامون شخصیت این بانوی محترمه، فاخرترین مطالب مستند را با بیانی روان و دلپذیر برای مستمعین خصوصاً جوانان عزیز، بیان نمایند.

نویسندگان محترم و ارباب قلم از روح مطهر حضرت نرجس مادر امام عصر ارواحنا فداه استمداد نمایند و پیرامون شرافت های گوناگون این بانوی بهشتی قلم فرسایی کنند و شاعران مخلص با قریحه و ذوق شعری، ضمن سرودن اشعار پر مغز و وزین، روح و جان تازه ای در کالبد خسته دلدادگان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدمند.

و در کنار آن مداحان ارجمند با بهره از لطف الهی که به آنان شده، با صدای خوش و دلنوازشان این اشعار را برای شیفتگان امام عصر ارواحنا فداه بخوانند تا همگان در پرتو این قبیل اظهار ارادت و علاقه، مشمول ادعیه خاصه و نافذ کهف حصین و یاور مظلومان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیریم

و به دعای خیر آن حضرت ، کشور امام زمان از بلاها و سختی هایی که با آنان روبرو شده است رهایی یابد .

در پایان پیشگامی عالم دلسوخته و شیفته واقعی خاندان گرامی اهل بیت صلوات الله عليهم اجمعین آیت الله حاج آقا حجت موحد ابطحی دام بقاء در این امر مهم و ماندگار را گرامی داشته و مزید توفیقات این روحانی با فضیلت در خدمت به اسلام و مسلمین را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم .

والسلام

علیکم ورحمة الله وبرکاته

4 رجب المرجب 1444

علی کریمی جهرمی

تصویر



پیام حضرت آية الله العظمى آقاي حاج سيد صادق حسيني شيرازي (دام ظلّه)

پیام مرجع عالیقدر ، حضرت آية الله العظمى آقاي حاج سيد صادق حسيني شيرازي (دام ظلّه) به مناسبت بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (عليها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد

قال الله عزوجل: « وَ مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ »

شعائر أهل البيت محمد وآله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين كلها من شعائر الله ، وكل ما كان يدل على تعظيم محمد وآل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) يعتبر من (الشعائر) والتجليل من الوالدة الجليلة والكرامة لسيدنا ومولانا بقیة الله (عجل الله تعالى فرجه الشريف) تجليل لابنها ولآبائه (عليهم السلام) فهو (من الشعائر) وهذا من مصاديق (التقوى) ولا يلزم في المصاديق أن تكون موجودة في زمن المعصومين (عليهم السلام)، فانها من القضايا الحقيقية التي كلما تحقق الموضوع تحکم الحكم وهو (من تقوى القلوب) .

وفق الله عزوجل القائمين بذلك وزاد في توفيقاتهم في المزيد من امثال ذلك وتقبل منهم وأشركنا معهم في الدنيا والآخرة .

قم المقدسة 10 / رجب المرجب

ميلاد سيدنا ومولانا جواد الأئمة (عليهم السلام) جميعاً

صادق الشيرازي

ص: 24

ترجمه پیام، آیه الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)

ترجمه پیام مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه) به مناسبت

بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای عزوجل می فرماید: "وَمَنْ يُعْظَمْ شَ عَائِرَ اللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هرکس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن [حاکمی] از پاکی دل هاست."

شعائر حضرت محمد و خاندان پاک ایشان صلی الله علیه وآله وسلم همه از شعائر خدا است و هرچه دلالت بر تعظیم حضرت محمد و خاندان آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین کند، شعائر دینی محسوب می شود. از این رو گرامیداشت مادر بزرگوار و کریمه مولا و سرور ما، حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همانا تجلیل از فرزند برومند ایشان و پدران بزرگوارشان (علیهم السلام) است پس این عمل نیز از شعائر محسوب می شود. و این عمل از مصادیق تقوا و پرهیزکاری است و در مصادیق لازم نیست که در زمان معصومین (علیهم السلام) وجود داشته باشد. این از قضایای حقیقی به شمار می آید که هر زمان موضوع آن تحقق یابد، حکم مربوط به آن نیز جاری می شود. پس این امر نشان از "تقوای قلب ها" است.

خدای عزوجل برپاکندگان این مناسبات را توفیق دهد و بر توفیقات آنان در اقدام به انجام اموری از این دست بیافزاید، و این عمل را از ایشان بپذیرد و ما را در دنیا و آخرت با آن ها شریک گرداند.

قم مقدّس 10/ رجب المرجب

میلاد مولا و سرور ما حضرت جواد الائمه (علیهم السلام) جمیعا

صادق شیرازی

ص: 25

پیام حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد جواد علوی بروجردی (دام ظلّه)

پیام فقیه ولایتی و عظیم الشان، حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد جواد علوی بروجردی (دام ظلّه) به مناسبت مراسم بزرگداشت مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

چه خوش باشد که بعد از انتظاری *** به امیدی رسند امیدواران

جمال الله شود از غیب طالع *** پدیدار آید اندر بزم یاران

در دورانی که تلخی حوادث در دوران غربت شیعه و اوج محنت غیبت امواج سهمگین ناامیدی و یأس را به غرش در آورده است، نام و یاد مبارک او بذریع امید را در جان های شیفته می افکند و آرزو و انتظار دیرینه ظهور او منتظران خسته را به وجد می آورد.

خستگان عشق با این پندار که در دل دوست به هر حيله رهي بايد يافت براي تعجيل در ظهور حضرتش، با تجليل و بزرگداشت نام و ياد مادر گرانقدر او، بزرگزاده ای از دیار روم که خداوند مآنان پرورش چنین درّ ثمینی را در رحم پاک و مطهر او مقرر فرموده است. دست توسل به سوی او بلند نموده و نظر عطوفت و پدری حضرت منجی را به احوال پریشان دوستان در مانده و رانده از همه جا و از سوی همه مدعیان، جلب نماییم.

توجه خاص حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا لثراب مقدمه الفدا به مادر مظلومه ای که در هاله ای از نگرانی ناچار از پنهان نمودن حمل و ولادت کودک دلبنده خویش بود و اینک خفته در خاک سامرا در خانه پدری امام (علیه السلام) همچنان نگران این فرزند دلبنده و تحفه آسمانی خویش است، ما را بر آن می دارد که هم از این مادر به حرمت این فرزند و هم از این فرزند به حرمت این مادر بخواهیم که از خداوند قادر متعال تعجیل در ظهور حضرتش را به اقتضاء رحمت واسعه خود مسئلت داشته، تا به اراده حتمیه او آن موعود از پرده غیبت به در آمده و خیل مشتاقان و منتظران را از رنج و محنت تاریخی تحمیل شده بر طائفه حقه برهاند.

10 رجب المرجب 1444

محمد جواد علوی بروجردی

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْعُوتُ فِي الْإِحْيَاءِ
وَالْإِسْبِيحَاتِ الْمَرْمُومَةِ وَأَبْتِ خَوَارِجِ عَيْشِي (ع)
يَا سَيِّدَةَ يَا نَرْجِسَ

پیام آیه الله آقای حاج سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه)

پیام فقیه و محقق ولایتی و عظیم الشأن، مؤسس عالیقدر بنیاد علمی امامت، حضرت آیه الله آقای حاج سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه) برای بزرگداشت مقام امّ المهدی، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين لا سيما بقية الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين .

در این زمان که حقیقتاً «عظم البلاء» بر عموم شیعیان در کشورهای مختلف، و در این شرایط سخت که واقعا «انقطع الرجاء» از همه اسباب ظاهریه، وظیفه قاطبه اهل ایمان تصرّح و التجاء به درگاه خدای رحیم رحمان و توسل به ولیّ عصر امام زمان است .

اما برای جلب عنایت آن حضرت ارواحنا فداه بایستی دست به دامن پاک والده ایشان بشویم که از جلالت شأنش و عظمت مقامش غافل هستیم .

از روایات شیخ صدوق و شیخ الطائفه و سایر بزرگان، و نیز از زیارتنامه آن مجلله که محدّث قمی آورده معلوم می شود که دارای فضائل و مناقبی بوده که در حالات اغلب مادران ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل نشده با اینکه در بلاد غیر اسلامی و در جامعه غیر مسلمین می زیسته .

ص: 28

سزاوار است که خطباء محترم، در مجالس و محافل، حق ایشان را ادا کنند، و صاحبان قلم کتاب هایی در احوالات ایشان بنویسند، و شاعران اهل بیت (علیهم السلام) اشعاری در مدائح ایشان بسرایند، و بدینوسیله در خواست شفاعت ایشان نزد خدای غفار در جهت فرزندشان و جلب عنایات آن بزرگوار بنمایند.

والسلام علينا و علی عبادالله الصالحین

علی حسینی میلانی

4 رجب 1444

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
فَرَجَ الْمَلْحَمَةِ يَا
أَكْرَمَ الْفَرَجِ

پیام فقیه اهل بیت (علیهم السلام) آیه الله آقای حاج میر سید محمد یثربی (دام ظلّه) به مناسبت بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسمه تعالی

« السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ ، وَ الْمُوَدَّعَةِ أَسَازَرِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ، وَ الْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الْمَرْضِيَّةُ ، ... التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ ... الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ » (1).

(سلام بر مادر امام، بانویی که اسرار فرمانروای بسیار دانا در نزد او به ودیعت گذاشته شده و به شریف ترین مردمان باردار شده است. سلام بر تو ای بانوی بسیار راستگو و پسندیده... و ای بانوی پرهیزگار پاک... و ای بانوی خرسند به قضای الهی و پسندیده).

به راستی این اوصاف شایسته بانویی است که خداوند او را برگزید تا دامن اش و عاء پرورش آخرین حجت بالغه الهیه باشد و اگر واجد این فضائل نمی بود هرگز تکوین «سرالله» به او واگذار نمی شد.

آری بانوی با عظمت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به نص زیارت نامه مزبوره از چنان اوصاف و ملکاتی برخوردار است که هر یک از این صفات جز بر حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) اطلاق نمی شود و می بایست اهل دانش و قلم و سخن در تک تک این صفات با تدبیر و تأمل بنویسند و سخن برانند شاید بعضی از حقوق فراوان این بانوی جلیل القدر ادا شود. خانمی کهباشیستگی و لیاقت همسری امام و مادری امام (علیه السلام) را یافته چگونه بدین مرتبت نائل آمده که در پایان زیارت نامه این گونه او را می ستایند:

ص: 30

« فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْحَيَرَاتِ مَا أَوْلَاكَ ، وَ أَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ ، فَهَتَّأَكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ أَمْرًاكَ » (1)؛ (به تحقیق خداوند تو را سزاوار خوبی ها کرد و به تواز شرافت آنچه تو را بی نیاز کند بخشید ، و کرامتی را که به تو بخشید بر تو گوارا و سودمند گرداند) .

در ادامه زیارت نامه او را چنین توصیف می کند : « ... عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ » (2).

وی در اوج مرتبه معرفت به مقام امامت است ؛ مرتبتی که در کلام حضرت رضا (علیه السلام) آمده است : « أَجَلُّ قَدْرًا وَ أَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرَائِهِمْ ؛ امامت اندازه ای فراتر و مقامی بالاتر و موقعی بالاتر و آستانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود به آن رسند و با نظر خود درک کنند » .

بالاتر و بالاتر از آن است که در محدوده و توان اندیشه انسان ها بگنجد ، او هم عارفه بود و هم « مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ » (3).

با این همه می سزد که صاحبان خرد و سلامت عقیده ، پیرامون مرتبت این بانوی عظیم القدر بیانایشند و قلم زنند ... که به نص زیارت نامه : « أَحْسَنُ نَبِ الْكِفَالَةِ ، وَ أَدَيْتِ الْأَمَانَةَ ، وَ اجْتَهَدَتْ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ ... ؛ تواز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیکو کفالت کردی و امانت را اداء نمودی و در راه خشنودی خدا کوشیدی » (4).

فسلام الله عليها و علی بعلها و ولدها الامام الحجة الثاني عشر و رحمة الله و برکاته .

ص: 31

1- . المزار الكبير ، ص 660 .

2- . همان .

3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 199 .

4- . المزار الكبير ، ص 660 .

متن اطلاعیه محقق عظیم الشان و استاد عالیقدر حوزه علمیه قم حضرت آیت الله آقای حاج سید علی حسینی صدر (دام ظلّه) درباره عظمت های حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

مقام قدسی والده ماجده بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از مدارک و مصادر علمی بیانگر مقامات قدسی حضرات معصومین (علیهم السلام) زیارات شریفه ایشان است که از لسان خود اهل بیت عصمت بیان شده است. و این راه و استدلال طریقی است مسدّد و مؤید برای معارف حقّه امامیه رضوان الله علیهم. و من جمله از این مصادر زیارت ملکه جهان، و معجزه امامان بی بی حضرت نرجس خاتون مهیا شد که بزرگان علما نقل فرمودند، مانند: شیخ مفید در مزار، ص 323، و ابن المشهدی در مزار کبیر، ص 66، و شهید اول در مزار، ص 233، و سید ابن طاووس در مصباح الزائر، ص 413 و غیرهم اوصاف جلیله ایشانکه در این زیارت وارد شده است دالّ بر مقامات قدسیّه و درجات عالیّه آن بزرگوار است. چرا که صفات ایشان حقائق تالی تلو معصوم (علیهم السلام) می باشد.

به عنوان نمونه چند فراز از این زیارت شریف را متبرک شویم شاهد صدق است بر مقام ربانی آن مخدره.

« وَ الْمُؤَدَّعَةِ اسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ » ؛ اسرار الهی را دارا بوده مانند صدیقه طاهره (علیها السلام) .

« الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ » ؛ این مقام انبیا و اوصیا است که دارا هستند .

« السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى زَوْجِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ » ؛ اقتدا به اهل آیه تطهیر نموده است .

« مَضِيَّتِ عَلَيَّ بِصِيْرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ » ؛ دارای بصیرت ذریه طاهره هستند .

« رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ ، تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ زَكِيَّةٌ » ؛ صفات فائقه آل محمد (علیهم السلام) را داشتند .

سلام خداوند متعال باد بر این مادر عالی مقام ، و فرزند اطهرش مولا مهدی آل محمد (علیهم السلام) .

غلام ایشان : علی حسینی صدر

تصویر

عجل الله فرجه الشريف
عَنْ مَوْلَانَا صَاحِبِ التَّوَانِ
الْأَرْضُ لَمْ تَخْلُقْ مِنْ حَبَابِ
الْشَّرَفِ
إِمَّا ظَاهِرًا أَوْ مَغْمُورًا

پیام فقیه و استاد محقق و دل‌باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حضرت آیه الله آقای شیخ نجم الدین طبری (دام ظلّه) به مناسبت بزرگداشت والده القائم، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين سيما حجة الله في الارضين مهدي آل محمد و روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء .

احیای نام مبارک حضرت نرگس (علیها السلام)، مادر گرامی حضرت بقیة الله فی الارضین، یکی از حسنات و کارهای بزرگ در راستای احیاء شعائر اسلام و ترویج و نشر معارف و فرهنگ مهدویت است که واقعاً جای آن در ضمن مراسم بزرگداشت ها و مجالس مذهبی ما خالی است .

بسیار به جا بود که روزی را به نام این بزرگ بانو نام گذاری و در آن روز طی سخنرانی ها و نشست ها و خطابه ها، جهان را بر موقعیت و عظمت این شخصیت والا و بانوی عفت و فضیلت و جایگاه ایشان آشنا می کردیم . بحمد الله که امید و آرزوی دیرینه ما به دست عالمانی خیرخواه و ولایتمدار و پاکبخته خاندان عصمت و رسالت محقق شد و با برگزاری نشست در راستای احیای جایگاه حضرت نرجس (علیها السلام) خدمتی بزرگ و قابل تقدیر و ستایش به فرهنگ مهدویت انجام گرفت .

توفیقات و تأییدات برگزار کنندگان این مراسم به ویژه حضرت آیت الله سیّد حجّت ابطحی سلمه الله را از خدای متّان خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نجم الدین طبری

قم مقدّس

13 رجب 1444 / 15 بهمن 1401

روز میلاد امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ص: 34

متن اطلاعیه حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد تقی دیباجی اصفهانی (دام ظلّه) درباره حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ . (1)

حضرت بقية الله الاعظم امام مهدي (عليه السلام) در نیمه شعبان 255 یا 256 قمری در سامرا متولد شدند و حدود پنج سال تحت کفالت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (عليه السلام) و مادر محترمه اش نرجس خاتون (عليها السلام) به طور مخفی - از شر دشمنان - زندگی نمود .

و در سال 260 هجری بعد از شهادت امام حسن عسکری (عليه السلام) امامت به او محول شد و تا سال 329 حدود 70 سال غیبت صغری داشت و مردم توسط نواب اربعه مسائل خود را از حضرتش سؤال می کردند و از 329 تا زمانی که خدا بخواهد در غیبت کبری زندگی می کند . اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه .

پدر بزرگوارش یازدهمین ستاره آسمان ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری (عليه السلام) و مادر محترمش نرجس خاتون (2) (عليها السلام) می باشند .

ص: 35

1- بحار الانوار، ج 101، ص 102؛ مصباح الزائر، ص 128؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 807 .

2- علامه مجلسی دو نام دیگر برای نرجس خاتون ذکر می کند: صیقل و ملیکه . بحار الانوار، ج 51، ص 5 .

نرجس خاتون (علیها السلام) دختر یوشا فرزند سلطان روم و مادرش فرزند یکی از حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) بوده و نسب او به شمعون وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می رسد . یوشا پدر نرجس خاتون (علیها السلام) در جنگ با مسلمانان در جنوب شرقی اروپا شکست خورد و نرجس خاتون (علیها السلام) و عده ای دیگر اسیر شدند و آنان را برای فروش به بغداد بردند .

نرجس خاتون (علیها السلام) شبی در عالم رؤیا می بیند پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و فاطمه زهرا (علیها السلام) نزد حضرت مسیح (علیه السلام) و حضرت مریم (علیها السلام) او را برای امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری نمودند و فاطمه زهرا (علیها السلام) اوصاف و محسنات امامحسن عسکری (علیه السلام) را برای نرجس خاتون (علیها السلام) بیان نمود و عشق امام حسن عسکری (علیه السلام) در قلب نرجس خاتون (علیها السلام) راه پیدا کرد .⁽¹⁾

امام هادی (علیه السلام) نامه ای برای نرجس خاتون (علیها السلام) نوشت و آن را به بشر بن سلیمان داد و فرمود : این نامه را در بغداد در بازار برده فروشان به دست نرجس خاتون (علیها السلام) بده . و نرجس خاتون (علیها السلام) در هنگام داد و ستد و خرید و فروش تمام خریداران را رد نمود تا بشر بن سلیمان ، نامه امام هادی (علیه السلام) را به دست او داد او تسلیم شد و بشر بن سلیمان ، نرجس خاتون (علیها السلام) را به خانه امام هادی (علیه السلام) آورد . امام هادی (علیه السلام) به خواهر خود حکیمه خاتون (علیها السلام) فرمود : « يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ خُذِيهَا إِلَى مَنْزِلِكَ وَعَلِّمِيهَا الْقُرْآنَ وَالسُّنَنَ فَإِنَّهَا زَوْجَةٌ أَبِي مُحَمَّدٍ وَأُمُّ الْقَائِمِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ؛ ای دختر پیامبر! - ای خواهرم -

ص: 36

1- . ترجمه یوم الخلاص ، ص 86 ، لطیف راشدی .

نرجس خاتون (علیها السلام) را به منزل خود و ببر احکام الهی را به او یاد بده که او همسر و فرزندم ابو محمد الحسن العسکری (علیه السلام) و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد» (1).

حکیمه خاتون (علیها السلام) عمه امام عسکری (علیه السلام) می گوید :

هنگامی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دنیا آمد . برای خدا سجده کرد و شهادتین بر زبان جاری نمود و بر جدش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و بر امامان معصوم (علیهم السلام) از امام علی (علیه السلام) تا امام عسکری (علیهم السلام) سلام داد . او را نزد پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (علیه السلام) بردم او فرزندش را در آغوش گرفت و به سینه چسبانید و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپش گفت . آنگاه زبانش را به دهان کودکنهاد و فرمود : فرزندم! صحبت کن او بعد از شهادتین و درود بر پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) این آیه را تلاوت نمود : « وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » (2)

استاد ما حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته روزی در درس اصول خود در مسجد سلماسی قم به مناسبت توقیع شریف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که فرموده : « وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ أَحَادِيثِنَا » (3) فرمود: یکی از طریق توسل به حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دادن صدقات به فقرا و

ص: 37

1- . بحار الانوار ، ج 51 ، ص 10.

2- . قصص / 5.

3- . بحار الانوار ، ج 51 ، ص 3 و ص 19 ؛ منتخب الاثر ، ص 335 ؛ الغيبة للشيخ الطوسي ، ص 143.

انجام دادن خیرات به نیت امام حسن عسکری (علیه السلام) و نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد.

هر کس پدر و مادر خود را دوست دارد و امام زمان از این موضوع مستثنی نمی باشد. پدر و مادر خود را دوست دارد، اگر بذل قربانی یا نذر قرآنی برای پدر و مادر آن حضرت انجام دهیم بالقطع و یقین آن آقا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما را فراموش نخواهد کرد و ما را مشمول دعای خود قرار خواهد داد. ان شاء الله.

آن سفرکرده که صد (صدها) قافله دل همراه اوست *** هر کجا هست خدایا تو نگه دارش باش

به امید آن روزی که حضرت بقیة الله الاعظم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز عاشورا (روزی که امام حسین (علیه السلام) شهید شد) به اذن خداوند از مکه معظمه ظهور کند. و درحالی که ملبس است به لباس و عمامه جدش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد الحرام بین رکن و مقام نماز بخواند و عیسی روح الله (علیه السلام) در نماز به او اقتدا کند.

سپس بر حجرالاسود تکیه زند و پرچم همیشه پیروزش را به یک دست و ذوالفقار جدش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) را به دست دیگر و صدای دل نشین و دل نوازش را به جوامع بشری برساند که: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (1)؛ «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحِجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ، أَذْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ» (2)

ص: 38

1- . هود / 86.

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 223؛ الزام الناصب، ص 176؛ منتخب الاثر، 92/448.

شایسته است شیعیان و محبین اهل بیت به روش فقها و علمای عظام و به حکم « وَ بِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهَ مِنَ الدَّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ » با توسل به پدر و مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام حسن عسکری (علیه السلام) و بانو نرجس خاتون (علیها السلام) موجبات تقرب به درگاه خداوند متان و جلب توجه و رضایت حضرت بقیة الله را فراهم ساخته و این حقیر را از دعای خیر فراموش نفرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سید محمدتقی دیباجی اصفهانی

تصویر



بیانیه حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدباقر موسوی گلپایگانی

بیانیه آیت الله زاده معظم ، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد باقر موسوی گلپایگانی ، یادگار مرجع عالیقدر شیعه آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (قدس سره)

السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةِ الْإِمَامِ ، وَالْمُودَعَةِ اسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ، وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِي عِيسَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّبِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ

سلام بر مادر امام و مأمن اسرار فرمانروای بسیار دانا و باردار به شریف ترین مخلوقات ، سلام بر تو ای صدیقه پسندیده ، سلام بر تو ای همانند مادر موسی و دختر یاران عیسی ، سلام بر تو ای پرهیزکار بی عیب ، سلام بر تو ای خرسند به قضای حق و ای بانوی پسندیده .

شنیدستم که حضرت جبرئیل امین (علیه السلام) پیش از ولادت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل گردید و عرضه داشت : مشیت الهی بر این شده که به زودی چشمت را به فرزندی روشن کند که امت بعد از رحلت او را به شهادت خواهند رساند .

حضرت رسول مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در کمال تأثر و تأسف عدم رضایت خود را از آمدن چنین کودکی ابراز نمودند و فرمودند : ای جبرئیل! ما را به چنین چشم روشنی احتیاج نیست . این بحث و گفتگو سه مرتبه تکرار گردید . تا اینکه جبرئیل خبر داد این مولودی است که همه امامان از او هستند و

وارث آثار پیغمبران و خازنان علوم اولین و آخرین است . و (مهدی این امت از نسل این پسر خواهد بود).

حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را طلبیدند و جریان را با حضرت در میان گذاشتند . حضرت اصبر صابرین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از شنیدن این نبأ عظیم به فغان آمده و عرضه داشت : ما را به چنین عطیة ای حاجت نیست . این بحث مکرر گردید ، تا اینکه حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند : یا علی! در عوض ، نسل همه امامان از این حسین (علیه السلام) هستند و آنان وارثان پیغمبران و خازنان علوم اولین و آخرین خواهند بود . و (مهدی این امت از نسل این پسر خواهد بود).

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با شنیدن این پیام بر آن شدند که به خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) ابلاغ کنند و رضایت حضرتش را جویا شوند . حضرت زهرا (علیها السلام) هم با شنیدن این خبر اسفناک ناله ای حزین از دل کشیده ، و با گریه فرمودند : مرا احتیاجی به چنین فرزندی نیست .

این بحث و گفتگو سه مرتبه بین مولی الموحّدين امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بی بی دو عالم انسیة حورا (علیها السلام) رد و بدل گردید و حضرت مولا (علیه السلام) او را بشارت به فرزندان امامان از او و پیشوایان و وارثان و خازنان علم نبوت به ویژه (مهدی این امت که از نسل این پسر خواهد بود) دادند و وجود مقدّس حضرت زهرا (علیها السلام) از این هبة الهی راضی و مسرور گردید . (1)

ص: 41

این حدیث گویای این است که : گر چه حضرت حجت بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دامان پاک حضرت نرجس (علیها السلام) قدم به جهان نهادند ، ولی مادر اصلیشان حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) است ؛ زیرا تا زمانی که حضرت زهرا (علیها السلام) مژده آمدن منتقم خون حسین مظلومشان را نپذیرفته بودند ، آرام دل برقرار ننموده بودند و رضایت پروردگار حاصل نبود و این در حالی بود که مشیت الهی بر این مقرر شده بود که نسل امامت از حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) باشد به شرط قبول شهادت حضرتش .

در این میان رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از اصلی ترین هاست .

از این رهگذر ، قدر و منزلت خانم نرجس خاتون (علیها السلام) عیان می شود که در حقیقت نوری از انوار مقدسه از مقام عظمای فاطمه زهراست که دامن پاکش قابلیت چنین گوهر ارزشمندی را داشت که سیزده معصوم پاک ، آمدنش را در طول دو بیست و پنج سال مژده داده اند و تا به امروز (که سال 1444 قمری می باشد) جهان چشم انتظار چنین مولودی می باشد .

در این میان به یاد خاطره ای از بزرگ مرجع عالم تشیع حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی (قدس سره) افتادم که در (15 شعبان 1413) که پس از (1158) در جشن بزرگداشتی که بدین مناسبت در بیت معظم له تشکیل گردیده بود و طبق برنامه سنواتی ، تعداد بسیاری از سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، به دست مبارک معظم له معتم شدند و مادحان اهل البیت (علیهم السلام) یکی پس از دیگری عرض اخلاص خود را در ثنای این مولود مسعود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مادر گرامیش نرجس خاتون (علیها السلام) تقدیم می کردند ، در

این میان نوبت به فخرالمادحین و شیخ الذاکرین، آقای حاج غلامرضا سازگار رسید، قصیده 70 بیتی جدیدی که در شأن و منزلت مولود نیمه شعبان و مادر دلبنده و چگونگی داستان اسیری و تشرف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به خدمت حضرت عسکری (علیه السلام) را سروده بودند، برای اولین بار در حضور این مرجع عالیقدر، قرائت کردند.

مجلس با حضور نائب بر حق حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشعل فروزان فقاها، قاندى از قبیله قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مملو از معنویت گشته بود و هیچ چشمی نبود که با دلی سوخته اشک هایش روان نباشد که همراه با اشک هایی که از چشمان دُرر بار آیت اللهیش، این عاشق دلسوخته و این دلباخته حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پهنای صورتش روان بود، همگام با آه و ناله ای که از همه مجلس بلند بود خواننده اشعار تحت تأثیر احساس حضار قرار گرفته و اظهار داشت من که مولودیه امام زمان را می خوانم، من که مدح نرگس خاتون (علیها السلام) را می گویم این همه آه و گریه برای چیست؟

و این بود اشعاری که قرائت گردید.

اینک برای تبرک چند بیت از آن قصیده نورانی را نقل می نمایم: (1)

از قلب دریا کاروان نور پیداست *** چون مهر تابان کشتی از دور پیداست

می گشت تا گم گشته خود را بجوید *** وز فیض او آئینه دل را بشوید

ص: 43

1- . تمامی قصیده در بخش سروده ها درباره حضرت نرجس (علیها السلام) به نقل از کتاب « نخل میثم » ج 1، ص 366-363 در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

می کرد فیض فاطمی در خویشتن حس *** افتاد ناگه چشم حق جویش به نرجس

زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد *** امیدوارم بر وصال عسکری کرد

زهرا زلطف و مهربانی دست افشانند *** چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند

سزاوار است برای عرض ارادت به حضرت زهرا، ام الانمه (علیها السلام) و ساحت مقدس ائمه معصومین (علیهم السلام) به

ویژه به ساحت قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر کس به هرگونه می تواند در بزرگداشت این بانوی دوسرا کوتاهی نکند، از سرودن اشعار تا نوشتن مقالات و گفتار مبلغان و کتابت مؤلفان و صرف اموال متمولان همه و همه باید در نشر فضائل و ترویج مناقب این بانو قرار گیرد تا اندوخته ای باشد برای « یَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ».

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ

فصل دوم : مقالات گوناگون درباره شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: 45

اشاره

به قلم : نویسنده محقق و نامدار

آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

زندگی و شخصیت

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

در یک نگاه

نام نامی : نرجس

القاب گرامی : سیّدة الإمام، و خیرة الإمام .

کنیه : ام محمد

نام پدر : یثوعا

نسبت والا : از دودمان شمعون صفا

همسر : امام حسن عسکری (علیه السلام)

فرزند : حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مدفن : سامرا

نام نامی

محدثان ، مورخان ، سیره نویسان و تراجم نگاران برای آن مخدّره نُه اسم نقل کرده اند که عبارت اند از : ملیکه ، حکیمه ، سبیکه ، نرجس ، سوسن ، مریم ، خمط ، ریحانه و صیقل .

ص: 46

نگارنده معنی و شرح هر یک از این اسامی را در کتاب: « گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور » بیان کرده است. (1)

جالب توجه است که برای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز نه اسم آسمانی روایت شده است و آن ها عبارت اند از: صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدّثه، زهرا و فاطمه. (2)

به هنگام ولادت نرجس خاتون (علیها السلام)، پدر و مادرش او را « ملیکه » نام نهادند. (3) ولی آن ها نمی دانستند که این نوزاد روزی ملکه جهان خلقت خواهد شد.

هنگامی که او را اسیر گرفتند، خود را نرجس معرفی کرد (4) تا به اسرار او پی نبرند و شاهزاده بودنش آفتابی نشود.

نسبت گرامی

فضل بن شاذان از محمد بن عبدالجبار روایت کرده، هنگامی که امام حسن عسکری (علیه السلام) وصی و جانشین خودش را معرفی نمود، پرسیدم مادرش کیست؟ فرمود: من ابنة ابن قیصر ملک الروم، ألا إنه سیولد و یغیب عن الناس غیبة طویلة ثم یظهر؛ از دختر پسر قیصر، پادشاه روم، آگاه باش که

ص: 47

1- گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، ص 16-12.

2- امالی شیخ صدوق، ص 474.

3- غیبت شیخ طوسی، ص 210.

4- کمال الدین، ج 2، ص 423.

در آینده ای نزدیک متولد می شود، مدتی بس طولانی غائب می شود، سپس ظاهر می شود. (1)

نام پدر

نام پدر بزرگوارش را « یسوعا » ذکر کرده اند. (2)

در مورد پدر یسوعا به این نتیجه رسیدیم که او فرزند «تئوفیل» پسر میخائیل دوم بود، که در سال 829 میلادی بر تخت نشست و در سال 842 میلادی درگذشت و تخت و تاج سلطنت را به پسرش میخائیل سوم به ارث گذاشت. (3)

نگارنده در کتاب « مدفونین سامرا » جنگ هایی که در عهد میخائیل سوم در میان مسلمانان و رومیان اتفاق افتاده و حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در آن جنگ ها به اسارت رفته، با تاریخ دقیق و تعداد اسیرانی که مبادله شده اند به تفصیل آورده است. (4)

نام پدر بزرگ

شیخ صدوق با سلسله اسنادش از پسر نخّاس نقل کرده که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نسب خودش را این گونه بیان کرد:

ص: 48

1- . کفایة المهدی ، ص 535.

2- . غیبت شیخ طوسی ، ص 210 .

3- . المختصر فی تاریخ البشر ، ج 2 ، ص 35 .

4- . مدفونین سامرا ، ص 115-122 .

من ملکه دختر یسوعا، فرزند قیصر پادشاه روم هستم، مادرم نیز از تبار «شمعون» وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد. (1)

هنگامی که خدا خواست حضرت عیسی (علیه السلام) را به آسمان ببرد، به او فرمان داد که نور، حکمت و علم کتاب را به «شمعون بن حَمّون صفا» تعلیم کند و او را جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد. (2)

شمعون پسر عمه حضرت مریم (علیها السلام) بود. (3)

در انجیل به هنگام شمارش رسولان دوازده گانه آمده است:

اول «شمعون» معروف به «پطرس». (4)

مفسران انجیل اتفاق نظر دارند که نام پطرس، «شمعون» می باشد. (5)

نام حضرت نرجس (علیها السلام) در انجیل

در نسخه خطی انجیل که به زبان یونانی و مربوط به قرن پنجم میلادی است و نسخه آن در یکی از موزه های واشنگتن نگه داری می شود و تصویر آن در تهران در مؤسسه بشارت قابل دسترسی است، نام حضرت نرجس (علیها السلام) در انجیل مرقس، فصل سوم، فراز هفدهم قرار دارد و در یک فراز پیش از آن (فراز شانزدهم) نام حضرت شمعون وصی حضرت عیسی (علیه السلام) و جد

ص: 49

1- . کمال الدین، ج 2، ص 420.

2- . همان، ج 1، ص 225.

3- . بحار الانوار، ج 25، ص 186.

4- . عهد جدید، انجیل متی، فصل دهم، فرازهای 8-2.

5- . قاموس کتاب مقدس، ص 220.

مادری نرجس خاتون (علیها السلام) به چشم می خورد. در ترجمه های مختلف عهد جدید، گلوآژه « نرجس » در همان فراز از انجیل مرقس موجود است ، جز این که در مقام ترجمه طوری تعبیر شده که ارتباط آن با حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) کم رنگ شده است .

القاب گرامی

برای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، دو لقب از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) رسیده است :

1) سَيِّدَةُ الْإِمَاءِ ، یعنی : سرور کنیزان

1: امام مجتبی (علیه السلام) در وصف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید :

ذَلِكَ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او نهمین فرزند برادرم حسین (علیه السلام) ، پسر سرور کنیزان است .(1)

2: امام صادق (علیه السلام) در مقام معرفی آن حضرت فرمود :

يَا أَبَا بَصِيرٍ ! هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ ای ابوبصیر

! او پنجمین فرزند پسر من موسی می باشد ، او فرزند سرور کنیزان است .(2)

3: امام کاظم (علیه السلام) نیز در مقام معرفی آن حضرت فرمود :

ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او فرزند سرور کنیزان است .(3)

ص: 50

1- . احتجاج طبرسی ، ج 2 ، ص 290 .

2- . اعلام الوری ، ج 2 ، ص 241 .

3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 369 .

4: امام رضا (علیه السلام) نیز در همین رابطه فرمود:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ؛ او چهارمین فرزند من، فرزند سرور کنیزان است. (1)

در این چهار حدیث، از چهار معصوم، از آن حضرت «سیده الإمام» تعبیر شده است.

(2) خیره الإمام؛ بهترین کنیزان

در احادیث فراوان در مقام معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آن حضرت به عنوان فرزند بهترین کنیزان تعبیر شده است، از جمله:

1: مولای متقیان پس از تشریح حوادث آخرالزمان و بیان این که این فتنه ها توسط مردی از اهل بیت من برطرف می شود فرمود:

بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان. (2)

2: امیرمؤمنان (علیه السلام) در مقام شمارش اوصاف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند: بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛ پدرم به فدای فرزند

بهترین کنیزان. (3)

3: هر وقت امام حسین (علیه السلام) به محضر پدر بزرگوارش مشرف می شد مولای متقیان (علیه السلام) می فرمود:

ص: 51

1- همان، ص 372.

2- بحار الانوار، ج 33، ص 368.

3- غیبت شیخ طوسی، ص 470.

بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ ؛ پدرم به فدای تو ، ای پدر فرزند بهترین کنیزان .

می پرسیدند : منظور کیست ؟

می فرمود : آن غایب دورافتاده : محمد بن حسن ...

پس نسب آن حضرت را تا امام حسین (علیه السلام) برمی شمرد. (1)

4: ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام) روایت کرده که در مقام معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود : ابْنُ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ ؛ فرزند بهترین کنیزان. (2)

برای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) چه مدال افتخاری بالاتر از این پیدا می شود که سه تن از پیشوایان معصوم: از ایشان « بهترین کنیزان » تعبیر فرموده اند و چهار معصوم: از وی « سرور کنیزان » یاد کرده اند .

کنیه

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به مناسبت حضرت بقیه الله ارواحنا فدا « ام محمد » کنیه گرفته است. (3)

ملیکه در مکتب حکیمه

خداوند اراده فرمود که مادر فرمانروای جهان هستی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از خاندان قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیند .

ص: 52

1- . مقتضب الاثر ، ص 31 .

2- . بحار الانوار ، ج 51 ، ص 41 .

3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 431 .

پس از وقوع یک سلسله حوادث تلخ و شیرین در کاخ امپراطوری بیزانس، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به دنبال خواب های سرنوشت ساز، در جنگی که پدر بزرگش علیه سپاهیان اسلام اعلام کرده بود، خود را در لباس اسارت در میان اسیران جنگی قرار داد و در بغداد توسط بشر نخاس از سوی امام هادی (علیه السلام) خریداری شده به سامرا انتقال یافت. (1)

امام هادی (علیه السلام) به وی فرمود:

می خواهم به تو پاداشی بدهم، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوش تر است، یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است؟

عرضه داشت: مژده فرزند برای من.

فرمود: مژده باد تو را به فرزندتی که شرق و غرب جهان را به سیطره خود درآورد و جهان را از عدل و داد آکنده سازد، همان گونه که از ظلم و ستم آکنده شده باشد. (2)

در آن هنگام خواهرش حکیمه (علیها السلام) را فراخواند و به او فرمود:

ای دختر رسول خدا! او را به خانه ات ببر و فرایض دینی و سنن اسلام را به او بیاموز، که او همسر ابومحمد و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. (3)

ص: 53

1- داستان شگفت انگیز حضرت نرجس (علیها السلام) را به تفصیل در کتاب « گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور »، ص 43-12 آورديم .

2- غیبت شیخ طوسی، ص 214 .

3- کمال الدین، ج 2، ص 417 .

پس از آن که ملیکه (حضرت نرجس (علیها السلام)) آموزش کمالات دینی و فرائض اسلامی را در مکتب حکیمه فرا گرفت امام هادی (علیه السلام) امر فرمود که نرجس خاتون (علیها السلام) را به خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) بفرستد . پس مراسم زفاف وی از سوی حکیمه خاتون فراهم شد .(1)

چیزی نگذشت جز این که میلاد مسعود موعود کعبه حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شب جمعه پانزده شعبان 255 قمری اتفاق افتاد .(2)

مدفن

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در سامرا ، در خانه امام هادی (علیه السلام) در کنار مضجع منور و قبر مطهر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) به خاک سپرده شد .

در داخل ضریح مقدس عسکریین (علیهما السلام) قبر مطهر حضرت نرجس (علیها السلام) و قبر مطهر مادر امام عسکری (علیه السلام) نیز قرار دارد .

در طول قرن ها روی قبر مطهر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) لوحی بود که در آن نوشته شده بود :

هذا قبر امّ محمّد ؛ این قبر جناب « ام محمّد » یعنی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد .(3)

ص: 54

1- . نوادر فیض کاشانی ، ص 215 .

2- . او خواهد آمد ، ص 61-92 به نقل از 50 منبع از بزرگان تشیع و تسنن .

3- . همان .

تا جایی که ما اطلاع داریم، در میان مخدّرات اهل بیت (علیهم السلام) فقط برای حضرت معصومه (علیها السلام) زیارت مأثور داریم، ولی شیخ مفید بعد از شرح اعمال سرداب مقدّس می نویسد:

آنگاه به حرم عسکریین (علیهما السلام) برگرد، در بالین قبر مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بایست بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ... السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ...

پس زیارت نامه مفصلی نقل فرموده است. (1)

این مشهدی (2)

و شهید اول (3)

و سید ابن طاووس (4) نیز عین همان زیارت نامه را نقل فرموده اند.

تصویر

□

ص: 55

1- . المزار الكبير شيخ مفيد، ص 323 .

2- . المزار الكبير ابن مشهدی، ص 66 .

3- . مزار شهيد اول، ص 233 .

4- مصباح الزائر، ص 413 .

اشاره

به قلم : پژوهشگر و محقق عظیم الشأن

و نویسنده نامدار

آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

پیوند نور

یا سرگذشت حضرت نرجس (علیها السلام)

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام)

در میان میلیون ها بانوی پرده نشین که در نیمه قرن سوم هجری در شرق و غرب جهان در سرا پرده عفت و پاکی جای داشتند ، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد ، به سرا پرده خاندان عصمت و طهارت راه یابد ، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد .

جالب تر این که بانوی بی همتا ، ملکه دو سرا ، مادر یوسف زهرا ، و وعاء نور خدا ، دخت یسوعا و از تبار حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) انتخاب شده است .

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادر فرمانروای جهان هستی حضرت حجة بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده بود .

فرعون ده ها هزار کودک را سر برید تا از تولد حضرت موسی (علیه السلام) جلوگیری کند، ولی خدا خواست که حضرت موسی در خانه فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او درهم پیچد .

کسری و قیصر نیز قرن ها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند، ولی خدا خواست که در هم کوبنده اکاسره و قیصره از تبار کسری و قیصر باشد، و اینک به دو حدیث زیر توجه فرمائید :

1 : یزدگرد به هنگام فرار از مدائن - پس از جنگ قادسیه - در برابر ایوان مدائن ایستاد و گفت : « ای ایوان خداحافظ ، من رفتم ولی به سوی تو باز می گردم ، خودم و یا یکی از فرزندانم که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است .»

سلیمان دیلمی می گوید : « به خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم : تعبیر « یا یکی از فرزندانم » در گفتار یزدگرد چیست ؟ فرمود :

« ذَلِكَ صَاحِبُكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي ، قَدْ وُلِدَ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وُلْدُهُ » : « مقصود از او صاحب شما حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد ، او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است .» (1)

با توجه به اینکه « شهربانو » دختر یزدگرد مادر امام سجاد (علیه السلام) است (2)

حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - از تبار یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی ، (متوفای 31 هجری) می باشد .

ص: 57

1- . بحار ، ج 51 ، ص 164 .

2- . ينابيع الموده ، ج 3 ، ص 151 .

2: هنگامی که از امام رضا (علیه السلام) پرسیدند: «فانم آل محمد چه کسی است؟» فرمود:

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَعْمَاءِ»؛ «او چهارمین فرزند از تبار من است، او فرزند بانوی کنیزان است» (1).

و هنگامی که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «فانم آل محمد کیست؟» فرمود: «یا ابا بصیر، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَعْمَاءِ»؛ «ای ابا بصیر! او پنجمین فرزند از تبار پسر موسی (بن جعفر) است، او پسر بانوی کنیزان است» (2).

هنگامی که امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) از مادر حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - سخن می گفتند، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هنوز به دنیا نیامده بود، و شاید پدرش «یشوعا» نیز دیده به جهان نگشوده بود.

نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون (علیها السلام)

مورخان برای آن ملکه دو سرا، و همسر بی همتای امام عسکری (علیه السلام) نه

اسم نوشته اند: ملیکه، حکیمه، سبیکه، نرجس، سوسن، مریم، ریحانه، خمط و صقیل (3).

ص: 58

1- . اعلام الوری، ج 2، ص 241.

2- . بحار، ج 51، ص 146.

3- . روزگار رهایی، ج 1، ص 177.

تعدد اسامی معمولاً به جهت شخصیت فوق العاده صاحب نام است، چنانکه امام صادق (علیه السلام) به هنگام شمارش مناقب حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: برای حضرت فاطمه (علیها السلام) در نزد خداوند متعال نه اسم است:

فاطمه، صدیقّه، مبارکه، طاهره، زکّیه، رضیّه، مرضیّه، محدّثه و زهرا. (1)

به هنگام ولادت، پدر و مادرش او را «ملیکه» نام نهادند ولی آنها غافل بودند که چه اسمی با مسمّی برای فرزند خود برگزیده اند. (2) و او روزی ملکه دو سرا خواهد بود، او به حقّ شایسته این نام است.

هنگامی که او به اسارت مسلمانان در آمد خود را «نرجس» معرفی نمود (3) تا احدی از اسرار او آگاه نشود، و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد.

چون به خاندان عصمت و طهارت: راه یافت او را با نام های مختلفی صدا زدند تا جاسوسان خلیفه عباسی بر شرافت نسب او واقف نشوند و متوجه نشوند که او همان صدف سیمین آفرینش است که یکتا گوهر جهان خلقت از او خواهد بود.

و اینک نگاهی گذرا بر اسامی گرامی آن حضرت:

1: «نرجس»: نام گلی از رده تک لپه ایها، و سر دسته گیاهان تیره نرگسی می باشد، که گل هایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد و به جهت زیبایی فوق العاده اش چشم معشوق را به آن تشبیه می کنند. (4)

ص: 59

1- . امالی شیخ صدوق، ص 474 .

2- . دلانل الامامه، ص 491؛ غیبت طوسی، ص 210 .

3- . کمال الدین، ج 2، ص 423؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 255 .

4- . فرهنگ معین، ج 4، ص 4702 .

گلِ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز در جهان خلقت منفرد است و در انتهای این جهان قرار دارد و همه عاشقان در آرزوی گوشه چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می برند ، به یادش زنده اند و در فراقش جان می سپارند .

2 « سوسن » : نیز گلی فصلی و دارای گل های زیبا و درشت به رنگ های مختلف است . اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست (1).

اما گل جناب سوسن ، گل همیشه بهار است که گذشت زمان و موسم خزان هرگز از طراوت او نکاهد ، و اصل او از جهان علوی است و نور مقدّسش از اشعه انوار قدسی است ، چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) تعبیر می فرماید :

« بَابِي وَأُمِّي سَمِيَّةٌ ، وَشَبِيهِي وَشَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، عَلَيْهِ جُيُوبُ الثُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ » :»

پدر و مادرم به فدای او باد که همانم منست و شبیه من و شبیه حضرت موسی بن عمران است ، هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته ، اشعه انوار قدسی از او ساطع است .» (2).

نسب او از طرف پدر به شرق و از طرف مادر به غرب منتهی می گردد.

3 : « سَبِيكَه » : طلای ناب و نقره خالص را گویند که پس از گداخته شدن ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره خالص به صورت شمش در قالب ها ریخته شود . (3).

ص: 60

1- . همان مدرک ، ج 2 ، ص 1954 .

2- . كفاية الاثر ، ص 159 .

3- . لسان العرب، ج 6 ، ص 162 .

او در پایتخت بیزانس در عشق امام عسکری (علیه السلام) گداخته شد و همه ناخالصی های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا (علیها السلام) از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد .

4: « حکیمه » : بانوی دانشمند ، فیلسوف و فرزانه را گویند . و او بانوی فرزانه ای است که علم و حکمت را نخست در پایتخت بیزانس از معلم خصوصی و عرب زبان فرا گرفته ، سپس فرائض دینی و سنن اسلامی را از پیشگاه « حکیمه » دخت گرامی امام جواد(1) (علیه السلام) آموخته است . (2)

5: « ملیکه » : به معنای ملکه و شهبانوست ، و او مادر فرمانروای جهان هستی است ، که همه سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می ساینند .

6: « مریم » : نام مادر گرامی حضرت عیسی (علیه السلام) است ، و او مادر منجی جهان بشریت است ، که حضرت عیسی (علیه السلام) ، به اتفاق علمای شیعه و سنی به او اقتدا کرده در پشت سرش به نماز خواهد ایستاد . (3)

7: « ریحانه » : هر گیاه خشبو و معطر، دسته ریحان ، دسته شاهسپرغم ، صعتر هندی ، روزی ، رحمت ، و نوری را گویند که در اثر ریاضت در انسان حاصل شود . (4)

ص: 61

1- . غیبت شیخ طوسی ، ص 213 ؛ کمال الدین ، ج 2 ، ص 423 .

2- . دلایل الامامه ، ص 469 ؛ بحار الانوار ، ج 51 ، ص 10 .

3- . مصنف ابن ابی شیبہ ، ج 15 ، ص 198 ، ح 19495 .

4- . فرهنگ معین ، ج 2 ، ص 1702 .

وہ چه نامی مناسب با مادر ریحانہ وجود، کہ همه جهان معطر از عطر او، ہر غمی زدودہ با یک نگاہ او، ہر دردی شفا یافتہ از صعتر کوی او، جملہ خلائق بر سر سفرہ عام او، جهان ہستی بہ طفیل عنایت او، و مہر و ماہ منور از فروغ روی او.

8: « حَمَط »: نام درختی است کہ میوہ خوردنی دارد، و بہ ہر چیز تازہ و خوشبو، و بہ دریای خروشان گفتہ می شود. (1) و ہمہ این تعبیرات با آن بانوی بی ہمتا تناسب دارد.

9: « صَقِيل »: ہر شیء نورانی، صیقیلی و جلا دادہ شدہ را می گویند. شیخ طوسی و شیخ صدوق می فرمایند: « پس از آنکہ حضرت نرجس خاتون (علیہا السلام) بہ ولی عصر - ارواحنا فداه - حاملہ شد او را صقیل نام نهادند ». (2)

علامہ مجلسی (قدس سرہ) پس از نقل فراز بالا از شیخ صدوق، می فرماید: « نرجس خاتون (علیہا السلام) پس از آنکہ بہ آن وجود نورانی حاملہ شد، ہالہ ای از نور و ضیاء او را فرا گرفت، آنگاہ بہ جہت این نوراتیّت فوق العادہ او را صقیل نام نهادند ». (3)

اگر بنا باشد نور فاطمہ زہرا (علیہا السلام) در پیشانی حضرت خدیجہ (علیہا السلام) ہویدا باشد، نور یوسف زہرا (علیہا السلام) چرا در پیشانی حضرت نرجس خاتون (علیہا السلام) ساطع نباشد؟ در حالی کہ او نور یزدان و مہر فروزان است و بہ ہنگام تولّد نوری از

ص: 62

1- . لسان العرب، ج 4، ص 220.

2- . غیبت طوسی، ص 393؛ کمال الدین، ج 2، ص 432.

3- . بحار الانوار، ج 51، ص 15.

او ساطع شده که همه اطراف و اکناف جهان را تا آفاق آسمان روشن نموده است!!⁽¹⁾

و اینک در پی آنیم که ببینیم ریحانه قیصر چگونه ریحانه پیمبر شد؟! و این همه راه دور و دراز را از هفت تپه قسطنطنیه تا کرانه های سامره چگونه پیمود؟ و سرانجام تعلقات خود را از خاندان قیصر چگونه گسست و به دودمان پیامبر پیوست؟!

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام)

گزارش دقیق و مستند از حوادث شگفت در امپراطوری روم، و مسافرت پر ماجرای ملکه دو سرا، از کرانه های دریای مرمره تا ساحل سامرا را در ضمن حدیثی مورد اعتماد و استناد، از زبان آن خاتون دو جهان می شنویم: شیخ صدوق در «کمال الدین»، شیخ طوسی در «غیبت»، طبری در «دلائل الامامه»، ابن شهر آشوب در «مناقب»، نیلی در «منتخب»، ابن فتال نیشابوری در «روضه»، شیخ حر عاملی در «اثبات الهداة»، سید هاشم بحرانی در «حلیة الابرار» و علامه مجلسی در «بحار الانوار» مشروح این گزارش را از «بشر بن سلیمان»، از اصحاب امام هادی (علیه السلام) روایت کرده اند، که ما متن کامل گزارش را از دو سند نخستین «کمال الدین» و «غیبت»، ترجمه و نقل می کنیم:

ص: 63

1- . کمال الدین، ج 2، ص 431.

بشر بن سلیمان نخّاس ، از نسل « ابویوب انصاری » که از اصحاب و ارادتمندان امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بود و به خرید و فروش غلام و کنیز اشتغال داشت ، می گوید :

سرور من ابوالحسن ، حضرت هادی (علیه السلام) ، احکام مربوط به خرید و فروش بردگان را به من آموخته بود ، من نیز معمولاً بدون اجازه ایشان خرید و فروش نمی کردم ، و از موارد شبهه اجتناب می کردم . کم کم در این زمینه شناخت من کامل شد و موارد حلال را از موارد شبهه ناک شناختم . شبی در سامرا در خانه ام ، که در نزدیکی منزل امام هادی (علیه السلام) قرار داشت ، نشسته بودم ، پاسی از شب گذشته بود که در خانه ام کوبیده شد . شتابان به سوی در خانه رفتم و در را گشودم ، « کافور » خادم و فرستاده امام هادی (علیه السلام) بود که مرا به حضور ایشان فراخواند .

لباس پوشیده به خدمت آن حضرت شتافتم ، چون وارد خانه شدم دیدم که با فرزند بزرگوارش ، امام حسن عسکری (علیه السلام) مشغول گفت و گو است ، و خواهرش « حکیمه » پشت پرده قرار داشت .

همین که نشستم فرمود : « ای بشر! تو از اعقاب انصار هستی ، محبت و دوستی ما همواره در دل های شما پایدار بود ، و هر نسلی از شما محبت و مودت ما را از نسل پیشین به ارث برده است . و اینک من می خواهم رازی را باتو در میان بگذارم و تو را دنبال کاری بفرستم ، و از این طریق با فضیلت ویژه ای تو را گرامی بدارم ، که در این فضیلت ، گوی سبقت را از همه شیعیان ببری . »

آنگاه نامه‌ظریفی را به زبان رومی و به خط رومی نوشت و مهر خویش را بر آن زد. سپس چننه زردی را بیرون آورد که در آن دویست و بیست دینار بود. نامه و چننه را به من داد و فرمود:

این‌ها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهرِ فلان روز در گذرگاه « فرات » حضور پیدا کن.

هنگامی که قایق‌های حامل بردگان رسید و کنیزان پیاده شدند، گروه بسیاری از خریداران را مشاهده می‌کنی که از طرف فرماندهان عباسی دور آن‌ها را گرفته‌اند، در آن میان، تعداد اندکی نیز از جوانان عرب را می‌بینی که به قصد خرید، حضور یافته‌اند.

تو در آن روز از دور مواظب برده فروشی به نام « عمرو بن یزید » باش، تا هنگامی که کنیزی را با این خصوصیات، در حالی که دو جامه‌ حریر تازه، خوش رنگ و درشت بافت بر تن دارد، برای فروش عرضه کند. خواهی دید آن کنیز اجازه نمی‌دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره اش باز گیرد، یا جامه از تنش کنار زند، و یا اندامش را لمس کند.

در آن هنگام برده فروش در صدد آزار او برمی‌آید و او سخنی به زبان رومی می‌گوید و فریاد برمی‌آورد. معنای سخنان او این است که از حال خود شکوه می‌کند و از کشف حجابش برحذر می‌دارد.

در این هنگام یکی از خریداران خواهد گفت: « من این کنیز را به سیصد دینار می‌خرم؛ زیرا عفت و پاک‌دامنی او موجب رغبت شدید من شده است. »

و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت: « اگر در جامه حضرت سلیمان (علیه السلام) و بر فراز تخت شاهی ظاهر شوی ، من رغبتی به تو نخواهم داشت ، و لذا مالت را بیهوده خرج نکن . »

برده فروش به آن کنیز خواهد گفت: « چاره چیست؟ ناگزیر تو را باید فروخت کنیز . کنیز در پاسخ می گوید: « این همه شتاب برای چیست؟ باید خریداری باشد که دل من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او اعتماد کنم . »

در این هنگام تو برخیز و پیش عمرو بن یزید برده فروش برو ، و به او بگو:

« من نامه دلگرم کننده ای را از یکی از اشراف به همراه دارم ، که آن را به زبان رومی و به خط رومی نوشته ، و در آن کرم و وفا و خرد و سخای خود را منعکس نموده است ، این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و اخلاق و رفتار نویسنده اش را در لابه لای سطور آن جستجو نماید ، اگر به نویسنده آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی ، من از طرف نویسنده نامه وکالت دارم که او را از تو خریداری کنم . »

بشر بن سلیمان می گوید: من همه دستورات سرور خودم امام هادی (علیه السلام) را به طور کامل انجام دادم ،

همین که آن کنیز در نامه نگریست به شدت گریست و به « عمرو بن یزید » گفت:

« باید مرا به نویسنده این نامه بفروشی » و سوگند یاد کرد که اگر از فروختن او به صاحب نامه خودداری کنی در معرض تلف قرار خواهد گرفت .

آنگاه من در مورد قیمت کنیز با برده فروش وارد مذاکره شدم و سرانجام به همان مبلغی که مولایم در چننه همراه من فرستاده بود به توافق رسیدیم .

آنگاه آن بانو را درحالی که شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به خانه ای که در بغداد آمد و شد داشتم بردم .

آن بانو از شدت خوشحالی آرام نداشت ، نامه امام هادی (علیه السلام) را بیرون می آورد ، آن را می بوسید و بر صورت خود می نهاد و دست بر آن می کشید .

با شگفتی به او گفتم : « نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی ؟!!» .

آن بانو پاسخ داد : ای عاجز و ناتوان از شناخت مقام اولاد پیامبران ، خوب گوش کن و به گفتارم دل بسپار تا به حقیقت راه یابی .

سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون (علیها السلام)

من « ملیکه » دختر « یسوعا » پسر قیصر روم ، مادرم از تبار حواریون است و نسب من از طرف مادرم به « شمعون » وصی حضرت مسیح (علیه السلام) می رسد من اکنون تو را از یک حادثه وحشت انگیز و شگفت آور آگاه می سازم : هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت ، پدر بزرگم قیصر تصمیم گرفت مرا به عقد برادرزاده خود در آورد .

سیصد تن از اعقاب حواریون که همگی کشیش و راهب بودند را گرد آورد ، و هفت صد تن از دیگر کشیشان که از موقعیت ویژه ای برخوردار بودند فراخواند ، آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سپاه و امیران لشکرها و سرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال ویژه خود تختی مُرُصع و مزین به انواع جواهرات بیاراست و آن را در حیاط کاخ و برفراز چهل پایه قرار داد .

چون برادرزاده اش بر فراز آن تخت قرار گرفت و صلیب ها را در گرداگرد او بگردانیدند، و اُسقف ها به حال تعظیم برخاستند و اوراق اناجیل را بگشودند، و مهیا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند، ناگهان همه صلیب ها سرنگون شدند، پایه های تخت به لرزه درآمد و فرو ریخت، آن جوان که بر فراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد.

رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد، و اُسقف اعظمشان به پدربزرگم گفت:

«پادشاهها! ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش درآمد نابودی آیین مسیحیت و شیوه امپراطوری است معذور بدار.»

پدربزرگم که شدیداً از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بد زده بود، به کشیشان گفت:

«این پایه را استوار سازید و این صلیب ها را یک بار دیگر بر پا دارید، آنگاه دیگر برادر این داماد نگون بخت را فراخوانید، تا این دختر را به ازدواج او درآورم، تا این نحوست با فرخندگی او برطرف شود.»

بار دیگر که مجلس بیاراستند و فرمان او را به کار بستند نظیر همان حوادث وحشتناک به وقوع پیوست، همه وحشت زده پراکنده شدند، و پدربزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرم سررفت و پرده ها را بیاویخت.

رؤیایی سرنوشت ساز

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد:

در خواب دیدم که حضرت مسیح (علیه السلام) و شمعون و گروهی از حواریون در کاخ پدر بزرگم گرد آمده اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می ساید .

این منبر را درست در نقطه ای گذاشته بودند که پدر بزرگم تختش را در آن جا قرار داده بود . در

آن هنگام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) با وصی و داماد خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و گروهی از فرزندان او وارد شدند .

حضرت مسیح (علیه السلام) پیش رفت و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را در آغوش کشید .

آنگاه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت مسیح (علیه السلام) فرمود :

« ای روح الله ! من آمده ام که از وصی تو « شمعون » دخترش « ملیکه » را خواستگاری کنم . و با دست خود به سوی « ابو محمد » پسر نویسنده این نامه اشاره فرمود .

حضرت عیسی (علیه السلام) به سوی شمعون نگریست فرمود :

« ای شمعون ! شرف و فضیلت به سوی تو روی آورده است ، خاندان خود را با خاندان آل محمد پیوند بزن . « شمعون گفت : « اطاعت می کنم » .

در آن هنگام رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بر فراز منبر تشریف بردند . خطبه ای ایراد فرمودند و مرا به همسری فرزند خویش درآوردند .

حضرت عیسی (علیه السلام) ، حواریون و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گواهان عقد بودند .

هنگامی که از این رؤیای طلایی بیدار شدم ، ترسیدم که اگر خواب را با پدر و پدر بزرگم در میان بگذارم مرا بکشند ، و لذا آن را پوشیده داشتم و برای

آنها بازگو نکردم . ولی سینه ام چنان از محبت « ابومحمد » آکنده شد که دیگر میل به خوراک را از دست دادم ، و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم .

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز این که پدربزرگم برای معالجه من فراخواند ولی نتیجه ای نداشت . چون پدربزرگم از معالجه من مأیوس شد از روی شفقت به من گفت :

« ای نور دیده ام آیا خواهش و آرزویی در دل داری؟ که در این دنیا برای تو فراهم کنم؟ ».

گفتم : « پدرجان! درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم ، ولی اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمانان که در زندان تو هستند بند و زنجیر بردارند و از شکنجه آنان دست نگه دارند و بر آنان منت نهاده فرمان آزادی آن ها را صادر کنی ، امیدوارم که حضرت مسیح (علیه السلام) و مادرش حضرت مریم (علیها السلام) سلامتی را به من ارزانی دارند ».

چون پدربزرگم خواسته ام را برآورد تلاش کردم که خود را سالم تر نشان دهم ، و اندکی خوراک تناول کردم ، پدربزرگم خوشحال شد و محبت بیشتری در مورد اسیران مبذول داشت .

دومین رؤیا

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین ، در عالم رؤیا دیدم که سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه (علیها السلام) درحالی که حضرت مریم (علیها السلام) و هزار تن از خدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی می کردند ، به دیدار من تشریف فرما شدند .

حضرت مریم (علیها السلام) به من فرمود: « این بانوی دو جهان، و مادر شوهرت ابومحمد است» .

من به دامان حضرت فاطمه (علیها السلام) آویختم و گریستم، و از این که ابومحمد به دیدار من نمی آید شکوه کردم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود:

« تا هنگامی که تو مشرک هستی پسرم ابومحمد به دیدار تو نخواهد آمد، این خواهرم مریم دختر عمران است که از آیین تو به پیشگاه حضرت احدیت بیزاری می جوید. اکنون اگر خواهان خوشنودی خدا و مسیح و مریم (علیهما السلام) هستی، و اشتیاق دیدار ابومحمد را داری، بگو: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله» .

چون این دو گواهی را به زبان راندم، حضرت فاطمه (علیها السلام) مرا به سینه خود چسباند و مرا دلشاد ساخت و فرمود: « از حالا انتظار دیدار ابومحمد را داشته باش، من او را به نزد تو خواهم فرستاد» .

بیدار شدم و در انتظار دیدار ابومحمد ثانیه شماری می کردم و با خود می گفتم: « و چه چقدر به دیدار ابومحمد اشتیاق دارم» .

شب بعد او را در خواب دیدم و به محضرشان عرض کردم: ای حبیب من! پس از آن که در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این راه جانم در معرض تلف قرار گرفت، بر من جفا کردی و این مدت به دیدار من نیامدی» . فرمود: « تأخیر من در دیدار تو به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی اسلام آوردی، همه شب به دیدار تو خواهم آمد، تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند» .

از آن شب تاکنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است .

شاهزاده و اسارت !

بِشْر می گوید : به او گفتم : پس چگونه اسیر شدی؟! گفت :

در یکی از شب ها « ابومحمد » در خواب به من فرمود :

« در همین ایام فلان روز پدر بزرگت لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می دارد ، خود نیز از پی لشکریان روان می شود ، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران همراه دیگر زن ها از فلان راه به آن ها بپیوند . »

من فرمان او را اطاعت کردم ، ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند ، من هم اسیر شدم ، بدون این که کسی تاکنون متوجه شده باشد که من نوه قیصر امپراطور روم هستم . جز تو ، که اکنون خودم برایت بازگو کردم . کسی که من در سهم او قرار گرفتم ، چون از نام من پرسید ، نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم : « نرگس » ، گفت : آری از نام های کنیزان است .

بِشْر می گوید : به او گفتم : عجیب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجه عربی سخن می گویی !

گفت : آری ! پدر بزرگم از شدت علاقه ای که به تعلیم و تربیت من داشت و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم ، به یکی از بانوانی که مترجم او بود دستور داد که هر روز بامدادان و شامگاهان به پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد . و بدین گونه زبان عربی را فرا گرفتم و زبانم به آن گویا شد . »

بشر می گوید: چون او را به سامرا و حضور مولایم ابوالحسن امام هادی (علیه السلام) بردم، آن حضرت به او فرمود: «عزت اسلام، ذلت مسیحیت، و شرف خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) را چگونه یافتی؟»

عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! چیزی را که شما از من به آن آگاه تر هستی چگونه به شما وصف کنم؟».

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «می خواهم به تو پاداشی بدهم، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوش تر است یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است؟»

عرضه داشت: «مژده فرزندی برای من».

فرمود: «ابشری بولد یملک الدنيا شرقاً و غرباً و یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً» (1)؛

«مژده باد تو را به فرزندی که خاور و باختر گیتی را به ملک خویش درآورد و جهان را از عدل و داد آکنده سازد، پس از آن که از ظلم و ستم آکنده باشد».

نرجس خاتون (علیها السلام) پرسید: «پدر این مولود فرخنده کیست؟».

فرمود: «همان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در فلان شب از فلان ماه از فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری کرد». پرسید: از حضرت مسیح (علیه السلام) و

ص: 73

1- غیبت طوسی، ص 214؛ کمال الدین، ج 2، ص 423؛ دلائل الامامة، ص 495؛ و مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 474.

وصی او؟ فرمود: آری! حضرت مسیح (علیه السلام) و وصی او، تو را به عقد چه کسی در آوردند؟ عرضه داشت: «فرزند گرامی شما ابومحمد (علیه السلام)».

فرمود: او را می شناسی؟

گفت: «چگونه نشناسم درحالی که از شبی که به دست بانوی بانوان جهان «حضرت زهرا (علیها السلام)» به شرف اسلام مشرف شده ام، شبی نگذشته که به دیدار من نیامده باشد».

ملیکه در مکتب حکیمه

در آن هنگام حضرت هادی (علیه السلام) به خدمتکار خود «کافور» فرمودند: «خواهرم حکیمه را فراخوان».

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی (علیه السلام) شرفیاب شد و به او فرمود: «ها هیه»، «این همان بانوی معهود است».

حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی فرمود.

آن گاه امام هادی (علیه السلام) فرمود: «ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر، فرائض دینی و سنن اسلامی را به او بیاموز، که او همسر ابومحمد، و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. (1)

ص: 74

1- . غیبت طوسی، ص 208-214؛ کمال الدین، ج 2، ص 417-423؛ دلائل الامامة، ص 490-496؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 474-472؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 252-255؛ اثبات الهداة، ج 3، ص 363-365 و 408 و 409؛ بحار الانوار، ج 51، ص 6-10؛ حلیة الابرار، ج 5، ص 141-149؛ منتخب الانوار المصیئه، ص 51-60.

در پایان بخش گزارش نور یادآوری چند نکته را در این زمینه لازم می دانم :

1. گزارشگر گزارش نور

گزارشگر این گزارش شگفت انگیز « بشر بن سلیمان نخّاس » از شیعیان خالص امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) و مورد وثوق و اعتماد آن دو امام همام می باشد، که امام هادی (علیه السلام) او را برای چنین مأموریت حساسی برگزیده است .

علامه ممقانی در رجال خود او را ستوده ، و بر وثاقتش تأکید نموده است .(1)

شیخ طوسی و شیخ صدوق بر این روایت اعتماد نموده و در کتاب های خود آن را نقل کرده اند .(2)

محدثان و مورخان بعدی نیز به استناد روایت شیخ طوسی و شیخ صدوق ، این روایت را در کتاب های خود آورده اند .(3)

2. دخت یشوعا

در مورد نسب نرجس خاتون (علیها السلام) و این که او دختر یشوعا پسر امپراطور روم است ، علاوه بر حدیث فوق حدیث دیگری از امام عسکری (علیه السلام) داریم، که آن را فضل بن شاذان قبل از تولد حضرت بقیةالله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یک واسطه از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده اند، و اینک متن حدیث : فضل بن شاذان از

ص: 75

1- . تنقیح المقال ، ج 1، ص 173.

2- . غیبت شیخ طوسی ، ص 208 ؛ کمال الدین صدوق ، ج 2، ص 417 .

3- . مناقب ابن شهر آشوب ، ج 4، ص 472؛ اثبات الهداة ، ج 3، ص 363 ؛ بحار الانوار ، ج 51 ، ص 6 .

محمد بن عبد الجبار روایت می کند که گفت:

به محضر سرورم امام حسن عسکری (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد، من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست؟ فرمود:

«إن الإمام و حجة الله من بعدي ابني سمي رسول الله و كنيته الذي هو خاتم حجج الله و آخر خلفائه؛ « امام و حجت خدا بعد از من فرزند منست، که هم نام رسول خدا و هم کنیه آن حضرت است، او پایان بخش حجج الهی و آخرین خلیفه از خلفای پروردگار است.»

پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود، ای پسر رسول خدا؟ فرمود:

من ابنة ابن قيصر ملك الروم ألا إنه سيولد و يغيب عن الناس غيبة طويلة ثم يظهر؛ « از دختر پسر قيصر، نوه امپراتور روم، آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولد می شود، مدتی بس طولانی در پشت پرده غیبت از مردم عزلت می گزیند، سپس ظاهر می شود.» (1)

این حدیث قبل از تولد حضرت بقیة الله ارواحنا فداءه از امام حسن عسکری (علیه السلام) صادر شده و شخصیت مورد اعتماد و استنادی چون فضل بن شاذان آن را در کتاب گرانقدر « اثبات الرجعه » درج کرده، و میان فضل بنشاذان و امام حسن عسکری (علیه السلام)، فقط یک واسطه است، و او محمد بن

ص: 76

1- . اثبات الهداة، ج 3، ص 569، ح 679؛ مختصر اثبات الرجعه - مخطوط - حدیث نهم؛ کفایة المهتدی - مخطوط - ح 28؛ گزیده کفایة المهتدی، ص 133؛ کشف الحق، ص 15 و 149؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 280.

عبدالجبّار است، که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است. (1)

این حدیث در حد اعلای صحّت است و می تواند بر استحکام حدیث « بشر بن سلیمان » بیفزاید و آن را بیش از پیش مورد اعتماد و استناد قرار دهد .
روی این بیان هیچ تردیدی نیست که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) دخت یشوعا، فرزند قیصر، و نوه امپراطور روم هستند .

3. یشوعا، یا یسوعا ؟

نام پدر نوحس خاتون س در اکثر منابع حدیثی : « یسُوعا » ذکر شده، (2) ولی طبری آن را « یسُوعا » ثبت کرده است. (3)

« یسُوع » در عبری به معنای نجات دهنده است و در انجیل پنجاه مرتبه یسوع به کار رفته و منظور از آن حضرت عیسی (علیه السلام) است، و در زبان
عبرانی بین « یسوع » و « یشوع » فرقی نیست و هر سه به یک معنا می باشند. (4)

بنابر این « یشوعا » یک نام مسیحی، بر گرفته از « یشوع » به معنای نجات دهنده و معادل « یوشع » می باشد .

اما « یسوعان » فرقه ای از مسیحیان هستند که به سه اصل : تقوی، فقر و اطاعت از پاپ معتقدند. (5)

ص: 77

1- . رجال شیخ طوسی ، ص 423 و 435.

2- . کمال الدین ، ج 2، ص 420 ؛ الغیبة طوسی ، ص 210؛ مناقب ابن شهر آشوب ، ج 4، ص 473؛ حلیة الأبرار ، ج 2، ص 145.

3- . دلائل الإمامه ، ص 492.

4- . قاموس کتاب مقدس ، ص 951 و 952.

5- . فرهنگ معین ، ج 5، ص 2335.

اکنون نوبت آن رسیده بینیم قیصری که پدر یسوعا می باشد ، کیست ؟ و نام او چیست ؟

اگر سن شریف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را به هنگام تولد حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پانزده فرض کنیم ، تاریخ ولادت ایشان با 240 ش منطبق می شود . و اگر سن پدرش « یسوعا » را به هنگام تولد نرجس خاتون (علیها السلام) بیست سال فرض کنیم ، تاریخ تولد او با سال 220 قمری منتهی می شود . سال 220 قمری با سال 835 میلادی تطبیق می شود .⁽¹⁾

با نگاهی گذرا به تاریخچه امپراطوری روم جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که امپراطور روم در آن روزگار « توفیل » پسر میخائیل دوم (820- 829 میلادی) بود .

توفیل ، سی و پنجمین امپراطور روم بود ، که بعد از مرگ پدرش « میخائیل دوم » به سال 829 میلادی (214 قمری) تاج و تخت بیزانس را تصاحب کرد ، به مدت چهارده سال سلطنت کرد . سرانجام در سال 842 میلادی (227 قمری) یعنی در همان سالی که الواثق بالله عباسی به خلافت رسید او درگذشت و تاج سلطنت را به پسرش میخائیل سوم و همسرش « تئودوره » به ارث گذاشت .⁽²⁾

ص: 78

1- . تقویم تطبیقی ، ص 44.

2- . المختصر فی تاریخ البشر ، ج 2 ، ص 35.

همه کسانی که سیره حکومتی تئوفیل را نوشته اند، از او به خوبی یاد کرده اند. ویل دورانت در ضمن شرح رخدادهای امپراطوری روم می نویسد:

« تئوفیلوس » (842 - 829 میلادی) مصلح قوانین ، امپراطور آبادکننده ، و مدیر با وجدانی که رسم تمثال شکنی (بت شکنی) را زنده کرد و بر اثر ابتلا به اسهال خونی درگذشت . بیوه اش « تئودوره » به عنوان نایب السلطنه ای قابل (856 - 843 میلادی) به آزار و اذیت مردم پایان داد . (1)

استاد معین نیز در این زمینه می نویسد :

وی برای استقرار عدالت بی رحمانه کوشید ، سرداری عالی قدر بود و موجب توسعه امپراطوری گردید . (2)

تئوفیل در مدت چهارده سال امپراطوری خود با مأمون و معتصم معاصر بود . او در سال 217 قمری با مأمون درگیر شد (3) و به سال 223 قمری با معتصم درگیر شد . (4)

مورخان تصریح کرده اند که به هنگام درگذشت « تئوفیل » پسرش « میخائیل » خردسال بود ، و لذا همسرش « تئودوره » صاحب تخت و تاج شد . (5)

پس از تحقیق عمیق و بررسی دقیق نکاتی که در لابه لای تاریخ ثبت شده ،

ص: 79

1- . تاریخ تمدن ، ج 4 ، ص 550.

2- . فرهنگ معین ، ج 5 ، ص 377.

3- . الکامل ، ج 6 ، ص 521.

4- . تاریخ الاسلام ، ج 16 ، ص 14.

5- . الکامل ، ج 6 ، ص 528.

و تطبیق دقیق رخدادهای تاریخی، به این نتیجه می‌رسیم که « یسوعا » فرزند « توفیل » است و از نظر تاریخی نمی‌تواند فرزند « میخائیل بن توفیل » باشد

و اینک نگاهی گذرا به تاریخ زندگانی « میخائیل بن توفیل » مشهور به « میخائیل سوم » :

میخائیل سوم، سی و ششمین امپراتور روم است که از سال 867 - 842 میلادی برابر 227 تا 253 قمری بر سرزمین پهنای روم حکومت می‌کرد .

قلمرو بیزانس در زمان میخائیل سوم شبه جزیره بالکان، ایتالیا، آسیای صغیر و قسمت هایی از سوریه و مصر و لیبی بود . بعد که با عرب ها درگیر شدند سوریه و مصر و لیبی را از دست دادند و آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان برای آن ها باقی ماند . (1)

میخائیل سوم 25 سال بر سرزمین روم و جهان پهنای بیزانس سلطنت کرد، و در دوران امپراطوری 25 ساله اش با شماری از خلفای عباسی، چون واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، و مهتدی معاصر بود . میخائیل به اداره کشور تمایل نداشت، او همواره سعی می‌کرد که اداره مملکت را به دیگری واگذار کند و خود فقط سلطنت نماید .

از این رو نخست اداره کشور را به مادرش « تتودوره » سپرد، هنگامی که مادرش به سال 856 میلادی از دنیا رفت، حکومت را به دایی اش « بارداس » واگذار نمود .

ص: 80

در عهد بارداس ، برزگزاده ای از اهل مقدونیه به نام « باسیلیوس » مهتری اسب میخائیل را به عهده داشت . او اگر چه بی سواد محض بود ، ولی در اثر کاردانی از مهتری به ریاست تشریفات دربار ارتقا یافت . کم کم درصدد اشغال امپراطوری برآمد .

او نخست میخاییل را متقاعد نمود که « بارداس » برای خلع کردن میخائیل توطئه می کند ، سپس او را در سال 866 میلادی خفه کرد .

میخائیل که سالیان درازی عادت کرده بود سلطنت کند نه حکومت ، اینک باسیلیوس را در امپراطوری خود شریک نمود ، و تمامی امور مملکت را به دست او سپرد .

باسیلیوس ، کم کم نقشه قتل میخائیل را نیز مطرح کرد ، و با کشتن میخائیل وارث تاج و تخت وی شد . (1)

مورخان اسلامی اتفاق نظر دارند که میخائیل به سال 257 قمری در عهد امام حسن عسکری (علیه السلام) به

دست باسیلیوس به قتل رسید . (2)

5. مبادله اسرا

در عهد امپراطوری میخائیل در میان سپاهیان اسلام و روم جنگ های شدیدی روی داد و اسیران بی شماری از طرفین به دست یکدیگر افتاد .

در عاشورای 231 قمری (برابر با سپتامبر 845 میلادی) اسیران جنگی

ص: 81

1- . تاریخ تمدن ، ج 4 ، ص 550 .

2- . تاریخ طبری ، ج 7 ، ص 608 ؛ تاریخ الاسلام ذهبی ، ج 19 ، ص 25 ؛ البداية و النهاية ، ج 11 ، ص 29 .

میان مسلمانان و رومیان مبادله شد .

تعداد اسیران مسلمان را که در آن روز باز خرید کردند 4460 نفر نوشته اند .(1)

و در این زمان بود که نواحی « آدانا » به دست مسلمانان فتح شد .(2)

مسعودی به هنگام بررسی مبادله و باز خرید اسرای جنگی در میان مسلمانان و رومیان می نویسد :

سومین باز خرید اسیران در خلافت الواثق بالله در محرم 231 قمری بود ، که امپراطور در آن زمان « میخائیل بن تئوفیل » بود ، و سرپرست این باز خرید از طرف خلیفه ، خاقان - غلام ترک خلیفه - بود . در این تاریخ 4362 نفر اسیر مسلمان در ظرف ده روز باز خرید شدند .(3)

سپس می نویسد : چهارمین باز خرید اسیران در زمان متوکل ، در شوال 241 قمری بود ، و امپراطور روم « میخائیل بن تئوفیل » بود ، و سرپرست این باز خرید از طرف خلیفه « شنیف » بود . در این تاریخ 2200 نفر اسیر باز خرید شدند .(4)

یعقوبی - مقدّم مورّخان اسلامی - نیز گزارش کوتاهی از مبادله و باز خرید اسیران در عهد متوکل در تاریخ ارزشمند خود آورده است .(5)

ص: 82

1- . تاریخ مختصر الدول ، ص 141 .

2- . قاموس الأعلام ، ج 2 ، ص 1437 .

3- . التنبيه و الاشراف ، ص 161 .

4- . همان مدرک ، ص 164 .

5- . تاریخ یعقوبی ، ج 3 ، ص 223 .

طبری در حوادث 241 قمری می نویسد :

تئودوره ، مادر میخائیل و امپراطور روم ، شخصی را به نام « جرجیس بن فرنافس » برای باز خرید اسیران رومی به نزد متوکل فرستاد . تعداد اسیران رومی در دست مسلمانان در حدود 20000 نفر بودند .

پس از شرح مبسوطی ادامه می دهد :

این مبادله و باز خرید اسیران در روز 12 شوال 241 قمری انجام پذیرفت . و تعداد اسیران مسلمان 758 نفر بود ، که 125 نفر آنان را زنان تشکیل می دادند [\(1\)](#).

به هنگام فتح « عموریه » رومیان 30000 نفر کشته دادند و 30000 نفرشان به اسارت رفت [\(2\)](#).

یاقوت می نویسد : در واقعه « یرموک » قیصر روم تا انطاکیه آمده بود که جنگ را از نزدیک رهبری کند . هنگامی که مطلع شد رومیان شکست خورده اند ، انطاکیه را به قصد قسطنطنیه ترک کرد .

قیصر به هنگام ترک انطاکیه خطاب به تپه های سوریه گفت : « ای سوریه! خداحافظ ، دیگر امید ندارم که به سوی تو بازگردم » [\(3\)](#).

شکیب ارسلان در گزارش ارزشمند خود می نویسد : به سال 244 قمری سپاه اسلام به فرماندهی عباس بن فضل از راه دریا با رومیان جنگیدند ، چهل کشتی جنگی رومیان برای مقابله با سپاه اسلام وارد معرکه شد . پیکار سختی

ص: 83

1- تاریخ طبری ، ج 7 ، ص 376.

2- تاریخ الخلفاء ، ص 336.

3- معجم البلدان ، ج 3 ، ص 280.

درگرفت . رومیان شکست خوردند و مسلمانان ده کشتی را با سرنشینان آنها از آنان به غنیمت بردند .

سپس عباس به جنگ « قیصریانه » رفت ، در آنجا مردی را اسیر کرد . او نقطه ای از حصار شهر را به عباس نشان داد .

عباس از همان نقطه به شهر رخنه کرد و وارد نبرد شد . مردم شهر درهای شهر را گشودند و تسلیم سپاه اسلامی شدند و غنائم فراوانی نصیب مسلمانان گردید .

متعاقب آن پادشاه قسطنطنیه سیصد کشتی جنگی پر از سرباز به جنگ مسلمانان فرستاد ، همین که به « سرقسوسه » رسیدند ، عباس با سپاهیان به جنگ آنها رفت و رومیان را شکست داد ، و یکصد کشتی را از آنها به غنیمت گرفت . (1)

هنگامی که هرقل پیشرفت سریع مسلمانان را مشاهده کرد خطاب به رومیان گفت : ای سپاه روم ! مطمئن باشید که مسلمانان به شهرهایی که فتح کرده اند بسنده نمی کنند ، تا آخرین شهر شما را فتح کنند ، زنان و کودکان شما را اسیر بگیرند و شاهزادگان شما را برده خود سازند . بیایید از حریم خود و امپراطور خویش دفاع کنید . (2)

ص: 84

1- . تاریخ فتوحات اسلامی ، ص 189.

2- . معجم البلدان ، ج 3 ، ص 280.

6. آزادی زندانیان

مسعودی در ضمن شرح حال « میخائیل بن توفیل » می نویسد :

شخصی به نام « ابن بقراط » از شاهزادگان پیشین از اهل « عموریّه » در امپراطوری میخائیل با وی به منازعه پرداخت، میخائیل در برابر او صف آرایی کرد و همه زندانی های مسلمان را برای نبرد با او از زندان آزاد کرد با ساز و برگ نظامی آنها را مجهز کرده و به نبرد ابن بقراط فرستاد . بدین وسیله بر او پیروز شد (1).

در اینجا اگر چه موضوع آزادی زندانیان به عنوان نبرد با دشمن امپراطوری مطرح شده ، ولی جمله : « قد اخرج من فی سجونه من المسلمین » حائز اهمیت است ؛ زیرا در متن گزارش آمده بود که قیصر همه زندانیان مسلمان را خواهش حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) آزاد کرد و با آنها خوش رفتاری نمود .

7. پیرامون رؤیا

برخی از خوانندگان گرامی ممکن است به مسئله خواب حساسیت داشته باشند و از جهت شامل بودن گزارش به چند رؤیا ، سؤالاتی برایشان مطرح باشد ، که در این جا نمی توانیم وارد این بحث بشویم ، علاقه مندان را به مطالعه کتاب ارزشمند « دارالسلام » توصیه می کنیم که مرحوم محدث نوری آن را در این رابطه تألیف کرده ، و در ضمن چهار مجلد تمام ابعاد مسئله را بررسی نموده است .

در این جا فقط یادآور می شویم که رؤیاهای نرجس خاتون (علیها السلام) یقیناً رؤیای صادقه ، بلکه در حد مکاشفه بود . و در قرآن کریم رؤیای حضرت

ص: 85

ابراهیم خلیل الرحمان(1)، رؤیای حضرت یوسف، رؤیای عزیز مصر، و رؤیای دوزندانی دیگر که با یوسف در زندان بودند، آمده است. (2)

8. شمعون، جد اعلای نرجس خاتون (علیها السلام)

جد مادری نرجس خاتون (علیها السلام)، جناب «شمعون» وصی حضرت عیسی (علیه السلام) است، چنان که در احادیث فراوانی آمده است هنگامی که خداوند متعال خواست حضرت عیسی (علیه السلام) را به آسمان ها ببرد، به او فرمان داد که نور و حکمت و علم کتاب را به «شمعون بن حمّون صفا» تعلیم کند، و او را جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد. (3)

شمعون صفا سومین سفیر حضرت عیسی (علیه السلام) به انطاکیه است که در سوره «یس» آیه 14 بیان شده است. (4)

شمعون در میان مسیحیان به «پطرس» معروف است، چنان که در متن انجیل آمده است: «و نام های دوازده رسول این است: اول شمعون، معروف به «پطرس»... این دوازده را عیسی فرستاده، به ایشان وصیت کرده گفت: «... بیماران را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده کنید». (5)

مفسران انجیل نیز اتفاق نظر دارند که اسم پطرس «شمعون» می باشد. (6)

ص: 86

1- . سوره صافات، آیات 105-102 .

2- . سوره یوسف، آیه های 4-5، 41-36، و 49-43 .

3- . کمال الدین، ج 1، ص 225.

4- . تفسیر صافی، ج 4، ص 247، البرهان، ج 4، ص 8.

5- . انجیل متی، باب دهم، بندهای 2-8 .

6- . قاموس کتاب مقدس، ص 220.

« شمعون » در زبان عبری به معنای : شنونده است و در انجیل ده نفر به عنوان « شمعون » آمده است که یکی از آنها « پطرس » وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد. (1)

طبق روایات ، شمعون پسر عمه حضرت مریم (علیها السلام) است. (2)

9. نتایج به دست آمده :

از نکات یاد شده در ذیل « گزارش نور » به این نتیجه رسیدیم که :

1. حضرت نرجس خاتون اهل قسطنطنیه ، پایتخت بیزانس ، استانبول کنونی است .

2. نام شریفش : « ملیکه » است و به هنگام اسارت خود را « نرجس » معرفی کرده ، و به نام های مختلف در خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) خوانده شده است .

3. پدرش : « یشوعا » پسر قیصر روم است .

4. قیصری که در آن روزگار بر اریکه امپراطوری تکیه کرده بود میخائیل سوم بود .

5. میخائیل سوم از سال 277 تا 253 هجری در این مسند بود .

6. به ظن قوی « یشوعا » پسر « توفیل بن میخائیل » است ، و احتمال این که وی پسر « میخائیل » باشد از نظر تاریخی سازگار نمی باشد .

ص: 87

1- همان مدرک، ص 533.

2- بحارالانوار، ج 25، ص 186.

7. در عهد میخائیل برخوردهای نظامی بین قوای مسلمین و رومی ها مکرر به وقوع پیوسته ، و در این درگیری ها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته اند .

8. یکبار میخائیل همه زندانیان مسلمان را آزاد کرده است .

9. روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استناد بزرگان علما در طول یازده قرن می باشد .

10. علاوه بر روایت بشر ، به طریق صحیح از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده که مادر حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دختر پسر قیصر روم می باشد .

و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد .

تصویر



کتابنامه حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ علی اکبر مهدی پور

به قلم : استاد عظیم الشأن و محقق نامدار

آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

کتابنامه حضرت نرجس (علیها السلام)

کتاب های مستقل

1. آخرین سفیر

حجازی ، جمال الدین ، 1332 - 1400

• تهران : دارالتقلین ، 1387 | 248 صفحه

2. آخرین عروس : داستان حضرت نرجس (علیها السلام) مادر امام زمان

خدایان آرائی ، مهدی

• قم : وثوق ، 1392 | 144 صفحه

3. آسمان در آسمان

روشن بین ، ایمان ، 1358 -

• تهران : منیر ، 1388 | 401 صفحه ، مصور (رنگی)

4. ادله ولادت

طبسی ، نجم الدین ، 1334 -

• قم : مرکز تخصصی مهدویت ، 1399 | 21 جلد ، 272 + 272 صفحه رقی

5. اسیری و عروسی : فرازهایی از زندگی نرگس خاتون (علیها السلام)

زواریان ، زهرا ، 1340 -

• تهران : قدیانی ، 1394 | 64 صفحه ، مصور (رنگی)

6. الاسیرة الرومیة

قیانچی ، سید باقر ، تصویرگر : شبر ، حسنین

• نجف اشرف : مركز الدراسات التخصصيه ، 1426ق ا48 صفحه وزيري ، مصور (رنگي)

ص: 89

7. الاسيرة الزّومیة، السيدة نرجس أم الإمام المهدي

کندی، وارث

• بیروت: دارالعلوم، 2010م 161 صفحه، مصور (رنگی)

8. باقاصدک: داستان های امام زمان از تولد تا امامت

یوسفیان، محمد، 1348 -؛ تصویرگر: نظری، کلثوم

• قم: مهدی موعود، 1393 | 301 صفحه، مصور (رنگی)

9. بانوی انجیل (ترجمه السيدة نرجس (علیها السلام))

شیرازی، سید مرتضی، 1384ق -؛ برگردان: صفرزاده، داود

• تهران: آفاق، 1400 | 168 صفحه رقعی

10. بانوی عشق (فیلمنامه)

صالحی، نسرین • تهران: سروش (صدا و سیما)، 1382 | 118 صفحه رقعی

11. بانوی کنیزان

داستانی بنیسی، اسد الله، 1325 - 1383

• قم: بنیس، 1399 | 321 صفحه وزیری، مصور (رنگی)

12. بانوی نور

بصیری، مریم

• قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1377 | 89 صفحه وزیری

13. بانویی به اسم ملیکه

کلهر، فریبا

• تهران: قدیانی، 1394 | 12 صفحه خشتی، مصور

ص: 90

14. بر بام رم : حضرت نرجس (علیها السلام)

کمساری ، علی

• قم : بوستان کتاب ، 4011392 صفحه

15. به دنبال آفتاب

حجازی ، جمال الدین ، 1332 - 1400ش؛ بازنویسی : رحیمی ، مهدی

• تهران : نیا ، 4011378 صفحه رقعی

16. به دنبال آفتاب (In pursuance o) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (the sun)

حجازی ، جمال الدین ، 1332 - 1400ش ؛ برگردان : عباسی ، علی

• تهران : نیا ، 2002م | 55 صفحه پالتویی

17. به طراوت باران

حسینی اخگر ، زهرا السادات ، 1357 -

• قم : فخر دین ، 8811390 صفحه

18. پژوهشی نو درباره ما در امام زمان

طیبی ، ناهید ، 1342 -

• قم : مؤسسه بوستان کتاب ، 30811392 صفحه وزیری

19. حدیث بشارت (منظوم)

سالم دزفولی ، هبة اله ، 1327 -

• قم : گنج معرفت ، 12811386 صفحه

20. حدیث شب میلاد

بحرینی ، مجتبی ، 1325 -

• تهران : منیر ، 12011379 صفحه رقعی

ص: 91

21. حضرت نرگس مادر امام زمان

هادی منش، ابوالفضل؛ تصویرگر: سلیمانی، احسان

• قم: حدیث نینوا، 1393 | 121 صفحه، مصور (رنگی)

22. خاتون عشق (رمان)

زواریان، زهرا، 1340 -

• تهران: قدیانی، 1378 | 1001 صفحه رقعی

23. خاطره ی آن شب

حجازی، جمال الدین، 1332 - 1400

• تهران: 1371 | 961 صفحه رقعی

24. خواب دیدن مادر امام زمان نرگس

کمره ای، میرزا خلیل، متوفای 1405ق. به همت: محمدحسین صدریه

• قم: اسلامیه، بی تا | 1591 صفحه

25. خواستگاری

کلهر، فریبا

• تهران: قدیانی، 1394 | 121 صفحه خشتی، مصور

26. داستان زندگانی ما در امام زمان

حسینی تهرانی، سیدابوالحسن، 1340 -

• قم: اکرام، 1389 | 1601 صفحه

27. دختری از روم

زواریان، زهرا، 1340 -؛ تصویرگر: قاضی زاده، خشایار

• تهران: ایتا، 1381 | 281 صفحه، مصور (رنگی)

28. رؤیای نرجس

نعمتی ، نسرین

• 1، مصور

29. زیباترین داستان جهان ، مادر مصلح کل

موسوی ، سید محمدباقر ، 1314 - 1400 ش

• قم : ارم ، 1374 | 295 صفحه رقعی

30. السیدة نرجس مدرسة الاجيال

شیرازی ، سید مرتضی ، 1384 ق -

• بیروت : الرسول الاعظم ، 1418 ق | 264 صفحه رقعی

31. شاهدخت رومی ، بانو نرگس مادر گرامی امام زمان (ترجمه الاسیرة الرومیة)

کندی ، وارث ؛ برگردان : واحدیان ، زهره ؛ تصویرگر : منعمی ، فرشته

• قم : براق ، جامعة القرآن الکریم ، 1390 | 16 صفحه ، مصور (رنگی)

32. شاهزاده بیزانس

حجتی ، پروین ؛ تصویرگر : کشاورز ، راضیه

• قم : شجره طیبه ، 1382 | 12 صفحه ، مصور

33. شاهزاده روم

مومنی تنکابنی ، سید محمدحسن

• قم : دلیل ما ، 1394 | 64 صفحه

34. شهزادی ملیکه

نورانی ، اقبال

• کراچی : ایم ایم اکادمی ، 2011 م = 1433 ق | 16 صفحه ، مصور

ص: 93

35. طلوع یک ستاره

عبدالله زاده حسینی ، زهره

• تهران : آبرون ، 1392 | 241 صفحه، مصور

36. عروس آفتاب ، داستان ورود ملیکا (مادر حضرت مهدی) به خاندان اهل بیت

موسوی گرمارودی ، عاطفه

• قم : دلیل ما ، 1388 | 401 صفحه

37. عروس بیزانس

تفکری آرانی ، عباس

• قم : وثوق ، 1400 | 184 صفحه رقی

38. عطر نرگس

وحیدی صدر ، مهدی ؛ تصویرگر : توسلی ، طیبه

• قم : مجمع جهانی اهلیت ، بی تا 121 صفحه ، مصور

39. غریبه آشنا : همسفر باملیکا مادر امام زمان از قصر قیصر روم تا سامرا

پهلوانیان ، احمد ، 1354 -

• قم : بوستان کتاب ، 1380 | 481 صفحه رقی

40. قصص حجّتیّه

میرخلف زاده ، قاسم

• قم : بی نا ، 1379 | 192 صفحه رقی

41. کودکی در آسمان

زواریان ، زهرا ، 1340 - ؛ تصویرگر : ملایی ، فریدون

• قم : خیمه ، 1391 | 161 صفحه، مصور (رنگی)

ص: 94

42. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور

مهدی پور، علی اکبر، 1324 -

• قم: رسالت، 1383 | 881 صفحه رقعی

43. گل نرجس

بلاغی، سیدعبدالحجّة، متوفای 1397 ق

• بی جا: چاپخانه خواجه، 1342 | 131 صفحه وزیری، به پیوست حجت بالغه، صفحه 110 - 123

44. گل نرگس

شهاب، محمد علی

• تهران: نذیر، 1381 | 481 صفحه رقعی

45. ما در امام عصر

حسین انصاریان، 1323 -

• قم: دارالعرفان، 1388 | 351 صفحه

46. مادر باران

گروهی از نویسندگان

• اصفهان: بی نا، 1401 | 921 صفحه رقعی

47. مادر منتظر

اسبقی، فاطمه

• کرج: گردوی دانش، 1398 | 1001 صفحه

48. ما در موعود

غلامی مهرآبادی، مهدی، 1354 -

• قم: حق بین، 1394 | 1521 صفحه

ص: 95

49. مختصری از شرح حال علیا حضرت ملکه جهان مادر بزرگوار اعلی حضرت ولی عصر

فتوحی ، مهدی

• مشهد : 1386ق 501 صفحه

50. مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

مؤذنی ، علی

• قم : جمکران ، 1419ق=1377 1381 صفحه رفعی

51. ملیکا (نمایشنامه)

مؤذنی ، علی

• تهران : امیرکبیر ، 1386 1861 صفحه

52. ملیکا "نرگس": شرح زندگی حضرت نرگس خاتون

اسدی ، داوود

• تهران : نگاه بینه ، 1385 1201 صفحه

53. ملیکا مام خورشید عدالت

توکلی ، امین ؛ تصویرگر: شاهوردی، مهرداد

• تهران : دانش آموز ، 1390 761 صفحه رحلی ، مصور (رنگی)

54. ملیکا نوه امپراطور مادر امام زمان مسیحی بود مسلمان شد

محمدی ، علی اکبر ، 1336 -

• تهران : علی اکبر محمدی ، 1381 1541 صفحه

55. ملیکا ، سرگذشت زندگی نرجس خاتون، مادر امام زمان (کتاب صوتی)

محمودی ، محمد

• وبسایت ایران صدا ، 1397 1341 دقیقه

ص: 96

56. ملیکا، عروس آسمانی (رمان)

ارشدی، فاطمه

• شیراز: نویسندگان پارس، 1399 | 313 صفحه رقعی

57. ملیکه

داستانی بنیسی، اسدالله، 1383 - 1325

• قم: مصعب، 1365 | 321 صفحه، مصور

58. من مادر اویم

داستانی بنیسی، اسدالله، 1383 - 1325

• قم: بنیس، 1399 | 321 صفحه وزیری، مصور

59. مهدی در دامان نرجس

معمد لاری، طویی، 1343 -

• تهران: اندیشه مهر، 1383 | 761 صفحه، مصور (رنگی)

60. نرجس حیاتها و جهادها

ربیعی، بتول

• بی جا: بتول ربیعی [محبة العترة]، 1422 | 1421 صفحه

61. نرجس خاتون عروس زهراى اطهر

فریدونی، حسین، 1321 -

• تهران: آلباتروس، 1400 | 1041 صفحه رقعی

62. نرجس خاتون مادر امام زمان

صیوحی، مهدی

• قم: دارالکتاب، 1358 | 301 صفحه وزیری

ص: 97

63. نرجس خاتون مادر امام زمان، حضرت ولی عصر

پزشکیان نژاد، اسماعیل

• تهران: پزشکیان نژاد، 1358 | 231 صفحه

64. نرجس مادر امام زمان

مهاجرانی، سیدمحمد؛ تصویرگر: فلاحی، نسیم

• تهران: مدرسه، 1395 | 241 صفحه، مصور

65. نرجس مادر حضرت حجت (بانویی پاک از خاندان بزرگ)

محمدی، محمد

• قم: حجت، بی تا | 321 صفحه وزیری، مصور (رنگی)

66. نرگس "همدم خورشید"

پورامینی، محمدباقر، 1347 -

• قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، انتشارات نور السجاد، 1378 | 1081 صفحه

67. نرگس خاتون در راه است

کلهر، فریبا

• تهران: قدیانی، 1394 | 121 صفحه خشتی، مصور

68. نرگسدان: داستان تولد امام زمان (منظوم)

ذبیحی یزدی، ملا اسماعیل، به سال 1115ق. با تصحیح: منصف، مصطفی

• اصفهان: نقش نگین، 1388 (این کتاب به سال 1385 ش در تبریز، در مطبعه آقا مشهدی اسد آقاچاپ شده است) | 1801 صفحه وزیری

69. نفحات من حياة السيدة نرجس

المرزوق، فوزية محمد، 1977 م -

• بیروت: مؤسسة الامام علی، 1429ق | 1801 صفحه

ص: 98

70. نور امید

فیروزخانی، حسن

• تهران: مفید، 1376 | 321 صفحه رقعی

71. والدة الحجة المنتظر علوية مطهرة، پژوهشی جامع پیرامون نسب مادر امام زمان

ترتبی کربلایی، حیدر

• قم: مؤلف، 1441 ق | 901 صفحه رقعی

72. ولادة الامام المهدي

نجفی، شیخ بشیر

• قم: آستان مقدس حضرت معصومه، 1385 | 114 صفحه رقعی

تصویر



اشاره

به قلم : استاد محقق و نامدار

آقای علی اکبر مهدی پور

سیمای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در منابع مختلف

در غالب منابع تاریخی ، رجالی ، تراجم و سیره از حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سخن به میان آمده است ، استقصای آنها امکان پذیر نمی باشد ، در این جا فقط به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم :

1) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب تفسیری

1: تفسیر البرهان ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق ، ج 7 ، ص 318-316.2: تفسیر نورالثقلین ، تألیف : عبد علی بن جمعه حویزی ، متوفای 1112 ق ، ج 4 ، ص 110 ، ح 13.

2) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع حدیثی

3: اثبات الوصیه ، تألیف : علی بن حسین مسعودی ، متوفای 346 ق ، ص 218-222 .

4:

اثبات الهداة ، تألیف : شیخ حرّ عاملی ، متوفای 1104 ق ، ج 3 ، ص 511-506 ، ح 315-338.

5: اکمال الدین ، تألیف : شیخ صدوق ، متوفای 381 ق ، ص 417-434 ، باب 41 و 42 .

6: بحار الانوار ، تألیف : علامه محمدباقر مجلسی ، متوفای 1110 ق ، ج 51 ، ص 28-2 .

ص: 100

7 : دلایل الامامة ، تألیف : محمد بن جریر طبری ، قرن پنجم ، ص 501- 489 .

8 : الغیبة ، تألیف : شیخ طوسی ، متوفای 460 ق ، ص 251- 229 .

9 : كشف الحق ، تألیف : میر محمدصادق خاتون آبادی ، متوفای 1272 ق ، ص 34-15 و ص 149 ، ح 1 ، 2 و 22 .

10 : كفاية المهتدي ، تألیف : محمد بن محمد میرلوحی ، متوفای حدود 1060 ق ، ص 556- 535 ، ح 31- 28 .

11 : مختصر كفاية المهتدي ، تعریب : سید یاسین موسوی - معاصر ، ص 123-107 ، ح 31- 28 .

12 : كزیده كفاية المهتدي ، تألیف : میرلوحی ، ص 154- 133 ، ح 31- 28 .

3) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع سیره ، تاریخ ، فضائل و مناقب

13 : الائمة الاثنا عشر ، تألیف : شمس الدین محمد بن طولون ، متوفای 953 ق ، ص 117 .

14 : الارشاد ، تألیف : شیخ مفید ، متوفای 413 ق ، ج 2 ، ص 339 .

15 : إعلام الوری ، تألیف : امین الاسلام طبرسی ، متوفای 548 ق ، ج 2 ، ص 217- 214 .

16 : اعیان الشیعه ، تألیف : سید محسن امین عاملی ، متوفای 1371 ق ، ج 2 ، ص 46- 44 .

17 : اعیان النساء ، تألیف : شیخ محمدرضا حکیمی ، متوفای 1412 ق ، ص 610- 605 .

18 : الانوار البهیة ، تألیف : شیخ عباس قمی ، متوفای 1359 ق ، ص 340- 335 .

19 : تاریخ حبیب السیر ، تألیف : خواندمیر ، متوفای 942 ق ، ج 2 ، ص 100 .

20 : شجرة الولی ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق ، ص 41- 31 .

ص: 101

- 21 : التَّمتَّة فى تواریخ الائمة ، تألیف : سید تاج الدین عاملی ، قرن 11 ، ص 148-146 .
- 22 : تحفة الابرار ، تألیف : عمادالدین طبری ، قرن هشتم ، ص 179 .
- 23 : تذكرة الخواص ، تألیف : سبط بن جوزی ، متوفای 654 ق ، ج 2 ، ص 511 .
- 24 : تواریخ النبى و الآل ، تألیف : شیخ محمدتقی تستری ، متوفای 1415 ق ، ص 98-95 .
- 25 : الثاقب فى المناقب ، تألیف : عمادالدین ، ابن حمزة ، قرن ششم ، ص 52 و 201-203 ، ح 178 . 26 : حلیة الابرار ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق ، ج 5 ، ص 141-186 .
- 27 : الخرائج و الجرائح ، تألیف : قطب الدین راوندی ، متوفای 573 ق ، ج 1 ، ص 455-456 .
- 28 : روضة الواعظین ، تألیف : محمد بن فتال نیشابوری ، متوفای 508 ق ، ج 2 ، ص 11-3 .
- 29 : ریاحین الشریعه ، تألیف : شیخ ذبیح الله محلاتی ، متوفای 1406 ق ، ج 3 ، ص 25-32 .
- 30 : زنان قهرمان ، تألیف : دکتر احمد بهشتی ، معاصر ، ج 1 ، ص 250-258 .
- 31 : سفینه البحار ، تألیف : شیخ عباس قمی ، متوفای 1359 ق ، ج 4 ، ص 488 .
- 32 : شیعه در منابع اهل سنت ، تألیف : احمد باقریان ، معاصر ، ص 483-484 .
- 33 : الصراط المستقیم ، تألیف : شیخ زین الدین نباطی بیاضی ، متوفای 877 ق ، ج 2 ، ص 209 .

- 34 : فراند السمطين ، تأليف : ابراهيم بن محمد جوينى حموينى ، متوفى 722 ق ، ج 2 ، ص 337 ، ح 590 .
- 35 : الفصول المهمة ، تأليف : ابن صباغ مالكى ، متوفى 855 ق ، ص 299 .
- 36 : فادتنا ، تأليف : آية الله سيد محمد هادى ميلانى ، متوفى 1395 ق ، ج 7 ، ص 204-216 .
- 37 : كشف الغمّة ، تأليف : على بن عيسى اربلى ، متوفى 693 ق ، ج 3 ، ص 293 .
- 38 : مائر الكبراء ، تأليف : شيخ ذبيح الله محلاتى ، متوفى 1406 ق ، ج 1 ، ص 217-234 . 39 : مدينة المعاجز ، تأليف : سيد هاشم بحراني ، متوفى 1107 ق ، ج 8 ، ص 5-42 .
- 40 : مستدرک سفينة البحار ، تأليف : شيخ على نمازى ، متوفى 1405 ق ، ج 10 ، ص 24 .
- 41 : معجم احاديث الامام المهدي ، تأليف : جمعى از محققان ، ج 6 ، ص 205-233 .
- 42 : المعجم الموضوعى لاحاديث الامام المهدي ، تأليف : شيخ على كوراني ، معاصر ، ص 772-781 .
- 43 : منتخب الاثر ، تأليف : آيت الله حاج شيخ لطف الله صافى ، متوفى 1443 ق ، ج 2 ، ص 369-416 .
- 44 : منتخب الانوار المضيئة ، تأليف : بهاء الدين نبلى نجفى ، قرن هشتم ، ص 104-121 .
- 45 : الهداية الكبرى ، تأليف : حسن بن حمدان خصيبى ، متوفى 334 ق ، ص 354-357 .
- 46 : ينابيع المودة ، تأليف : سليمان بن ابراهيم قندوزى ، متوفى 1294 ق ، ج 3 ، ص 171 ، 215 ، 302-305 ، 328 و 392 . (چاپ اسوه) .

4) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب انساب

47: عمدة الطالب، تألیف: ابن مهتّا، متوفای 828 ق، ص 199.

48: المجدی، تألیف: نجم الدین علوی، قرن پنجم، ص 130.

5) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب رجالی

49: تنقیح المقال، تألیف: حاج شیخ عبدالله مامقانی، متوفای 1351 ق، ج 3، فصل نساء، ص 76، (چاپ سنگی). 50: الرجال، تألیف: ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، متوفای 450 ق، ص 347، رقم 938.

6) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب لغت

51: فرهنگ فارسی، تألیف: دکتر محمد معین، متوفای 1350 ش، ج 6، ص 2114.

52: لغتنامه، تألیف: علی اکبر دهخدا، متوفای 1334 ش، حرف ن، ص 420.

7) حضرت نرجس (علیها السلام) در دائرة المعارف شیعی

53: دائرة المعارف تشیّع، ج 16، ص 89-90.

8) حضرت نرجس (علیها السلام) در آثار نگارنده

54: او خواهد آمد

55: چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان، ص 51-55.

56: چهل حدیث پیرامون نور یزدان، ص 9-57.

57: چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا، ص 35، 45.

58: مدفونین سامراء.

ص: 104

اشاره

به قلم: فقیه محقق، استاد بزرگوار حوزه علمیه قم، آیه الله آقای حاج شیخ محسن فقیهی (دام ظلّه)

مقاله ای تحقیقی درباره

صفات ارزنده حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

نرجس خاتون (علیها السلام) نام مادر گرامی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. آن بانوی بزرگ دارای شخصیت ممتازی بود که به همین سبب افتخار مادری حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به دست آورد. داستان زندگی او و نحوه مسلمان شدن و جدایی از مسیحیان و کنیز شدن و خریداری او توسط امام هادی (علیه السلام)، همگی نشان می دهد یک اتفاق عادی نبوده و دست تدبیر الهی در پس همه این ماجراها قرار دارد و اراده الهی بر این بوده تا برای به دنیا آمدن مولودی که قرار است همه جهان را پر از عدل و داد کند، مقامش را از سال ها قبل فراهم کند و شخصیت ممتازی مثل نرجس خاتون (علیها السلام) را به هر طریق ممکن به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برساند تا ازدواج مبارک او با امام حسن عسکری (علیه السلام) رخ داده و زمینه ساز ولادت موعود بزرگ شود.

درباره داستان زندگی نرجس خاتون (علیها السلام) و نحوه به اسارت در آمدن و ... نوشته هایی وجود دارد که موضوع سخن این مقاله نیست. در این نوشتار قصد داریم تا برخی از ویژگی های برجسته اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را بررسی کرده تا زمینه آشنایی بیشتر مردم با این بانوی نمونه فراهم شود و در نتیجه بتوانیم از ایشان الگو گرفته و خود را هر چه بیشتر به

آن کمالات نزدیک کنیم . البته ویژگی های حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) منحصر در موارد ذکر شده نیست و اینها فقط بخشی از صفات برجسته آن حضرت می باشد .

ویژگی های اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

هر چند در مورد زندگی نرجس خاتون (علیها السلام) مطالب زیادی نقل نشده (مخصوصاً تا پیش از به اسارات در آمدن) ، ولی با این وجود می توان از منابعی که درباره این بانوی بزرگ سخن گفته اند ، به برخی نکات دست یافت .

1 . ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) با وجود اینکه نوه قیصر روم بوده و طبیعتاً از نظر وضع امکانات مادی در جایگاه خوبی قرار داشته است ، اما با این وجود به عشق اهل بیت (علیهم السلام) ، حاضر می شود خود را اسیر مسلمانان کرده و به صورت کنیز از آن مکان دور شود و به خدمت امام (علیه السلام) برسد . این نشان از عشق و ارادت ویژه ایشان به ائمه و پذیرش ولایت آنهاست . و گرنه تحمل این سختی ها برای رسیدن به امام ، کار هر کسی نیست . در زیارت نامه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم :

« أَشْهَدُ أَنَّكَ ... وَرَغِبْتَ فِي وُصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُمْ » .(1)

ص: 106

1- . المزار الكبير ، ابن مشهدی ، ص 661 ؛ المزار ، شهید اول ، ص 212 ؛ بحار الانوار ، ج 99 ، ص 71 ؛ زادالمعاد ، ص 540 .

در این فراز از زیارت نامه ، ما شهادت می دهیم که ایشان در رسیدن به فرزندان پیامبر راغب بوده و به حق آنها معرفت داشته است . منزلت اهل بیت (علیهم السلام) را قبول داشته ولایت آنها را پذیرفته و به گونه ای بوده که خواست آنها را بر خواست خود ترجیح می داده است . این ویژگی ها نشان دهنده این است که نرجس خاتون (علیها السلام) از نظر تبعیت از ولیّ و امام خود در مقام بسیار بالایی قرار داشته است .

2 . ترجمه مهربانی

یکی دیگر از ویژگی های آن بانوی بلند مرتبه ، ترحمّ و مهربانی است که در زندگی او مشاهده می شود . در داستان زندگی نرجس خاتون (علیها السلام) آمده است که : زمانی که در روم بوده ، به بیماری سختی مبتلا شده بود ؛ به گونه ای که پزشکان روم از درمان او عاجز بودند . پادشاه روم که پدر بزرگ نرجس خاتون (علیها السلام) بود ، وقتی از معالجه نوه اش نا امید شد ، به او گفت : آیا خواهش و آرزویی داری که در این دنیا برای تو فراهم کنم . نرجس خاتون (علیها السلام) گفت : درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم ولی اگر دستور بدهی که دست از شکنجه مسلمانان بردارند و آنها را آزاد کنند ، امید است که حضرت مسیح و حضرت مریم (علیهما السلام) شفا عنایت کنند . پادشاه روم خواسته نرجس خاتون (علیها السلام) را اجابت کرد . حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز پس از این اتفاق سعی کرد خودش را سالم تر جلوه دهد و مقداری غذا بخورد تا موجبات خرسندی پادشاه از تصمیمش را فراهم سازد .

این داستان نشان می دهد که این بانوی بزرگ چقدر مهربان بوده که چنسن خواسته ای از پدرش داشته است . یعنی معلوم می شود از شکنجه آنها در عذاب بوده و به همین جهت از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را کرده تا موجبات رهایی آنان را فراهم کند. (1)

آری ، کسی که قرار است حمل کننده یکی از بهترین مخلوقات خدا باشد که پیام آور عدالت و صلح و صفا بین مردم است ، باید هم این چنین مهربان باشد

3. صبر و بردباری

یکی از نکاتی که از مطالعه زندگی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به دست می آید این است که صبر و تحملی که او داشته بسیار ستودنی است . از طرفی تا پیش از اینکه او را به عنوان کنیز به خدمت امام هادی (علیه السلام) بیاورند ، چه سختی های زیادی را پشت سر گذاشت و خود را به اسارت در آورد ، و از طرف دیگر در دوران بعد از ازدواج با امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز با توجه به اینکه امام در تبعید بودند و حکومت ، ارتباط با ایشان را محدود کرده بود ، طبیعتاً از این نظر همسان امام نیز در سختی و اذیت بود ، ولی با این وجود با حمایت و پشتیبانی از امام حسن عسکری (علیه السلام) ، یاور خوبی برای ایشان بود .

اگر چه ائمه دیگر نیز تحت فشار بوده اند ولی به دو دلیل فشارها در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) بیشتر شده بود : یکی اینکه در زمان ایشان ،

ص: 108

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 8 .

شیعه به صورت یک قدرت عظیم در آمده بود و همه می دانستند که این گروه به حکومت معترضند و حق حاکمیت را به ائمه (علیهم السلام) اختصاص می دهند . دلیل دوم نیز این بود که : خاندان عباسی بر اساس روایات متواتری که وارد شده بود می دانستند حضرت مهدی (که قرار است حکومت های ظالم را نابود کند) از امام حسن عسکری (علیه السلام) متولد خواهد شد . به همین جهت به شدت اوضاع را کنترل می کردند تا به محض ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را به قتل برسانند . (1)

4. عفت و حیا

یکی دیگر از ویژگی های برجسته حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عفت و حیایی است که در زندگی ایشان وجود داشته است . ایشان نه تنها بعد از ازدواج با امام حسن عسکری (علیه السلام) ، حتی در زمان اسارت نیز عقیف بودند .

وقتی امام هادی (علیه السلام) یکی از یاران خود به نام « بشر » را برای خرید کنیز به بازار برده فروشان می فرستد ، مشخصاتی را برای آن کنیز ذکر می کند . یکی از ویژگی هایی که امام ذکر می کند این است که وقتی برده فروش او را برای فروش عرضه می کند ، خواهی دید آن کنیز اجازه نمی دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره او بردارد یا لباسش را کنار بزند یا بخواهد او را لمس کند . (2) این قضیه نشان می دهد ایشان چقدر عقیف بوده اند که حتی

ص: 109

1- . سیره پیشوایان ، ص 644-645 .

2- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 6 .

قبل از اینکه به خانه امام هادی (علیه السلام) بیایند نیز مقید به رعایت حدود الهی بودند .

آری ، با اینکه قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر می فرماید : «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ»⁽¹⁾

و جایگاه خاص آنان را (که مستلزم رعایت برخی نکات است) به آنها یادآور می شود . ولی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) بیش از اینکه همسر امام شود نیز احترام این جایگاه را حفظ می کرده است .

5 . زهد و عدم دل بستگی به دنیا

یکی از صفات برجسته نرجس خاتون (علیها السلام) ، زهد و عدم دل بستگی به دنیا است که از رفتارهای ایشان این ویژگی قابل برداشت است . به عنوان نمونه وقتی نرجس خاتون (علیها السلام) را به عنوان کنیز خریداری کرده و به خدمت امام هادی (علیه السلام) آوردند ، امام به ایشان فرمود : می خواهم تو را گرامی بدارم ؛ کدامیک نزد تو بهتر است : اینکه اکنون ده هزار دینار به تو بدهم یا اینکه تو را به شرف ابدی بشارت دهم ؟ در اینجا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) با فهم و درایت بالا می گوید : مرا اعتنائی به مال دنیا نیست ، شرف ابدی را می خواهم . در این لحظه امام هادی (علیه السلام) ایشان را به فرزندی که عدل گستر عالم خواهد شد ، بشارت می دهند .⁽²⁾

ص: 110

1- . احزاب / 32 .

2- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 423 ؛ بحار الانوار ، ج 51 ، ص 10 - 9 .

این قضیه نشان می دهد او چقدر بلند نظر بوده است که شرافت ابدی را با دینارهای این دنیا عوض نکرده و به مال دنیا بی اعتنا بوده است .

همچنین در ویژگی های او آمده است : وقتی در معرض فروش قرار می گیرد و از برداشتن حجاب و لمس مشتریان امتناع می کند شخصی می گوید : من به خاطر عفاف او حاضرم او را به سیصد دینار بخرم . در این هنگام نرجس خاتون (علیها السلام) می گوید : اگر حکومت سلیمان را هم داشته باشی باز من رغبتی به تو ندارم . پس مالت را بیهوده خرج نکن . (1)

این مطلب نیز نشان می دهد نرجس خاتون (علیها السلام) به خاطر پول سرنوشت خود را تغییر نمی دهد .

آری ، کسی که نوه پادشاه روم بوه و می توانسته در ناز و نعمت زندگی کند ، ولی با این وجود خود را به اسارت در آورده ، معلوم است که هرگز حاضر به معامله شرافت ابدی با ده هزار دینار نخواهد شد .

6 . احترام به دیگران

یکی از نکاتی که در زندگی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مشاهده می شود احترام ویژه ای است که به حضرت حکیمه (علیها السلام) ، خواهر امام هادی (علیه السلام) می گذارد . حکیمه خاتون (علیها السلام) می گوید : وارد بر نرجس خاتون (علیها السلام) شدم او آمد و گفت : ای مولای من ! بگذارید کفشتان را از پای شما در بیاورم .

ص: 111

حکیمه نمی پذیرد و می گوید: بلکه تو مولای من هستی و من باید به تو خدمت کنم نه اینکه تو به من خدمت کنی. (1)

این قضیه نشان می دهد علی رغم اینکه حکیمه (علیها السلام) مقام نرجس خاتون (علیها السلام) را بالاتر از خود می دید، ولی این باعث غرور نرجس خاتون (علیها السلام) نشده و او را به دنیال خدمت به حکیمه (علیها السلام) بوده است.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب این نوشتار نتیجه می گیریم که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) دارای ویژگی های برجسته اخلاقی زیادی بوده است که شایسته است همه مؤمنین با الگو قرار دادن آن حضرت، خود را به کمالات اخلاقی آراسته کنند.

تصویر



ص: 112

1- . کمال الدین، ج 2، ص 427.

اشاره

به قلم : نویسنده و محقق ولایتی

آقای محمد امیری سوادکوهی

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

حافظ سر بزرگ خاندان امامت

خدای متعال در آسمان پر فروغ ولایت و از پس ابرهای رحمت عفاف و نورانیت، بانوی با عظمتی را به جهان بشریت هدیه نمود که به عنوان ظرف وجودی آخرین ذخیره عترت، حامل اسرار نبوت و ودیعه ای بی بدیل برای نجات بشریت بوده که با شکوه و رحمت الهیه اش تسکین بخش تلخی های دوران غربت ولی خدا به شمار می رود .

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، همسر با عظمت یازدهمین پیشوای مسلمانان جهان، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر مظلومه امام زمان ارواحنا فدا، شاهزاده ای رومی از تبار جناب شمعون، وصی حضرت مسیح (علیه السلام) می باشند که به مصالحتی در تاریخ به سوسن، صیقل، ملیکه، ریحانه و ... موصوف بود .

پدر ایشان «یشوعا» پسر قیصر روم شرقی و مادرش از نوادگان وصی مسیح به شمار می رفت .

نرجس خاتون (علیها السلام) از نگاهی دیگر نهال مقدسی است که از بوستان کنیز خدا مریم (علیها السلام) به گلزار ام ابیها و عصمت الله الکبری فاطمه زهرا (علیها السلام) پیوند یافت .

آن دوشیزه پاکدامن و نیکبختی که در خواب بیدار شد و در عالم معنا، خاتم پیامبران (صلی الله علیه وآله وسلم) و عیسی روح الله (علیه السلام) با شکوه ترین جشن عروسی را برای او فراهم آوردند و شگفت انگیزترین رویدادهای تاریخی به وقوع پیوست تا زمینه ولادت منجی عالم بشریت از مادری والاتبار و نیک سیرت فراهم آید و جهان برای طلوع آخرین خورشید ولایت در آسمان عترت مهیا گردد.

تألوی نام نرجس قبل از تولد در حدیث لوح

سال ها قبل از رؤیت ظاهری ستاره وجودی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در افق موعود، نام مبارک آن خاتون دوسرا به صراحت در حدیث لوح حضرت زهرا (علیها السلام) بیان شد و جهان، قرن ها چشم انتظار درک حضور بانویی والاتبار از دیار روم بود.

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: به محضر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شدم تا ولادت حسین (علیه السلام) را تهنیت گویم که ناگاه صحیفه ای در دست آن حضرت دیدم. عرض کردم: ای سرور زنان! این صحیفه ای که در دست شما می بینم چیست؟ فرمود: اسامی ائمه از فرزندان من در آن است، گفتم: آن را به من بدهید تا در آن بنگرم. فرمود: ای جابر! اگر منهی نبود، چنین می کردم؛ ولی نهی شده است که جز پیامبر یا وصی و یا اهل بیت به آن دست بزند؛ ولی به تو اجازه داده می شود که روی آن را بنگری و بدانی!

جابر می گوید : آن را تا آنجا خواندم که به نام مادر دوازدهمین وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدم . در آن نوشته بود :

«...أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ؛ أَبُو الْقَاسِمِ فَرَزَنْدِ حَسَنِ وَ أَوْ حُجَّةُ خدَا بَر خَلْقَش مِی بَاشَد . مَادَرَش جَارِیَه اِی بَه نَام نَرْجِس ، صَلَوَاتُ اللّٰه عَلَیْهِم اِجْمَعِیْنَ اسْت .» (1)

از این رو نام مبارک نرجس (علیها السلام) در سالیان متمادی بر لسان مبارک ائمه هدی (علیهم السلام) و اولیای خدا ساری و جاری بود و بزرگان مکاتب از نور حضرتش بهره مند و با تمسک به مقام والایش به خدای متعال تقرب می جستند .

خاتون دو سرا در آینه روایات

در این بین کلام صریح آل الله درباره آن علیا مخدیره از اسراری نهان خبر دارد که حقیقتاً ظرف وجودی منجی بشریت و امام امت آخرالزمان که خواهد بود ؟!

بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) بانوی با کرامتی است که صفات والا و پر شوکتش حکایت از شخصیت عمیق و برجسته اشان دارد و آشنایی با وجود گرانسنگشان از آینه روایات ، عظمت مادر مظلومه امام زمان ارواحنا فداه را بیش از پیش بر ما نمایان و تداعی می سازد .

ص: 115

در این باب مرجع عالیقدر و فقیه شیعیان جهان، دلباخته امام زمان ارواحنا فداه، مرحوم شیخ الفقهاء آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (قدس سره) در کتاب فاخر «منتخب الاثر» به نُه روایت از بیانات گران سنگ ائمه اطهار (علیهم السلام) اشاره نموده و بدان می پردازند.

از جمله احادیث نورانی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) درباره حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این است که پیشوایان دین و ائمه اطهار (علیهم السلام) از او به عنوان شایسته ترین کنیزان، بهترین زنان و یا سرور زنان یاد کرده اند. (1)

بهترین کنیزان

در منابع الموده آمده است که مدائنی می نویسد: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بعد از واقعه نهروان خطبه ای خواند و در قسمتی از آن فرمود: ... پس ای فرزند بهترین کنیزان! تا چه زمان منتظر می مانی؟

امام صادق (علیه السلام) نیز در پاسخ به سؤال ابابصیر که پرسید قائم شما اهل بیت (علیهم السلام) کیست؟

فرمود: ای ابابصیر! قائم ما پنجمین فرزند پسر موسی است، پسر بهترین کنیزان ... (2)

ص: 116

1- بحار الانوار، ج 51، ص 6؛ کشف الغمه، ج 3 ص 265؛ منتخب الاثر، ص 320.

2- کمال الدین، ص 240.

بهترین زنان

در روایتی دیگر است که از حضرت باقر العلوم ارواحنافداه پرسیدند؛ آیا منظور امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جمله «بِأَيِّ يَأْتِنَ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ» یعنی پدرم فدای توای فرزند بهترین زنان حضرت فاطمه (علیها السلام) است؟

حضرت فرمود: «فاطمة خیر الحرائر»⁽¹⁾ فاطمه بهترین زنان آزاده است. یعنی مراد، نرجس، مادر حضرت حجت بن الحسن ارواحنافداه است.

سرور کنیزان

عالم آل محمد (علیهم السلام)، حضرت امام رضا (علیه السلام) نیز در پاسخ به سؤال یکی از شیعیان که قائم شما اهل بیت (علیهم السلام) کیست؟ امام زمان ارواحنافداه را با عظمت و شکوه مادر با کرامتشان معرفی نموده و فرمودند:

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ؛ چهارمین فرزند از فرزندان من و پسر سید کنیزان است. خداوند توسط او زمین را از هرستمی پاک خواهد کرد.»⁽²⁾

سیده زنان

دومین پیشوای مسلمانان جهان، حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از آتش بس با معاویه در جمع بیعت کنندگانش، مظلومانه سخن می گفتند و می فرمودند:

ص: 117

1- . منتخب الاثر، ص 240، به نقل از بحار الانوار .

2- . اعلام الواری، ص 408.

«چه می دانید که من چه کردم! آنچه کردم بهتر است برای شیعیانم از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می کند. آیا من امام شما نیستم و طاعتم بر شما واجب نیست؟! ...»

پس خداوند متعال ولادت (قائم) او را مخفی نگاه داشته و او را غایب می کند. او نهمین فرزند برادرش حسین و پسر سیده زین (سیده الاماء) است. (1)

نرجس، شاهزاده روم

«محمد بن عبد الجبار» روایت می کند: به محضر سرورم امام حسن عسکری (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد! من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست؟ فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ وَالْحُجَّةَ بَعْدِي ابْنِي سَمِي رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) وَ كُنْيَةُ الَّذِي هُوَ خَاتِمُ حُجَجِ اللَّهِ؛ امام و حجت خدا بعد از من، فرزند من است، که همانم رسول خدا و هم کنیه آن حضرت می باشد. او [پایان بخش و] آخرین حجج الهی [و خلیفه از خلفای پروردگار] است.»

پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود؟ فرمود:

« مِنْ ابْنَةِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ، أَلَا أَنَّهُ سَيُولَدُ وَيَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ؛ از دختر پسر قیصر، نوه امپراتور روم. آگاه باش که

ص: 118

1- . منتخب الاثر، ص 206، به نقل از بحار الانوار؛ پیام زن سال نهم، شماره هشتم، آبان 1379، پیاپی 104 .

او در آینده ای نزدیک متولد می شود، و به زودی غایب می شود از میان مردم، غیبتی طولانی سپس ظاهر می شود» (1).

بانوی عترت

حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) « عمّه با کرامت امام عسکری (علیه السلام) » که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است، مادر بزرگوار امام زمان ارواحنا فداه را بانوی خود و بانوی خاندان خویش می خواند و همواره خود را خدمتگزار او می دانست. (2)

همچنین در حدیث محمد بن عبد الله الطهوی از حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) است که حضرت امام عسکری (علیه السلام) در آن فرمودند: « ... هَذَا ابْنُ نَرْجَسٍ وَ هَذَا خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ عَنْ قَلِيلٍ تَقْدُونَنِي فَاسْمَعِي وَ اطِيعِي ... » (3)

زیباترین واژه ها

واژه های زیبا و عطر آگین در کلام ائمه اطهار (علیهم السلام) و توصیف گل ها بر مادر خوبی ها اشاره به آن داشته که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در مرتبه والایی از نورانیت قرار دارد که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) او را « بهترین » و « سیده » یاد نموده و حکیمه خاتون، نام گل ها را (ریحانه، سوسن و ...) بر او نهاد تا تاریخ حریم منور او را چنین معطر و خوشبو استشمام کند و این در حالی است که آن زمانی که آل الله از مادر بقیة الله سخن می گفتند،

ص: 119

1- . شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج 7، ص 137، ح 670.

2- . مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص 66؛ در سنانه تاریخ عصر غیبت، ص 30.

3- . کمال الدین، ص 429.

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هنوز به دنیا نیامده بود، و شاید پدرش «یشوعا» نیز دیده به جهان نگشوده بود.

بانوی برگزیده زمان خویش

وصف «ابن سیدة الإمام» و «ابن خیرة الإمام» در احادیث ذیل اشاره به آن دارد که ایشان یکی از برترین زنان عالم بعد از حضرت زهرا (علیها السلام) است.

«سیدة»؛ یعنی بانو، بی بی، خاتون، بزرگ، شریفه، فاضله، دانا، سرآمد، والامقام... بانویی که مقام بلند و منیعی دارد.

«خیرة»؛ زن برگزیده شده، برترین، بالاترین، باخیرترین، نیکوکارترین سرآمد و زن والامقام است.

واژه «إماء» که جمع أمة است به معنای کنیز و مملوکه می باشد.

خلاصه سخن آنکه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از چنان جایگاه رفیعی نزد قرآن و عترت برخوردارند که معصومین (علیهم السلام) چنین لب به مدحش گشودند و بر او مباحث می نمودند.

خاتون دوسرا

آری! در میان میلیون ها بانوی پرده نشین که در نیمه قرن سوم هجری در شرق و غرب جهان در سرا پرده عفت و پاکی جای داشتند، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد، به سرا پرده خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) راه یابد، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد.

این که بانوی بی همتا، ملکه دو سرا، مادر یوسف زهرا، و وعاء نور خدا، دخت یشوعا و از تبار حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) انتخاب شده است. خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادر فرمانروای جهان هستی حضرت حجت ابن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده است.

فرعون ده ها هزار کودک را سر برید تا از تولد حضرت موسی (علیه السلام) جلوگیری کند ولی، خدا خواست که حضرت موسی (علیه السلام) در خانه فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او در هم پیچد.

کسری و قیصر نیز قرن‌ها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند ولی خدا خواست که در هم کوبنده اکاسره و قیصره از تبار کسری و قیصر باشد.

حافظ سر بزرگ خاندان امامت

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به واسطه صفای باطن و نور عبادات به جایی می رسد که گنجینه رازهای الهی می شود. آنجا که در زیارتنامه او می خوانیم: « وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ [سلام بر تو ای کسی که] اسرار و رازهای الهی به تو سپرده شده است ».

شاید منظور از اسرار پروردگار جهانیان وجود مقدس امام زمان ارواحنافداه است که مدتی نزد نرجس خاتون (علیها السلام) به ودیعه نهاده شد و شاید کراماتی که خداوند به خاطر شایستگی او به وی عطا نمود، مورد نظر است چنانچه در قسمت های پایانی زیارتنامه ایشان می خوانیم که:

« فهناك الله بما منحك من الكرام و امراك ؛ پس گوارا کند خداوند بر تو آن کرامتی را که به تو بخشید و آن را برای تو سودمند گرداند».

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از اسرار الهی بود که تولدش مخفیانه و زندگی اش نیز از اسرار آسمانی است. نرجس خاتون نیز بهترین حافظ این سر بود.

امام حسن عسکری (علیه السلام) به عمه خویش حکیمه خاتون (علیها السلام) فرمود :

(در طلیعه فجر آثار جنین بر تو ظاهر می شود ؛ زیرا مثل او (نرجس) مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت اثری از بارداری او ظاهر نشده و احدی از حال او آگاه نگردد.) (1)

تکرار تاریخ

در تاریخ ، چند مادر بزرگوار وجود دارد که در بارداری با هم شباهت دارند . مادر حضرت ابراهیم و حضرت موسی ، مادر امام رضا (علیهم السلام) و نرجس خاتون (علیها السلام) که از این مادران هستند . این مادران برجسته به یقین از وضع حمل خود اطلاع داشتند ، ولی به علت آگاهی از وضعیت سیاسی و فرهنگی زمان خویش این سیر را همچنان تا هنگام ولادت فرزند حفظ می کردند و اگر چنین نبود در زیارتنامه خاتون سامراء ، حضرت نرجس (علیها السلام) از صفت (حافظ سرّ الله) یاد نمی شد ؛ زیرا این فضیلت آنگاه وجود دارد که شخص از وجود سرّ با خبر باشد . در زیارتنامه ایشان می خوانیم :

ص: 122

1- . اقتباس از بحار ، ج 5 ، ص 10 - 6 ؛ ریاحین الشریعه ، ج 3 ، ص 32 - 24 .

« أَشْهَدُ أَنَّكَ ... وَ حَفِظْتَ سِرَّ اللَّهِ ، وَ حَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ ، وَ بَالَعْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ ؛ شهادت می دهم که تو ... و نگاه داشتی راز خدا را و ولی خدا را حمل کردی و در نگهداری حجت خدا تلاش کردی .»

آنچه که در حیات طیبیه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) اهمیت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به جایی رسید که مادر امام زمان ارواحنافداه شد و در شرایط سیاسی اجتماعی سخت و خطرناکی وارد خانه امامت شد .

نقش حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در طول دوران حیات نورانی شان و به خصوص سال های آغازین عصر غیبت ، بسیار مهم و سرنوشت ساز بود .

آن بانوی با فضیلت که در فضای اختناق آمیز سامرا در آن زمان و نگرانی های مادرانه اش ، برای حفظ جان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فداکاری های بی شائبه ای انجام داد و رنج زندان ، آزار ، اذیت و بازداشت های طولانی را تحمل نمود و انواع خطر ها و رفتار آزار دهنده مأموران حکومت عباسی را به جان خرید تا بتواند سر بزرگ خاندان امامت را حفظ نموده و از یگانه منجی عالم حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دفع خطر نماید .

آبروی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نزد خدا

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به خاطر از خودگذشتگی هایش در محافظت از امام زمان ارواحنافداه و دفاع جانانه اش از حریم امامت ، از زنان آبرودار و صاحب مقام نزد خدای سبحان بوده که درگاهش پناهگاه بی کسان و

نامیدان شده است . از این رو ، نزد مسلمانان و دلباختگان آل الله (علیهم السلام) ، منزلتی والا دارد و کرامت هایی از او نقل کرده اند .

از فضائل و ویژگی های مقام والای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مستجاب الدعوة بودن آن مادر بزرگوار نزد خداوند است تا جایی که این ادعا به تواتر برای اهل این زمان ثابت شده است .

از این رو اولیای خدا روش های مختلفی را بر اساس آنچه نزد خود می پنداشتند به مردم توصیه نموده و مردم را به توسل به ذیل عنایات مادر با عظمت امام زمان ارواحفاده دعوت می کردند .

راه های توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

میرزای شیرازی و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

آية الله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی (قدس سره) (میرزای دوم) ، در جریان بیماری وبا به اهالی سامرا حکم فرمودند : همه مردم ، به مدت ده روز ، مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثواب آن را به روح نرجس خاتون والده ماجده حضرت حجة بن الحسن (علیهما السلام) هدیه نمایند تا آن حضرت در پیشگاه خداوند شفاعت کند که خداوند شیعیان این سامان را از بیماری مهلک وبا نجات دهد و فرمودند : من ضامن می شوم هر کس این عمل را انجام دهد ، مبتلا به عارضه وبا نگردد .

آیه الله العظمی وحید خراسانی (دام ظلّه) و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) برای دفع کرونا و ...

از آن جا که دعای دسته جمعی، مورد تأکید و مقرون به استجاب است، توصیه می شود ان شاء الله همگان در منازل و در جمع خانواده، رأس ساعت یازده شب نیمه شعبان، دعای «الهی عظم البلاء» را خوانده و بعد از آن یک سوره حمد، هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، مادر گرامی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمایند.

همچنین حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی می فرمودند:

کسی که هر شب سوره یاسین را قبل خواب بخواند و ثواب قرائت آن سوره شریفه را هدیه بدهد به روح حجه الله علی الحجج، حضرت صدیقه طاهره زهرا (علیها السلام) و هر روز بعد از نماز صبح دعای عهد بخواند و هدیه بدهد به روح مادر مکرمه امام زمان (روحی له الفداء) خانم نرجس خاتون (علیها السلام) قطعاً عاقبت به خیر خواهد شد چه بخواند و چه نخواند.

همچنین معظم له در دستورالعملی برای شفای مؤسس دهه غدیر، مرحوم آیه الله نظری خادم الشریعه (قدس سره) به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) تأکید نمودند که بدین شرح می باشد:

الف. ختم قرآن یکی به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) و دیگری به نیت حضرت نفیسه خاتون (علیها السلام).

ب. یک گوسفند قربانی کنید و فقط بین فقرا توزیع کنید.

ج. 70 مرتبه سوره حمد در موضع درد خوانده شود.

بیان آیت الله مجتهدی از توسل بزرگان به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

مرحوم آیت الله مجتهدی (قدس سره) در درس اخلاقشان می فرمودند :

چهل سال پیش ، من گرفتاری داشتم . آیت الله سیبویه ، عموی مرحوم آیت الله میرزا احمد آقای سیبویه واعظ که در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند به من فرمودند : به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسل شوید . ایشان چون مادر ولیّ وقت ما هستند ، به فرزندشان می فرمایند که : پسرم! این شخص به من متوسل شده ، خواسته اش را بده .

هزار صلوات یا یک ختم قرآن نذر ایشان کن تا گرفتاریت برطرف شود ...

توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار « سورة مبارکة انا فتحنا » را قرائت کنید و ثواب آن را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان ارواحنا فداه هدیه کنید .

شیخ جعفر مجتهدی

به مسجد جمکران مشرف شوید و نماز حضرت را بخوانید و ثوابش را به روح منوره مادر بزرگوارشان بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید . و پس از پایان صلوات هایی که در سجده بعد از نماز گفته می شود ، رو به قبله بنشینید و سیصد و سیزده مرتبه « یا حجة الله » بگویید . سپس به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض کنید : « شما به فرزند عزیزتان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگویید مشکل مرا رفع کنند . » چون احسان و اکرام والدین واجب است ، حتماً حضرت عنایت می فرمایند. (1)

ص: 126

1- . به نقل از خطیب توانا، حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسین هاشمی نژاد .

راز استجابات در توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

« تشریف خادم حرم عسکرین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای بیمار سرطانی »

یکی از خدام مخلص و با صفای حرم مطهر امامین عسکرین (علیهما السلام) در سامرا به نام سید عدنان که در شهر کوت زندگی می کرد و برای خادمی حرم در سامرا مستقر می شد، کرامت شگفتی را نقل می کند که نتیجه توسل به مادر با عظمت امام زمان ارواحنا فداه، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد.

سید عدنان می گوید: مدتی بود که همسرم به بیماری سرطان مبتلا شده بود و هر چه برای مداوایش تلاش کردیم راه بجایی نمی بردیم و روز به روز حالش بد می شد. از آنجایی که مفتخر به خادمی درگاه عسکرین (علیهما السلام) بودم به حضرت هادی (علیه السلام) و سپس به امام عسکری (علیه السلام) و امام زمان ارواحنا فداه متوسل شدم پاسخی نشنیدم و در اضطراری سخت فرو رفتم. گویا شفای همسرم را به دیگری حواله نموده بودند و در آن مقام پاسخی به من نمی دادند.

پس از توسلات عدیده به دلم افتاد که دست التجاء و توسل را به سمت خاتون سامراء، مادر مظلومه امام زمان ارواحنا فداه، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) بگشایم و به آن بانوی با فضیلت متوسل شوم، تا شاید به عظمت عروس حضرت زهرا (علیها السلام) گوشه چشمی به ما کنند.

با اضطرار و دلی شکسته به حرم مطهر مشرف شدم و مستقیماً به سمت قبر مطهر حضرت نرجس (علیها السلام) رفتم و خود را به ضریح مطهر چسبانیدم و به مادر خوبی ها متوسل شدم. به بی بی عرضه داشتم:

بی بی جان! من خادم حرم شما هستم!، جاروب کش آستان با کرامت شما هستم . همسرم به سرطان مبتلا شده ، خودتان عنایت بفرمایید و شفایاش دهید... ، گوشه چشمی کنید . به غیر از در خانه شما کجا روم؟! اگر نوکر مشکلی داشت ، به اربابش نگوید به چه کسی می تواند بگوید؟! من هر چه به آقازاده تان امام زمان ارواحنافداه می گویم توجهی نمی کنند! هر چه به امام عسکری و امام هادی (علیهما السلام) متوسل شدم خبری نیست! دست به دامان شما شدم . شما به آقا زاده تان حجت بن الحسن ارواحنافداه بفرمایید که فکری به حال من بیچاره و سرطان زخم بکنند .

درد دل ها و عقده گشایی ها کردم و با چشمی اشکبار از حرم بیرون آمدم . تا وارد ایوان حرم مطهر شدم ، دیدم وجود نازنین امام عصر ارواحنا فداه تشریف آوردند .

وقتی نگاه مبارکشان به من افتاد سبقت در سلام داشته و با لحنی زیبا و مهربان خطاب به من جمله ای به این مضمون فرمودند : ... می دانی مرا از کدامین سرزمین به اینجا کشانیدی و چنین به مادرم شکوه نمودی ؟ می دانی تا چه اندازه گرفتاری دارم ؟ چقدر در پی نجات مردم مشغولم ؟ هزاران هزار نفر در دنیا من را صدا می زنند و به من متوسل می شوند. آیا می دانی از کجا سوی تو آمدم ؟

سپس حضرت روی سکویی در صحن ایوان نشستند و من هم در خدمتشان ایستاده بودم . از مهابت و عظمت حضرت ، بدنم خشکیده بود و همین طور از سر و صورتم عرق می ریخت . مثل چوب خشک شده بودم .

همین طور که عرق می ریختم ، حضرت چند مرتبه با انگشت مبارکشان عرق را از پیشانی من پاک کردند و دو بار پیشانی مرا بوسیدند .

بعد در خدمتشان به سرداب مقدّس رفتیم و به عبادت مشغول شدند و حدود دو ساعت در خدمتشان بودم .

بعد حضرت به من فرمودند : برو به کوت ، وقتی به کوت رسیدی ، من دو مرتبه به آنجا می آیم و خانمت شفا پیدا می کند .

بعد از آن دو مرتبه به کوت رفتم و حضرت دو مرتبه تشریف آوردند و خانمم شفا پیدا می کند . در خلال این دیدار به امام زمان عرضه داشتم ، آقا من می ترسم و نگرانم . حضرت فرمودند : برای چه ؟!

عرض کردم : ... مولای من! تولیت حرم عوض شده است و مدیران تغییر می کنند . می ترسم توفیق خدمت حرم سامرا را از من بگیرند .

حضرت فرمودند : « چه کسی جرأت دارد تو را بیرون کند تا من نخواستم ؟ تو متوجه نیستی ! چند بار من مهدی ، حجت خدا آمده ام و کنار تو نشسته ام ، با تو غذا خورده ام ... و تو متوجه نبوده ای ... » و چنین شد به عنایت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) همسرم شفا گرفت و من هم به زیارت مولایم امام زمان ارواحنافداه نائل شدم و خادمی ام در حرم عسکریین (علیهما السلام) تثبیت شد . (1)

ص: 129

1- . به نقل از دانشمند معزز ، حجت الاسلام والمسلمین معاونیان (در سخنرانی دهه محرم 1441 قمری ، در کربلا-) به روایت از آقای شیخ سیف العائدی مسئول امور فرهنگی آستان مقدس عسکریین که این تشرف به تأیید حضرت آیه الله العظمی سند (دام ظلّه) نیز رسیده است .

به قلم : مجتهد ولایی و استاد حوزه علمیه قم برای بانوان ، حاجیه خانم زهره صفاتی (مشهور به بانو مجتهد صفاتی) از بنیان گذاران حوزه علمیه خواهران قم

نور ولایت در قلب مطهر حضرت نرجس (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

درود بر پیامبر عظیم الشان اسلام و خاندان طاهرين آن حضرت . خداوند ، اسلام عزیز را به ما ارزانی داشت تا به سعادت ابدی انسان را رهنمون باشد .

حقیقت اسلام به دو امر قوام دارد . یکی مقام ولایت و دیگری رسالت . مقام ولایت ، مقام ایجاد است و مقام رسالت مقام تکمیل و فعلیت است . « بنا خلق الوری » و « بنا رزق الوری » به مقام ولایت حضرات معصوم (علیهم السلام) اشاره دارد . به تحقیق این نفس انسانی ، حیثیت روحانی و مبداء قرب الهی دارد : « وَ نَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي » رسول خدا دارای دو مقام بودند مقام ولایت که مقام ایجاد است و مقام رسالت که مقام تکمیل است .

مقام ولایت تعبيرات مختلف دارد . یکی از آن ها مقام عبدیت می باشد . بر این اساس در تشهد نماز فرمودند : « أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ » .

همه انبیا و اولیا و مقربین در عهد معهود پیمان و میثاق داشتند « وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى

ابن مَرِيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (1) و موظف به اظهار و اقرار در محضر ربوبی پروردگار حق متعال و جمیع ملائکه و روح القدس بوده اند .

مقام ولایت ، مقام ایجاد است و بر اساس همین سرّ ، خداوند تبارک و تعالی به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) امر به ابلاغ تمامیت رسالت نمود به حدی که « وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (2) و این بیان صریحی است در منوط نمودن مقام سالت به مقام ولایت .

شناخت نسبت به مقام ولایت مطلقه پیامبر و خاندان مطهر آن حضرت گنجینه ای است که خداوند به دوستداران این راه افاضه می کند .

یکی از برجسته ترین ویژگی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سوختن گرد شمع ولایت علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) است . داستان پر رمز و راز این بانوی بزرگ و انتقال از قصر پادشاه روم به خانه امام هادی (علیه السلام) چیزی نیست که آن را به صورت یک اتفاق و رخ داد عادی تلقی کرد . بلکه این واقعه مهم پر از رمز و راز است ، هر چه هست حاکی از نورانی شدن ضمیر و قلب مطهر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به نور ولایت است ، همان چیزی که او را بی قرار و شیفته رسیدن به این نور نمود . او که از تبار شمعون وصی حضرت عیسی (علیه السلام) است با آمدن به خانه امام هادی (علیه السلام) و پیوند ازدواج او با ابومحمد امام حسن عسکری (علیه السلام) در واقع بین خاندان شمعون و خاندان آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پیوند زده شد .

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این شایستگی و ظرفیت را داشت تا حامل خاتم اوصیاء و حقیقت همه انبیاء و اولیاء باشد و اسرار پروردگار جهانیان

ص: 131

1- . احزاب / 7 .

2- . مانده / 67 .

در دامن پاک نرجس خاتون (علیها السلام) که همان منجی جهان بشریت است پرورش یافت . و وضع حملش مانند مادر موسی (علیه السلام) است ؛ زیرا هنگام ولادت اثری از بارداری در او ظاهر نشده و کسی از حال او آگاه نبود . او ظرف وجود نورانی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و محل ودیعه اسرار خداوند و گنجینه اسرار الهی است ؛ زیرا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سرّالله است و نرجس خاتون (علیها السلام) امانتدار آن امانت الهی است و او به نیکوترین وجه از آن محافظت نمود و او را سرپرستی و نگهداری کرد و امانت دار امینی بود و در نگهداری ولی خدا سخت کوش بود . و لذا در فرازی از زیارت این بانوی دو سرا خطاب به ایشان عرضه می داریم که : شما در نگهداری حجت خدا سخت کوشیدی و نسبت به پیوند با فرزندان رسول خدا رغبت ورزیدی در حالی که به حقشان عارف و به صدقشان مؤمن و به مقامشان معترف و به کارشان بینا و بر آنان غمخوار بودی و محبت آنان را بر محبت دیگران ترجیح دادی . مادر والا گوهر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از پیش ، مورد توجه امامان معصوم (علیهم السلام) بوده و در معرفی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ویژگی های حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) معرفی می شود .

خداوندا ! ما را به راه اسلام و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم بدار . در پایان از همه دست اندرکاران این برنامه معنوی سپاسگزارم و توفیق بزرگوران را از خداوند متعال خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

زهره صفاتی

10 رجب 1444

12 بهمن 1401

ص: 132

اشاره

به قلم : نویسنده محقق حجت الاسلام

آقای سید محمد موحد ابطحی

گنجینه عصمت

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، مادر گرامی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بانوی عالی رتبه ای است که متأسفانه به خاطر قصور و تقصیر جامعه شیعه و همچنین عناد مخالفین، زوایای مختلف زندگی و مقامات ایشان ناشناخته مانده است، عمر کوتاه این بانو و شرایط خفقان و تقیه شدیدی که در زمانه ایشان حاکم بود، امروزه ما را از معرفت و شناخت کافی نسبت به این بانو محروم کرده و جز اندکی از مقامات و فضایل ایشان، آگاهی چندانی در دست نداریم. شاید همین یک فراز از فرمایش امام صادق (علیه السلام) برای نشان دادن فضای سیاه و خفقان حاکم بر شهر سامرا کفایت کند که سدیر صیرفی گوید محضر امام مشرف شدم و حضرتش را در حال گریه شدیدی دیدم همانند گریه زن جوان مرده!! وقتی علت گریه ایشان را پرسیدم، حضرت فرمودند: هم اکنون کتاب جفر که در آن اخبار بلایا و منایا تا روز قیامت آمده را مطالعه می کردم و احوال ولادت قائم ما اهل بیت و غیبتش را میخواندم که باعث گریه و ناراحتی من همین بود⁽¹⁾. توجه به این مطلب ضروری است که وقتی احوال ولادت و زمانه ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و

سختی های آن باعث گریه و ناراحتی امام صادق (علیه السلام) شده، شخص نرجس خاتون (علیها السلام) که در مرکز این حوادث و مشکلات قرار دارد و حامل این نور الهی

ص: 133

1- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 352.

است بیشترین فشار و اذیت را متحمل می شود. خصوصاً که به خاطر حفظ جان امام، بایستی جلالت قدر این بانو بر دیگران مخفی و پوشیده می ماند تا کمتر مورد حسادت و دشمنی بنی العباس و گماشته های آنان قرار بگیرد. چرا که از امام عسکری (علیه السلام) نقل شده: بنی امیه و بنی العباس به دو دلیل دست به کشتار ظالمانه خاندان رسالت می زدند، اول اینکه می دانستند حق خلافت با ماست و می ترسیدند که ادعای خلافت کنیم و امر خلافت از دست آنان خارج شده و در جای خودش قرار گیرد و دلیل دوم اینکه آنان از اخبار متواتر می دانستند که نابودی ملک و حکومت ظالمین به دست قائم ما خواهد بود و شکی نداشتند که آن ظالمین خودشان هستند پس با تمام توان سعی در کشتار اهل بیت پیامبر می کردند به این امید که بتوانند مانع متولد شدن قائم ما گردند یا اینکه بتوانند او را بکشند و خداوند نیز اراده فرمود که امر ولادت او بر بنی العباس مخفی بماند تا نور خویش را در زمین کامل کند ولو اینکه کافرین نخواهند. (1)

به هر روی مجموع عوامل فوق باعث شد تا از فیض معرفت و شناخت این بانو آن طور که شایسته و بایسته است محروم بمانیم اما باز هم در لا به لای کلمات نورانی اهل بیت:، تالوهایی از مقامات حضرت نرجس

ص: 134

1- . قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ (العسکری) (علیه السلام): قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَ بَنُو الْعَبَّاسِ سُيُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ فَيَخَافُونَ مِنْ ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَ سَتَّ بَقَرَهَا فِي مَرْكَزِهَا، وَ ثَانِيَهُمَا أَنَّهُمْ قَدَّ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا، وَ كَانُوا لَا يَشْكُونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ إِبَارَةِ نَسْلِهِ طَمَعاً مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوْلُدِ الْقَائِمِ (علیه السلام) أَوْ قَتْلِهِ، فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج 5، ص 195.

خاتون (علیها السلام) برای ما قابل مشاهده است که در این نوشتار با رعایت اختصار به ذکر چند نمونه از آنها خواهیم پرداخت، امید که این ناچیز مقبول نظر یگانه فرزندش حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افتد.

سید و سرور بانوان (سیدة الاماء)

یکی از مقاماتی که خاندان رسالت با آن مدح شده اند، مقام سیادت و برتری آنان بر دیگران است که گاه به صورت مطلق و گاه مقید بیان شده است به عنوان مثال در روایات معصومین:، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با القابی چون سیدالعرب، سیدالخلاقیق، سیدالمؤمنین، سیدالمسلمین، سیدالصّٰدیقین، سیدالمتّقین، سیدالموحّدین، سیدالزّهّاد، سیدالانقیاء، سیدالصّٰدقین، سیدالشّهّاء، سیدالبرره، سیدالاولیاء، سید فی الدنیا و سید فی الاخره، سیدولد آدم یوم القیامه، سیدمبجّل (1)، و... خوانده شده اند. بدیهی است این مقام سیادت که صرفاً توسط خداوند تبارک و تعالی عطا می شود چیزی فراتر از ریاست و زعامت اجتماعی و این دنیایی است و حاکی از علوّ واقعی و حقیقی روحی و جسمی صاحب لقب می باشد. که لازمه این علوّ شأن و رتبه، فرمان پذیری و تسلیم بودن دیگران نسبت به صاحب این مقام است.

در روایتی نقل شده زمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با لقب «سید العرب» خواندند عایشه که هیچ گاه تاب شنیدن فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را

ص: 135

1- . برای مطالعه اسناد و روایاتی که این القاب مبارکه در آن ذکر شده ر.ک به کتاب اسماء و القاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، تألیف علی اصغر شکوهی قوچانی .

نداشت به ایشان اعتراض کرد که مگر شما سید العرب نیستید؟ حضرت پاسخ دادند:

من سید فرزندان آدم هستم و علی سید العرب است.

سپس عایشه از ایشان پرسید معنای سید چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: سید کسی است که اطاعتش لازم و واجب است همانطور که اطاعت من لازم و واجب است. (1)

در روایت دیگری حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ سَيِّدًا؛ خداوند تبارک و تعالی هیچ خلقی را نیافرید الا اینکه برای آن سیدی قرار داد!!

از این دو روایت شریفه برداشت می شود که اولاً مقام سیادت به جعل و وضع خداوند تبارک و تعالی است و تفضلی است که به برخی از آفریدگانش عطا می نماید و ثانیاً این سیادت معنایی بسیار عمیق و والا دارد که به گوشه ای از معنای آن در روایت نبوی فوق اشاره شده بود.

حال روشن تر می شود که چرا چهار امام معصوم از سال ها قبل در بین کلمات نورانی خویش با اشاره به مقامات عالیه این بانوی بزرگوار، نرجس خاتون را با لقب «سیادت» یاد کرده و آیندگان را به عظمت و جود این بانو، متوجه ساخته اند.

ص: 136

1- قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): عَلِيُّ سَيِّدِ الْعَرَبِ. فَقَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ سَيِّدَ الْعَرَبِ؟ فَقَالَ: أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَعَلِيُّ سَيِّدِ الْعَرَبِ. فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا السَّيِّدُ؟ قَالَ: مَنْ افْتَرَضَتْ طَاعَتَهُ كَمَا افْتَرَضَتْ طَاعَتِي. توحيد الصدوق، ص 207.

زمانی که امام حسن (علیه السلام) مجبور به صلح با معاویه شدند، برخی از جهال به حضرتش خرده گرفتند. ایشان در پاسخ، خطبه ای ایراد فرمودند و بیان کردند که مصلحت شیعه بر این صلح بوده و این عمل موجب حفظ آخرین وصی و خاتم الاوصیاء خواهد بود و ایشان را با انتساب به مادر مکرمه شان نرجس خاتون (علیها السلام)، آن هم با لقبی بس سترگ معرفی نمودند و فرمودند:

ذَلِكَ النَّاسُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ؛ او نهمین فرزند برادرم حسین (علیه السلام)، پسر سرور کنیزان است. (1)

در روایت دیگری هنگامی که امام صادق (علیه السلام) قصد داشتند حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای ابوبصیر معرفی و شباهت های ایشان را با انبیاء سابق، بیان کنند؛ حضرتش را با نسبت مادری معرفی کرده و با اشاره به مقام سیادت این بانو، بلندی مرتبه نرجس خاتون را متذکر شدند. حضرت در این روایت شریفه فرمودند:

يَا أَبَا بَصِيرٍ! هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ؛

ای ابوبصیر! او پنجمین فرزند پسر موسی می باشد، او فرزند سرور کنیزان است. (2)

از حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم (علیه السلام) نیز روایت شده که حضرتش بعد از بیان برخی ویژگی های خاص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند:

ص: 137

1- . احتجاج طبرسی، ج 2، ص 290.

2- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 345.

... وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ وَ مَهْدِيْ هُمُوسْتِ كِه ... تَمَامِي شَيْطَانِ هَاي رَانْدِه شُدِه بِه دَسْتِ اَوْ بِه هَلَاكْتِ مِي رَسَنْدِ وَ اَوْسْتِ فَرْزَنْدِ سُرُورِ كَنْيَزَانِ . (1)

حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز در روایتی که به بیان فضایل و خصائص حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می پردازند ، ایشان را با دو خصیصه مهم معرفی می کنند :

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ اَوْ چَهَارمینِ فَرْزَنْدِ مِنْ وَزَادِه سُرُورِ كَنْيَزَانِ اسْتِ . (2)

در روایت دیگری که مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) در بحارالانوار از کمال الدین ذکر کرده اند مطلبی بس عظیم وجود دارد که از زبان حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) نقل شده است ایشان می فرماید : من بعد از شهادت امام هادی (علیه السلام) گاهی به زیارت حضرت امام عسکری (علیه السلام) می رفتم یک روز که به دیدار پسر برادرم امام عسکری (علیه السلام) رفته بودم :

فَجَاءَتْني نَرْجِسُ يَوْمًا تَخْلَعُ خُفِّي وَ قَالَتْ: يَا مَوْلَاتِي نَاوِلِي خُفَّكَ ، فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَ مَوْلَاتِي وَ اللَّهُ لَا دَفَعْتُ إِلَيْكَ خُفِّي لِتَخْلَعِيهِ وَ لَا تَخْدَمْتِنِي بَلْ أَخْدَمُكَ عَلَى بَصْرِي فَسَمِعَ أَبُو مُحَمَّدٍ (علیه السلام) ذَلِكَ فَقَالَ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا عَمَّةَ ...؛

نَرْجِسِ (علیها السلام) نَزْدِ مِنْ آمَدِ تَا كَفَشِ از پَایمِ بیرون آورد و گفت : ای بانوی

ص: 138

1- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2 ، ص 369.

2- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2 ، ص 372.

من! بگذار تا کفش شما را در بیاورم به او گفتم : من مولای تو نیستم بلکه تو سیده و مولای من هستی و الله اجازه نمی دهد که کفشم را در بیاوری و خدمت من کنی بلکه من خدمت کردن به تو را به روی چشم می پذیرم !!! چون امام عسکری (علیه السلام) گفتگوی ما را شنیدند فرمودند: ای عمه! خداوند جزای خیر به تو عنایت کند. (1)

برای فهم بهتر روایت فوق ، لازم است بدانیم بی بی حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) و خواهر امام هادی (علیه السلام) و عمه امام عسکری (علیه السلام) بوده اند . علاوه بر جلالت قدر ایشان ، که به فرموده علامه مجلسی از سفراء حضرت و ابواب امام عسکری (علیه السلام) و از مخصوصین ائمه و صاحب سر حضرتش بوده اند (2) مری و استاد حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز می باشند با این وجود نه تنها اجازه نمی دهند که نرجس خاتون (علیها السلام) ایشان را سیده خویش بخواند ، بلکه حضرت نرجس را سیده خویش خطاب می کنند و مهم تر اینکه امام عسکری (علیه السلام) مهر تأییدی بر این عمل زده و این اعتقاد حکیمه

ص: 139

1- . بحار الانوار ، ج 51 ، ص 12 .

2- . مرحوم علامه مجلسی ، در جلد 99 کتاب بحار الانوار در ص 78 با این عبارات حکیمه خاتون را معرفی می کنند : اعلم أن في القبة الشريفة قبرا منسوبا إلى النجبية الكريمة العالمة الفاضلة التقية الرضية حكيمة بنت أبي جعفر الجواد (عليهما السلام) ولا أدري لِمَ لم يتعرضوا لزيارتها مع ظهور فضلها وجلالتها ، وأنها كانت مخصوصة بالأئمة عليهم السلام ومودعة أسرارهم ، وكانت أم القائم عندها وكانت حاضرة عند ولادته (عليه السلام) ، وكانت تراه حيناً بعد حين في حياة أبي محمد العسكري وكانت من السفراء والأبواب بعد وفاته ، فينبغي زيارتها بما أجرى الله على اللسان مما يناسب فضلها وشأنها والله الموفق.

خاتون را امضاء می فرمایند، تا جای هیچ شک و شبهه ای بر دیگران باقی نماند و عظمت شأن این مخدره والامقدار، مادر گرامی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر همگان روشن گردد.

بانوی برگزیده

یکی دیگر از مقاماتی که نشانگر علو رتبه و شأن این علیا مخدره است، مقام اختیار و برگزیده شدن توسط خداوند تبارک و تعالی می باشد که در روایات متعدد از حضرات معصومین:، حضرت نرجس (علیها السلام) موصوف به این مقام « خیرة الاماء » شناسانده شده اند و حق هم همین است، چرا که مقدر شده، ایشان حامل کننده نور خاتم الاوصیاء باشد که طبق روایات در بین انوار معصومین « كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ » است طبعاً بایستی بانویی برای این مهم برگزیده و اختیار شود که سر آمد زنان بوده و شایسته لقب «خیرة الاماء» باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای که بعد از جنگ نهروان ایراد کردند، از آخرالزمان و فتنه های آن خبر دادند، در این بین یکی از مستمعین از حضرتش پرسید: بعد از این همه فتنه و مصیبت چه خواهد شد؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُفْرِجُ الْفِتْنََ بِرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ كَتَفْرِيحِ الْأَدِيمِ ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ ... ؛ سپس

خداوند این فتنه را توسط مردی از ما اهل بیت بر طرف کرده و مانند جدا کردن پوست از گوشت، فتنه ها را از شما دور و

جدا می سازد . پدرم فدای فرزند برترین کنیزان (1).

روایت دیگری نیز از امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده که عبارت آن حاکی از این است که : سیره و عادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این بوده که هر گاه امام حسین (علیه السلام) بر ایشان وارد می شدند می فرمودند :

«بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ...» (2) پدرم فدای تو باد ای کسی که پدرِ، زاده برترین کنیزان هستی .

طبق روایت فوق دو نکته مهم در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر ما مشخص می شود اول اینکه ایشان اهتمام فراوانی به ذکر و یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته اند که البته این اهتمام در دیگر خطبه ها و فرمایشات حضرت نیز کاملاً مشهود است .

دوم اینکه یاد امام عصر قرین با یاد مادر بزرگوارشان و اشاره به مقام والای برگزیده شدن نرجس خاتون (علیها السلام) توسط خداوند بوده است .

در ادامه بحث ، ذکر این نکته ضروری است که القاب و کلماتی که از لسان حضرات معصومین: صادر می شود دارای وجوه متعدد معنایی است و همانطور که خود ائمه (علیهم السلام) فرموده اند : همانند کلام الله دارای بطون مختلف هست (3).

ص: 141

1- . الغارات ، ج 1 ، ص 12 .

2- . مقتضب الاثر ، ص 31.

3- . روایات متعددی در این زمینه از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و حتی به شیعیان توصیه شده که وجوه مختلف کلام اهل بیت را یاد بگیرند ، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که کلام ما بر هفتاد وجه معنا می شود و مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) نیز در جای جای کتاب شریف بحارالانوار بر این قاعده تصریح و تاکید دارند به عنوان نمونه ر.ک به: بحارالانوار ، ج 36 ، ص 413 ، ج 55 ، ص 45 و ج 56 ، ص 21.

در روایتی آمده که راوی از امام رضا (علیه السلام) سؤال کرد که چرا کنیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) « ابوالقاسم » است؟

حضرت پاسخ دادند:

چون ایشان فرزندی به نام قاسم داشتند از این روی مکنی به ابوالقاسم شدند راوی (که از این قاعده تعدد بطون و معانی کلمات اهل بیت آگاه بوده) مجدداً سؤال می کند که آیا در من این اهلیت را می بینید که اضافه بر این معنا برایم بفرمایید؟ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: بلی آیا نشنیده ای که علی قسیم جنت و نار است؟ پس او قاسم الجنة و النار است و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به منزله پدر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند؛ لذا مکنی به ابوالقاسم شدند. (1)

بعد از توجه به این قاعده به این نتیجه خواهیم رسید که وقتی حضرات معصومین (علیهم السلام) برای این بانو از لقب « سیده الاماء » و « خیره الاماء » استفاده می کنند علاوه بر معنای ظاهری آن که اشاره به کنیز بودن حضرت نرجس (علیها السلام) (حسب ظاهر) و سیادت داشتن و برگزیده بودن ایشان بر دیگر کنیزان است و معنای عمیق تری هم دارد که همانا کمال عبودیت و بندگی خداوند تبارک و تعالی است، یعنی این مقام سیادت و اختیار را نسبت به همه زنان مؤمنه دارا بوده است همانطور که این تعبیر برای حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) نیز به کار برده شده و از ایشان به « أُمَّةُ اللَّهِ » تعبیر شده است.

ص: 142

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيِّ اللَّهِ فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. (1)

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هنگامی که در بهشت داخل شدم مشاهده کردم که با خط طلا بر درب بهشت این کلمات نوشته شده « خدایی جز الله نیست و محمد حبیب اوست و علی ولی خداست و فاطمه بنده اوست و حسن و حسین برگزیدگان خدا هستند و لعنت و نفرین خداوند بر دشمنان آنها باد.»

البته در ضمن مطلبی که در قبل ذکر شد و بی بی حکیمه خاتون حضرت نرجس (علیها السلام) را سیده و مولای خویش خواندند و تقریر امام بر عمل ایشان نیز شاهد دیگری بر صدق این ادعاست.

بانوی طاهره و مطهره

یکی از مقامات و شئون بسیار والا که جمیع مادران اهل بیت (علیهم السلام) دارا هستند، مقام طهارت است که این طهارت ذاتی لازمه تحمل نور امامت است. روایات بسیاری بر این مطلب دلالت دارد که در ذیل به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

1. حضرت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند:

ص: 143

1- . خصال شیخ صدوق، ص 324.

«لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يُفْلِنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ؛ (1) پیوسته خداوند مرا از صلب های پاک به رحم های پاک منتقل می کرد .

این مضمون به قدری از حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در منابع فریقین به نحو متعدد روایت شده که عدّه کثیری از علمای فریقین بر صحت این قاعده و تعدد طرق آن اقرار کرده و حتی کتب مستقلی در این زمینه تألیف کرده اند که پرداختن به آن در این مختصر نمی گنجد .

2 . در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به حضرتش به همین مطلب شهادت داده و می خوانیم :

«اللَّهُ هَدَىٰ أُنَّاكَ الشَّجَرَةَ الطَّيِّبَةَ لَمْ تَزَلْ بِعَيْنِ اللَّهِ تَتَنَاسَخُ فِي أَصْلَابِ الْمُطَهَّرِينَ وَتَنْتَقِلُ فِي أَرْحَامِ الطَّاهِرَاتِ الْمُطَهَّرَاتِ» ؛ (2) شهادت می دهیم که تو درخت و دودمان پاکی هستی که همواره در محضر خدا از صلب های پاک به رحم های پاک و پاکیزه شده منتقل می شوی .

3 . در زیارات متعدد حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نیز عیناً به همین مطلب اشاره شده و شهادت می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا» ؛ (3) شهادت می دهیم که شما نوری بودید در

ص: 144

1- . البرهان ، ج 7 ، ص 246.

2- . بحار الانوار ، ج 97 ، ص 322.

3- . این تعبیر با کمی اختلاف در زیارت وارث، زیارت اربعین، زیارت عید فطر و قربان و غیر اینها نیز آمده است.

اصلاب والا و رحم های پاک که هیچ گونه نجاستی از نجاسات جاهلیت به شما ملاقات نکرده است .

4 . در زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) نیز این مطلب آمده که :

« لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ - يَسْخُكُم فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَسَّكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنَبَتُكُمْ»⁽¹⁾؛ پیوسته خداوند شما را در صلب های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و فتنه هایی که از خواهش های نفس پیدا می شود ، شریک و همتای شما نشده است ، پاکیزه اید و محلّ نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه می باشد .

این مقام طهارت که نشانگر پاکی مادران اهل بیت (علیهم السلام) از هرگونه نجاست و آلودگی مادی و معنوی است و طبعاً دلالت بر پاکی و عصمت این مخدرات از هر گونه اشتباه و گناه می کند (چرا که جمیع انجاس جاهلی از این مخدرات نفی شده و اینان را میرا از هرگونه رجس و نجسی می داند) علائم و نشانه هایی را نیز به همراه دارد که یکی از این علامت ها دور بودن این بانوان از برخی ویژگی های زنان همانند دیدن خون حیض و نفاس است .

در مورد حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) یکی از اسامی حضرتش « بتول » نامیده شده و در روایات متعدد بیان شده که بتول به بانویی اطلاق می شود که خون حیض و نفاس نمی بیند .

ص: 145

1- . مصباح المتهجد ، ص 714.

در روایتی نقل شده که اسماء بنت عمیس می گوید: در ولادت یکی از اولاد حضرت زهرا (علیها السلام) حاضر بودم و هیچ خونی از حضرتش ندیدم، علت را که از پیامبر جویا شدم. حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: زیرا فاطمه طاهرة مطهره است!! (1)

در روایت صحیحیه و مشهوره امام کاظم (علیه السلام) نیز به مقام « طهارت و عصمت » صدیقۀ کبری (علیها السلام)، با اشاره به همین مطلب توجه داده شده که حضرت فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ وَإِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَطْمَأَنَّ؛ قطعاً فاطمه (علیها السلام) صدیقۀ شهیده است و دختران انبیاء دچار حیض نمی شوند

این مطلب با نقل روایتی که مرحوم علامه طبرسی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل می کند محکم تر می شود:

وقد روی عنهم (علیهم السلام) ان سبیل أمهات الأئمة (علیهم السلام) سبیل فاطمة (علیها السلام) في ارتقاع الحيض عنهن؛ (2) به تحقیق از اهل بیت روایت شده که جریان امر در مادران ائمه (علیهم السلام)، مانند حضرت فاطمه (علیها السلام) است در اینکه خون دیدن از آنان برداشته شده است.

بعد از بیان و اثبات این مطلب به نحو عام که مادران اهل بیت (علیهم السلام) دارای مقام طهارت و عصمت هستند و اینکه یکی از نشانه های این مقام،

ص: 146

1- . عیون المعجزات، ص 58 .

2- . تاج الموالید، ص 79 .

ندیدن خون حیض و نفاس است؛ نقل مطلب مهمی از سفیر دوم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جناب محمد بن عثمان العمری از بی بی حکیمه خاتون، دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام) شنیدنی خواهد بود که فرمود:

«وُلِدَ السَّيِّدُ (علیه السلام) مَحْتُونًا، وَ سَمِعْتُ حَكِيمَةَ تَقُولُ: لَمْ يُرْ بِأُمِّهِ دَمٌ فِي نَفَاسِهَا وَ هَكَذَا سَبِيلُ أُمَّهَاتِ الْأَيِّمَةِ (علیهم السلام).» (1)؛ سَيِّد (منظور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است) در حالی که ختنه شده بود، متولد گردید و از حکیمه شنیدم که: مادر امام عصر خون نفاس ندید و همین است شیوه وضع حمل در مادران ائمه (علیهم السلام).

وعاء مقدس

بعد از ذکر برخی مقامات بانوی برگزیده عالم، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) باید گفت: برترین فضیلت این بانو که حاکی از عظمت طینت و خلقت و وجود این مخدره در عوالم تکوین می باشد، این است که حضرت نرجس (علیها السلام) توسط خداوند تبارک و تعالی اختیار و برگزیده شده و طاهره و مطهره گردید تا ظرف وجود نورانی حضرت خاتم الاوصیاء و صاحب العصر و الزمان قرار گیرد و بدین سبب به سیادت حقیقی در دو عالم نائل گردد. همانظوری که در مورد مادر گرامی امام جواد (علیه السلام) نیز که وعاء و ظرف وجودی امام بودند، تصریح به این مقام شده است. حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) فرمودند:

ص: 147

«فُدِّسَتْ أُمُّ وَلَدَتُهُ قَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً» (1)؛ تقدیس شده مادری که او را به دنیا آورد و او طاهره و مطهره افریده شد .

توجه به این نکته ضروری است که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) تصریح شده که بعد از خمسه طیبه ، افضل اهل بیت (علیهم السلام) (2) و اعلم و احکم آنها (3) وجود نورانی حضرت قائم آل محمد (علیهم السلام) است طبعاً بانویی که قرار است وعاء و ظرف این نور قرار بگیرد بایستی از ظرفیت والاتری نسبت به بقیه مادران اهل بیت (علیهم السلام) برخوردار باشد تا طبق اقتضای سنخیت قابل و مقبول ، عمل شده باشد .

خاتمه مسک

بعد از بیان مقام وعاء بودن و ظرفیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) توجه به روایتی حایز اهمیت خواهد بود که نشانگر اهمیت این مقام و وظیفه

ص: 148

1- . بحار الانوار ، ج 50 ، ص 14.

2- . اشاره به روایتی که در المحتضر از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که فرمودند: اختار الله من الأيام يوم الجمعة ومن الشهور شهر رمضان ، ومن الليالي ليلة القدر ، وإختار من الناس الأنبياء والرسل ، وإختار مني علياً ، وإختار من عليّ الحسن والحسين ، وإختار من الحسين الأوصياء يمنعون عن التنزيل تحريف الضالين وإنتحال المبطلين وتأويل الجاهلين ، تاسعهم باطنهم ظاهرهم قائمهم وهو أفضلهم.

3- . اشاره به روایتی که در مقتضب الاثر ، ص 9 از رسول خدا ذکر شده که خطاب به سیدالشهداء فرمودند : يا أبا عبد الله أنت سيد من سادة ، وأنت امام بن امام، أخو امام، أبو أئمة تسعة، تاسعهم قائمهم ، امامهم أعلمهم أحكمهم أفضلهم.

شیعیان نسبت به نرجس خاتون بانویی که به شرافت مقام وعاء امامت و وجود خاتم الائمه ، حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نایل آمده، می باشد .

حضرت امام سجاد (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در بیان جریان حضرت آدم و سجده ملائکه می فرمایند : روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به مردم فرمودند : یا عبادالله! زمانی که خداوند نور اشباح ما اهل بیت (علیهم السلام) را از جایگاه ویژه اش در عرش به صلب آدم منتقل کرد، حضرت آدم متوجه شد که نوری از وجودش ساطع می گردد ولی این که این انوار از کیست بر او تبیین نشد از همین روی از خداوند سؤال کرد که این انوار ، کیستند ؟

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْوَارُ أَشْبَاحِ نَقَلْتُهُمْ مِنْ أَشْرَفِ بَقَاعِ عَرْشِي إِلَى ظَهْرِكَ وَ لِدَلِيكَ أَمَرْتُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَكَ إِذْ كُنْتَ وَعَاءً لِيَتَلَّكَ الْأَشْبَاحُ ...»؛ (1)

خداوند در پاسخ فرمود: اینان نور اشباحی است که از برترین جایگاه عرش خودم به صلب تو منتقل کردم و به همین خاطر به ملائکه امر کردم که بر تو سجده کنند !!! چرا که تو وعاء و ظرف این انوار قرار گرفتی ...

روایت فوق مطلب بسیار بزرگی را برای ما بیان می کند: تمامی ملائکه مامور به سجده بر آدم می شوند به خاطر اینکه او ظرف و وعاء انوار اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده شده ، ابلیس لعین از درگاه الهی مطرود و ملعون واقع می شود چون حاضر به سجود و تواضع در برابر وعاء و ظرف نور اهل بیت (علیهم السلام) نشد!!

سجود والاترین مرتبه تواضع و فروتنی است . خداوند تبارک و تعالی امر فرموده که نهایت تواضع خود را برای کسی قرار دهید که وعاء نور اهل

ص: 149

بیت (علیهم السلام) قرار داده شده، حال وظیفه ما در قبال مادران اهل بیت (علیهم السلام) که هر یک وعاء نور ذوات مقدسه در این عالم هستند، مشخص می شود خاصه در قبال حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که وعاء نور وجود حضرت ولی امر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند که در روایت معراج وقتی انوار اشباح اهل بیت (علیهم السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشان داده شد نور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بین انوار اهل بیت مانند «کوکب الدرّی» می درخشید. (1)

از این رو جای آن دارد، مانند ملائکه تواضع کرده و سر به تیره تراب گذاشته و همنوا با دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام) و صاحب سرّ حضرت هادی و عسکری به محضر بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) عرضه بداریم:

یا سیدتی و یا مولاتی انا فداک و جمیع العالمین. (2)

سید محمد موحد ابطحی

13 رجب الخیر 1444

قم مقدّس (3)

ص: 150

1- .المحتضر، ص 191.

2- . اشاره به روایتی که در بحار الانوار، ج 51، ص 24 از حضرت حکیمه خاتون نقل شده که خطاب به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرضه داشتند جان من و همه عالمیان به فدای تو باد.

3- . بنای این نوشتار بر خلاصه و عدم تطویل بود به همین سبب فقط به ذکر برخی از روایات و شواهد مربوط به بحث پرداختیم، امید است که در آینده نزدیک توفیقی برای بیان تفصیلی مقامات این علیا مخدره حاصل شود.

اشاره

به قلم : نویسنده محقق و ولایی

آقای سید محمد موحد ابطحی

مروری بر چهار اثر نگاشته شده در مورد

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

الف : سیده الاماء

نام کتاب : سیده الاماء قراءة جديدة في هويتها و سيرتها

مؤلف : الشيخ احمد سلمان ناشر : العتبة الحسينية المقدسه - 1442 ق

این کتاب که در 145 صفحه و به زبان عربی تنظیم و چاپ شده ، تحقیق نسبتاً جامعی در مورد بیوگرافی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد . مؤلف در مقدمه کتابش اشاره می کند : همانطور که تحقیق و بررسی در مورد ائمه اطهار (علیهم السلام) اهمیت دارد ، تحقیق و بررسی در مورد مادران ایشان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است . از این روی می بینیم که همانطور که قلم های فاسد دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در مورد اهل بیت (علیهم السلام) از هیچ کذب و افتزایی فروگذار نکرده اند در مورد مادران اهل بیت (علیهم السلام) نیز و خاصه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) همین گونه رفتار کرده اند تا جایی که سعی کرده اند شخصیت ایشان را با برخی دروغ ها و گاهی جسارت ها ناخوشایند جلوه بدهند .

این مطلب باعث شده که مؤلف گرامی دست به قلم برده در مورد شخصیت والای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) قلم فرسایی کند . مباحث عمده ای که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته ، از این قرار است :

ص: 151

1: نام های حضرت نرجس (علیها السلام) و وجه تسمیه آن و پاسخ به شبهات نواصب در مورد تعدد اسامی نرجس خاتون (علیها السلام)؛

2: بررسی اقوال مختلف و شواهد متعدد در مورد نسب نرجس خاتون (علیها السلام) و بیان برخی شبهات و جواب های مربوط به آن؛

3: بررسی روایات وارده از اهل بیت (علیهم السلام) در مورد مقامات نرجس خاتون (علیها السلام) و بیان تفصیلی نکاتی که از آن روایات استفاده می شود؛

4: بررسی اقوال مختلف در مورد تاریخ وفات نرجس خاتون (علیها السلام)؛

5: بررسی شواهد و قرائنی که به تعبیر مؤلف « جهاد والای نرجس خاتون (علیها السلام) » مربوط به زمان بعد از ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دوران غیبت صغری و مواجهه ایشان با بنی العباس و مدعیان دروغین آن دوران بوده است .

بعد از بیان مطالب فوق ، مؤلف در صفحات پایانی کتاب با یک جمع بندی کلی ، نتایج تحقیقات خویش را به صورت خلاصه بیان کرده و کتاب را به اتمام می رساند .

ب : بانوی انجیل

نام کتاب : بانوی انجیل ، حضرت نرجس (علیها السلام) مام فضیلت ها

مترجم : داوود صفر زاده ناشر : آفاق معرفت ، 1400 ه ش

این اثر ، ترجمه و بازنویسی شده کتابی است به نام « السیّده نرجس ، مدرسه الاجیال » تألیف دانشمند محترم و محقق آقای آیت الله سیّد مرتضی حسینی شیرازی که در سال 1417 هجری قمری نگاشته شده و در سال 1443 به زبان فارسی ترجمه شده است .

ص: 152

مؤلف در مقدمه کتاب اشاره می کند، زمانی که در زندان ظالمین محصور بوده به یاد سخن یکی از خطبا می افتد که :

هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجت برآورده شود به واسطه مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر؛ آیا ممکن است امامان معصوم (علیهم السلام) این شفاعت را رد کنند؟

لذا تصمیم به تألیف کتابی در مورد مادر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گیرد تا از این بلای حصر نجات پیدا کند، و کتاب مذکور درون زندان و به قصد توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به رشته تحریر در می آید. مؤلف در مقدمه اشاره می کند که با توجه به نبود منابع تحقیق در زندان، این کتاب با نگاهی به زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که در کتاب « مفاتیح الجنان » آمده و مطالبی که در حافظه بوده نگاشته شده است. متن کتاب داستان گونه و در عین حال به تحلیل وقایع زندگی حضرت نرجس (علیها السلام) و بیان برخی نکات اعتقادی و اخلاقی است.

در بخش پایانی کتاب مؤلف توصیه های مفید و مهمی در راستای بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) داشته و محققین را به بررسی چهار مقطع مهم زندگانی حضرت نرجس (علیها السلام) تشویق می نماید :

1: بررسی و توصیف دقیق زندگی پر زرق و برق خاندان سلطنتی و ارتباطات خاندان قیصر با دیگر حکومت ها و ممالک بر اساس مستندات تاریخی ... تا جایگاه سلطنتی این بانو بیش از پیش عیان گردد.

2: توصیف دقیق از شرایط اسارت و مهاجرت و مخاطرات این راه برای بانویی سلطنتی .

3: مطالعه دقیق شرایط سیاسی و اجتماعی خاندان نبوت در برهه ای که حضرت نرجس (علیها السلام) بر ایشان وارد شد و بررسی دوران بارداری و بعد از ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شرایطی که حضرت نرجس (علیها السلام) با آنها مواجه شدند .

4: حوادث و تحولات بعد از هجرت حضرت نرجس (علیها السلام) بر جدش قیصر روم و سایر اعضای خاندان سلطنتی و اینکه آیا بین او و خاندان سلطنتی در این بین ارتباطی بوده یا خیر و اینکه این وصلت با خاندان رسالت احیاناً تأثیرات اجتماعی بر رومیان داشته یا خیر و اساساً تحقیق کاملی صورت گیرد که آیا رومیان از این هجرت و وصلت مطلع شدند یا خیر ؟

پیشنهاد مؤلف برای مهیا شدن شرایط بهتر برای تحقیق و نتیجه گیری در این زمینه ، برگزاری همایش های سالیانه ، اختصاص یک روز یا یک هفته به نام ایشان و متعهد شدن خطبا و دانشمندان به سخن گفتن در مورد شخصیت ایشان و اهتمام شعرا و نویسندگان به سرودن و نوشتن در مورد شخصیت ایشان می باشد .

مؤلف نامگذاری فرزندان و مؤسسات دینی و علمی و برنامه مختلف فرهنگی یا آموزشی ، به نام حضرت نرجس (علیها السلام) را نیز در رسیدن به این مهم ، مؤثر و مفید می داند .

نام کتاب: آخرین عروس، داستان حضرت نرجس (علیها السلام) از روم تا سامرا

مؤلف: مهدی خدامیان آرانی، ناشر: انتشارات وثوق 1389 ه- ش

این کتاب که با زبان داستانی و رمان نگاشته شده، ابتدا مخاطب را به شهر سامرا برده و بعد از آشنا کردن مخاطب با حال و هوای شهر در زمان امام عسکری (علیه السلام) به بیان داستان ازدواج و سفر حضرت نرجس (علیها السلام) از زبان حکیمه خاتون (علیها السلام) می پردازد. این رمان خواندنی در 132 صفحه تنظیم شده و انگیزه نگارش جالبی دارد که مؤلف در مقدمه کتاب بدان اشاره کرده است:

وی در بهار سال 1387 در سفری که به عربستان سعودی داشته، به خاطر برخی مباحث اعتقادی توسط وهابیون دستگیر و محبوس می گردد به گفته مأموران بعد از تشکیل دادگاه حداقل حکم سه ماه زندان آن هم در عربستان وهابی!! در انتظار مؤلف بوده منتها ایشان در زندان به محضر نرجس خاتون (علیها السلام) توسل کرده و نذر می کند. ایشان در شرح این توسل و نذر چنین می نویسد:

نمی دانم چه شد که یاد مادر آقا افتادم. اشک در چشمانم حلقه زد و گفتم: «بانو! خودت کمک کن!». آن شب نذر کردم اگر نجات پیدا کنم، کتابی برای بانو بنویسم تا جوانان با ایشان و ولادت فرزندش بیشتر آشنا شوند. فکر می کنم یک ساعت بیشتر نگذشته بود که من آزاد ورها، دست بر پنجره های بقیع گرفته بودم و اشک شوق می ریختم...

ص: 155

منظومه « نرگسدان »، نخستین منظومه ای است که به صورت خاص، داستان زندگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نظم کشیده است. اشعار این منظومه در قالب مثنوی و توسط « ملا اسماعیل ذبیحی یزدی » در عهد صفویه سروده شده است. ذبیحی بعد از نعت حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و منقبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ستایش پادشاه زمان خود یعنی شاه سلطان حسین و وزیرانش می پردازد و سپس داستان زندگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نظم می کشد. هرچند ذبیحی در این منظومه چندان به آرایه پرداززی توجه نداشته، اما گاه آرایه های زیبایی نظیر: جناس، پارادوکس، تلمیح، تضمین و... را در شعر خود درج نموده است. این کتاب که چندین نسخه خطی از آن در کتابخانه های خطی ایران موجود است، به همت آقای ابوالفضل حبیبی به همراه ترجمه و تفسیر ابیات آن در 118 صفحه تنظیم شده و بر آن بخش هایی از کتاب های « رجعت »، « تمام النعمه »، « الغیبه » و « بحار الانوار » که مورد استناد سراینده بوده، ضمیمه شده است.

به قلم : نویسنده بزرگوار و ولایی

آقای شیخ علیرضا نعمتی ، قم

جایگاه اسرار الهی

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما بقية الله روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء

سلام بر تو ای جایگاه امن اسرار پروردگار جهانیان.

سلام بر تو که در وصلت با تو سرور پیامبران حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) علاقه و رغبت نشان داد.

سلام بر تو و بر شوهر گرامی و فرزند عزیزت که جهان را با نور درخشانش روشن خواهد کرد و از ظلم و ستم و جهل و تیره روزی نجات خواهد داد.

سلام بر تو و بر روح و بدن پاک و دور از پلیدی تو.

سلام بر تو که فدایی خاندان رسالت بودی و سرّ خدای عالم را حفاظت نمودی و در حفاظت از حجت خدا نهایت سعی خود را مبذول داشتی .

سلام بر تو ای نرگس گلستان آل محمد (علیهم السلام) که از شکوفه ی وجودت خوشبوترین گل جان سر بر آورد و بزودی فضای عالم را با عطر دل انگیز

خود ، سرمست از بوی خوش عدالت و سعادت و رستگاری خواهد نمود .

ای گل گلستان آل محمد (علیهم السلام)، خداوند عالم تو را برای بزرگترین امانت حفاظت شده خود برگزید و تو را جایگاه اسرار خویش قرار داد چرا که تو از ارواح برگزیده عالم پیش از خلقت ارواح بنی آدم در عالم اشباح و از شاگردان کلاس توحیدی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودی تا شایسته حمل بقیه‌اللهی باشی که دل های مردم جهان را سرشار از نور توحید خواهد کرد و مرض شرک و بندگی غیر خدا را از صفحه زمین پاک خواهد نمود.

مگر می شود جایگاهی که باید حامل یکی از شروط توحید و تحقق **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** در عالم است، خود آلوده به شرک باشد؟!

شهادت می دهم که فرزند تو نوری بوده در اصلاص شامخه و ارحام مطهره که از وجود تو ظلمت جهان را روشنایی خواهد بخشید. تو از همان عالم برگزیده شدی تا مادر فرزندی باشی که روح الله عیسی بن مریم (علیها السلام) پشت سرش نماز بخواند و او را امام خود بداند و پیروان او هم چشم و دلشان روشن شود که منجی عالم بشریت به آنان نیز انتساب دارد. به همین خاطر خداوند عالم تو را در شاخه ای از نسل بنی آدم قرار داد که وصی عیسی بن مریم (علیها السلام) در آن شاخه است و بدین وسیله انس و الفت پیروان مسیح با مسلمین عمیق تر و ریشه دارتر باشد. تو از همان عالم قبل از این عالم، شاگرد ممتاز ارواح مطهر چهارده معصوم (علیهم السلام) بودی که خداوند تو را برای حفاظت از اسرار خویش برگزید و به همین خاطر عارف به حق فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودی و به جایگاه رفیع آنان در سروری بر جهانیان اعتراف داشتی. با آنان مهربان و دلسوز و فدایی ایشان بودی و خواسته آنان

را بر خود ایثار فرمودی و بدین وسیله به پیروان راه حق تعلیم دادی که برای عزیز شدن نزد پروردگار جهان، باید خواسته امام زمانشان را خواسته ی خود قرار دهند؛ همان خصوصیتی که هر کس از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به آن خصلت خود را بیاراید، مدال «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» را به گردن می آویزد. شاید تنها همین یک خصوصیت در روح مطهر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که در زیارت شریفش آمده: « وَ مُؤَثَّرَةٌ هَوَاهُمْ » آن که خواسته امام زمانش را خواسته خود قرار می دهد و خود را فدای آنان می کند، موجب شده که از همان عالم ارواح و ذرّ و میثاق، برای این مأموریت مهم (به دنیا آوردن حجت خدا) برگزیده شود و شاگرد ممتاز کلاس توحیدی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشد تا با زندگی کوتاه خود در خانه امام عسکری (علیه السلام) معلم شیعیان و دوستان این خاندان باشد که بدانند راه تقرب به خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی و امام حسین و نه فرزند معصوم آن حضرت، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین آن است که خواسته امام زمانش را بر خواست خود ایثار نمایند تا در اثر این ایثار به رشدی برسند که امام زمانشان را مانند مغز و خود را مانند پوست ببینند و خواست و اراده ای جز آن چه این مغز جهان خلقت برایشان دارد، نداشته باشند.

آری، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) فارغ از مقامی که نزد خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) دارند که در فهم ما نمی گنجد، آن چه را به عنوان تدریسدرس توحیدی بر صفحه زندگی دوستان و شیعیان بلکه هر

انسان حقیقت جوئی نوشته اند، همان یک جمله است که: « وَرَغِبْتُ فِي وُصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ ، مُسْتَفْقَهَةً عَلَيْهِمْ ، مُؤَثَّرَةً هَوَاهُمْ » و شهادت می دهم تو در وصلت و اتصال به پسران رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) اشتیاق تمام داشتی در حالی که ابتداءً به حق آن ها عارف بودی و به درستی و صداقت آنان ، کاملاً ایمان و باور داشتی و از پلیدی شک درباره آنان به دور بودی ، و به جایگاه و مقام والایشان در مرکزیت علم و عصمت و هدایت جهانیان اعتراف داشتی ، و به راه و مرامشان بینا و آگاه بودی و دل سوز و فدایی آنان بوده و خواسته ایشان را بر خواست خود ایثار می نمودی .

اینک باید به این معلم آموزش دهنده مدرسه توحید عرض کنیم که: هر چند پشت پرده اسرار روح باعظمت تو ای مادر حجت خدا بر ما به جهت کوچک بودن ظرفیت روحمان، کاسه در برابر دریاست . اما ظاهر تعالیم و دروس عملی تو در فدایی بودن برای حجت خدا ، بسان آب و بابایی است که معلمین بر تخته سیاه، جهت تعلیم به دانش آموز می نویسند.

ای مادر حجت خدا! ما دانش آموزان مکتب توحیدی شما هستیم. ای خاتون دوسرا و ای ملیکه اموره ما در شب قدر که با شفاعت تو در پیشگاه فرزند عزیزت ، تقدیرات ما از شقاوت و محرومیت به سعادت و رحمت خاص « مقام مخلصین » (به کسر لام و فتح آن) تغییر می کند.

ما را نزد فرزند دل بندت شفاعت فرما تا راه و رسم فدایی امام زمان را به ما بیاموزی و در مدرسه توحیدی ات معلمی توانا که تربیت شده خود شما است بر ما بگمار تا آب و بابای زندگی و حیات طیبه را با ما هجی کند و کلمه به کلمه و حرف به حرف به ما الفبای بندگی را بیاموزد. به راستی ای خاتون دوسرا، آیا ما هم روزی را خواهیم دید که به سفارش تو و دعای تو مدال « وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ » را فرزند عزیزت به گردن ما بیاویزد که تمام قد در خدمت او باشیم. « وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا » را با خنکای وجودمان بچشیم و قطره ای از دریای عشق و محبتی که تو به همسرت و پدراش و همسر و فرزند گرامش داری، در قلب ما بچکانی تا ما هم در این دریا غریق لطف و رحمت شویم که با چشم حقیقت بین قلب، عارف به حق امام زمانمان بشویم و او را مغز متفکر پیکره بشریت ببینیم و بفهمیم برای تکامل مقام انسانیت راهی جز اتصال باقلب عالم هستی و مغز آن امام زمان ارواحنا فداه نداریم و شاید بتدریج به این جمله در حدیث قدسی برسیم که خداوند متعال فرمود :

«و»

مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يُنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا... (1) هیچ بنده ای به من نزدیکی نمی جوید به چیزی دوست داشتنی تر از آن چه بر او حتمی و واجب کرده ام و

ص: 161

قطعاً بنده ام پیوسته به من تقرب پیدا می کند به وسیله نافلة (مستحبات) تا آن جا که من دوستدارش می شوم و آن گاه که دوستدارش شوم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن حرف می زند و دست او می شوم که با آن کاری انجام می دهد».

آری ، از پيله خود به درآمدن و پروانه کوی او شدن، راه راست بندگی و عبودیتی است که انسان را چنان به امام زمانش وصل می کند که مثل دست برای امام زمانش می گردد چرا که عمل از روی آتش محبت ، انسان را دگرگون می کند و دید وجودش را تبدیل به حور می کند . راه نافلة پس از عبودیت و بندگی، یعنی راه عشق و محبت مُحَبِّب به محبوب که کم کم محبوب را وادار به محبت می کند و او را محبوب خود می گرداند. راه و رسم عاشقی و محبت اکسیر است که مس وجود را طلای ناب می کند و این راه را حضرت نرجس (علیها السلام) با عمل خود به ما آموخت که محبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر قدر با کیفیت تر و عمیق تر باشد ، انسان را طلایی تر می کند و چنان که رسم عشاق است «خواسته های عاشق تبدیل به خواسته های محبوب می شود» و لذا فرزند غریب و مظلومش که پس از وفات شهادت گونه ی مادر، دیگر جز غربت جایی برای سکنی نیافت و آواره بیابان ها شد فرمود:

« فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا ؛ پس هر یک از شما به خاطر آنکه ظهور ما به طور ناگهانی و غیر مترقبه است، هر یک از شما باید با آن چه او را به محبت ما نزدیک می کند، عمل نماید و از آن چه موجب خشم و ناراحتی ما می باشد اجتناب کند.»

این گوی و این میدان تمرینات عملی اظهار محبت به شریف ترین عنصر خلقت آقا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که این بانوی کرامت و وفاداری به حجت خدا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به ما آموختند که به تعبیر عرفانی بعضی از اهل معرفت همان گونه که حضرت نرجس (علیها السلام) جسم شریفش به همراه روحش، ظرفی برای پرورش جسم حجت خدا و نجات دهنده بشریت گردید، عشاق کوی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با تمرکز بر محبت آن یگانه حجت خدا در روی زمین به تدریج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در قلب خود بزرگ و بزرگتر می کنند و از دید اندک نسبت به او به دید والای «عارفین بحقکم» که در امثال سلمان ها و مقدادها به بلوغ و کمال خود می رسد، نائل شوند و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان در قلبشان بزرگ می شود که همه خواسته های قلبشان یک خواسته شده و دارای قلبی مجتمع می شوند، یعنی قلبی که همه صفات امام زمانش یکی شده و صاحبش دارای نفس مطمئنه و راضیه و مرضیه گشته است و چیزی جز محبوب در آن یافت نمی شود. این گوی و این میدان مسابقه ای که خداوند متعال به راه انداخته و می فرماید :

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»

پس عصر غیبت را غنیمت بشماریم و در میدان سبقت جستن در خوبی ها بر یکدیگر سبقت بگیریم که در روز موعود هر کجا که باشید خدا شما را گرد یکدیگر (کنار کعبه و در حضور حجت خدا برای شروع قیام جهانی اش) جمع می کند.

دهم رجب المرجب 1444

12 بهمن 1401

ص: 163

اشاره

به قلم : محقق و شاعر ولایتی :

حجت الاسلام آقای ابوالفضل سبزی زید عزه

شرحی بر زیارتنامه مادر امام زمان روحی فداه

بسم الله الرحمن الرحيم

یا صاحب الزمان! آقا جان مهربانم ، این نوشتار به مادر معصومه شما تعلق دارد ، پس خودتان در همه امور و در این نگارش یاری ام کنید ...

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمَيَامِينَ...»

سلام و درود بر پیامبر راستین و امین خدا و آل پاک آن عزیز باد، سلام بر مولای ما امیر مؤمنان و سلام بر تمام امامان پاک و طاهر و حجت های با برکت خدا...

سلام ، نشانه دوستی است ، نشانه تسلیم و بندگی و نشانه صلح و ایمان است . سلام ، کلید گشایش حرف های زیبا و برات ورود در دارالسلام و خانه مهر و محبت و دوستی است . زیارتنامه های ما با سلام شروع شده و با درود و تحیات همراه است ، از این رو کسی که زیارت نامه می خواند غرق سلام و محبت اهل بیت (علیهم السلام) می شود ؛ زیرا جواب سلام واجب است و اهل بیت (علیهم السلام) بهترین عمل کنندگان به دستورات اسلام اند و به یقین جواب سلام ما را می دهند .

اهل بیت (علیهم السلام) لسان الله هستند ، در واقع اگر اهل بیت (علیهم السلام) به ما سلام بدهند گویا خدا به ما سلام داده است و کسی که خدا و اهل بیت بر او

سلام و درود می فرستند از تاریکی به سوی نور هدایت می شود؛ زیرا این تصریح قرآن است که می فرماید: « هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا » (1)؛ « او کسی است که بر شما درود و صلوات می فرستد و فرشتگان او نیز بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور در آورند و او به مؤمنان مهربان است .»

بعد از سلام بر پیغمبر رحمت و اهل بیت (علیهم السلام) سلام به مادر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این عبارت شروع می شود:

«السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةِ الْإِمَامِ...»

سلام بر مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سلام بر کسی که اسرار فرمانروای دانای عالم به او سپرده شده، و این توفیق را پیدا کرده که مادر امام عصر روحی فداه باشد؛

«السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةِ الْإِمَامِ، وَالْمُودَعَةَ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ...» بزرگترین افتخار حضرت نرجس (علیها السلام) این است که توفیق یافته مادر حجت خدا حضرت ولی عصر روحی فداه باشد؛ امام زمان آرزوی تمام انبیاء و اولیاء الهی است و به قول معروف « آنچه خوبان همه دارند تو یک جا داری»، او تجلی تمام پیامبران و امامان و خوبان عالم است به همین جهت لقب آن حضرت « اشرف الانام » است، حال حضرت نرجس (علیها السلام) این افتخار را دارد که مادر چنین وجود مبارکی است .

ص: 165

در واقع گوهر نابی که به حضرت نرجس (علیها السلام) داده شده گوهری برگزیده شده از میان تمام انبیاء و اولیاء الهی است و همان طور که در حدیث معراج آمده: «وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ فِي وَسْطِهِمْ»⁽¹⁾ آن حضرت همچون ستاره ای درخشان در میان انوار الهی می درخشد. حال این گوهر که تمام زیبارویان و نیک دلان و خسروان عالم هستی جا دارد به دیدار رخس، ردا دراندازند و قالب تهی کنند و جان بازند در دامن این مادر عزیز جای گرفته است.

«وَالْمُودَعَةَ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ» ؛

سلام بر کسی که اسرار خداوند دانا به او سپرده شده است .

این عبارت نشان دهنده جایگاه با عظمت مادر امام زمان روحی فداه است؛ سلام بر کسی که اسرار الهی به او سپرده شده یعنی قلب او ظرفی بسیار وسیع و گسترده است که جایگاهی برای اسرار اهل بیت (علیهم السلام) شده است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَّةٌ، فَخَيْرُهَا أَوْعَاها لِلْخَيْرِ»⁽²⁾؛ «این دل ها ظرف هستند و بهترین دل آن دلی است که برای پذیرش خوبی ها و حقایق، ظرفیت بیشتری داشته باشد». ما باید همواره در درگاه خدا عرض کنیم «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»⁽³⁾ و از خدا

ص: 166

1- . الغيبة للنعمانی ، ج 1 ، ص 93.

2- . غررالحکم ، ح 3449.

3- . سوره طه ، آیه 25.

بخواهیم که دلما را برای پذیرش معارف و حکمت های الهی و شناخت اهل بیت (علیهم السلام) وسعت بخشد.

اما مادر امام عصر روحی فداه جزء کسانی است که برای مادری حجت خدا انتخاب شده و دلش آنچنان وسعت دارد که معدن معارف و اسرار اهل بیت (علیهم السلام) است .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ

حضرت ملیکا صدیقه است ؛ صدیقه یعنی وجودی که به تمام معنا اهل حقیقت و راستی و درستی است و کجی و دروغ در او وجود ندارد. حضرت نرجس (علیها السلام) با اقتدا به حضرت زهرا (علیها السلام) صدیقه است و تمام گفتار و رفتارش با رضای خدا تطبیق دارد .

او مرضیه است یعنی خدا به تمام معنا از او راضی و از او زندگی اش خوشنود است . کسی که سال ها عمر خود را در انتظار سپری نموده و در طول این مدت، با تمام وجود ، انتظار رسیدن به حجت خدا و وصال خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) را داشته و در این مسیر صبر نموده و از مسیر بندگی و اطاعت خدا خارج نشده قطعاً وجودش مرضیه خداست .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى

سلام بر بانویی که شبیه مادر حضرت موسی (علیه السلام) است .

مادر حضرت موسی بانویی پاک و صبور بود که خدا به او وحی نمود که موسی را از شر فرعونیان حفظ کند و برای آنکه جانش در امان بماند او را در صندوق بگذارد و داخل نیل بیندازد . او نیز بندگی خدا را نمود و به این وعده الهی عمل کرد و در مسیر رسالت و نبوت فرزندش صابره بود .

مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز محدثه بود، یعنی ملائکه با او سخن می گفتند و او از اخبار خودش و فرزندش باخبر بود. او از طریق همین اخبار غیبی می دانست که با وجود نازنین امام حسن عسکری (علیه السلام) ازدواج می کند و مادر حجت خدا حضرت مهدی ارواحنا فدا خواهد بود. او نیز مثل مادر موسی مجبور بود به شیوه های مختلف محافظ جان فرزندش از فرعون های زمان باشد و او نیز مانند مادر موسی گاه به فراق فرزندش مبتلا می شد و در این جهت صبر می نمود به طوری که نقل شده است گاهی می دید که فرزندش در گهواره نیست و نگران می شد لذا به خدمت امام عسکری (علیه السلام) می رسید و از حال فرزندش جویا می شد؛ حضرت نیز با آرامش این حقیقت را یادآور می شد که جای نگرانی نیست؛ زیرا فرشتگان آسمان آن حضرت را به آسمان برده اند تا از جمال او نور گیرند و به وجود او متبرک شوند. در این رابطه که حضرت نرجس به مادر موسی تشبیه شده نقل شده است:

حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) نقل می کنند: بعد از تولد حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام حسن عسکری (علیه السلام) به من فرمود: «فرزندم را نزد من بیاور.» من آن حضرت را برداشتم و نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) بردم، چون در مقابل پدر بزرگوارش رسید در حالی که در دستان من قرار داشت بر پدر بزرگوارش سلام کرد. سپس امام حسن عسکری (علیه السلام) او را از دست من گرفت و در آن حال، فرشتگانی به شکل پرنده بال های خود را بر سر آن حضرت گسترانیدند. امام حسن عسکری (علیه السلام) به یکی از آن پرندگان فرمود: «او را بردار و از وی محافظت کن و در هر چهل روز او را به سوی ما

بازگردان .» پس آن پرنده، حضرت را برداشت و به سوی آسمان پرواز کرد و پرندگان دیگر ، به دنبال او پرواز کردند . امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود : « مهدی جانم! تو را به آن کسی می سپارم که مادر موسی ، فرزندش را به او سپرد .» در این هنگام حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) شروع به گریه کردن نمود . امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود : « گریه نکن! او از غیر تو شیر نخواهد خورد و به زودی به سویت باز خواهد گشت همان طور که موسی (علیه السلام) به سوی مادر خود برگشت ، و این همان قول خداوند که فرمود : « پس موسی را به مادرش برگردانیم تا دیده مادرش به او روشن شود و اندوهگین نشود .» (1) من پرسیدم : « این پرنده ، چه بود؟! » حضرت فرمود : « او روح القدس بود .» (2)

«وَأَبْنَةُ حَوَارِيٍّ عِيسَى»

سلام بر دختر حواری حضرت عیسی (علیه السلام)

حضرت نرجس از نسل شمعون حواری حضرت عیسی (علیه السلام) است . حواریون کسانی بودند که به دنیا و مال و مقام ظاهری آن پشت نموده و در مسیر بندگی خدا و پاکی خویش حرکت می کردند. آن ها همچون پروانگانی به گرد حضرت عیسی (علیه السلام) می گردیدند و طبق فرموده امام رضا (علیه السلام) چون روح خود را از آلودگی ها و رذائل پاک کرده و در پی پاکی و شایسته سازی دیگران نیز بودند به آن ها حواری می گفتند. (3) شمعون بن

ص: 169

1- . سوره طه، آیه 40.

2- . روضة الواعظین ، ص 423 ، و کمال الدین، ج 2 ، ص 153.

3- . بحارالانوار ج 14 ص 272.

حمون، ملقب به صفا (پطرس) یکی از این حواریون و دلدادگان عیسی بن مریم (علیهما السلام) بود و در میان آن ها از دیگران شاخص تر بود و ریاست مؤمنان را بر عهده داشت و طبق برخی نقل ها از پیامبران الهی و وصّی عیسی بن مریم (علیهما السلام) بود . زمانی که خداوند اراده کرد که عیسی (علیه السلام) را به آسمان ببرد، به او وحی کرد که نور الهی و حکمت و دانش کتاب خدا را به شمعون بن حمون الصفا ، جانشین خود بر مؤمنان بسپارد و به این ترتیب ، شمعون پیوسته به فرمان خداوند گوش فرا می داد و به کمک هدایت های عیسوی بنی اسرائیل را هدایت و با کفار مقابله می نمود . هر کس که شمعون را اطاعت کرد و دستوراتش را پاس داشت در زمره مؤمنان و هر کس که به مخالفت با او برخاست در زمره ی کفار قرار داشت .

حضرت عیسی (علیه السلام) پیش بینی کرد که پس از وی مردم به سه گروه تقسیم می شوند که تنها پیروان شمعون از نجات یافتگانند . این سه گروه عبارتند از : مخالفان عیسی (علیه السلام) به ویژه یهودیان ، طرفداران نظریه خدایی عیسی و طرفداران پیامبری مسیح ، یعنی پیروان شمعون که در طریق هدایت باقی ماندند . شمعون صفا سرانجام در مسیر حق گویی و مبارزه با باطل به شهادت رسید .(1)

حال از چنین شخصی که تحت تربیت خاص حضرت مسیح (علیه السلام) بوده و زندگی اش سراسر پاکی و معنویت بوده است فرزندی به دنیا آمده به نام

ص: 170

1- . بحار الانوار ، ج 14 ، ص 336 و 515 و ج 45 ، ص 203 .

ملیکا و خدا او را برای مادری حضرت حجت بن الحسن ارواحنا فداه انتخاب نموده است .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ

سلام بر تو ای بانوی بانقوا و پاک.

مادران اهل بیت (علیهم السلام) تمامی پاک و پرهیزکار بوده اند و همه آن ها از عالم ذر به عنوان بانوانی برگزیده انتخاب شده اند تا ظرف وجود نازنین معصومان (علیهم السلام) باشند به همین جهت آن ها تمامی پاک و معصوم اند و در زیارت نامه ها به این حقیقت تصریح شده که آن ها ارحام مطهره هستند و هرگز آلودگی و گناه و معصیت نداشته اند .

«نقیه» یعنی وجودی که هر کاری را بر اساس تقوا و رضای خدا انجام می دهد و تمام امورش در مسیر تقوا تنظیم شده است و «نقیه» یعنی وجودی که از زشتی ها و پلشتی ها و گناهان، پاک و طاهر است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ

سلام بر وجودی که راضیه و مرضیه است

رضیه و راضیه یعنی کسی که تسلیم پروردگار است و به تمام خواسته های الهی راضی است و هرگز در مقابل اوامر الهی ناخشنودی ندارد . و مرضیه یعنی وجودی که از هر جهت پسندیده خداست و خداوند از او و اعمال او راضی و خشنود است ، از این رو کسی که مرضیه خدا باشد در واقع تمام افکار و اعمالش درست و نیک و شایسته است .

سلام بر وجود مبارکی که در انجیل توصیف شده است

گاهی اوقات ما ذکر خیر کسی را می‌نماییم یا از کسی تعریف می‌کنیم این خیلی مهم نیست اما اگر خدا از کسی تعریف و تمجید نماید در واقع او شأن و جایگاهی والا دارد.

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) وجود نازنینی است که خدای عزیز قرن‌ها قبل از تولد آن بانو در کتاب انجیل مدح ایشان را نموده است. همه می‌دانیم که نام و یاد چهارده معصوم (علیهم السلام) و بشارت ظهور پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) و مژده ظهور مصلح کل حضرت مهدی روحی فداه در کتاب‌های پیامبران گذشته آمده است و در این میان مسأله ظهور مصلح آخرالزمان از مهم‌ترین پیشگویی‌هایی است که در کتاب‌های آسمانی ذکر گردیده است. جالب اینجاست که از مادر حضرت مهدی روحی فداه نیز در برخی کتب آسمانی تجلیل شده که این فراز از زیارت به این حقیقت تصریح دارد.

الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وُصْلَتِهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ

سلام بر بانویی که او را برای امام عسکری (علیه السلام) از حضرت مسیح (علیه السلام) خواستگاری کردند و آقای پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) مشتاق این وصلت بود.

حکایت خواستگاری و عقد و ازدواج بانو ملیکا در داستان زیبای آن حضرت نقل شده است. در مجموع این که بانویی با این تشریفات و برنامه‌های آسمانی به بیت امامت وارد شود و بالاترین شخصیت‌های عالم یعنی پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت زهرا (علیها السلام) خواستگار او باشند و آن عزیز

را برای پاره وجودشان امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری کنند ، نشانگر جایگاه با عظمت آن بانوست . این که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) خواهان این پیوند آسمانی بوده و به این پیوند علاقه و اشتیاق داشته و به زندگی و پیوند و تولد فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت داده نشان از مقام رفیع این بانوست . در واقع وجود مبارک پیامبر عزیز (صلی الله علیه وآله وسلم) چون آگاه بوده که ثمره این پیوند ، طلوع خورشید مهدی آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در سرای دنیاست به همین جهت همواره مشتاق این پیوند الهی بوده است .

وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همان طور که گفته شد حضرت نرجس (علیها السلام) این افتخار را دارد که صاحب سرّ خاندان عصمت و طهارت باشد و قلب پاک و بزرگش محل سپردن اسرار اهل بیت (علیهم السلام) گردد.

به طور کلی یکی از صفات پسندیده انسانی ، صفت امانت داری است تا جایی که دیگران نسبت به شخص امانت دار اعتماد کامل داشته باشند . حال بالاتر از امانت های ظاهری امانت های معنوی است ، حضرت نرجس آنچنان مورد اعتماد خاندان عصمت و طهارت است که امانت دار آن بزرگواران به حساب آمده و سرّ مستودع خداوند به او سپرده شده است .

یکی از مصادیق اسرار مستودعه ، وجود نازنین حضرت ولی عصر روحی فداه است که سرّ نهران حضرت زهرا (علیها السلام) است و در دامان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جای گرفته است .

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ

سلام بر تو و بر پدرانت که از حواریان بودند

بر اساس این فراز از زیارت، بسیار واضح است که پدران بانو ملیکا تمامی موحد و خداپرست و پیرو حضرت مسیح (علیه السلام) بوده اند. پیرامون جناب شمعون (علیه السلام) که وصی حضرت مسیح (علیه السلام) است در فرازهای قبل سخن به میان آمد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ

سلام بر تو و بر همسر و فرزندان

در این فراز، سلام به بانو در کنار سلام به دو امام معصوم قرار گرفته است.

سلام بر تو ای بانویی که افتخار همسری امام عسکری (علیه السلام) را پیدا نمودی و این سعادت نصیب تو شد که مادر حجت خدا و موعود تمام انبیاء باشی.

بسیار واضح است که در کنار امام بودن افتخار نیست بلکه همراهی با امام ارزش دارد، خیلی ها همسر پیامبر یا امام بوده اند ولی به این مقام معنوی دست نیافتند که در کنار پیامبر و امام معصوم به آن ها سلام و درود فرستاده شود و حتی چه بسا همسرانی بوده اند که از رحمت خدا دور گشته اند، اما شخصیتی مثل حضرت نرجس (علیها السلام) آن چنان با اهل بیت (علیهم السلام) همراه شده که در معرض سلام و درود و تحیات خدا و اهل بیت (علیهم السلام) و مؤمنان واقع شده است.

ص: 174

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ

سلام بر تو و بر روح و بدن پاک و طاهرت

این فراز نیز دلیل دیگری بر پاکی، عصمت و طهارت حضرت نرجس (علیها السلام) است. به عقیده ما تمام مادران چهارده معصوم (علیهم السلام) دارای عصمت بوده و از جانب پروردگار انتخاب شده بودند؛ زیرا خدای حکیم وقتی از آغاز آفرینش، مقدر فرموده که این چهارده نور پاک برای راهنمایی و هدایت مردم به سوی بندگی و سعادت به دنیا بیایند حتماً بر اساس عدل و حکمتش مسیر آمدن آن عزیزان را هم تقدیر فرموده است. از این رو آن‌ها را در یک مسیر کاملاً طیب و طاهر وارد عالم دنیا نموده است به طوری که در زیارتنامه معصومان (علیهم السلام) می‌خوانیم شما نوری در اصلاص شامخه و ارحام مطهره بودید، یعنی هم از طرف پدر و هم از طرف مادر نسب و شجره شما طیبه است. توضیح بیشتر این مطلب را در کتاب «شهربانو مادر امامان و بانوی ایران» نوشته ام.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنُ الْكَفَالَةِ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ

گواهی می‌دهم که تو به خوبی کفالت نمودی و امانت را ادا کردی

در این فراز به دو نکته مهم از زندگی نورانی حضرت نرجس (علیها السلام) اشاره شده است؛ یکی کفالت نیکو و دوم ادای امانت؛ اما کفالت چه کسی؟ کفالت وجود مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تاج انبیاء و اولیاء و وارث تمام پیامبران و امامان و آقای خوبان. هر مادری فرزندش را میوه جان خویش می‌داند و به بهترین نحو از او مراقبت می‌کند حالا وقتی گوهر آفرینش در دامن

ص: 175

حضرت نرجس (علیها السلام) قرار گرفته و او نیز نسبت به این گوهر تابناک معرفت دارد به بهترین نوع ممکن مراقب آن وجود نازنین است و تمام وجودش را وقف رسیدگی به این گوهر الهی نموده و این امانت الهی را به بهترین شکل ممکن حفظ کرده است .

وَأَجْتَهَدْتُ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ

و در مسیر رضایت خدا کوشیدی

همه انسان ها تا در این دنیا هستند در تکاپوی رسیدن به خواسته ها و آرزوهای خویش هستند و در این مسیر حرکت می کنند . هر کس مشغول کاری است و همه به نوعی در حال تلاش و کوشش هستند اما خیلی از این تلاش ها در مسیر رضای خدا نیست . حتی خیلی ها سعی و همت والایی دارند و در مسیر خواسته های خود ، نهایت تلاش و کوشش و جهاد را دارند اما اجتهاد و جهادشان در مسیر خشنودی خدا نیست . بسیار واضح است که اگر سعی و کوشش انسان در مسیر رضای خدا و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همراه با تقوا و کاردستی نباشد بی ارزش است . همان طور که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند : « وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ ⁽¹⁾ » ؛ « بدان که سخت کوشی در کار یا عبادت اگر با پارسایی و تقوا همراه نباشد، بی فایده است . »

بنابراین تلاش و جهادی ارزش دارد که در مسیر خدا باشد و حضرت نرجس زندگی اش ، تلاش و مجاهدت در مسیر رضای خداست .

ص: 176

به یقین صبوری که برای خدا باشد خیلی گرانبهاست . حضرت زینب کبری (علیها السلام) نمونه صبر و بردباری است و چون صبرش در مسیر خدا و برای امام زمانش بوده تمام سختی ها و مصائب را زیبا می بیند و می فرماید : « مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا »⁽¹⁾

حال بانو ملیکا نیز صبر را در عمل به نمایش گذاشته است زیرا این بانو مجبور بوده بخشی از عمر خود را در قصری سپری کند که خیلی ها در مسیر عقیده و اندیشه زیبای او نبوده اند ولی در عین حال با آن ها صبر نموده و با متانت و اخلاق و مدارا این دوره را سپری کرده است.

جهاد صبر دیگر او صبر و انتظار او در دورانی است که آن بانو از محبوب خویش جداست و مجبور است فراق امام حسن عسکری (علیه السلام) را تحمل کند تا زمانی که به آن حضرت برسد .

و صبر مهم تر آن بانو زمانی است که در مراسم عقد و عروسی او ، سه مرتبه زمین می لرزد و تخت واژگون می شود و مراسم عقد او به هم می خورد و برخی با کنایه و زخم زبان او را شر می خوانند ولی او صبر نموده و تحمل می کند و همچنان در طوفان حوادث منتظر رسیدن به حجت خدا می ماند .

ص: 177

و اما صبر و جهاد بالاتر از زمانی است که ناچار است در قالب اسیر خود را وارد اسراء نماید تا به این طریق به محبوب خویش دست یابد. آن حضرت با این که بانوی اول و شاهزاده است اما حاضر است برای رسیدن به حجت خدا و امام زمانش تمام شخصیت خود را پایین بیاورد و خود را در میان اسیران و کنیزان قرار دهد تا به این بهانه به امام خویش برسد. این صبر خیلی بزرگ و با عظمت است که شاهزاده باشی ولی در میان اسیران و فقیران قرار بگیری، کاخ نشین باشی ولی برای وصال مولا کوخ نشین گردی! این تواضع و صبر بانو نشان گر یقین کامل و اعتقاد درست ایشان به جایگاه امامت و ولایت است.

این حرکت بانو برای ما درس های زیادی دارد و رمزی برای وصال یار است. یکی از درس های اخلاقی این حرکت، این است که اگر خواهان وصال یاری باید از منیت ها و جاه و مقام ظاهری خویش بگذری. باید از لباس کبر و غرور و خودخواهی جدا شوی و در لباس تواضع به وصال محبوب برسی، باید

در این خانه چون گدایان فروتن گردی تا حقیقت را دریابی. اگر خواهان وصال آقای عالم حضرت صاحب الزمان روحی فداه هستی باید صاف و ساده و خاکی شوی، گرد پایش شو تا بلندت کند، مگر نشنیده ای که فرموده اند: « مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ ضَعِيفٌ وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ » (1)؛ « هر که برای خدا فروتنی کند خدا او را بالا می برد. چنین شخص همواره خود را کوچک می بیند اما خدا او را در چشم دیگران بزرگ می نماید. »

ص: 178

باید اسیر این خانه شد تا از همه چیز و همه کس آزاد شد، بانو ملیکه خود با این که ملیکه بود اما خود را خاکی در خانه اهل بیت (علیهم السلام) نمود و مقامش آنچنان بالا رفت که اکنون بزرگان عالم باید به او متوسل شوند. او خود را اسیر عشق مولا نمود و با این اسارت به تمام خوبی ها رسید و در آسمان عشق و بندگی پرواز نمود.

وَحَفِظَتْ سِرَّ اللَّهِ وَحَمَلَتْ وَلِيَّ اللَّهِ وَبَالِغَتْ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ وَرَغِبَتْ فِي وَصْلَةِ ابْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)

و راز خدا را حفظ نمودی و توفیق مادری ولیّ خدا را پیدا نموده و در حفظ حجت خدا تلاش کردی و همواره مشتاق وصال فرزندان رسول خدا بودی.

رمز سعادت انسان در شور و اشتیاق و شیدایی او نسبت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. هر چه انسان عشق و شیدایی اش به اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر باشد پیش خدا عزیزتر است، سعادت دنیا و آخرت در ارتباط و اتصال به اهل بیت (علیهم السلام) است و خدا در قرآن کریم بر این امر مهم تأکید نموده و فرموده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (1) و امام صادق (علیه السلام) در رابطه با این آیه می فرماید: « وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَر » منظور از ارتباط در این آیه یعنی با امام زمانتان ارتباط و پیوند داشته باشید. (2)

ص: 179

1- . سوره آل عمران ، آیه 200 .

2- . تاویل الایات الظاهره، ص 133.

ما همچون قطره بارانی هستید که اگر به دریای اهل بیت بریزیم ابدی می شویم اما اگر در بر بیابان نفس خویش بیفتیم تبخیر شده و از بین می رویم .

حضرت نرجس (علیها السلام) هم پیوند ظاهری و همسری با امام عسکری (علیه السلام) داشته و هم پیوند معنوی و قلبی و ولایی برقرار نموده است . بسیار واضح است که پیوند حقیقی در ازدواج نیست ؛ زیرا چه بسیار زنانی بوده اند که توفیق همسری انبیاء و اولیاء الهی را پیدا کرده اند اما معرفت و ولایت آن عزیزان را نداشته اند . پس پیوند حقیقی همان پیوند معرفتی و مودّتی است که قرآن کریم به آن دستور داده و فرموده : «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (1) و این پیوند محدود در ازدواج نیست و برای همگان ممکن است .

عَارِفَةٌ بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةٌ بِصِدْقِهِمْ

کسی که به جایگاه و حق اهل بیت (علیهم السلام) معرفت و به راستی آنان باور داشت .

ارزش هر انسانی به قدر معرفت و ایمان اوست ، هرچه معرفت و باور انسان نسبت به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بالاتر رود ارزشش نیز بالاتر می رود . در روایات شیعه و سنی این روایت نقل شده است که پیامبر عزیز (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند : « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً » (2)

در واقع کسی که این جلسه امتحان دنیا را ترک کند در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است یعنی گویا اصلاً دین و

ص: 180

1- . سوره شوری ، آیه 23.

2- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 410.

آیین اسلام را درک نکرده و با مردم نادان عصر جاهلیت تفاوتی ندارد اما در مقابل اگر معرفت حاصل شود کار به جایی می‌رسد که انسان به ملکوت عالم راه می‌یابد و حقایق را درک می‌کند و می‌بیند آنچه را که دیگران نمی‌بینند و می‌شنود آنچه را که دیگران نمی‌شنوند همان طور که امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: « حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ »؛ چشم دل و فهم و درک انسان پرده‌ها و حجاب‌های نورانی و ظلمانی را در هم شکسته و به سرچشمه عظمت و کرامت دست می‌یابد و روح آدمی را در آستان قدسی پروردگار به پرواز در می‌آورد.

همچنین در روایت دیگر به صراحت می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا وَ لَا تَعْرِفُوا حَتَّى تُصَدِّقُوا وَ لَا تُصَدِّقُوا حَتَّى تُسَلِّمُوا»⁽¹⁾ شما به مقام صلاح نمی‌رسید و صالح نمی‌شوید مگر این که معرفت پیدا کنید و معرفت پیدا نمی‌کنید مگر این که حقیقت را تصدیق کنید و حقیقت را تصدیق نمی‌کنید مگر این که بنده و تسلیم شوید.

وجود مبارک مادر امام عصر روحی فداه بحر معرفت بود و معرفتش را مستقیم از طریق خود اهل بیت (علیهم السلام) و از طریق الهامات قطعی الهی به دست آورده بود و پس از پیوستن به اهل بیت (علیهم السلام) امام حسن عسکری (علیه السلام) او را به صورت ویژه تحت تربیت خاص خویش قرار داده و از کوثر بیکران خویش بهره مندش نموده بود. به عنوان نمونه امام عسکری (علیه السلام) از حضرت حکیمه

ص: 181

خاتون (علیها السلام) عمه خویش خواستند تا معارف الهی را به ایشان فرا دهند . بنابراین حضرت نرجس (علیها السلام) عارفه ای بود با ایمان بود که حقیقت را تصدیق نموده و تسلیم اوامر الهی بود.

مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ

و از روی ایمان و یقین به جایگاه والای اهل بیت (علیهم السلام) اقرار می نمود .

یکی از کارهای پسندیده و ارزشمند ، اقرار به حقیقت است . به عنوان نمونه زیارت آل یاسین یک اقرارنامه معرفتی برای منتظران و دوستداران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که شایسته است منتظران با توجه کامل آن را بخوانند و در محضر خدا و امام عصر روحی فداه به این معارف الهی اقرار نمایند .

مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ

و بصیر به امر امامت اهل بیت (علیهم السلام) بود.

یکی از بهترین دعاها و تعقیبات نماز ، دعای بصیرت است ، آنجا که می گوئیم : « وَاجْعَلِ النَّوْرَ فِي بَصْرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي » ؛ « خدایا ! دیده ام را روشن ساز و دینم را با بصیرت و بینش همراه کن و قلبم را پر از یقین فرما و معلم را برای خودت خالص کن » .

در واقع آن چیزی که باعث یقین در قلب و اخلاص در عمل و رسیدن به کمالات روحی و معنوی می شود بصیرت و آگاهی است . انسانی که نسبت به امر امامت و ولایت بصیرت نداشته باشد نمی تواند در جلسه امتحان دنیا به سلامتی و عافیت خود را به بهشت مقصود برساند، در واقع نور امامت و ولایت است که انسان را از کوری و ظلمت نجات می دهد و

به سعادت می رساند اما کسی که این نور را ندارد در ظلمات هوا و هوس خویش راه را گم می کند و به مقصود نمی رسد، همان طور که خدای عزیز می فرماید: « أَوْ كُظِّلِمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِيِّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ »؛ (1) «همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ آن را می پوشاند، و روی آن موج، موج دیگری می آید و بالای آن ابری است و ظلماتی تو در تو (که شخص کافر در آن ها غرق شده است) و هر گاه دست خود را برآورد، آن را نمی بیند. آری! کسی که خداوند برایش نوری قرار ندهد، هیچ نوری برایش نخواهد بود.»

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: « مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ أَيْ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ إِمَامًا فِي الدُّنْيَا فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نُورٍ إِمَامٌ يُرْشِدُهُ وَيَتَّبِعُهُ إِلَى الْجَنَّةِ »؛ (2) یعنی اگر کسی در این دنیا نور امامت را نداشته باشد در آخرت نیز این نور را ندارد تا به بهشت رهنمونش کند.

پس آن چیزی که ما را به بهشت می رساند بصیرت به مقام امام زمان روحی فدا و تبعیت از نور ولایت و امامت آن حضرت است.

مُشَفِّقَةً عَلَيْهِمْ

غمخوار و دلسوز اهل بیت (علیهم السلام) بود.

ص: 183

1- . سوره نور، آیه 40.

2- . بحار الانوار، ج 23، ص 324.

این عبارت درس بزرگی برای محبتان و منتظران امام عصر روحی فداه است، کسانی که دم از مهر و محبت اهل بیت و امام زمان (علیهم السلام) می زنند باید این دلدادگی و عاشقی تا حدی باشد که دلشان هر لحظه برای آنان بتپد و برای مظلومیت و غربت آن عزیزان و به ویژه امام زمان مظلوم روحی فداه دل بسوزانند .

امام صادق (علیه السلام) پس از نماز خویش برای دل و دیده چنین عاشقانی به صورت ویژه دعا می کرد و می فرمود: «وَارْحَمِ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَّتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا، وَارْحَمِ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمِ تِلْكَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى تَرَوِيَهُمْ مِنَ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ» ؛ «خدایا! این چشم هایی که از سر دلسوزی برای ما اشکهایشان جاری است و این دل هایی که در غم مصیبت ما بی تاب و سوزان است و این ناله و شیون هایی که برای ما بلند است را مشمول رحمت خویش بفرما. بار خدایا! من این جان ها و این پیکرها را به تو می سپارم تا در آن روز تشنگی از حوض کوثر سیرابشان کنی.» (1)

و نیز می فرمودند: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لُظْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ «نفس شخصی که برای مظلومیت ما غصه می خورد تسبیح خداست و اندوه او به خاطر ما عبادت است و پرده پوشی اسرار ما جهاد در راه خداست.» (2)

ص: 184

1- بحار الانوار، ج 30، ص 8 .

2- امالی مفید، ص 338 .

مگر می شود عاشق بود و مشفق نبود؟! مگر می شود دلداده بود و دل سوخته نبود؟! مگر می شود با معرفت بود و با محبت نبود؟! معرفت بی محبت همچون ریشه ای است که شکوفا نگشته و عاشق بی شفقت گنج نهانی است که پیدا نشده و دلداده ای که دل سوخته نیست دل بسته ای است که همراه نشده است .

یک عاشق منتظر با اقتدا به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) همواره در تب و تاب امام زمان خویش است ، هیچ لحظه ای از یاد مولایش غافل نیست، دلش برای مظلومیت و غربت اربابش آتش گرفته و فهم و بصیرتش همراه با احساس و عاطفه و عشق و محبت است .

امکان ندارد کسی پنجره دلش به روی امام زمانش باز شده باشد و از جام معرفت مولا چشیده باشد اما شیدا نباشد و کسی که شیدا شده چگونه می تواند در غم مولا بی تاب نباشد ، مگر ممکن است کسی عاشق باشد ولی غمخوار امام زمانش نباشد ...

به یقین این غمخواری و این شفقت و دل سوختگی بالاترین عبادت منتظران است .

مُؤَيَّرَةٌ هَوَاهُمْ

و خواسته اهل بیت را بر خواسته خود ترجیح می داد .

حضرت نرجس (علیها السلام) یک الگوی کامل برای دلدادگان و منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است . کسی که می گوید : « من امام زمانی ام » باید خواسته امام زمانش را بر هوا و هوسش ترجیح دهد .

ص: 185

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند چرا شما دائم از سلمان فارسی به خوبی یاد می کنید و همواره ذکر خیر ایشان را به زبان دارید؟

حضرت فرمود: « لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانُ الْمُحَمَّدِيُّ أَ تَدْرِي مَا كَثُرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟ قُلْتُ لَا قَالَ لِثَلَاثٍ أَحَدُهَا إِثَارَةُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ الثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ لَهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعُدَدِ وَ الثَّلَاثَةُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ » ؛ « نگو سلمان فارسی ، بگو سلمان محمدی ، اما من به خاطر سه ویژگی سلمان همیشه از او یاد می کنم :

اول این که او خواسته امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر خواسته خود مقدم می داشت. دوم این که محرومان و فقرا را دوست داشته و بر ثروتمندان ترجیح می داد . و سوم این که همواره دوستدار علم بود و عالمان را گرامی می داشت ، سلمان ، عبد صالح خدا ، حق گرا و مسلمان بود و از مشرکین نبود .» (1)

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ

گواهی می دهم در حالی از این دنیا رفتی که نسبت به دین و امامت معرفت و بصیرت داشتی.

انسان در این دنیا هر چه بالا و پایین برود و اوج و فرود داشته باشد اگر آخر کار با معرفت و محبت و ولایت امام زمانش از دنیا برود ارزش دارد و گر نه همه عمرش هدر رفته است. امیرمؤمنان (علیه السلام) که خودش حقیقت دین است وقتی خبر شهادتش را از پیغمبر رحمت شنید از کیفیت شهادت خویش سوال نکرد بلکه پرسید :

ص: 186

«ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟» (1) او خودش حقیقت دین و دلیل سلامت دین دیگران است اما برای اینکه به ما اهمیت زیبا زیستن و زیبا مردن را بفهماند می پرسد: آیا وقتی از دنیا می روم دل و دینم سلیم است؟ در واقع حضرت به ما یاد می دهد که دغدغه شما عاقبت به خیری و سالم زیستن و سالم پریدن باشد زیرا این دغدغه تمام انبیاء و اولیاء الهی بوده است. به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده است که حضرت یعقوب به فرزندان خود سفارش کرد: «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (2)؛ «نمیرید مگر در حالی که تسلیم خدا و بنده او باشید» یعنی در حال بندگی بمیرید نه در حال نافرمانی و سرکشی، از این دنیا پر نکشید مگر با دل و جانی پاک و امام زمانی. اگر در این دنیا به ما صد تا لقب یا مدال یا لوح زرین بدهند اما خروجی ما را امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأیید نکند تمام عمر ما ضایع شده است؛ از قدیم گفته اند «جوجه را آخر پاییز می شمارند» پس سعادت و شقاوت ما در لحظه رفتن روشنمی شود، آیا در آن زمان حساس ما با لبخند و تأیید امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلسه دنیا را ترک می کنیم یا با قهر آن حضرت؟!

زندگی حضرت نرجس (علیها السلام) سراسر رضایت خداست به طوری که در این زیارتنامه گواهی می دهیم که ایشان تمام عمر خویش را با معرفت و بصیرت و رضایت مولای خویش سپری کرده است.

ص: 187

1- . اقبال الاعمال ، ج 1 ، ص 3.

2- . سوره آل عمران ، آیه 102.

مُقْتَدِرِيَهُ بِالصَّالِحِينَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً تَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِيَّ اللهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْحَيَّرَاتِ مَا أَوْلَاكَ

رمز رسیدن به سعادت ابدی و خشنودی خدا و امام زمان این است که ما به صالحان و شایستگان یعنی پیامبران و اهل بیت (علیهم السلام) اقتدا کنیم. حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «أَلَا وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ» (1)؛ «منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیره امامی را بپسندد ولی به صورت عملی از کارهای او پیروی نکند». همچنین امام عصر روحی فداه می فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بَعْمَلِنَا، وَلَيْسَتَيْنِ بِالْوَزَعِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (2)؛ «هر که ما را دوست دارد، باید به کردار ما نیز عمل کند و در مسیر بندگی، از پارسایی و تقوا مدد گیرد؛ زیرا تقوا بهترین مددکار در امر دنیا و آخرت است».

اگر این اقتدا در حرف و عمل شکل گرفت قطعاً ما به مقام رضا و تسلیم می رسیم و مهر «راضیه مرضیه» و «تقیه نقیه» نصیب ما نیز می گردد. بنابراین طبق این فراز از زیارت، برخی از صفات بارز حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که زندگی زیبای او را ترسیم نموده است عبارتند از؛

ص: 188

1- . الكافي، ج 8، ص 234.

2- . الخصال، ص 614 و تحف العقول، ص 104.

1. اقتدا به اهل بیت (علیهم السلام) ، 2. در مسیر رضای خدا زیستن ، 3. پرهیزگاری ، 4. پاکی و طهارت در روح و عمل .

و نتیجه این زندگی زیبا عبارت است از :

1. رسیدن به خشنودی و رضایت خدا و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) . 2. بهشتی شدن زندگی دنیایی و رسیدن به بهشت جاودان ، 3. لطف و عنایت و احسان خاص خدا .

فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكِ

حضرت نرجس (علیها السلام) به صورت ویژه مورد لطف و عنایت خداست. اما احسان ویژه و بلکه بالاترین لطف خدا به این بانو این است که وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به او عنایت کرده است . در واقع وجودی را در دامن او قرار داده که سید الاخیار و خیرالابرار و نورالانوار و صاحب الخیرات است ، امامی که معدن همه خوبی ها و آقای همه نیکان در تمام دوران هاست . به قول شاعر:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد *** تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد

وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ، فَهَتَّاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرًا

و از شرافت و بزرگی آنقدر به تو عطا کرد که شرافت کامل است

برای این عبارت باید « الله اکبر » گفت! این چه عظمتی است که خدای تعالی به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عطا کرده که می گوئیم : خدا

آنقدر به تو شرافت داده که دیگر بی نیازت ساخته است . پس آن چه خدا به تو عطا کرده برایت گوارا و مبارک گرداند .

پناهگاه درماندگان

مقام مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن چنان بالاست که یادش احیاگر دل ها و قبر شریفش محل توسل و توجه اولیاء خداست . اگر می خواهید بیشتر مورد عنایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع شوید برای مادر معصومه اش صلوات بفرستید و گاه به محضر آن بانوی مهربان دو رکعت نماز یا آیاتی از قرآن را هدیه نمایید. اگر به سامرا رفتید از توسل به آن بانوی کرامت غافل نشوید ، در این زیارت و توسل، گنج های گران بهایی نهفته است ، به همین جهت در دعای بعد از زیارت در درگاه خدا عرض می کنیم : « وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ » ؛ خدایا من به قبر مادر ولیّت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پناهنده شدم . در واقع قبر بانو پناهگاه درماندگان و پناه جویمان عالم است و دعا در این مکان مقدّس ، مستجاب است .

دعای بعد از زیارت بانو ملیکا (علیها السلام)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمَدْتُ، وَ لِرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَ بِأَوْلِيَانِكَ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَ عَلَيَّ غُفْرَانِكَ وَ حِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ، وَ بِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ مَحَبَّتِهَا، وَ لَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ وَاٰلِهَا، وَ ارزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَ احْسُدْنِي مَعَهَا وَ مَعَ وَاٰلِهَا، كَمَا وَفَّقْتَنِي لِمُزَارَعَةِ وَاٰلِهَا وَ زِيَارَتِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأَيْمَةِ

ص: 190

الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِ طَهٍ وَيَسُّ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَشْرِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعْيُهُ، وَيَسَّرَتْ أَمْرَهُ، وَكَشَفَتْ ضُرَّهُ، وَأَمَنْتْ خَوْفَهُ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدَيْهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خدایا تکیه گاه من تویی و من خواهان خشنودی ات هستم و به اولیایت دل بستم و با آنان به درگاهت متوسل شدم و بر آمرزش و بردباری ات توکل نمودم و در پناه تو آمدم و به قبر مادر ولی تو پناهنده شدم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به وسیله زیارتش سودمند کن و بر دوستی اش ثابت مدار و از شفاعتشو شفاعت فرزندش محروم مکن و هم جواری اش را نصیبم فرما و با او و با فرزندش محشورم نما، چنان که به زیارت فرزندش و خودش موقفم نمودی .

خدایا در درگاهت به وسیله امامان پاک رو می آورم و به حجّت های مبارکت از خاندان طه و یاسین توسل می جویم ، از تو می خواهم بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی و مرا از آرام گرفتگان ، رستگاران ، شادمانان ، مزده گیرندگانی قرار دهی که هیچ بیمی بر آنان نیست و هرگز اندوهگین نمی شوند و قرار ده مرا از آنانی که سعی شان را پذیرفته و کارشان را آسان نموده و گرفتاری شان را برطرف

ساخته و ترسشان را ایمن نموده ای . خدایا به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده و برگشت به زیارتش را تا زنده ام نصیبم فرما و پس از مرگ مرا در زمره ایشان محشورم کن و در شفاعت فرزندش و خودش واردم فرما و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیمارز و به ما در دنیا و آخرت خوبی عطا کن و ما را به رحمتت از عذاب دوزخ نگره دار، ای سرورانم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد .

خدایا! به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ملیکه بندگی و صلاح و رستگاری است فرج یوسف عزیزش را برسان و ما را از نوکران آن حضرت قرار بده .

تصویر



اشاره

به قلم : نویسنده بزرگوار و ولایی

آقای شیخ غلامحسین مجلسی

نرجس خاتون (علیها السلام) بانوی پاک و برگزیده

آیا تا به حال به این نکته قرآنی توجه کرده ایم که نام هیچ زنی در قرآن به صراحت ذکر نشده مگر حضرت مریم (علیها السلام) و قرآن مجید نه تنها نام او را ذکر کرده ، بلکه سوره ای به نام او نامگذاری کرده و آیاتی در شأن و فضیلت او ذکر شده است . شاید علت ، این باشد که او مادر حضرت عیسی (علیه السلام) یکی از پیامبران اولوالعزم است که خداوند به او عمر طولانی داده تا زمان ظهور را درک کند و پشت سر پسر نرجس خاتون (علیها السلام) ، حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز بخواند و امتش را به سوی اسلام و امام زمان دعوت کند .

قرآن کریم در شأن حضرت مریم (علیها السلام) می فرماید :

« وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ؛ به یاد آور زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته است و تو را بر تمام زنان جهان برتری داده است.» (1)

در این آیه شریفه ، قرآن کریم چند صفت از اوصاف حضرت مریم (علیها السلام) را بیان می کند :

ص: 193

الف : محدثه بودن حضرت مریم (علیها السلام) (1) و این که ملائکه با او صحبت کردند. «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ»

ب : برگزیده شدن حضرت مریم (علیها السلام) به طهارت و پاکی که همان مقام عصمت باشد «اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ»

ج : برگزیده شدن و برتری حضرت مریم (علیها السلام) بر تمام زنان جهان در زمان خویش. (2) «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».

با جستجو در تاریخ و روایات در می یابیم که همه مادران معصومین (علیهم السلام) و من جمله حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این چند صفت را دارا بوده اند :

الف : محدثه بودن

یعنی آنها پیام ها را از عالم بالا درک می کردند و ملائکه با آنها سخن می گفتند . بلکه بالاتر ، پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا (علیهم السلام) با آنها سخن گفتند و مطالبی از عالم غیب و حوادث آینده برای آنها بیان کردند . مثلاً شهربانو همسر امام حسین (علیه السلام) و مادر امام زین العابدین (علیه السلام) می گوید : زمانی که من در کاخ یزدگرد پادشاه ایران بودم خواب رسول الله و امام حسین (علیهم السلام) را دیدم و پیامبر در عالم رؤیا از من برای امام حسین (علیه السلام)

ص: 194

- 1- . قرآن درباره مادر حضرت موسی (علیه السلام) نیز می فرماید : ما به او وحی کردیم . «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ» (قصص/7) که کودکت را شیر بده و او را در دریا بینداز و در زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم : السلام علیک یا شبیهة ام موسی .
- 2- . طبق روایت که سیده نساء العالمین من الاولین و الآخیرین وجود مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد و مریم سیده زنان عصر خویش می باشند .

خواستگاری نمودند . شب بعد خواب حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را دیدم و دو کلمه طیبه شهادتین را با تلقین ایشان بیان کردم. (1)

و همچنین در قصه مشهور ملکه روم می خوانیم که نرجس خاتون (علیها السلام) فرمودند : یک شب بعد از به هم خوردن جلسه معظم عقد من و پسر عمویم ، در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح (علیه السلام) و شمعون و جمعی از حواریین در قصر جدم جمع شدند و منبری از نور که از رفعت بر آسمان سر بلند می کرد بر پا نمودند پس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و وصی و دامادشان حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و جمعی از فرزندان بزرگوار ایشان قصر را به قدوم خویش منور ساختند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت مسیح (علیه السلام) فرمودند : ما آمده ایم ملیکه فرزند تو را برای فرزند خود امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری کنیم . و پس از چهارده شب که در عشق دیدار امام حسن عسکری (علیه السلام) آتش گرفته و می سوختم در خواب خدمت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) رسیدم در حالی که حضرت مریم (علیها السلام) با هزار حوریه بهشتی در خدمت آن حضرت بودند و با تلقین ایشان دو کلمه طیبه شهادتین را تلفظ نمودم . پس حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مرا به سینه چسبانید و فرمودند : منتظر فرزندم باش که من او را به سوی تو می فرستم و پس از آن هر شب در عالم رؤیا جمال زیبای امام حسن عسکری (علیه السلام) را زیارت می کردم . تا شبی در عالم رؤیا امام عسکری (علیه السلام) به من فرمودند که در فلان روز ، قیصر لشکری به سوی مسلمانان می فرستد پس تو با لباس کنیزان در عقب لشکر حرکت کن . پس مسلمانان تو را اسیر می کنند و عاقبت کار تو خیر است. (2)

ص: 195

1- . منتهی الآمال ، ج 2 ، ص 31 ، باب 6 ، در تاریخ حضرت سیدالسادین (علیه السلام)

2- . کمال الدین و اتمام النعمه ، ج 2 ، ص 132 .

آیا این اخباری که از پیامبر ، امیرالمؤمنین ، حضرت فاطمه زهرا و امام حسن عسکری (علیهم السلام) هر شب به نرجس خاتون (علیها السلام) می رسیده او را بالاتر از محدثه بودن قرار نداده است؟! به همین علت در زیارت ایشان می گوئیم :

السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةِ الْإِمَامِ ، وَ الْمُوَدَّعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ... ، وَ الْمُسْتَوْدَعَةِ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ سلام بر مادر امام که در نزدش اسرار خداوند علیم به امانت گذاشته شده است .(1)

ب: طهارت و پاکدامنی

یکی از نکات مهم و قابل توجهی که در تاریخ و روایات در مورد مادران ائمه (علیهم السلام) به آن تصریح شده ، طهارت و پاکدامنی این بانوان بزرگوار است که ما در اینجا به صورت مختصر به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :

1: شهربانو همسر امام حسین و مادر امام زین العابدین (علیهما السلام)

با اینکه دختر پادشاه است اما با لباس کامل و حتی با روپوش که صورت او پوشیده است در بین اسرا حاضر می باشد و زمانی که خلیفه ثانی ، عمر می خواهد صورت او را ببیند ، او رخسار خود را می پوشاند و می گوید : « اف بیروح بادا هر مز » ؛ روی جدم هر مز سیاه باد (که می خواهند روی دخترش را ببینند) .(2)

2: فاطمه بنت الحسن همسر امام باقر و مادر امام صادق (علیهما السلام)

ص: 196

1- . مفاتیح الجنان ، در زیارات سُرَّ من رای .

2- . اصول کافی ، ج2 ؛ مولد علی بن الحسین (علیهما السلام) ، ص 369 ، ح 1 .

امام صادق (علیه السلام) در حق مادرش فاطمه بنت الحسن می گوید: « كَانَتْ صِدِّيقَةً لَمْ تُدْرِكْ فِي آلِ الْحَسَنِ امْرَأَةً مِثْلَهَا؛ او صدیقه (پاک و معصوم) بود که در دودمان امام حسن (علیه السلام) زنی مانند او نبود.» (1)

3: حمیده همسر امام صادق و مادر امام کاظم (علیهما السلام)

زمانی که او را نزد امام باقر (علیه السلام) آوردند حضرت از او پرسیدند تو باکره هستی یا ثیبیه؟ عرض کرد: باکره هستم. فرمودند: چگونه بوده که کسی به تو دسترسی پیدا نکرده است؟

کنیز گفت: هرگاه صاحب من می خواست طرف من بیاید، خداوند مردی را که موی سر و محاسنش سفید بود بر او مسلط می نمود و بر صورت او می زد تا از من منصرف شود و این قضیه چند مرتبه رخ داد.

و امام صادق (علیه السلام) در حق او فرمودند:

« حَمِيدَةٌ مُصَفَّاءٌ مِنَ الْأَدْنَسِ كَسَيْبِكَةِ الذَّهَبِ...؛ حمیده مانند شمش طلا از همه بلیه ها پاک است. فرشتگان همواره او را نگهداری کردند تا به من رسید به جهت کرامتی که خدا نسبت به من و حجت پس از من دارد.» (2)

4: نجمه همسر امام کاظم و مادر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)

نجمه، ستاره ای بود درخشان و پاک که به خاطر طهارت و پاکی، او را « طاهره » لقب دادند. (3)

5: ریحانه همسر امام رضا و مادر امام جواد (علیهما السلام)

ص: 197

1- اصول کافی، ج 2، ص 373، ح 1، مولد ابی جعفر محمد بن علی (علیهما السلام).

2- اصول کافی، ج 2، ص 384، ح 1 و 2.

3- منتهی الآمال، ج 2، ص 457. در تاریخ امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام).

زنی از نسل ماریه قبطیه بود و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در اخبار غیبی خود از او خبر داده و بر پاکی او شهادت دادند و فرمودند: «بِأَبِي ابْنُ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ ابْنُ التَّوَيْبَةِ الطَّيِّبَةِ؛ پدرم فدای بهترین کنیزان از اهل نوبه، آن زن پاکیزه و طیبه باد». و امام رضا (علیه السلام) نیز از او به عنوان بانوی منزله و پاکدامن همچون حضرت مریم (علیها السلام) یاد نموده و در حق او فرمودند: همسر سبیکه (ریحانه) در قداست و پاکی چون حضرت مریم (علیها السلام) است او پاک و پاکیزه آفریده شده است. (1)

6: سمانه همسر امام جواد، و مادر امام هادی (علیهما السلام)

امام هادی (علیه السلام) در حق او فرمودند: «أَنَّهَا أُمَّةٌ عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرَبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَلَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ كَانَتْ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَلَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصَّادِقِينَ وَ الصَّالِحِينَ». (2)

مادرم عارفه است به حق من و او از اهل بهشت است و نزدیک نمی شود به او شیطان سرکش و نمی رسد به او مکر جبار عنید و خداوند نگهبان و حافظ او است و تخلف نمی کند از مادران صدیقین و صالحین و با آنها هم مرتبه است.

7: سوسن (سلیل) همسر امام هادی، و مادر امام حسن عسکری (علیهما السلام)

در کتاب «اثبات الوصیه» روایت شده است که: زمانی که این بانوی بزرگوار را خدمت امام هادی (علیه السلام) آوردند آن حضرت در حق ایشان فرمودند: سلیل از هر آفت و بیماری و از هر پلیدی مبرا شده و پاک و پاکیزه است. و در مقام عصمت و پاکی او همین بس که دستور داده شد که بعد از شهادت

ص: 198

1- بحار الانوار، ج 50، ص 15؛ منتهی الامال، تاریخ زندگانی امام محمد تقی 7، ج 2، ص 572.

2- مدینه المعاجز، ج 7، ص 420.

امام حسن عسکری (علیه السلام) به جهت حفظ جان امام زمان مردم به این بانوی بزرگوار مراجعه فرمایند. (1)

8: نرجس خاتون همسر امام حسن عسکری و مادر امام زمان (علیهما السلام)

نرجس خاتون (علیها السلام) که در عفت و پاکدامنی او، امام هادی (علیه السلام) شهادت دادند و فرمودند: او اگر چه در بین کنیزان است اما امتناع می کند که مشتریان به او نگاه کنند یا دست بگذارند.

و بشر بن سلیمان که مأمور خریداری او بود می گوید: زمانی که مشتریان عفت او را دیدند یکی از آنها گفت: من او را به سیصد اشرفی می خرم چون عفت او مرا در خرید او راغب تر گردانیده است. (2)

و زمانی که در مقام زیارت این ملکه دنیا و آخرت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) قرار می گیریم اینچنین به مقام عفت و عصمت ایشان سلام می دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيَّةُ النَّبِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى زَوْجِكَ وَ بَدَنِكَ الطَّاهِرِ .

و در آخر زیارت در مقام شهادت قرار گرفته و می گوئیم:

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصْدَقٌ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ ، مُقْتَدِيَةٌ بِالصَّالِحِينَ ، رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ ، تَقِيَّةٌ تَقِيَّةٌ زَكِيَّةٌ ، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ ، وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَأْوَاكَ ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ ، وَ أَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَعْنَاكَ ، فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ أَمْرًاكَ .

ص: 199

1- . اکمال الدین صدوق؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 702. در تاریخ زندگانی امام عسکری (علیه السلام).

2- . اکمال الدین، ج 2، ص 132.

و من گواهی می‌دهم که تو با علم و بصیرت کامل قدم برداشتی و به انسان‌های صالح و شایسته اقتدا کردی. خداوند از تو راضی و تو هم از خداوند خشنود بودی. تو پاک و پاکیزه بوده به همین جهت خداوند هم از تو راضی بود و تو را راضی کرد و بهشت را منزل تو قرار داد و تو را شایسته آن همه خیرات دید و آنچنان از عزت و شرف به تو کرامت کرد که بی‌نیاز شدی پس برای تو گوارا باد آن کرامتی که خدا به تو داد. (1)

همه این کلمات معصومین (علیهم السلام) و جملات تاریخ نویسان بر این مطلب شهادت می‌دهد که این بانوان بزرگوار پاک و پاکیزه و مطهر بودند چون قرار بود آنها همسر امامان معصوم باشند و از آنها امامانی معصوم به دنیا بیایند.

ج: برگزیده شدن

خداوند عزوجل این بانوان مکرم و پاک را، از بین تمام زنان زمان خویش انتخاب نمود تا به عنوان عروسان حضرت زهرا (علیها السلام) و همسران امامان معصوم باشند و در دامن پاک آنها فرزندان متولد و تربیت شوند در اوصیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و حجت خداوند بر روی زمین باشند و این بانوان با عظمت، افتخار دارند که عمر خود را با پاکی و عصمت در خانه‌هایی گذرانند که قرآن در حق آن می‌فرماید:

« فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَ... » (2)

ص: 200

1- . مفاتیح الجنان، بخش زیارات ائمه سرّ من رای، ص 781.

2- . نور / 36 و 37. (این چراغ‌های پر فروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و در صبح و شام در آنها تسبیح او گویند . مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند .

محقق و عالم بزرگوار، مرحوم حاج شیخ عباس قمی (قدس سره) در «منتهی الآمال» درباره تمام مادران ائمه معصومین فرموده اند: آنها بهترین زنان زمان خویش بوده اند.

آری آنها منتخبین و برگزیدگان خدا در روی زمین بودند که قرار بود از آنها بهترین فرد روی کره زمین یعنی امام و حجت زمان به دنیا بیاید.

آری برده فروش درباره نجمه مادر امام رضا (علیه السلام) فرمود: زمانی که من این کنیز را از دورترین نقطه مغرب خریداری کردم زنی از اهل کتاب به من گفت: این کنیز از کیست؟ او نباید نزد تو باشد. بلکه به زودی او در اختیار بهترین فرد اهل زمین قرار می گیرد و مدتی نمی گذرد که از او فرزندی متولد می شود که کسی در شرق و غرب عالم بهتر از او نخواهد بود. و همانگونه که گفته بود او در اختیار امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) قرار گرفت و زمانی که از او حضرت امام رضا (علیه السلام) متولد شدند امام کاظم (علیه السلام) به او فرمودند:

«هَنِيئًا لَكَ يَا نَجْمَةَ كَرَامَةِ رَبِّكَ ... خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ»⁽¹⁾ گوارای تو باشد ای نجمه خاتون این کرامتی است از طرف پروردگار به تو او را بگیر که او باقیمانده حجج خدا روی زمین است.

بشر بن سلیمان نقل می کند زمانی که من نرجس خاتون را از بغداد به سامرا به خدمت امام هادی (علیه السلام) بردم در همان دیدار اول امام هادی (علیه السلام) به او بشارت دادند که: به زودی از تو فرزندی به دنیا خواهد آمد که پادشاه شرق و

ص: 201

غرب عالم می شود و زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد . و در زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم :

« السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ ... وَالْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ ؛ سلام بر مادر امام ، و سلام بر شما که حامل بهترین موجود روی زمین هستی » (1).

خاتمه

خلاصه اینکه ما اعتقاد داریم همانطور که مادران انبیا، بانوان خاص و پاک بودند که خداوند علیم آنها را از بین زنان زمان خودشان برگزید و آنها را پاک و مطهر قرار داد . مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز

زنانی پاک و برگزیده می باشند که مثل مادران انبیا اولوالعزم مورد خطاب الهی و ملائکه قرار می گیرند و خداوند برای آنها اخبار و اسراری را بیان می کند . و البته در بین این بانوان مکرم حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مقام ویژه ای دارد ، چرا که او مادر آخرین وصی آخرین پیامبر است او مادر باقی مانده حجت های خدا بر روی زمین است که قرار است او پرچم شریعت محمدی و عدل علوی را در سر تا سر جهان برافراشته و گسترده سازد . ان شاء الله

تصویر

□

ص: 202

به قلم : نویسنده متتبع و پر اثر

آقای شیخ علی نظری مؤمن آبادی (رفسنجانی)

گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم

پیگیری سرگذشت حیرت انگیز « نرجس خاتون (علیها السلام) » یکی از مصادیق بارز این آیه است : « لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ ؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است .» (1) که برای نسل جوان ، به ویژه دختران ، آموزه های بی نظیری دارد .

در این نوشتار سعی شده است ضمن آشنایی با این بانوی کرامت ، درس ها و پیام های سرگذشت ایشان را ارائه کنیم .

جناب نرجس خاتون (علیها السلام) ، همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر بزرگوار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، شاهداده ای رومی بود و برای آنکه شناسایی نشود ، سوسن ، صیقل ، ریحانه و ملیکه (2) نیز نامیده می شد .

پدرش « یشوعا » پسر قیصر روم شرقی و مادرش ، از نوادگان شمعون (یار حضرت مسیح (علیه السلام) و وصی او) به شمار می رفت .

از امام هشتم (علیه السلام) پرسیدند : قائم شما اهل بیت کیست ؟ فرمود : « الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ ؛ (3)

ص: 203

1- . یوسف / 111.

2- . بحار الانوار ، ج 51، ص 15 و 7.

3- . كفاية الاثر في النص على الأئمة الإثني عشر ، ص 275.

چهارمین فرزند از فرزندان من و پسر سید کنیزان است . خداوند توسط او زمین را از هرستمی پاک خواهد کرد .»

این دختر سعادت‌مند و یگانه همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) با اینکه در کاخ زندگی می کرد ، چنان پاک و با عفت بود که از حیث اخلاق و رفتار به خانواده مادری اش شباهت داشت و همچون جدش شمعون با الهام از حضرت عیسی و مریم (علیهما السلام) ، سرشار از معنویت و پاکی بود .

این دختر نجیب ، همواره دوست داشت با خانواده ای پاک و موحد وصلت کند و خداوند او را یاری کرد تا به طور معجزه آسایی ، خود را به امام حسن عسکری (علیه السلام) برساند . هنگامی که به خانه امام هادی (علیه السلام) وارد شد ، حضرت وی را به خواهرش « حکیمه خاتون » سپرد تا آموزه های اسلام را به او تعلیم کند .

مادر منجی

« محمد بن عبدالجبار » روایت می کند: به محضر سرورم امام حسن عسکری (علیه السلام) عرض کردم : ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد! من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست ؟ فرمود : « إِنَّ الْإِمَامَ وَالْحُجَّةَ بَعْدِي أُنْبَى سَمِي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ كَتَبَهُ الَّذِي هُوَ خَاتِمُ حُجَجِ اللَّهِ؛ امام و حجت خدا بعد از من ، فرزند من است ، که همانم رسول خدا و هم کنیه آن حضرت می باشد . او [پایان بخش و] آخرین حجج الهی [و خلیفه از خلفای پروردگار] است » .

پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود؟ فرمود: « مِنْ ابْنَةِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ، أَلَا إِنَّهُ سَيُولَدُ وَبِغَيْبٍ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ؛ از دختر پسر قیصر، نوه امپراتور روم. آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولد می شود، و به زودی غایب می شود از میان مردم، غیبتی طولانی سپس ظاهر می شود.» (1)

نرجس در مصحف فاطمه (علیها السلام)

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: به محضر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شدم تا ولادت حسین (علیه السلام) را تهنیت گویم که ناگاه صحیفه ای در دست آن حضرت دیدم. عرض کردم: ای سرور زنان! این صحیفه ای که در دست شما می بینم، چیست؟ فرمود: اسامی آنمه از فرزندان من در آن است. گفتم: آن را به من بدهید تا در آن بنگرم. فرمود: ای جابر! اگر منهی نبود، چنین می کردم؛ ولی نهی شده است که جز پیامبر یا وصی و یا اهل بیت به آن دست بزند؛ ولی به تو اجازه داده می شود که روی آن را بنگری و بدانی. جابر می گوید: آن را تا آنجا خواندم که به نام مادر دوازدهمین وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدم. در آن نوشته بود: «... أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حِبَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛ (2) ابو القاسم فرزند حسن و او حِبَّةُ خدا بر خلقش می باشد. مادرش جاریه ای به نام نرجس، صلوات الله عليهم اجمعین است.»

ص: 205

1- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج 5، ص 196.

2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 306.

وجود خفقان و استبداد حاکم وقت باعث شد که مراسم وصلت امام حسن عسکری (علیه السلام) و نرجس به صورت مخفیانه و در خانه حکیمه خاتون (علیها السلام) برگزار گردد. این عمه بزرگوار امام عسکری (علیه السلام) در این باره می گوید:

« روزی برادرزاده ام، امام حسن عسکری (علیه السلام) به دیدارم آمد و به نرجس (علیها السلام) نیک نظر کرد و فرمود: عمه جان! از او در شگفتم. عرض کردم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید می آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همچنان که پر از ستم و جور شده باشد. عرض کردم: ای آقای من! آیا او را می خواهی؟

فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن!

بعد از آنکه حکیمه خاتون (علیها السلام) از امام هادی (علیه السلام) اجازه گرفت، امام به خواهرش حکیمه (علیها السلام) فرمود: ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این پیوند مقدس شریک گرداند و بهره ای از خیر برای تو قرار دهد. حکیمه (علیها السلام) بی درنگ به منزل برگشت و مقدمات این وصلت زیبا را فراهم نمود. بدین ترتیب، ازدواج امام حسن عسکری (علیه السلام) با جناب نرجس خاتون (علیها السلام) در منزل عمه اش حکیمه (علیها السلام) برگزار شد. آنان بعد از چند روز به منزل حضرت هادی (علیه السلام) منتقل شدند. (1)

ص: 206

در آن دوران، فضای سامرا برای امام هادی (علیه السلام) و خانواده اش در اوج خفقان بود و تمام حرکات و سکنات آن بزرگواران همواره تحت نظر نظامیان و جاسوسان خلفای ستمگر عباسی بود؛ اما جناب نرجس (علیها السلام)، با سعه صدر تمامی سختی ها و ناامنی های موجود را برای خدا و به عشق اهل بیت (علیهم السلام) تحمل

می کرد و لحظه ای در دفاع از ارزش های الهی کوتاهی نمی کرد.

ثمره هجرت و اسارت

آری، این چنین یک دختر پاک و دانا، خود را از آلودگی کاخ شاهان نجات داد، و در خطّ جدّ مادر خویش، شمعون قرار گرفت، و همین هدف و ایده مقدّس را دنبال کرد. خدا نیز او را یاری داد تا سرانجام افتخار و لیاقت آن را یافت که همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردد. به این جهت، حکیمه خاتون او را به عنوان «سیده» می خواند.

این دختر شایسته در اثر تلاش های خود و لطف خداوند به مقامات عالیه و کرامات معنوی نیز دست یافت.

وفات نرجس خاتون (علیها السلام)

سال دقیق وفات نرجس خاتون (علیها السلام) مشخص نیست؛ مطابق با روایتی ایشان قبل از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) وفات نمود. (1)

و مطابق با روایتی دیگر، وی پس از شهادت امام نیز زنده بوده است. (2)

ص: 207

1- . کمال الدین، ج 2، ص 431.

2- . کمال الدین، ج 2، ص 474.

در رجال نجاشی نیز آمده است که : مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس امام عسکری (علیه السلام) نیز در قید حیات و در خانه محمد بن علی بن حمزه بود. (1)

قبر نرجس خاتون در سامرا و در حرم عسکریین (علیهما السلام) در کنار قبر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) قرار دارد .

توسل به حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار « سورة مبارکه انا فتحنا » را قرائت کنید و ثواب آن را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدیه کنید ؛ آیت الله سیبویه ، عموی مرحوم آیت الله میرزا احمد آقای سیبویه واعظ ، در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند . ایشان از اولیا بودند روزی به من فرمودند : در زمان ما (عصر غیبت) توسل به حضرت نرجس خاتون کارها را زودتر راه می اندازد ؛ چرا که وقتی مادر به فرزند حرفی بزند ، فرزند مجبور است به حرف مادر گوش بدهد .

استاد مجتهدی می فرماید : من هر موقع کارم گیر می کند ، هزار صلوات نذر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کنم و کارم درست می شود . (2)

استاد گرانقدرم آیه الله حاج شیخ علی اکبر فقیه (قدس سره) می فرمودند : به عدد 10 نذر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از نذرهای مجرب است .

حقیر حسب الامر ایشان در موارد متعددی نتیجه گرفتم و افراد زیادی را نیز توصیه کردم که به عنایت حضرت نرجس (علیها السلام) حاجت روا شده اند .

ص: 208

1- . رجال نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، ص 268.

2- . <https://noo.rs/SDXZm>

اشاره

از این بانوی با عظمت می توان درس های زندگی آموخت و از زندگی با برکتش پیام های آموزنده ای را دریافت نمود از جمله :

1: تدین و پاکدامنی در اوج زندگی اشرافی

بر اساس آنچه در آموزه های اسلامی آمده است حفظ دین و پاکدامنی در دربار پادشاهان بسیار سخت است ، شاهزاده رومی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ضمن زندگی کاخ نشینی خود و در اوج اشرافی گری حاکم بر محیط سلطنتی پاکدامنی خود را حفظ و به آئین دینی خود پایبند بود .

2: پاسداری از ایمان در محیط آلوده

علیا مخدره ملیکه روم همچون آسیه همسر فرعون به تمام جوامع انسانی نشان داد که در سخت ترین شرایط زندگی و آلوده ترین محیط ها می شود از ایمان پاسداری کرد و گوهر ایمان را حفظ نمود .

3: امکان ازدواج دختری مرفه با اهل ایمان و ساده زیست

از آنجا که غالباً دختران جوان آرزوهای فراوان مادی و ظاهری و رسیدن به رفاه را در یک زندگی مشترک مد نظر دارند شاهزاده سعادت مند رومی با افکار ارزشمند و معنوی ملاک ازدواج خود را ایمان و ساده زیستی مسالمت آمیز قرار داد .

4: نقش امدادهای غیبی در زندگی

امدادهای غیبی خداوند تاثیر شگرفی در زندگی انسان ها دارد . در آموزه های اسلامی این موضوع به گونه ای تأکید شده که دیگر نمی توان

گفت امدادهای غیبی در زندگی انسان ها یک استثناء است و تنها در مواردی نادر نمایان می شود ، بلکه یکی از سنت های الهی است که مؤمن می تواند در سختی های زندگی به آن دل ببندد و امید نجات داشته باشد ، در این راستا ملیکه روم با توجه به شایستگی هایی که داشت استحقاق دریافت یاری ویژه الهی را به دست آورد .

5: اهمیت خواب های صادقانه در آینده انسان

رؤیای صادقانه همان کشف شهود است که بر اساس روایات علاوه بر پیامبران و امامان معصوم مؤمنان نیز می توانند رؤیای صادقانه داشته باشند و این یکی از بشارت های خداوند به مؤمنان در دنیا می باشد و از حقایقی پرده برمی دارد که هیچ راه انکاری برای آن وجود ندارد و در بعضی موارد به تعبیر نیاز دارند .

6: معالجه بیماری های روحی با نیکی به دیگران

از آنجا که انسان اشرف مخلوقات و همه نعمت ها از جمله عقل و اختیار نزد اوست در مقابل این نعمت ها همه خوبی ها از او انتظار می رود ، او خلیفه خدا در روی زمین است و همه انسان ها مانند یک پیکرند که اگر عضوی از اعضای این پیکر دچار نقص شد سایر عضوها باید به کمک عضو بیمار برسند و جز این عمل از انسان نمی توان انتظار داشت ، حتی جوامع غربی همه متوجه شده اند که برای درمان بیماری های روحی باید به دین پناه برد و به دیگران کمک کرد بدین جهت کمک پدر شاهزاده روم به مسلمانان موجب بهبودی حال آن مخدره شد .

ص: 210

7: تلاش برای هجرت از محیط های آلوده

روح هجرت فرار از ظلمت به سوی نور، از کفر به سوی ایمان و از گناه و نافرمانی به سوی اطاعت از فرمان خداست. سکوت در برابر ظلم و بی عدالتی و گناه خود گناهی نابخشودنی است که اگر امکان قیام وجود ندارد باید هجرت کرد، چنانچه بسیاری از پیامبران خدا از محیط آلوده و سرزمین شرک خویش مهاجرت کردند. حضرت نرجس نیز به پیروی از انبیا عظام مقدمه هجرت از روم به سامرا را برای خود فراهم نمود.

8: پاسداری از حجاب و عفاف در سخت ترین شرایط

از آنجا که کاخ سلاطین محل عیش و نوش و خوش گذرانی است اسلام برای پاسداری و نگهداری از عفت زن و مرد در حقیقت برای کنترل غریزه جنسی و در عین حال رسیدن به آرامش به عنوان راه حل امر به حجاب نموده است و در این زمینه ملیکه روم مقید به اوامر الهی بود.

9: برجستگی حیا و شرم در زندگی یک دختر

بدون شک یکی از ضروری ترین شاخص های زندگی سالم که باید برای تحقق آن از همه عوامل و ظرفیت ها استفاده نمود، حیا و شرم یکی از عواملی است که وجود آن سبب تحکیم خانواده و تأمین امنیت جامعه است. لذا یکی از خصلت های آدمی به خداوند زمینه های آن را در نهاد تمامی انسان ها قرار داده است حیا می باشد که هر فردی می تواند با کوشش و مجاهدت به آن دست یابد و این خصلت ارزشمند تأثیر به سزایی در استحکام روابط جمعی و خانوادگی دارد.

10: نقش امام شناسی

از آنجا که معناگرایی امر فطری است و روح جستجوگر انسان در هر برهه ای از زمان طالب آن بوده و یکی از اصول بنیادین معنویت فطری توجه به خدا و تقرب به اوست کارکرد شریعت های آسمانی غفلت زدایی از انسان مادی و هدایت و رستگاری انسان است و امام شناسی تنها راه رسیدن به نورانیت در دنیا و آخرت می باشد و برای سعادت و سلامت جامعه انسانی و اسلامی ضروری است .

11: عشق به ولایت و امامت

از مهم ترین اصول اسلام « ولایت » است ، ولایت به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی و اعتقاد به اینکه ائمه هدی پس از پیامبر اسلام از سوی خداوند بر مردم ولایت دارند . لذا عشق به اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) زمینه ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن آنها مهر ورزیدن به ارزش های والای الهی می باشد . عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به معصومین علیهم السلام و خاندان پاک پیامبر عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است .

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی ***عشق محمد بس است و آل محمد

12: انتخاب عزت و شرف در مقابل متاع دنیا

یکی از گرایش های فطری انسان گرایش به لذت و خوش گذرانی و راحت طلبی است که طبعاً توأم با رنج گریزی و فرار از درد و ناراحتی

خواهد بود و به طور تکوینی در انسان نهاده شده است که انبیا و اولیا الهی و مؤمنین در موارد گزینش عزت و شرف در مقابل متاع فانی و لذت های زودگذر دنیوی عزت و شرف و سعادت را انتخاب می کنند .

یکی درد و یکی درمان پسندد *** یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران *** پسندم آنچه را جانان پسندد

13: استقبال از آموزش معارف دین

اهمیت علم و تعلیم و تعلم در اسلام انکار ناپذیر و درباره آن سخن فراوان است و اولین کریمه وحی خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید :

«أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (1)

قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبران را آموزش قرار داده ، می فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» (2)

و همین بس که قرآن کریم آموزش را مغروض و جدان ها دانسته می فرماید : «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (3)

ص: 213

1- . علق / 5 - 1 .

2- . آل عمران / 164 .

3- . زمر / 9 .

14: انس با عالمان دین

عالمان مسلمان الگوهای هستند که با انس و ارتباط عمل گرایانه خویش با قرآن و سیره معصومین در آسمان فضیلت و انسانیت همچون ستاره می درخشند .

یکی از نیازهای اساسی بشر رسیدن به کمال است و یکی از راه های رسیدن به کمال و سعادت تحصیل علم و محبت و انس با علمای دین است چونکه عبادات، معاملات، معاشرت، مناکحات و ... همگی نیازمند به وجود علم و علما هستند اگر انسان با عالمان دین مأنوس شود نتیجه مفیدی عاید او خواهد شد چون هرکسی که در طلب علم خارج شود در راه خداست تا مادامی که به وطن خویش باز گردد .

15: ادب در مقابل بزرگان

در تمام دنیا با وجود عقاید مختلف به بزرگان خود احترام خاص می گذارند، شهرها، خیابان ها، دانشگاه ها، فرودگاه ها، مدارس و مؤسسات را با نام آنان نام گذاری می کنند .

در اسلام ریشه قداست و کرامت هر چیزی وابستگی آن به ذات اقدس خداوند است و هرچه این وابستگی بیشتر باشد قداست هم بیشتر است و ما باید برای بزرگان احترام ویژه قائل باشیم و در مقابل آنها ادب نمائیم .

16: همسر داری و رازداری در فراز و نشیب های زندگی

رازداری در تمام مراحل زندگی مشترک یک رکن است و زوجین باید دقت داشته باشند که حتی به هنگام بروز حوادث و مشکلات و اختلافات با یکدیگر باید رازدار باشند .

رازداری از عوامل مهم استحکام خانه و خانواده و موجب ایجاد احساس امنیت، عشق و محبت، حفظ عزت و آبروی زوجین در زندگی مشترک می باشد. رازداری یکی از ویژگی های مثبت انسان است که نه تنها در زندگی فردی و شخصی می تواند به آنها کمک کند بلکه برای داشتن یک زندگی اجتماعی موفق هم مؤثر خواهد بود.

17: صبر و خویشتن داری

یکی از مباحث اخلاقی که بسیار حائز اهمیت است و در آموزه های اسلامی بدان تاکید شده، فضیلت صبر است. زن و شوهر در زندگی مشترک نیاز به صبر و تحمل در برابر مشکلات دارند.

عدم بردباری در برابر ناملایمات محیط خانه را دچار نابسامانی می کنند، اگر زن و شوهر صبوری نکنند دیگر پیوند محکم و پایداری نخواهند داشت، در تاریخ نیز نمونه های بسیاری از الگوها و اسوه های صبر وجود دارد.

18: داشتن نام های زیبا

یکی از عوامل مهمی که در شکل گیری شخصیت انسان مؤثر می باشد انتخاب نام است که در واقع هسته مرکزی شخصیت او و شعور ذاتی او را نیز شکل می دهد.

انتخاب اسم برای فرزندان نشانگر فرهنگ و تمدن جامعه می باشد و تأثیر آن علاوه بر صاحب اسم بر شنوندگان آن اسم نیز غیر قابل انکار است مثلاً کودکی را « چنگیز » نام نهاده اند هنگام صدا کردن او دیگران هم از شنیدن این اسم به یاد خون آشامی های چنگیز خان مغول می افتند و

ص: 215

احساس نفرت می نمایند و با نام زیبا و دلنشین شاهزاده سعادت‌مند رومی به یاد زیباترین و آرامش بخش ترین گل ها « گل نرگس » می افیم .

19: تربیت فرزند شایسته

از مهم ترین نکاتی که در خصوص آموزش دینی کودکان در آموزه های اسلامی آمده است ، مسئله فطری بودن توجه به دین و خداست چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد. مگر اینکه پدر و مادر او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند. (1)

کودکان باید به طور کامل با حد و حدود و خط قرمزها آشنا باشند و به وضوح بدانند چه کارهایی پذیرفته و کدام یک غیرقابل قبول هستند با تعیین حدود برای فرزندان باید مشخص شود از او چه انتظاری دارید و محدوده آزادی عمل او تا کجاست .

متأسفانه اغلب والدین برای برقراری آرامش در خانه و پایان دادن به گریه فرزندان قوانین را نقض می کنند .

نکته ای که باید در همه مراحل تربیت فرزند در نظر گرفته شود این است که محتوای آموزش و تعلیم باید با مسائل روز و مورد نیاز فرزندان و شرایط محیطی و اجتماعی آنها مرتبط باشد .

ص: 216

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت و در اصطلاح حق آن است که هر چیزی در جایگاه خود واقع شود و به معنای «عدل» هم به کار رفته است .

راه مستقیم همان راه خدا و راهی است که خداوند برای سعادت انسان تعیین فرموده راه حق و غیر آن باطل است . مجموعه بینش ها و دستور العمل هایی که تمام مسیر حق را تشکیل می دهد «اسلام» نام دارد و اسلام حق و پیامبر اسلام بیانگر و معیار حق می باشد و غیر آن باطل است .

هر انسان دردمند و بیداری در هر زمان و جامعه ای در پی شناخت حق و باطل است تا بتواند راه حق را برگزیند و به سعادت و رستگاری نایل آید و در این راستا یکی از الگوها و اسوه های بارز ملیکه شاهزاده سعادت مند رومی است که از همه فامیل و بستگان و شهر و دیار خود برید تا به حق رسید و آخرین عروس خاندان پیامبر اسلام شد .

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بَقِيَّةَ الدِّينِ الْإِضْطِه

اشاره

به قلم : نویسنده متتبع و دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

آقای شیخ مهدی آقابابائی

جایگاه برجسته توسل و استغاثه ، و نمونه هائی از کرامات

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

مقدمه

انسان برای رسیدن به مقام قرب الهی و گرفتن حاجت باید از وسایل استفاده نماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرب به خدا بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید » (1).

توسل از ماده « وسل » به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود ؛ می باشد . (2)

و توسل شامل شفاعت نیز می شود . « شفاعت » از ماده « شفع » به معنی ضمیمه کردن چیزی به همانند او است . (3)

و در مفهوم قرآنی ، شخص گناه کار به خاطر پاره ای از جنبه های مثبت (مانند: ایمان ، عمل صالح و ...) شباهتی با اولیاء الله پیدا می کند و آنها

ص: 218

1- . مانند / 35.

2- . قاموس قرآن، ج 7، ص 218، ذیل ماده وسل.

3- . قاموس قرآن، ج 4، ص 48، ذیل ماده شفع.

با کمک های خود، او را به سوی کمال سوق می دهند و از پیشگاه خداوند تقاضای عفو می کنند .

به عبارت دیگر می توان گفت : قرار گرفتن موجود قوی تر و برتر در کنار موجود ضعیف تر و کمک نمودن به او در راه پیمودن مراتب کمال است . (1) توسل روح امید را افزایش داده ، روح یأس را کاهش داده و ایجاد رابطه معنوی با خدا و اولیاء الله و تحصیل رضایت خداوند و توجه به سلسله شافعان و ... را به وجود می آورد .

مقام شفاعت نرجس خاتون (علیها السلام)

حضرت نرجس ، بانوی نجابت و نیایش است ، که شمیم حضور او در سامرا ، پس از گذشت قرن ها ، جان شیعیان شیفته خاندان ولایت و امامت را طراوت می بخشد و در سایه این آفتاب روشن اجابت ، دل ها آرام و قرار می گیرد .

یکی از فضیلت های این بانوی بزرگوار ، مقام شفاعت اوست .

سید بن طاووس در زیارت نامه ای که برای این بانوی ماجده ذکر می کند می نویسد : «و سودمند کن مرا به زیارت آن بانو و بر دوستی و محبت او پایدار مدار مرا و از شفاعت او و فرزندش محروم مفرما و مرا با او و فرزندش محشور کن .»

ص: 219

1- . تفسیر نمونه، ج 1، ص 224.

انسان های کامل و اولیا برجسته الهی، به اذن خداوند متعال، دارای مقام شفاعت می شوند، و این مقامی بس عظیم است.

پاک بانوی بیت امامت نیز از این مقام الهی بهره برده و شافع دوستداران خود و فرزندش می باشد. با نگاهی گذرا به شیوه های بزرگان و اندیشمندان دینی، نقش شفاعتی ایشان در دنیا را می توان دریافت و شفاعت آخرت را به زمان دیگر وا گذاشت.

یکی از وسائل مهم و مجرب، توسل به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد. همانطور که بزرگان ما فرموده اند: «توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سرعت وصول وصال در حاجت را دارد».

یکی از بزرگان اهل خطابه می گوید:

« هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجت برآورده شود، به واسطه مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو، و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر؛ آیا ممکن است امامان معصوم (علیهم السلام) این شفاعت را رد کنند؟» (1)

در این مقاله، توسلات، کرامات، و زیارت حضرت را آورده ایم. امیدواریم که مورد رضایت امام زمان و مادر غریبشان واقع گردد.

ص: 220

ابواب رحمت خداوند متعال ، در شب نیمه شعبان بر روی بندگان باز است . امیدواریم با توسّل به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، رحمت واسعه پروردگار، شامل حالمان شده و این بلا رفع گردد .

از آن جا که دعای دسته جمعی ، مورد تاکید و مقرون به استجاب است ، توصیه می شود ان شاءالله همگان در منازل و در جمع خانواده ، راس ساعت یازده شب نیمه شعبان ، دعای « الهی عظم البلاء... » را خوانده و بعد از آن یک سوره حمد ، هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، نمایند . (1)

هر کس به هر قدر که برایش میسر است ...

در آستانه سال جدید و با توجه به مشکلات موجود در جامعه ، برای رفع مشکلات ، دو عمل ذیل را انجام دهند :

1. در شب یا روز 25 ماه رجب ، شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) که مصادف با اولین روز سال جدید است ، در منازل و در جمع خانواده، متوسل به باب الحوائج (علیه السلام) شوند و مصایب ان امام مظلوم را ذکر بنمایند.

2. هر کس به هر قدر که برایش میسر است، قرآن کریم را تلاوت نماید و آن را به مادر بزرگوار امام زمان ارواحنافداه، حضرت نرجس خاتون هدیه نماید .

ص: 221

امید است که با این عمل، توجه و عنایت وجود مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شامل حالمان گردد. ان شاء الله

دستور العمل آیت الله العظمی بهجت (قدس سره) در زمینه توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از طلاب حوزه علمیه اصفهان نقل نمودند: روز تشییع جنازه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید صادق روحانی (قدس سره) در حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) خدمت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی بهجت فرزند مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت (قدس سره) رسیدم و سه نفر از زائرین حضرت معصومه (علیها السلام) در خدمت ایشان جهت رفع مشکلات و گرفتاریهایشان درخواست دستور العملی نمودند. ایشان فرمودند: یکی از دستورالعمل های مرحوم پدرم (آیت الله بهجت) که مردم از آن حاجت می گرفتند این بود که: نیت کنید چهل مرتبه زیارت عاشورای امام حسین (علیه السلام) بخوانید و هدیه به حضرت نرجس (علیها السلام) مادر بزرگوار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمایید و الآن بنده از طرف آیت الله بهجت (قدس سره) می گویم: چهل مرتبه زیارت عاشورا بخوانید و هدیه به محضر حضرت نرجس (علیها السلام) نمایید تا مشکلات و گرفتاری هایتان برطرف گردد ان شاء الله. این دستورالعمل را به اکثر افراد که گرفتار بودند تذکر داده ام. مدتی بعد افراد به دفتر گزارش دادند که ما توسلی را که فرمودید انجام دادیم و به حاجت خود رسیدیم.

ص: 222

خواندن دعای عهد و هدیه به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مرحوم آیت الله محمد تقی بهجت (قدس سره) می فرمودند: هر کس هر روز سوره یس بخواند و ثواب آن را به حضرت زهرا (علیها السلام) هدیه کند و همچنین دعای عهد را بخواند و ثواب آن را به مادر امام زمان ارواحنا فداه هدیه کند، و سوره واقعه هم خوانده و ثوابش را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدیه کند. چه بخواند و چه نخواند عاقبت بخیر می شود!

سفارش آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جعفر سبحانی (دام ظلّه)

برای ظهور حضرت دو کار را انجام دهید؛ یکی برای سلامتی ایشان صدقه بدهید و دیگری قرآن بخوانید و به مادر آن حضرت، نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید تا حضرت را شاد کنید. (1)

خلاصی از وبا با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از حضرت نرجس (علیها السلام)

مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (قدس سره) می فرمودند:

استاد بزرگ ما، مرحوم آقای آقا سید محمد فشارکی (قدس سره) فرمودند: ... من به تمامی شیعیان سامرا از زن و مرد حکم می کنم که هر یک از ایشان يك فقره زیارت عاشورا نیابتاً از نرجس خاتون والدۀ ماجده حضرت حجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بخوانند و آن خاتون را نزد فرزند بزرگوارش شفیع قرار بدهند که آن حضرت پیش حضرت خداوند عالم شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامرا را از این بلا نجات دهد.

ص: 223

فرمود: همین که این حکم صادر گردید و چون مقام مقام ترس و بیمبود همه شیعه های مقیم سامرا اطاعت نموده زیارت عاشورا را به همان قرار خواندند در نتیجه آن، یک نفر شیعه در سامرا تلف نشد در حالتی که هر روز، ده پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند. (1)

مرحوم آیت الله مجتهدی (قدس سره)

اگر امید داری که کس دیگری خواسته ات را استجابت می کند، دعایت مستجاب نمی شود. اگر می خواهی که دعایت مستجاب شود؛ ببین در دلت اگر به هیچ کس امید نداری، خدا را صدا بزنی، خدا حاجتت را می دهد. توسل هم پیدا کنی مخصوصاً به (نرجس خاتون (علیها السلام)) که مادر ولی وقت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. وقتی به پسرش بگویند که کسی به من متوسل شده، پسر مجبور است به حرف مادرش گوش دهد.

آیت الله مجتهدی (قدس سره) در درس اخلاقشان فرمودند:

بهترین وسیله رسیدن به خدا، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. چهل سال پیش، من گرفتاری داشتم. یکی از اولیای خدا در (کربلا) به من فرمودند: به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسل شوید. ایشان چون مادر ولی وقت ما هستند، به فرزندشان می فرمایند که: پسر! این شخص به من متوسل شده. خواسته اش را بده.

هزار صلوات یا یک ختم قرآن نذر ایشان کن تا گرفتاریت برطرف شود.

آقای الهی واعظ از قول بنده این مطلب را بر روی منبر نقل کرده بودند. شخصی پیش من آمد و گفت: آقا من این کار را کردم و فوراً حاجتم را گرفتم.

ص: 224

1- . الکلام بجزر الکلام، ج 1، ص 54.

توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار (سوره مبارکه انا فتحنا) را قرائت کنید و ثواب ان را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدیه کنید .

آیت الله سیبویه ، (عموی مرحوم آیه الله میرزا احمد . آقای سیبویه واعظ ، در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند . ایشان از اولیا بودند) روزی به من فرمودند : در زمان ما (عصر غیبت) توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) کارها را زودتر راه می اندازد؛ چرا که وقتی مادر به فرزند حرفی بزند ، فرزند مجبور است به حرف مادر گوش بدهد .

استاد مجتهدی (قدس سره) می فرمودند:

من هر موقع کارم گیر می کند ، هزار صلوات نذر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کنم و کارم درست می شود .(1)

ختم قرآن به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جهت پیدا شدن چک یکی از فضایی حوزه علمی قم در حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) در مورد گرفتاری که برای آیت الله مجتهدی پیش آمده بود چنین فرمودند :

آیت الله مجتهدی یک چک بسیار سنگینی از وجوهات پیش ایشان بود که می خواستند به دست صاحبانشان برسانند . در راه قم و طهران (جاده قدیم) به امامزاده حسن (علیه السلام) مشرف می شوند . حواسشان نبود که

ص: 225

چک در پاکت است آن را دور می اندازند . یک مرتبه می فهمند که چک درونپاکت بوده و آن را دور انداخته اند . خیلی مضطر و ناراحت می شوند خدایا چه کنم ؟ امانتی بوده ، باید به دست صاحبانشان می رساندم . در همان لحظه یک ختم قرآن به نیابت از حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نذر می نمایند . پس از مدتی کوتاه ، با ایشان تماس می گیرند و می گویند : شما چیزی گم کرده اید ؟ آقا می گویند : بله یک فقره چک گم کرده ام . می گویند : ناراحت نباشید پیش ماست و آمدند چک را تحویل دادند .

(گویا شماره تلفنی که گوشه چک نوشته شده بود کمک کرده است که بتوانند آقای مجتهدی را پیدا نمایند . در حالی که می شد از بین برود یا به دست کسی برسد و به آقا تحویل ندهد . اما توسل به آن بانو کار را حل نمود).

سفارش آیت الله حاج سید محمد علی روحانی (قدس سره)

یکی از شاگردان معظم له به نقل از حضرت آقا می فرمودند :

برای برآورده شدن حاجت ، دویست مرتبه سوره مبارکه « قدر » را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) و حضرت خدیجه (علیها السلام) هدیه نمایید .

داستان تشریف حاج محمد به نقل از مرحوم آیت الله ناصری (قدس سره)

مرحوم آیه الله ناصری (قدس سره) روزی در منبرشان فرمودند :

... توسلات خیلی اثر دارد . حضرت بقیة الله - روحی له الفداء- عنایتی به مادرشان دارند . این را مکرر از بزرگان شنیده ام . مثلاً یک ختم قرآن برای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) بخوان . به مسجد وارد می شوی ، دو رکعت نماز مستحبی بخوان و ثوابش را هدیه کن برای نرجس خاتون (علیها السلام) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

خوشحال می شوند. به یاد مادر حضرت بودن، یک عنایتی است. یکمحبتی است. عبادات ما که عبادت نیست، پوک و پوچ است. از پوچ هم یک خرده آن طرف تر؛ لکن حضرت، یک توجه دیگری دارد.

حاج محمد که از صلحا بود می گفت: مکه رفتم و اعمال حج که تمام شد، یک روز گفتم یک عمره مفرده برای مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انجام بدهم و از بی بی درخواست کنم که از فرزندشان بخواهد که من، چهره ایشان را زیارت کنم. طواف و نماز و سعی بین صفا و مروه را انجام دادم. سعی بین صفا و مروه که تمام شد، طواف نساء و نمازش را خواندم و دیگری بی حال شدم. حدود یک ساعت و نیم به اذان صبح بود. دیدم پنج شش نفر پشت مقام ابراهیم نشسته و یک ظرف خرما جلویشان گذاشته اند. جمعیت هم همین طور که از مقام ابراهیم فاصله می گیرند، از این ها هم فاصله می گیرند و اینها وسط نشسته و صحبت می کنند. یک آقایی هم آن بالا نشسته است که نمی شود چشم از او برداشت. خیلی فوق العاده است و برای بقیه صحبت می کند. وقتی این اقا را دیدم، زانوهایم شروع کرد به لرزیدن. خرماها بیشتر جلب توجه ام کرد؛ چون خیلی بی حال و خسته شده بودم. نشستم و تکیه دادم. آقا فرمود: (این حاج محمد برای مادر من یک عمره انجام داده است و خسته شده است. چند تا از این خرماها را به او بدهید).

یک نفر فوراً بلند شد و بشقاب خرما را مقابل من آورد. من هم پنج شش تا برداشتم؛ لکن به قدری خسته و بی حال بودم که دیگر توجهی به این حرف نداشتم. شروع کردم خوردن. دیدم دارند نگاه می کنند و تبسم می کنند.

بعد دو مرتبه فرمود: بله؛ ایشان برای مادر من یک عمره ای انجام داد و به زحمت هم افتاد. خدا قبول می کند؛ ان شاء الله.

یک دفعه نگاه کردم، دیدم هیچ کس نیست. فوراً به خود آمدم. گفتم: اصلاً آرزویم همین بود که حضرت را ببینم و چقدر زود مستجاب شد. میگفت: به واسطه آن خرمایی که خوردم، یک حالتی برایم ایجاد شد.

توسلات را رها نکنید. رسیدی در مسجد، قبل از این که بنشین، مسجد، برگردنت حق دارد. همین طوری ننشین. هر مسجدی که رفتی، دو رکعت نماز بخوان و بنشین. این حق مسجد است. وقتی این دو رکعت نماز را خواندی، هدیه کن به محضر حضرت زهرا (علیها السلام)، محضر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، ام البنین (علیها السلام). نمازهای مستحبی را می توانی به محضر این بزرگوارها هدیه کنی و ان شاء الله از عنایاتشان بهره مند می شوی. (1)

تشریف خادم حرم عسکریین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای سرطان

خطیب نامدار، آقای معاونیان در ضمن یک سخنرانی در دههٔ محرم 1441 قمری، در شهر کربلا، چنین گفتند:

چندی پیش، تشریفی در سامرا اتفاق افتاده است. جناب آقای شیخ سیف العائدی، از آقایان فضلاء و طالاب بسیار نزیه و بسیار خوش نفس که در سامرا

ص: 228

امور فرهنگی را برعهده دارند، ایشان برای من این تشریف را نقل کرد. بعداً، در همین نیمه شعبان، خدمت استادمان آیت الله سند، در اصفهان بودیم.

ایشان فرمودند: چنین تشریفی را شنیدید؟

گفتم: بله. شیخ سیف العاندی برای من نقل کرده است.

گفتند: من هم از شیخ سیف شیندم. اما رفتم سراغ آن کسی که خودش خدمت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است. از خود او سؤال کردم و خود او برای من گفت: قصه این بوده است که یکی از خدام حرم حضرات عسکرین (علیهما السلام)، در سامرا به نام سید عدنان این آقا، خانمش و خانواده اش در کوت زندگی می کردند. نزدیک مرز مهران. خودش مقام خدمت افتخاری حرم حضرات عسکرین (علیهما السلام) را داشته است.

خدمت افتخاری حرم

الان خدامی هستند آنجا که زن و بچه شان مثلاً در کربلا یند، در نجف اند، در کوت اند، در جای دیگری هستند، در بصره اند. اما می آیند بیست روز-بیست روز خدمت می کنند، دو روز می روند از زن و بچه شان خبر بگیرند و برمی گردند. این بنده خدا، آقای سید عدنان، خانمش سرطان می گیرد. می آید متوسل می شود به حضرت هادی (علیه السلام) جوابی دریافت نمی کند. به امام عسکری (علیه السلام) که من خادم حرم شمایم. خبری نمی شود. به خود صاحب الامر، صاحب الدار، خبری نمی شود.

واقعاً چقدر خوب است که انسان به هوش باشد و بفهمد که از کجا باید وارد شود. در دل دوست به هر حيله رهي باید کرد.

آخر به دلش می افتد ، می رود ، می چسبد به ضریح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان ، عروس حضرت زهرا (علیها السلام) به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض می کند که :

بی بی! من خادم حرم شمایم . این جا جاروکشم . زخم سرطان گرفته است . خوب بروم به که غیر از شما بگویم ؟ اگر نوکر هر مشکلی دارد ، باید به اربابش بگوید . من هر چه به آقا زاده ، امام زمان ، می گویم توجهی نمی فرمایند . به امام عسکری (علیه السلام) ، شوی شما می گویم ، خبری نیست . به امام هادی (علیه السلام) ، خبری نیست . دستم به دامن شما . شما امر بفرمایید به آقا زاده تان حجة بن الحسن (علیه السلام) که فکری به حال من بیچاره و سرطان زخم بکند .

ایشان ، سید هم هست ، به آیت الله سند گفته و آقای شیخ سیف العائدی هم برای من نقل کرده است . من از دو طریق دارم نقل می کنم .

گفته است از حرم که آدم بیرون ، بعد از توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، تا وارد ایوان شدم ، دیدم امام عصر تشریف آوردند .

یک جمله ای به این مضمون فرمودند که :

می دانی مرا از کجا کشاندی اینجا ، رفتی به مادرم گفتی ؟ می دانی من چقدر گرفتاری دارم ؟ چقدر مشغولم ؟ هزاران هزار نفر در دنیا من را صدا می زنند . الان می دانی من از کجا آمده ام ؟

بعد گفته که ، حضرت روی یک سکویی نشستند توی صحن و ایوان . من هم در خدمتشان ایستاده بودم . منتها از مهابت و عظمت حضرت ، بدنم

خشک شده بود، همین طور عرق می ریخت از سر و صورتم. مثل چوب خشک شده بودم. من که همین طور عرق می ریختم، حضرت چند مرتبه با انگشت مبارکشان عرق را از پیشانی من گرفتند و دو سه بار پیشانی مرا بوسیدند.

بعد، در خدمتشان رفتیم سرداب، سرداب عبادت، و مشغول عبادت شدند. جمله هایی دیگر حضرت فرمودند. مطالبی حضرت فرمودند که مطالب فراوانی است. دو ساعت تقریباً خدمت حضرت بوده است. بعد حضرت به او می فرمایند برو کوت. وقتی به کوت رسیدی، من دو مرتبه می آیم و خانمت شفا پیدا می کند.

بعد از آن دو ساعت، به کوت می رود، و حضرت تشریف می آورند و خانمش شفا پیدا می کند.

خوش به حالت که زنت شفا پیدا کرده است. چون سخت است بر یک مرد که ببیند زن جوانش، مثل شمع، دارد آب می شود... (1)

دستور توسل خاص به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ثواب آن هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسین هاشمی نژاد نقل کردند:

روزی یکی از دوستان طلبه ام برای حاجت بسیار مهمی به من مراجعه کرد و پس از بیان حاجتش تقاضا نمود تا با هم خدمت آقای مجتهدی برویم و از ایشان کمک بگیریم.

ص: 231

بنده که تشخیص دادم حاجت او واقعاً سرنوشت ساز است ، در خواستش را پذیرفتم و با هم به منزل آقای مجتهدی رفتیم .

ایشان با این که کسالت داشتند بزرگواری کردند و ما را پذیرفتند .

پس از این که قضیه را خدمتشان عرض کردیم ، به دوست طلبه ام فرمودند :

شما به مسجد جمکران مشرف شوید و نماز حضرت را بخوانید و ثوابش را به روح منوره مادر بزرگوارشان بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید . و پس از پایان صلوات هایی که در سجده بعد از نماز گفته می شود ، رو به قبله بنشینید و سیصد و سیزده مرتبه « یا حجة الله » بگویید . سپس به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض کنید : « شما به فرزند عزیزتان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگویید مشکل مرا رفع کنند .» چون احسان و اکرام والدین واجب است ، حتماً حضرت عنایت می فرمایند .

پس از این که بیانات حضرت آقای مجتهدی تمام شد ، از خدمتشان مرخص شدیم . عصر همان روز دوستم به مسجد جمکران مشرف شد و به همان صورت که آقای مجتهدی فرموده بودند اعمال را انجام داد .

او فردای آن روز به سراغم آمد و گفت : به عنایت آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن مشکل بزرگ ، به راحتی حل شد!

از آن زمان تاکنون حدود بیست سال می گذرد و بارها خودم و هر کس را که به این دستور و توسل واداشته ام ، به لطف حضرت ، حاجت روا دیده ام. (1)

ص: 232

امید است در این عصر غیبت که زمان پریشانی و غم و ابتلاست ، دوستان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با توسل به حضرتش مخصوصاً توسلی که آقای مجتهدی به آن امر فرمودند دردهای خویش را درمان کرده و خود را از مهلکه ها نجات دهند .

برآورده شدن حاجات ، با خواندن زیارت عاشورا و هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یک بنده خدایی می گوید : دو مرتبه مشکل مهمی برای من پیدا شد و با زیارت عاشورا بر طرف شد ، توسل اول : برای حقیر سه مشکل مهم پیدا شده بود که سخت مرا ناراحت کرده بود .

1 . مبلغ دویست هزار تومان بابت خرید منزل بدهکار بودم(1) که نزدیک نه سال طول کشیده شده بود و قدرت پرداخت آن را نداشتم.

2 . گرفتاری سخت دیگری که از بیان آن معذورم .

3 . از جهت امر معاش سخت در مضیقه بودم . این سه گرفتاری عرصه را بر من تنگ کرده بود ، بعد از توسل به بی بی فاطمه معصومه (علیها السلام) به خاطر رسیدن که چهار روز زیارت عاشورا را بخوانم و ثوابش را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه نمایم که آن حضرت نزد فرزندشان آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شفاعت نموده که این سه گرفتاری بر طرف شود .

توسل را به این طریق شروع کردم :

بعد از نماز صبح هر روز زیارت امین الله به قصد زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سپس زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام و سجده و دو رکعت نماز و بعد

ص: 233

1- . در آن زمان مبلغ یاد شده بسیار زیاد بوده است.

از آن دعای معروف علقمه می خواندم . روز بیست و هفتم ، گرفتاری دوم به گونه ای خارق العاده بر طرف شد ، روز سی و هشتم شخصی از دوستان که اجمالا از بدهکاری بنده خبر داشت پس از احوال پرسی ، بدون مقدمه مبلغ دویست هزار تومان که مطابق با بدهکاری حقیر بود به اینجانب داد و گفت : این پول مال شما است بابت بدهکاری منزل ، بعد از اتمام چهل روز امر معاش به اندازه کفایت به گونه ای که در مضیقه نباشم حل شد و الحمدلله تا این ساعت به مشکلی از جهت معاش برخورد نکرده ام (1).

متوسل شدن در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از فضیلات حوزه علمیه قم نقل می نمودند که :

روزی پس از درس حضرت آیت الله العظمی آقای حاج میرزا یدالله دوزدوزانی (دام ظلّه) خدمت آقا زاده ایشان ، آیت الله زاده حجت الاسلام آقای شیخ حمید رضا دوزدوزانی رسیدم که صحبت از مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شد ایشان فرمودند : حاج آقا (پدر بزرگوارشان) در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) متوسل می شوند .

مطلب جالبی بود تا اینکه چند روز بعد در محضر آیه الله دوزدوزانی (دام ظلّه) صحبت از آخرین عروس حضرت زهرا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به میان آمد . معظم له فرمودند : در خانه ما رسم بر این است که به این بی بی (حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)) متوسل می شویم . و بنده تسبیح جداگانه ای برای توسل به ایشان دارم .

ص: 234

1- . کرامات الحسينیه، علی میر خلف زاده، ج2، ص7.

خطیب توانا و نامدار ، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسین انصاریان زید عزه در مراسم بزرگداشت و تجلیل و تکریم از مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که در تاریخ جمعه دهم شعبان 1444 قمری برابر با 12/12/1401 در حسینیه حضرت جوادالائمه (علیه السلام) اصفهان برگزار شد چنین فرمودند:

من مشکل ترافیک تهران را ، به نیت یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، 313 مرتبه صلوات به نیت مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حل می کنم و همیشه نیم ساعت قبل از شروع جلساتی که در شهر تهران دارم حاضر هستم و تا الآن که بیش از پنجاه سال است منبر می روم یکبار هم نشده دیر به جلسات برسم به خاطر توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) .

کرامت و عنایتی از حضرت نرجس (علیها السلام)

در خصوص آنچه از کرامت حضرت نرجس (علیها السلام) دیده شده ، یکی آن است که در نیمه دوم سال 1391 شمسی بود که یکی از بزرگواران اهالی شهر اقلید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، بنده (پ.ت) را واسطه جهت استخاره گرفتن از مرحوم آیت الله حاج سید محمداقبر موحد ابطحی نمود . پس از استخاره مرحوم آقا فرمودند :

نتیجه خوب است و برای این نیت اقدام کند که بشارتی در این عمل است و در این مسیر متوسل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردد .

شخص یاد شده، مدتی نزدیک به سی سال از نعمت اولاد محروم بوده و این استخاره جهت مراجعه به یکی از اطباء متخصص نازایی بوده است. که بعد معلوم شد ایشان به مقتضای استخاره عمل نموده و متوسل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم گردیده و نذری هم در این خصوص نموده و خداوند به واسطه تفضل و توسلات، دختری به ایشان عنایت کرد که نام او را « نرجس » گذاشتند. و این نبود مگر به عنایت والده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فیها عبرة للمؤمنین. (1)

توسل به والده ماجده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از افراد متدین و مورد اعتماد جریانی از عنایت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نقل می کرد که در سال 1401 شمسی در اصفهان رخ داده که به شرح ذیل است:

زمانی اقدام به خرید زمینی در اطراف اصفهان به متر از 3000 متر کردم مالکین این زمین که بعداً معلوم شد افراد کلاه برداری بوده اند با زیرکی مبیعه نامه را به صورت کاملاً حرفه ای به نفع خود تنظیم نمودند و بخشی از مبلغ زمین را نیز دریافت کردند، ولی بعد از چند ماه پیگیری متوجه شدیم که سند زمین دارای اشکال بوده و طبق متن قرارداد ما هیچ راهی برای احقاق حق خود نداشتیم، از طرفی شکایتی تنظیم کردیم و منتظر وقت دادگاه شدیم و از طرف دیگر با هر وکیل و فرد متخصصی که در این زمینه صحبت می کردیم بعد از

ص: 236

1- داستان یاد شده را حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد جواد ابطحی دام عزه نوه آیت الله العظمی آقای گلپایگانی (قدس سره) نقل کردند و شواهد و نشانه های عظمت این کرامت روشن نرجسیه را به تفصیل بیان کردند.

خواندن متن قرارداد با صراحت بیان می کرد که متن قولنامه به قدری دقیق تنظیم شده که هیچ راهی برای احقاق حق شما وجود ندارد. از این روی تا زمان رسیدن نوبت دادگاه تصمیم گرفتیم با توسل و دعا، چاره ای برای مشکلم پیدا کنم و شروع کردم به خواندن تعداد زیادی صلوات و هدیه آن به مادران ائمه اطهار (علیهم السلام) از حضرت فاطمه بنت اسد مادر امیر المؤمنین (علیه السلام) تا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

بالاخره روز دادگاه فرا رسید و در دادگاه نیز ما حرفی برای گفتن نداشتیم. طبعاً قاضی می بایست حکم داده و قضیه تمام شود ولی با کمال تعجب دیدیم که دستور داد پرونده برای کارشناسی ارسال شده، و شرایط زمین کارشناسی شود. بعد از این مرحله به مدت سه هفته هر روز زیارت عاشورا می خواندم و به حضرت نرجس (علیها السلام) هدیه می کردم و البته صلوات ها هم به قوت خودش باقی بود تا روز جواب کارشناسی فرا رسید و با کمال تعجب متوجه شدیم که زمین از اموال دولت بوده و طرف ما محکوم به فروش مال غیر شده و حکم به نفع ما صادر شد این در حالی بود که ما قبلاً استعلام گرفته بودیم و متوجه این امر نشده بودیم. به هر روی به برکت توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) حکم اولیه به نفع ما صادر شد و طرف دیگر محکوم به برگرداندن اموال ما و جریمه شد.

این بار این شخص کلاهبردار از راه دیگری وارد شد و با طرح ادعای اعسار (یعنی عدم امکان پرداخت مال و جریمه) و گریه و زاری ساختگی می خواست از اجرای حکم فرار کند. جلسه به دو هفته بعد موکول شد و من هم همان برنامه زیارت عاشورا و صلوات را ادامه دادم تا روز جلسه دادگاه

متوجه شدیم که این شخص دو نفر را آورده که به عنوان شاهد شهادت دروغ بدهند که وی فقیر بوده و بایستی حکم اعسار در موردش جاری شود .

در زمان جلسه با کمال تعجب دیدیم که هر دو شاهد که کاملاً آماده برای شهادت دروغ بودند با یکی دو سؤال قاضی مات و مبهوت شده و ساکت شدند آن شخص کلاهبردار هم وسط سؤال ها مجبور شد دروغی بگوید که قاضی متوجه شد و به یک مرتبه تمام نقشه آنها نقش بر آب شده و قاضی حکم اعسار را نیز رد کرد و رأی دادگاه با عنایات حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به نفع ما صادر شد و این در حالی بود که طبق شواهد و مبیعه نامه و اقرار وکلای حاذق که در جریان دادگاه ما بودند هیچ راهی برای احقاق حق ما وجود نداشت .

برطرف شدن موانع ازدواج به برکت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از فضلا و مبلغین حوزه علمیه اصفهان نقل نمودند :

فرزندم به سن ازدواج رسیده بود . وی این مسئله را در خانواده مطرح نمود . موانعی مانند نرفتن سربازی ، نبودن شغل مناسب ، نداشتن خانه و وسیله نقلیه سرراهش قرار داشت . من هم از لحاظ اقتصادی در مضیقه به سر می بردم .

در این زمان که شرایط ازدواج خیلی سخت شده از یک طرف و موانع و مشکلات اقتصادی و دیگر گرفتاری ها که سر راه جوان ها قرار دارد از طرف دیگر ، باعث شده بود که اضطراب و استرس در وجودم حاکم شده ، و پریشان حال شده بودم و از طرف دیگر نمی خواستم جوانم را رها کنم ؛ لذا هر کاری که از دستم بر می آمد انجام دادم ولی به نتیجه مطلوبی نرسیدم . حتی

مقداری زمین و آب کشاورزی که ارث پدرم و پدر همسرم بود را برای فروش گذاشته بودم ، ولی کسی زیر بار خرید آن نمی رفت .

ماه رجب المرجب شد ، نیت نمودم ، روزه گرفتم و نماز و دعاهایی که سفارش شده بود را انجام دادم حتی اعمال ام داوود و نماز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شب های جمعه می خواندم اما خبری نشد انگار که مصلحتی خاص در کار بود . بر اثر توسلات یاد شده ، جرقه هایی زده شد و امیدواری هایی حاصل گردید و چشم انتظار مددی غیبی بودم .

روز ولادت با سعادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به دعوت استاد بزرگوارم ، حضرت آیت الله سید حجّت موحد ابطحی مجلسی جهت تکریم و تعظیم حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در بیت العتره برگزار شد که در آن با نیت برآورده شدن حوائج جوانان و گرفتاری ها شرکت نمودم . هنگام مداحی آقای مکاریان که اشعار توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را می خواند یک مرتبه دلم شکست و نیت کردم مجلس بزرگداشتی در منزل برای مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگیرم . به امید آنکه اثر توسلات ماه رجب را در توسل به مادر باران حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ببینم .

موضوع را با خانواده مطرح نمودم ، آنها شدیداً مخالفت نمودند و گفتند: اگر بنا بود مشکل ما حل شود با این همه توسلاتی که انجام دادی حل می شد . گفتم : شاید ما قبلاً کاری کرده ایم که دل امام زمان را شکسته ایم ، ان شاء الله با توسل به مادرشان ، آن حضرت عنایتی بفرمایند و مشکل ما حل شود . گفتند : فقط به یک شرط راضی می شویم که پیش استادت حاج آقا حجت

استخاره کنی و نگویی به چه جهتی استخاره می خواهم . به یکی از دوستان زنگ زدم و گفتم : به حاج آقا بگوئید یک استخاره بگیرد ولی نگویید برای چه کسی می خواهم . نیم ساعت بعد ایشان با من تماس گرفتند و گفتند : حاج آقا فرمودند : استخاره شما خیلی خوب است . خانواده رضایت دادند . گفتم : باید برای مادر حضرت تلاش مناسب کنیم و با اینکه از لحاظ معیشتی واقعاً در مضیقه بودم سی نفر از افرادی که اهل استغاثه و توسل بودند را دعوت نمودم . در شام ششم شعبان المعظم روز دوشنبه توسلی به این صورت انجام دادیم : دو رکعت نماز حاجت هدیه به محضر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به جا آوردیم ، بعد از آن 313 صلوات فرستادیم و سوره « فتح » را به طور دسته جمعی خواندیم و پس از آن یکی از روحانیون بر فراز منبر رفتند و فضائل حضرت نرجس (علیها السلام) را بیان نمودند و مداحی انجام گرفت و روضه حضرت زهرا (علیها السلام) خوانده شد و سپس همگی بر سر سفره کریمانه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نشستیم و از غذایی که آماده کرده بودیم بهره مند شدیم .

واقعاً شور خاص و معنوی عجیب در جلسه حکمفرما بود ، که پس از جلسه من و خانواده ام به آرامش رسیدیم .

خدا را گواه می گیرم فردای آن روز یکی از دوستان ، خانواده ای را معرفی نمودند ، با اینکه هنوز موانع رفع نشده بود ، با نا امیدي برای خواستگاری رفتیم . وارد منزل عروس خانم که شدیم مورد احترام والدین ایشان قرار گرفتیم شروع به صحبت نمودم پدر دختر حرفی زد که تمام غم و غصه من برطرف گردید . گفتند: حاج آقا! ما پدر و مادر و تمام فامیل شما را می شناسیم کاری

به شغل و درآمد فرزندان هم نداریم ، همین که جوانی مؤمن و با تقوا است و اهل دود و سیگار نیست کافی است .

جالب اینکه در شام میلاد اقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک مشتری برای زمین و آب کشاورزی پیدا شد و معامله ای صورت گرفت و مشکل اقتصادی و وسیله نقلیه حل شد بدون اینکه مانعی سر راه پیش بیاید .

به برکت والده ماجده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در روز جمعه هفدهم شعبان المعظم در « بیت العتره » توسط استاد گرانقدر ، حضرت آیت الله موحد ابطحی دامت برکاته خطبه عقد فرزندم جاری شد .

در یک کلام! توسلات در ماه رجب خلاصه شد و حواله داده شد به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

همانطوری که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم : « يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ » وقتی آقا راضی شد به سفارش مادرش کارها حل شد .

گره گشایی از سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از طلاب حوزه علمیه که از دلباختگان اهل البيت (علیهم السلام) و فعالان در ترویج آنها است نقل نمود که :

مشکلی برایم پیش آمد که تمام فکر و ذهنم را به خود مشغول نمود و هر چه تلاش می کردم کارها به هم گره می خورد و مشکلاتی در زندگی ام به وجود آمده بود (مثل تصادف ماشین) که به هر دری می زدم به درب بسته

می خوردم . به یکی از دوستانم مراجعه نمودم وی با مسئول مربوط به کارم تماس گرفت ، یک مرتبه دیدم رنگ چهره اش تغییر نمود و خیلی ناراحت شد و تلفن را گذاشت و به من گفت : باید به خدمت سربازی بروی و هیچ راهی نداری و بعد از پایان خدمت بیایی تا پرونده جدید برایت تشکیل بدهیم . من که قبلاً به خدمت سربازی رفته بودم و هنوز پایان خدمت به من نداده بودند و حال آنکه چند سالی از آن می گذشت و آنان مدرک پایان خدمت می خواستند و به هیچ وجه عذر مرا نمی پذیرفتند ، از دفتر کار آن مسئول بیرون آمدم در حالی که خیلی ناامید شده بودم . یاد سخن استاد بزرگوام افتادم که می فرمودند : هر گاه و هر جایی به بن بست خوردید توسل پیدا کنید و در خانه امام زمان را بزنید محال است که امام زمان جواب سربازشان را ندهند .

سوار ماشین شدم در حین رانندگی شروع نمودم با امام زمان درد دل نمودن و صحبت کردن و گفتم آقا جان! من چهل حدیث کسا هدیه به روح مادر بزرگوارتان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانم . سپس گفتم : امام زمان من فکرم به جایی نمی رسد شما خودتان راهی جلوی این ناقابل بگذارید . همین که این حرف را زدم یک مرتبه به ذهنم خطور کرد که یکی از دوستانم گفته بود اگر یک موقع مشکل خاصی پیدا نمودید سراغ فلانی برو و به او بگو من از شاگردان فلان عالم دینی که دلسوز طلاب است می باشم و مرا فلان شخص معرفی نموده است . او تا جایی که از دستش برآید کمکت می کند . همان لحظه با وی ارتباط برقرار کردم و شماره تلفن آن شخص را گرفتم . چندین مرتبه به ایشان تلفن زدم فایده ای نداشت و جواب مرا نمی داد . با دوستم تماس

گرفتم و جریان را مطرح نمودم گفتند: ایشان به خاطر مشغله کاری که دارد به هیچ وجه جواب تلفن نمی دهد. پیامی به ایشان دادم و گفتم: ان شاء الله جواب پیام را خواهند داد.

وقتی به خانه آمدم به همسرم گفتم: مشکلی این چنین برایم به وجود آمده دعا کن به زودی برطرف شود. همسرم چهل زیارت عاشورا نذر مادر امام زمان، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نموده بود و مدتی بود که به نذرش عمل می نمود. با مادرم تماس گرفتم و گفتم: مادر جان! برای فرزندت مشکلی پیش آمده باید شخصیت مهمی را ملاقات بنمایم دعا کنید که به من وقت ملاقات بدهد تا مشکلم برطرف شود.

همان شب همسرم طبق عهد و نذری که کرده بود زیارت عاشورایش را خواند و من هم توسلی پیدا نمودم و خوابیدم. فردای آن روز همسرم گفت: دیشب ساعت دوازده و نیم شب زیارت عاشورا را که خواندم منقلب شدم و گفتم: یا صاحب الزمان! شوهرم سرباز شماس است و خدمتگزار اهل بیت (علیهم السلام) می باشد تا صبح جواب پیامش داده شود که باعث خوشحالی وی گردد و مشکلم حل شود. در همان ساعت هم، در دل شب مادرم توسل پیدا کرده بودند و منقلب شده بودند.

هنگام نماز صبح که بیدار شدم، بعد از نماز، سراغ تلفن همراه رفتم، دیدم از آن مسئول پیامی آمده است که ساعت دوازده و نیم شب بوده است. خوشحال شدم در حالی که همه می گفتند وی جواب نمی دهد و سرش خیلی شلوغ است. وی در پیام نوشته بودند فردا ساعت چهار بعد از ظهر به دفترم

بیا. سر ساعت مقرر به دیدار او رفتم و جریان توسل خودم، همسر و مادرم را برای او شرح دادم. ایشان گفتند: کمکت می‌کنم تا مشکلت برطرف شود.

با عنایات خاصه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) آن مسئول مشکلم را برطرف نمود. وقتی دوباره با دوستم که از آگاهان به مسائل بود تماس گرفتم و گفتم: مشکلم حل شد در جواب به من گفت: محال است و این کار نشدنی است چه کاری انجام دادی، معجزه ای باید برایت اتفاق افتاده باشد که این مشکل حل شده است. بله وی درست می‌گفت، فقط کرامت و عنایت مادر امام زمان و خود حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود که عنایت نمودند مشکلم برطرف شد.

نذر تألیف کتاب برای حضرت نرجس (علیها السلام) برای برآمدن حاجت مهم

دو حکایت زیر درباره دو تن از اهل قلم می‌باشد که در زندان گرفتار بوده‌اند و با توسل به والده ماجده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حضرت نرجس (علیها السلام) نجات پیدا نموده و به نذر خود وفا نموده و کتابی راجع به شخصیت و فضائل آن بزرگ بانو به رشته تحریر در آورده‌اند.

نجات از زندان، کتاب آخرین عروس

صدای رعد و برق به گوشم می‌رسید، بلند شدم از پشت میله‌ها به بیرون نگاه کردم. همه جا تاریک بود و باران تندی می‌بارید.

نمی‌دانم چه شد که ناگهان بغضم ترکید. چند ساعتی بود که بازداشت شده بودم. شاید بخواهی بدانی ماجرا چه بود.

بهار سال 1387 شمسی بود و من در شهر مدینه ، مهمان پیامبرِ مهربانی ها بودم . در حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با چند جوان عرب در مورد آقا سخن گفته بودم ؛ غافل از این که سخن گفتن در مورد آقا در این شهر جرم است.

وهابی ها به من گفتند که : تو را به دادگاه می بریم و باید محاکمه شوی . حدّ اقل سه ماه در زندان خواهی بود .

حالا باید منتظر دادگاه می ماندم . نمی دانم چه شد که یاد مادرِ آقا افتادم . اشک در چشمانم حلقه زد و گفتم : « بانو! خودت کمک کن! ».

آن شب نذر کردم اگر نجات پیدا کنم، کتابی برای بانو بنویسم تا جوانان با ایشان و ولادت فرزندش بیشتر آشنا شوند .

فکر می کنم یک ساعت بیشتر نگذشته بود که من آزاد و رها ، دست بر پنجره های بقیع گرفته بودم و اشکِ شوق می ریختم...

امروز خدا را شکر می کنم که توفیق داد تا به نذر خود عمل کنم و کتابم را بنویسم .

این کتاب را آخرین عروس نام نهادم ؛ زیرا همه می دانند که حضرت نرجس (علیها السلام) تا قبل از آغاز روزگار غیبت ، آخرین عروس حضرت زهرا بوده است . نمی دانم از آقا چگونه تشکر کنم که لطف و عنایت کرد و حالا کتاب ، مهمانِ دستِ مهربان شماست . برای ظهور آقا بیشتر دعا کنید .⁽¹⁾

کتاب فوق در خردادماه 1389 شمسی نوشته شده است .

ص: 245

1- . آخرین عروس ، داستان حضرت نرجس از روم تا سامرا ، ص 7 و 8 .

نوشتن کتاب «السيدة نرجس» در زندان با توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

کتاب «السيدة نرجس (علیها السلام)» به قلم محقق و دانشمند محترم آیت الله آقای سید مرتضی حسینی شیرازی می باشد که در زندان انفرادی در سال 1417 قمری نگاشته اند. آقای داوود صفرنژاد آن را ترجمه و بازنویسی نموده اند که چاپ اول آن توسط انتشارات آفاق معرفت در سال 1400 شمسی در 168 صفحه منتشر گردیده است .

اما داستان از این قرار است :

دنیا داربلاست و گاه بلا روی بلا بر سر آدمی خراب می شود . سالیانی قبل چنین شد. طوفانی بود و رعد و برقی ؛ گویی آن به آن حلقه های بلا تنگ تر می شد و امواج رنج ها قدرتمندتر و بزرگ تر . کمتر کسی آرامش ممتد و مستمر را در دنیا سراغ دارد. غلبه ظلم بود و ایام بلاخیز حکومتِ ظالم .

در آن ایام ، سخن ارزشمند یکی از بزرگان اهل خطابه را به یاد آوردم که گفت : هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجتت برآورده شود ، به واسطه مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر ؛ آیا ممکن است امامان معصوم این شفاعت را رد کنند؟

با خود گفتم: کتابی درباره مادر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنویسم ، باشد که مشمول دعای حضرتش شوم و از دریای بلا نجات یافته و به خدای مهربان تقرّب جویم تا کاغذی مهیا شود و قلم بر لوح دفتر بچرخد و روان در سطور پیش رود ، وقفه و درنگی پیش آمد و یکی دو سؤال مرا به تأمل

ص: 246

و داشت؛ چه بنویسم تا تکرار دیگر کارها نباشد؟ چگونه بنویسم که خواننده را در کوچه پس کوچه های عبارات، خسته و کسل نکنم؟ در نهایت تصمیم گرفتم داستان باشد و توصیف و پر از استعاره و کنایه و تشبیه.

کاری آنچنان صورت نگرفته بود که از در و پنجره و هر روزنه بلا نازل شد. تحولات سیاسی باعث شد دوستان فراوانی در کنج زندان، روزگار را به اسارت بگذرانند و نهایتاً زنجیر زندان دست و پای مرا نیز در بند کرد.

مجاللی برای سخن گفتن آن ایام نیست و ضرورتی هم آدمی را بر آن کار وادار نمی کند. گذشت و البته بسیار سخت گذشت؛ شب ها و روزها در زندان انفرادی به گُندی در حرکت بود؛ هفته ها و ماه ها پر از تهدید و ارباب و تحقیر و ...

با اندوهی جانکاه، ایام سپری شد؛ اما زندان را مکانی یافتم برای خلوت با خدا و دست به دعا برداشتم و با تضرع و زاری و توسل به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افکارم را سامان دادم و حاجات خود را پنجاه خواسته متمرکز کردم که هم نظر به دنیا داشت و هم عقبی.

مهم ترین خواسته ام فرج امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود و خدمتگزاری بی شائبه و خالصانه و در خون غلتیدن در راه او و داشتن بصیرتی حق بین و بهره مندی از شفاعت سالار شهیدان و نوشیدن آب کوثر از دستان ساقی حوض و شکرگزاری شبانه روزی و ...

به هر حال کمتر از یک سال از عمر زندان سپری شد که مقداری کاغذ و قلم به دستم رسید و قسمتی از وقتم را به نوشتن مطالب مختلف درباره

ادعیه برگزیده « صحیفه سجاده » و « مفاتیح الجنان » و مباحث اعتقادی و ولایی اختصاص دادم . هنگامی که نسیم رجب وزیدن گرفت و پیوسته « یا مَنْ آرْجُوهُ » بر لب جریان داشت (سال 1417 قمری) آن عهد فراموش شده را به یاد آوردم؛ این بار عزم جزم کردم و دست به دامان مادر حجت خدا (علیهما السلام) شدم و از او مدد خواستم و فرزندش را شفیع نزد خدا قرار دادم و با وجود نبود منابع در زندان، قلم به دست گرفتم .

در آن شرایط ، بی نیاز از راهنما و مشاور و همراه و کمک نبودم که محدث قمی به فریادم رسید و زیارت نامه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را سرمشق خود قرار دادم ؛ همان زیارتی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی در «مفاتیح الجنان» نقل کرده است .

اما در مورد روش نگارش ، گاه تکیه بر توصیف و داستان کردم و گاه اشاره به نکات تربیتی و اعتقادی و زمانی تحلیل و تفسیر رخ دادهای تاریخی و ...

کار آسانی نبود ؛ تکیه بر حافظه داشتم و البته سعی در امانت داری و نگاه به درهای زندان تا باز شود و از منابع بیشتر کمک بگیرم . در عین حال همواره ذهنم درگیر انتخاب یک روش مناسب نگارشی بود و در جستجوی مدام الفاظ و عبارات در تب و تاب بود. رنج و شکنجه آن اتاق تنگ و فشارهای زندان بانان و گاه به آینده ای مجهول، این تردید را افزون می ساخت ...

در نهایت ، این مختصر فراهم شد و آماده عرضه . امید که مقبول نظر فرزندش قرار گیرد.(1)

ص: 248

کتاب فوق در شب یک شنبه 11 شعبان المعظم 1417 قمری در سلول انفرادی زندان به اتمام رسیده است.

(جالب اینجاست که این حقیر (شیخ مهدی آقابابایی) در حالی دارم این داستان را تایپ و صفحه بندی می نمایم که شب یازدهم شعبان المعظم 1444 قمری مصادف با شب ولادت با سعادت حضرت علی اکبر (علیه السلام) می باشد).

نام فرزندم را «نرجس» گذاشتم

یکی از فضیلاتی حوزه علمیه قم نقل نمودند که :

در سامرا کنار مرقد مطهر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض نمودم که بی بی جان من فرزند پسر دارم ، اما فرزند دختر ندارم ، اگر شما واسطه شوید و لطف کنید خداوند دختری به ما عنایت نماید نام آن را « نرجس » می گذاریم . بی بی لطف فرمودند وقتی دخترم به دنیا آمد نام او را به برکت حضرت ، « نرجس » نهادم . و الآن آن دخترم به برکت این اسم شریف ، در سلامتی به سر می برد .

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْعَوْتِي فِي الْإِنْجِيكِ
وَيَا شَبِيهَتَا مَرْوِي وَيَا بِنْتِ حَلِزِي عَيْنِي (ع)
يَا سُرُورِي يَا نَرْجِسِي

گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) / شیخ محسن جلائی

به قلم : نویسنده فاضل و دلباخته اهل البیت (علیهم السلام) آقای شیخ محسن جلائی

گزارشی از فعالیت های انجام شده

برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

بعد از سالروز ولادت حضرت زهرا (علیها السلام) (20 جمادی الثانی 1444 قمری) به مناسبت های مختلف ، استاد معظم حضرت آیت الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه) در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) و لزوم تجلیل و تکریم از شخصیت والای ایشان سخن می گفتند و در جلسات متعدد ، برای شاگردان و فعالان برنامه های مذهبی در این مورد تأکید فراوان می فرمودند .

ایشان بیان داشتند که این امر در ذهنمان نبود و ما توجهی به آن نداشتیم ، قضیه ای رخ داد و مبشراتی پیش آمد که نشان می دهد یک عنایت ولایی در کار است که باید نسبت به تشریح مقام و شخصیت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) اقدام شود . و صاحبان ولایت ، از وجود نازنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا حضرت ختمی مرتبت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می خواهند حضرت نرجس (علیها السلام) را برای زمان ظهور در ذهن جامعه مطرح کنند ، تا دنیا بداند حضرت نرجس (علیها السلام) کیست و چرا بزرگ است و چرا مادر آخرین ودیعه الهی است .

به همین منظور به قصد توسل به حضرت نرجس (علیها السلام) با محوریت سه حاجت مهم زیر :

1 : تعجیل در امر فرج حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 250

2: حاجت روائی همه متوسلین به حضرت نرجس (علیها السلام).

3: موفقیت و سربلندی همه کسانی که در راستای تعظیم و گرامیداشت آن حضرت قدم برمی دارند. توصیه های مکرر و معنوی و سازنده ای را مطرح می ساختند.

به دنبال این بیانات و تأکیدات، اقدامات مؤثری با قدم صدق و اخلاص انجام گرفت که به اذعان همه فعالان این عرصه، هر قدمی برداشته می شد، همانند صد قدم کارها به جلو می رفت و علاقه مندان، مصمم تر و با انگیزه بیشتری برنامه ها اقدامات را دنبال می کردند.

با پیگیری های آیت الله ابطحی (دام ظلّه) پوسترها و پرچم های مربوط به حضرت نرجس (علیها السلام) در طرح های زیبایی آماده و عرضه گردید، همچنین مقاله جامع نویسنده محقق و استاد بزرگوار، آقای شیخ علی اکبر مهدی پور (دام ظلّه) با چند مقاله دیگر سریعاً تایپ و تنظیم و به همراه اشعاری در مجموعه ای با عنوان «مادر باران» گردآوری شد و سریعاً به چاپ رسید و در اختیار نویسندگان و شعرا قرار داده شد؛ تا سرنخ های نوشتن مقالات و سرودن اشعار پیرامون حضرت نرجس (علیها السلام) در اختیارشان باشد.

نمونه ای از فعالیت های مؤثر

سفر به قم و استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و دیدار با علمای اعلام

برای این مهم، حضرت آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) بامداد پنجشنبه 5/11/1401 (چهارم رجب المرجب 1444 قمری) عازم شهر مقدس قم شده و با استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و ذیل عنایات ایشان، به همراه

ص: 251

جمعی از جمله : حضرت آقای مهدی پور و آیت الله زاده خادم الشریعه و... طی دو روز ، 20 دیدار با علمای بزرگواری از جمله حضرات آیات و حجج اسلام آقایان : کریمی جهرمی ، علوی بروجردی ، میلانی ، طبسی ، شبیری زنجان ، دوزدوزانی ، حسینی شیرازی ، شهرستانی ، حسینی صدر و... دام عزهم ترتیب دادند و با اشاره به جایگاه حضرت نرجس (علیها السلام) و تأثیر مادرانه ایشان بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شفاعت و امدادهای ایشان از امت در اوضاع امروز جامعه و نیز برای زمینه سازی برای شکوه بیشتر مراسم نیمه شعبان ، بر لزوم اقدام برای تکریم حضرت نرجس (علیها السلام) و برگزاری مراسم ویژه تجلیل و بزرگداشت در شأن و منزلت ایشان در آستانه نیمه شعبان 1444 قمری تأکید فرمودند و از محضر حضرات آقایان ، پشتیبانی اجتماعی و معنوی این امر را خواستار شدند .

بحمدالله این دیدارها آثار و برکات فراوانی را در پی داشت و بازتاب آن در پیام ها و اطلاعیه هایی که از بزرگان یاد شده صادر گردید هویدا بود .

اولین جلسه رسمی و مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) قم ، بیت جناب جون غلام امام حسین (علیه السلام)

ضمن انجام دیدارها در قم ، برای تشکیل جلسه مقدماتی تجلیل از مقام حضرت نرجس (علیها السلام) در روز جمعه پنجم رجب برنامه ریزی شد و از جمعی از علما ، محققین ، فرهیختگان و صاحبان قلم و نیز جمعی از شعرای ولایتی و برخی از فعالان برنامه های مذهبی دعوت به عمل آمد .

ص: 252

روز موعود با حضور مدعوین، اولین جلسه رسمی احیای امر حضرت نرجس (علیها السلام) در منزل آیت الله زاده ابطحی (مسمی به بیت جون غلام امام حسین (علیه السلام)) که در این ایام متبرک به مجلس سوگواری بر امام هادی (علیه السلام) بود، کلید خورد. در ابتدا عده ای از شعرا سروده های تازه خود را در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) با

سوز و شور قرائت نمودند، سپس آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) مشرف به منبر شدند و از کم و کیف برنامه ها و مقدمات انجام شده آن، از جمله تهیه پوستر و آماده شدن کتاب «مادر باران» و... سخن گفتند و از مجموع دیدارها گزارشی ارائه نمودند و بیان داشتند که: همه باید به میدان بیایند، برخی خوب مقاله می نویسند، بنویسند، برخی خوب شعر می گویند، بگویند، برخی می توانند مجموعه ای را در این زمینه راه بیندازند، برخی می توانند مجلس بگیرند و شوق ایجاد کنند و... همه و همه دست به کار شوند.

و در ادامه با حالتی منقلب و با اشکی جاری افزودند: ما می خواهیم بازار خریداری یوسف رونق بگیرد، این بازار رواج داشته باشد اگر می توانید با همیان نیاز طلا به صف خریداری یوسف بیایید، بیایید، و اگر فقط می توانید با کلاف نخی بیایید، بیایید، می خواهیم صف خریداران یوسف طولانی باشد و...

به لطف الهی در پی این مجلس و دیدارهای گذشته، موج گسترده ای در راستای تکریم و گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) در قم به راه افتاد و دامنه آن به شهرهای دیگر هم رسید.

جلسه توجیهی بانوان فرهیخته و تاثیرگذار در راستای گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

با توجه به تجارب به دست آمده در اقدامات گذشته و اهمیت نقش بانوان در موفقیت های حاصل شده ، در ادامه اقدامات احیای امر حضرت نرجس (علیها السلام) تصمیم بر این شد که از جمعی از بانوان فرهیخته و تاثیرگذار (از معلمین ، اساتید حوزه ، خواهران طلبه ، بانوان فعال برنامه های مذهبی و بانوان صاحب قلم و سخن) دعوت به عمل آید تا با شرکت آنها در جلسه توجیهی برای برنامه های گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) از توانایی های آنها در احیای این امر به احسن وجه بهره برداری شود .

به این ترتیب ، با دعوت از آنها ، بعد از ظهر روز دوشنبه 10/11/1401 (8 رجب المرجب 1444 قمری) محل بیت العتره (علیهم السلام) پذیرای 120 نفر از بانوان برگزیده مؤثر در امور دینی و ولایی بود .

در آن اجتماع نورانی حضرت آیت الله آقای حاج سید حجّت موحد ابطحی (دام ظلّه) ضمن سخنانی ارزشمند ، اهم نکات و ابعاد مختلف موضوع را متذکر شدند و به کم و کیف احیای امر حضرت نرجس (علیها السلام) اشاره

نمودند و اهمیت نقش بانوان را در این رابطه تأکید کردند ؛ و با سخنان پرشور و سوز و پر احساس و انگیزه ساز ایجاد موجی معنوی نموده ، و انگیزه ها را در شرکت کنندگان مضاعف ساختند .

در پایان مجلس از حضور پر شور مدعوین تقدیر شد ، و کتاب « مادر باران » و تعدادی پوستر یادبود بزرگداشت آن حضرت در اختیار آنان قرار گرفت .

جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) ، بیت العتره (علیهم السلام)

در ادامه راه ، در آستانه ولادت آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) از علما ، خطبا ، مادحین ، شعرا و فعالان مذهبی استان اصفهان ، برای شرکت در جلسه مقدماتی ، دعوت به عمل آمد ، و جمعی از بزرگواران هم ، از شهر مقدس قم و شهرهای اطراف برای حضور در مجلس دعوت شدند .

در ابتدا عده ای از مادحین و برخی از شعرای گرامی که شعرهایی تازه در مدح و منقبت حضرت نرجس (علیها السلام) سروده بودند ، افاضه نمودند .

سپس حضرت آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) وارد میدان سخن شدند و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و آل او (صلی الله علیه وآله وسلم) در ابتدای سخن فرمودند : 34 سال قبل در بیت الزهرا (علیها السلام) یک چنین مجلسی با یک سوم جمعیت امروز تشکیل شد (و نهضت فاطمیه شکل گرفت که همچنان منشأ برکات است) امروز هم این جلسه و هدف آن ، ما را به چنین موفقیتی امیدوار می کند .

آن روز تأسیس اساس شد ، و امروز هم تأسیس اساس است . و در ادامه از برکات نهضت فاطمیه اموری را بر شمردند و افزودند : امروز سخن از حضرت نرجس (علیها السلام) است ، ایشان محل اسرار الهی و والده سرّ الهی اند ، سپس به نکاتی از زیارت ایشان اشاره نموده و با بیان گرم و پراحساس شان ادامه دادند : باید در مورد این شخصیت بزرگ ، حرکت بزرگی شود ، همه باید به میدان بیایند ، اگر اهل نوشتن هستید ، اگر اهل سرودن شعر هستید ، اگر مرد کار در فضای مجازی هستید ، اگر و اگر

همه بیایید، می خواهیم بازار خریدن یوسف رواج داشته باشد و ...

سپس گزارشی از سفر قم و مجموع دیدارها و بازتاب آن را ارائه فرمودند. و در پایان از جمع حاضر تقدیر به عمل آوردند.

سفر به مشهد مقدّس و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) و تشکیل جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

بحمدالله طیّ یک ماه اخیر با اقدامات خالصانه و صادقانه خادمین اهل البیت (علیهم السلام) موج گسترده ای در راستای گرامیداشت شأن و منزلت حضرت نرجس (علیها السلام) در شهرهای قم و اصفهان و دیگر شهرها شکل گرفت، و دامنه این موج عظیم به مشهد الرضا (علیه السلام) رسید.

حضرت آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) در ادامه فعالیت ها به منظور توسل و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) سفر به مشهد را در دستور کار قرار دادند و مقدمات آن را آماده نموده، جهت برگزاری جلسه مقدماتی بزرگداشت در مشهد مقدّس به وسیله فعالان ولائی ساکن مشهد از علما و خطبا و مادحین و شعرا و برخی دیگر از فرهیختگان دعوت نمودند، و خودشان در ایام شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) عازم مشهد مقدّس شدند و در اولین اقدام، با همکاری دوستان ولائی شهر مشهد در شام شنبه 27 رجب 1444 قمری برابر 29/11/1401 در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) مجلس با شکوهی را در منزل حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن قاسمی دامت برکاته برگزار کردند که با حضور چهره های مؤثر از علما و خطبا و مبلغین و شعرا و مداحان و ... از شهر مشهد و مهمان هائی از دیگر

شهرها، از کم و کیفی بسیار جالب برخوردار شد، و با سخنرانی و توضیحات جناب آقای قاسمی و نیز بیانات حضرت آیت الله موحّد ابطحی درباره اهمیت بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) از نظر اجتماعی و معنوی و راهکارهای علمی این برنامه عظیم و نیز با شعرخوانی شعرا و مداحان درباره حضرت نرجس (علیها السلام) حال

و هوای ولایتی و مهدوی عجیبی در مجلس ایجاد شد که موجب به حرکت در آمدن احساسات پاک حاضرین برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) گردید، و زمینه را برای اقدامات بعدی در این موضوع مهم و نورانی آماده نمود و خبر این مجلس مقدّس و فراخوان نورانی، در میان علاقه مندان به اقدامات ولایتی و مهدوی منتشر گردید و از طریق فضای مجازی در میان دل‌بستگان به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انعکاس وسیع یافت.

جلسه توجیهی، در مقدمه مجلس اصلی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

در مقدمه مجلس بزرگداشت اصلی، با دعوت از برخی چهره های موثر از علما، خطبا، مادحین، شعرا، هیئتی ها و فعالان ولایتی، در سالروز ولادت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، جلسه ای توجیهی در بیت العتره تشکیل گردید، و کم و کیف مجلس بزرگداشت و اقدامات لازم برای هرچه بهتر برگزار شدن آن مورد بحث قرار گرفت.

در این جلسه، آیت الله موحّد ابطحی (دام ظلّه) بعد از حمد الهی و صلوات بر پیامبر و آل او (علیهم السلام)، متن اطلاعیه مراسم بزرگداشت را قرائت فرمودند، و بیان داشتند: سخن از تکریم و تجلیل است و این تکریم و تجلیل توسل است، می خواهیم با تجلیل از حضرت نرجس (علیها السلام) از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکریم

کنیم و نگاه رحیمانه ایشان را جلب کنیم، و چنین ادامه دادند که در سالیان گذشته من از شخصی ناراحتی عمیقی پیدا کردم و با او به مشکل روحی برخورددم، تا اینکه مادرمان از دنیا رفتند، در مراسم ایشان دیدم آن شخص به همراه دوستانش با یک حالتی آمدند که از چهره هایشان مشخص بود به جهت تکریم مادرمان آمده اند، وقتی این صحنه را از ایشان دیدم، تمام صفحه ذهنم از ناراحتی ها و کدورت ها پاک شد، ...

سپس آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) با حالت منقلب و با گریه، خطاب به جمع حاضر فرمودند: فهمیدید می خواهیم چه بگوییم! ما با امام زمانمان خوب رفتار نکرده ایم، تعارف هم نداریم، هر کداممان به نحوی قلب نازنینشان را آزرده ایم، ایشان اگر به ما نگاه کنند و ببینند ما مادرشان، حضرت نرجس (علیها السلام) را مورد اکرام و احترام قرار داده ایم، آیا نسبت به ما نرم و مهربان نمی شوند!؟

ایشان که رحمت واسعه اند و مثل مادر مهربانند چنانچه امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: الإمامُ كالأمِّ البرّةِ بالوَلدِ الصَّغیرِ، آیا امیدوار نباشیم، اگر قدمی بر داریم، دل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به دست می آوریم!؟

سپس گزارشی از سایر برنامه ها، از جمله سفر قم و مشهد مقدّس و برنامه های آن ارائه فرمودند و دوستان را برای چگونگی برنامه بزرگداشت، توجیه و آماده نمودند. و در ادامه، لزوم تبلیغ در فضای مجازی و نشر مطالب راجع به حضرت نرجس (علیها السلام)، (اعم از پیام ها و اطلاعیه های صادر شده از علما، و نیز مقالات آماده شده نویسندگان، و همچنین سروده های شعرا و فایل آماده شده پوسترها) را مورد تأکید قرار دادند.

آثار توجه عمومی به نام حضرت نرجس (علیها السلام) و برگزاری جلسات بزرگداشت

با آغاز ماه شعبان المعظم و اعیاد شعبانیه، با توجه به توجیحات و اقدامات انجام شده، شاگردان آیت الله موحّد ابطحی (دام ظلّه) اعم از طلاب، ائمه جماعات، همسران طلاب، بانوان فرهیخته و وابستگان و زیر مجموعه های ایشان، مشتاقانه نهایت سعی خود را در جهت تکریم و گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) به انحاء مختلف مبذول داشتند.

بدین ترتیب، بسیاری از مساجد، هیئت ها و جلسات مذهبی، اعیاد شعبانیه و دهه مهودیت را با رویکرد تکریم حضرت نرجس (علیها السلام) دنبال کردند. و چه بسیار سفره های اطعامی که به نام حضرت نرجس (علیها السلام) در قالب جشن های متوسط و کوچک و با همکاری مشتاقانه بانوان در منازل و در جمع های خانوادگی به قصد توسل گسترده شد.

گروه های تبلیغی هم در این ایام، بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) را در برنامه های تبلیغی خود قرار دادند. برای نمونه برخی از گروه ها با حضور در مدارس (برای مقاطع مختلف تحصیلی) نام حضرت نرجس (علیها السلام) را مطرح نمودند. و جلسات موفق و پر اثری که مخصوص این امر در نقاط مختلف شهر برگزار گردید و به فضل الهی، نام حضرت نرجس (علیها السلام) فوق انتظار در جامعه مورد توجه قرار گرفت و ذیلاً به چند مورد آن اشاره می نمایم:

1: مجلس عظیم بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام) که در ادامه این نوشتار به شرح آن می پردازیم.

2 : مجلس شام دوشنبه 8/12/1401 - 6 شعبان المعظم 1444 قمری در منزل نویسنده ارجمند جناب آقای شیخ مهدی آقابابایی که با حضور علما و خطبای شهر، با سخنرانی استاد معظم، آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) برگزار گردید .

3 : مجلس ظهر سه شنبه 9/12/1401 - هفتم شعبان المعظم که در مجموعه فرهنگی هنری غدیرستان (مدرسه علمیّه خالصیه اصفهان) با حضور علما و فرهیختگان و فعالان دینی، با سخنرانی استاد گرامی، حجت الاسلام و المسلمین آقای سید امیرحسین طالقانی (دام ظلّه) و شعر خوانی شاعر محترم، آقای سعید علامه برگزار گردید .

4 : مجلس شام دوشنبه 15/12/1401 - سیزدهم شعبان المعظم که در مسجد مرحوم آیت الله محقق (قدس سره)، به همت آیت الله زاده فقیه امامی با حضور علما و هیئات مذهبی و عموم مردم با ایمان و سخنرانی پرشور و احساس آیت الله موحد ابطحی (دام ظلّه) برگزار شد .

5 : و ... مجالسی که از دیگر شهرها، از جمله شهرضا گزارش گردید و ده ها مجلسی که در شماری از مساجد، حسینیه ها و منازل، با تلاش دوستان ولایی برگزار گردید . و به لطف الهی برگزاری این مجالس و توجه خاص به نام حضرت نرجس (علیها السلام) تا بعد از مراسم نیمه شعبان (میلاد مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) هم ادامه یافت .

از جمله، با خبر شدیم عده ای از دوستان اهل البیت (علیهم السلام)، در نیمه شعبان در بین الحرمین کربلا با گستردن سفره ای با نام حضرت نرجس (علیها السلام) از زائران حسینی پذیرائی نمودند . و جمعی دیگر از علاقه مندان به اهل البیت (علیهم السلام) در مسیر قم - جمکران بخش هایی از مواکب پذیرائی را مزین به نام حضرت

نرجس (علیها السلام) نمودند و با نام مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پذیرای زائران حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدند. و نیز جمعی از ارادتمندان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در معیت آیه الله موحد ابطحی (دام ظلّه) در روز نیمه شعبان در جوار آستان مقدّس حضرت جعفر بن الرضا (علیه السلام) به شکرانه موفقیت ها در امر گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) با محوریت نام ایشان، قافله شادمانه ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را حرکت دادند، و با شاخه های گل و ذکرهای مهدوی تهنیت گویان وارد حرم مطهر شدند، و پس از آن در هوای بارانی، از فیض نماز استغاثه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با سر و پای برهنه و در زیر باران با شور و سوزی وصف ناپذیر و استثنایی بهره مند شدند.

همچنین شام 16 شعبان، مراسم اختتامیه فراخوان جایزه ادبی شعر مادرانه با نام حضرت نرجس (علیها السلام)، در حرم حضرت جعفر بن الرضا (علیه السلام) برگزار گردید، و در آن مراسم شعرهای نو و تازه ای پیرامون شخصیت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) قرائت گردید و با سخنانی مهیج حضرت آیت الله آقای سید حجّت موحد ابطحی (دام ظلّه) شور و هیجانی ولانی و مهدوی ایجاد گردید و در سطحی گسترده و نیز در فضای مجازی انعکاس یافت.

مجلس بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الاثمه (علیه السلام)

به فضل الهی در پرتو الطاف و عنایات گسترده حضرات معصومین (علیهم السلام) و توجهات خاصه حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مجلس بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در تاریخ دهم شعبان 1444 قمری برابر با 12/12/1401 در حسینیه حضرت جواد الاثمه (علیه السلام) فوق انتظار و در غایت شکوه و عظمت برگزار گردید.

حضور گسترده علمای اعلام، روحانیت معزز، شعرای گرانقدر آئینی و ولایی، مادحین گرامی، فرهیختگان و فعالان دینی، هیئت های مذهبی و سایر مردمان ولایی از اقشار مختلف و حضور مهمان هایی گرانقدر از دیگر شهرها تحسین بر انگیز بود و این اتفاق مبارک، و تصویر بدنه های مختلف جامعه در کنار هم، در قاب بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) برای جامعه غرور آفرین و امید بخش بود.

ورود قافله شادمانه حضرت نرجس (علیها السلام) با دسته های گل نرگس با حضور حداکثری علما و فضیلاى حوزه علمیه و شور بخشی ویژه به مجلس و در ادامه، شعر خوانی شعرای گرامی و مادحین ارجمند، در مدح خوانی و توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، حضور پر شور و فوج فوج و گسترده مردمان ولایی و خطابه بسیار زیبا و شیوای خطیب توانا، استاد معظم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسین انصاریان (دام ظلّه)، اشک های جاری حاضرین و حالت انقلاب یکپارچه مجلس در فرازهایی از سخنان ایشان، در مجموع خاطره ای ماندگار برایمان رقم زد که یاد آن را هرگز فراموش نخواهیم کرد.

و در پایان، رونمایی از سایت (مادر باران) (خِتَامُهُ مِسْكٌ) برای مجلس بزرگداشت گردید.

خدای را بر این نعمت بزرگی که روزیمان ساخت سپاسگزاریم و از درگاه وی فزونی برکات و آثار این حرکت مقدس را خواستاریم، باشد که به فضل الهی دامنه این تجلیل و بزرگداشت از حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)، همچنان گسترده شود و برکات و آثار آن همواره مضاعف شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت نرجس
خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: 263

سروده: شاعر نکته سنج و ولایی

استاد محمد آتشی

از اصفهان

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی

بزرگواری حق بین و کار حضرت نرجس

چه خوب گشت به حق روزگار حضرت نرجس

که شد امام دهم خواستگار حضرت نرجس

و هست نور یقین گلعدار حضرت نرجس

همین بس است به دهر افتخار حضرت نرجس

مقدر است ز حق خدمت امام رسد او

ز روزگار اسارت بدین مقام رسد او

به مهربانی و بر مادری تمام رسد او

به خانواده آل نبی بنام رسد او

که هست اصل ولا، در کنار حضرت نرجس

ز عیسوی بگذشت و محمدی شده، آری

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی شده، آری

که خاص خانه پر نور احمدی شده، آری

به روزگار بزرگی سر آمدی شده، آری

که لطف بی حد حق هست یار حضرت نرجس

به عسکری شده از مهر، یار و یاور و همسر

شده به مهدی موعود، او ز مرتبه مادر

ز مادری که مقامی نبود و نیست فراتر
خصوص اینکه عزیزی ز دودمان پیمبر
که مهر داشت بر او کردگار حضرت نرجس
ز روم آمد و شد میهمان خانه مولی
عروس فاطمه گردیده او ز رتبت والا
چه میهمان عزیزی چه مادری به تولی
که گشت محرم آل نبی و محرم طه
که این شده است ز پروردگار حضرت نرجس
مسیح زادگی و شیوه محمدیش بین
اسیر بودن و آن عشق پاک سرمدیش بین
به اعتقادی او مرحبا ، مقیدیش بین
به خواب دیدن او آفرین ، سر آمدیش بین
که آگه است از آن ، گلعدار حضرت نرجس
خدای خواسته این زن رسد به اوج سعادت
نشانه داشته با خود از آن به گاه ولادت
که بوده است در آئین خویش هم به عبادت
و در وجود خود او ، بر امام داشت ارادت
که هست پیش نظر یادگار حضرت نرجس
کسی که می کند از رتبه سروری به جهان، اوست
نه سروری به جهان، سروری به کون و مکان، اوست
بزرگ حجت بی چون حق ، امام زمان اوست
که هست قائم آل محمد و، ز توان اوست

که هست از دل و جان بی قرار حضرت نرجس

ز «آتشی» است سخن در رثای حضرت نرجس

و گفتگو است فزون در ولای حضرت نرجس

و هست شور سخن در ثنای حضرت نرجس

به یمن مرحمتی از خدای حضرت نرجس

که جلوه کرده چنین روزگار حضرت نرجس

تصویر



بانوی اجلال علیین / جعفر رسول زاده (آشفته)

سروده: شاعر با اخلاص و دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

آقای جعفر رسول زاده (آشفته)

از کاشان

بانوی اجلال علیین

حضرت نرجس، به ایمانت سلام

بر تو و بر نور چشمانت سلام

هدیه رؤیایی آیات نور

کوثر تطهیر تورات و زبور

برقی از جلباب حسنت، آفتاب

نور عصمت بسته بر رویت نقاب

عسکری را بر تو افزون، اشتیاق

تا سرآمد، روزگاران فراق

زادگاهت، شد گل آذین از بهشت

ریخت در پایت ریاحین، از بهشت

رونماییت بود، عشق و دلبری

سجده شکر امام عسکری

ای به چشم عترت طاها، عزیز

صد فرشته در حریم تو، کنیز

گوهر نسل یشوعای مسیح

در بشارت های زیبای مسیح

شد مقدر نور مهرآیین شوی

بانوی اجلال علیین شوی

عسکری ، آرام جانی چون تو داشت

دلستانی ، همزبانی چون تو داشت

حضرت نرجس ، مقامت کوثری است

راز اعجاز تو ، مهدی پروری است

شاهزاده بانوی قصر طهور

نرگسی تو ، دست چین باغ نور

مادر ، زیباترین ، والاترین

نسلی از خورشیدها ، بالاترین

ای ملیکه ، کیست بردامان تو

چه گلی روییده در بستان تو

آفرین بر تو عروس فاطمه

کودکت گل کرده در چشم همه

مهدی آوردی ، گل عشق و بهار

صد بهار آورده ، این یک گل به بار

خود بگو ، او کیست؟ آن ماه تمام

می کند خورشید ، در پایش قیام

ص: 267

عشق فرزندت تمنای همه
او تمام آرزوهای همه
تا خدا عالم بهارستان کند
مهدی آید ، کارها آسان کند
روزگار عشق و زیبایی شود
سینه های تشنه ، دریایی شود
آید و برپا کند بی کاستی
دولت عشق و عدالت ، راستی

تصویر



مادر طاووس جنت / سید علی احمدی

سروده: شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سید علی احمدی

از خمینی شهر

مادر طاووس جنت

اگر از روم می خواهند مام عدل گستر را

بلرزاند از اول، غرور قصر قیصر را

ندارد لحظه ای حتی عموزاده حسب اینجا

کجا دیده کسی پرواز غازی با کبوتر را؟

بگو با قیصر این دختر به خوابش بخت بیدار است

که او در آسمان سامرا دیده است اختر را

محبت هم اگر تصویر پیدا کرد نرجس شد

که بگذارد به زیر پای محبوبش، فقط سر را

چه حکمت داشت این که خادم نرجس حکیمه شد

کسی که حسرت خدمت به دل انداخت هاجر را

ادب کرد و خودش را برده کرد و شاه بانو شد

که جاری کرد در خود با تواضع، نور کوثر را

اگر او مادر طاووس جنت هست، جا دارد

نثار بال او کرده اگر جبریل شهپر را

نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار)

سروده: شاعر ولایی

آقای اکبر افشار زاده (افشار)

از اصفهان

نرجس والا مقام

فخر عالم، اُمّ باران، نرجس والا مقام

هست جزو بهترینان، نرجس والا مقام

در درون کاخ قیصر حال مطلوبی نداشت

داشت آنجا حُزن دوران، نرجس والا مقام

دید در رؤیا که مریم همزه زهرا رسید

تا دهندش نیک عنوان، نرجس والا مقام

فخر زندهای دو عالم تا پسندید این عروس

گشت آندم شاد و خندان، نرجس والا مقام

او که از اولاد قیصر بود در رُم آن زمان

گشت سر، از شاه و خاقان، نرجس والا مقام

خطبه عقدی چو پیغمبر برایش خواند، گشت

خرم و خندان و شادان، نرجس والا مقام

او که از نسل حواریون عیسی بوده است

شد ز جان و دل مسلمان، نرجس والا مقام

تا که در بغداد از خیل کنیزان شد جدا

روزگارش یافت سامان، نرجس والا مقام

تا پیاموزد اصول دین حق را، ابتدا

با حکیمه بست پیمان، نرجس والا مقام

حمل او از ابتدا پیدا نشد چون مادر
حضرت موسی بن عمران ، نرجس والا مقام
از ولی حق چو با عشقش پرستاری نمود
مادری ارزنده شد آن نرجس والا مقام
بوسه زد بر دست مادر ، حجت حق ، با سلام
چونکه مادر بود از جان ، نرجس والا مقام
بس که (افشار) از خدا خواهد ظهور مهدیش
از برایش خواهد امکان ، نرجس والا مقام

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام) / اسدالله امینی

سروده : شاعر با اخلاص و ولایتی

آقای اسدالله امینی

از اصفهان

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام)

نرجس توئی که گوهر پاک حقیقتی

اسطوره کمال و جمال و شرافتی

جنت گرفته نور ز روی جمال تو

خورشید تابناک جهان هدایتی

کفو امام و ، مادر قائم توئی به حق

کانون مهر و بخشش و بذل و عنایتی

ای انتخاب حضرت زهرا ، معین خلق

در عالم وجود تو بانوی عصمتی

وصفت بس است مادر مهدی شدن تو را

سرچشمه فضائل و دیوانِ وحدتی

فرزند تو ست منجی عالم در این جهان

الحق تویی که منبع جود و سخاوتی

در زهد و در تهجد و در علم و در کمال

بی شک تویی که مظهر حلم و درایتی

در خانه تو خیل ملک دارد افتخار

باشند خدمت که بگیرند خلعتی

راه ورود خیل ملک خانه تو شد

باشد برای صاحب این در حکایتی

عرفان و عشق و بندگی و قرب بر خدا

با تو است ای کریمه ، که دریای رحمتی

من ناتوان از آنکه بگویم ز وصف تو

تو در مقام ، مادر ختم ولایتی

دارد امید لطف (امینی) ز درگهش

شاید بر او شود ز کرامت عنایتی

تصویر

السلام علیک ایها الفقیه النجاة

ملیکه عالم ، حضرت نرجس (علیها السلام) / احمد ایرانی نسب

سروده : شاعر خاندان آل الله

آقای احمد ایرانی نسب

از ساری

ملیکه عالم ، حضرت نرجس (علیها السلام)

سلام حضرت مریم ، سلام حضرت حوا

سلام حضرت آسیه و خدیجه کبری

به قدر قطره باران و قطره قطره دریا

سلام عالمیان بر عروس حضرت زهرا

عروس فاطمه و بوتراب، حضرت نرجس

چگونه مدح کنم مادر امام زمان را

هزار بار بشویم به عطر و مشک ، دهان را

مگر بیان کنم این آسمان فوق بیان را

که نام حضرت نرجس بهار کرده خزان را

به قلب شبزده ها آفتاب ، حضرت نرجس

تویی ملیکه عالم که عشق شد هنر تو

شکوفه های بهشتی ست تاج روی سر تو

کریمه ای و خلاق گدای پشت در تو

عفیقه ای و همیشه خداست در نظر تو

به لطف توست دعا مستجاب ، حضرت نرجس

تویی که بانوی صبر و عفاف و حجب و حیایی

تویی که آیه حقی ، تویی که روح دعایی

تو مادری و همیشه به فکر عزت مایی

تویی که راهنمای مسیر سمت خدایی

به پرسش دل شیعه ، جواب حضرت نرجس

ص: 273

تویی که مادر باران شدی و علت رحمت

امید پنجره ها رفته پشت پرده غیبت

تویی که نور دمیدی به ما در این شب ظلمت

ز دامن تو شکوفا شده شکوفه امت

و بر نگین ولایت رکاب ، حضرت نرجس

مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا)

سروده : شاعر خاندان رسالت و امامت (علیهم السلام)

آقای سید علی اصغر هاشمی (بقا)

از اصفهان

مهر رخشان

الا مهر انور سلام علیک

عروس پیمبر ، سلام علیک

الا ای ز عیسی و مریم تو راست

نشان های بی مر ، سلام علیک

الا همسر حضرت عسکری

به او یار و یاور ، سلام علیک

تو ای مام باران و مام بهار

تو تقسیر کوثر ، سلام علیک

تو ای مادر حجت ابن الحسن

زنان را تو سرور ، سلام علیک

تو ای مهر رخشان که از مُلک روم

به عالم زدی سر ، سلام علیک

الا ای که بنموده ای اقتدا

به زهرای اطهر، سلامٌ علیک

الا نرجس ای گل، که ملحق شدی

به گلزار حیدر، سلامٌ علیک

الا ای که فرزند دل‌بند تو

به هستی است لنگر، سلامٌ علیک

توعین الیقین و، تونور مبین

توماه منور، سلامٌ علیک

تورا هر چه گویم سلام و درود

دو صد بار دیگر، سلامٌ علیک

الا ای که خواهم (بقا) را به یاد

بیاری به محشر، سلامٌ علیک

ص: 274

سروده: شاعر دوستدار اهل البيت (عليهم السلام)

آقای علی بیرقدار

از مشهد مقدس

سلام و نور

سوگند به فاطمه ، که بی همتایی

تو یک نفره شفیعه فردایی

رؤیای تو پاکی تو را امضا کرد

عالم به فدای اینچنین رؤیایی

توزینت آیه آیه انجیلی

مخدومه هر روز و شب جبریلی

فخر تو همین بس که پس از این ، بانو

با حضرت ختم الانبیا فامیلی

نور تو دل ظلام بشکافته است

عیسی ز وجودت آبرو یافته است

مهدی تو یک تافته بی همتاست

این تافته را خدا جدا بافته است

سوگند به ربّناى نرجس خاتون

تا حشر منم گدای نرجس خاتون

والله شروع زندگانی من است ...

آن دم که شوم فدای نرجس خاتون

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ

عروس ابوتراب / محمد علی بقائی

سروده: شاعر ولائی خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای محمد علی بقایی

از مشهد مقدس

عروس ابوتراب

عاشقان غرق نور می آیند

با شکوه و صبور می آیند

گاهی از کوچه ای به کوچه بعد

گاهی از راه دور می آیند

گاهی اوقات در دل آتش

گاه در بزم طور می آین-د

در مسیر گذشتن معشوق

به امید عبور می آین-د

گاه آرام مثل سیر نسیم

گاه در سلک شور می آین-د

مخفیانه امیدوار به حق

در مسیر ظهور می آین-د

خواب دیده است انتخاب شده است

که عروس ابوتراب شده است

در حضور نبی به دست بتول

نرجس از روم انتخاب شده است

در دل ظلمت زمین و زمان

نور رخشنده، آفتاب شده است

با حضورش در آستانهٔ عدل
کاخ ظلم و ستم خراب شده است
چشم امید انبیا است به او
بحر اسلام فتح باب شده است
ناجی دین و مکتب احمد
مادر منجی کتاب شده است
آیهٔ حجب رد هر گامش
ای به قربان عصمت نامش
او عروس علی است ، شک نکنید
شیر درنده گر شود رامش
فاطمه دین و ، مرتضی مذهب
مرحبا مرحبا به اسلامش
بهترین سرنوشت ، بخت بلند
چون کبوتر نشسته بر بامش

که علیّ النقی فرستاده است
قاصد عشق را به اکرامش
کعبه او امام و ، رخت عروس
شد لباس سفید احرامش
چیست معصومه تمام شدن
مادر آخرین امام شدن
قصد مرقومه امام ، تویی
متن این نامه را پیام شدن...
...به تو می آید ای کرامت محض
اینچنین لایق سلام شدن
دهر را خیر تو گرفته و نیست
جز تو شایسته بنام شدن
هجرت از روم جانب بغداد ...
مصدر بهترین قیام شدن ...
شاهکار شماسست بی بی جان
معنی تیغ در نیام شدن

قدر و بهای حضرت نرجس (علیها السلام) / رضا رضائی (بی ریا)

سروده : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای رضا رضایی (بی ریا)

از اصفهان

قدر و بهای حضرت نرجس (علیها السلام)

شناگویم ز جان و دل ثنای حضرت نرجس

چه خوش باشد که من دارم ولای حضرت نرجس

زیانم قاصر است اما ز لطف حیّ سبحانی

بگویم دمبدم مدحی برای حضرت نرجس

همین بانو که شد مادر برای حضرت مهدی

صفا داده به دلها بس صفای حضرت نرجس

ص: 277

ملیکه سوسن و مریم سبیکه خمط و ریحانه
بود صیقل حکیمه نام های حضرت نرجس
شبی در عالم رؤیا به وصفش گفته پیغمبر
که نزد ما بود عالی لقای حضرت نرجس
ز بعد این چنین خوابی اسیر درد و محنت شد
روا باشد شود جانها فدای حضرت نرجس
مقام و عزتش افزون شد از بعد اسارتها
ندارد کس چنین قدری سواى حضرت نرجس
به گیتی او پذیرا شد ز جانش شیعه بودن را
از این رو شد فزون قدر و بهای حضرت نرجس
عروس حضرت هادی بدنیا شد ز لطف حق
رقم بر او زده اینسان خدای حضرت نرجس
حسن نور دل هادی که دارد عسکری شهرت
چه نیکو همسری شد او برای حضرت نرجس
به دامن پرورش داده گل گلزار احمد را
که از نورش شده روشن سرای حضرت نرجس
زمین و آسمان نازد به فرزند برومندش
عجب بر پا شده زیبا لوای حضرت نرجس
به حکم امر یزدان و ز نسل این بهین بانو
به گیتی می رسد فیض از صلاى حضرت نرجس
هر آنکس در جهان باشد مطیع و پیرو مهدی
بخوبی بشنود هر دم نوای حضرت نرجس

حقیقت یاب و جوینده شود هر کس درستی را

شود ره پوی ایمان و وفای حضرت نرجس

ز نسل قیصر روم و، ز نسل اهل بیت حق

به دنیا تا ابد ماند بقای حضرت نرجس

به دست نور چشمانش که باشد قائم هستی

رسد بر ما به هر جایی عطای حضرت نرجس

ز درگاه خدا خواهیم شود شامل به حال ما

به هر محفل به هر منزل دعای حضرت نرجس

به اذن خالق سبحان بود پر نور درگاهش

کند روشن دل ما را ضیای حضرت نرجس

اگر روزی رسد پای مریضی بر سر کویش

شفا گیرد ز خاک پر شفای حضرت نرجس

ندارد (بی ریا) در دل غم فردای محشر را

که دل بسته به احسان و سخای حضرت نرجس

نرگس که گلی ز گلشن ایجاد است

در بحر حیا عالمه و استاد است

این مادر با قدر و جلال و شوکت

مهدی پسرش مجری عدل و داد است

ص: 279

نذر مادر / نوید پور مرادی

سروده: شاعر ولانی و خوش قریحه

آقای نوید پور مرادی

از قم

نذر مادر

لطف مادرها رسیده چون به نوکر بیشتر

غالباً هم می خورد این خانه ها در بیشتر

هر که بامش بیش برفش بیش اما رزق من

می شود با وسع کم چندین برابر بیشتر

حضرت صدیقه از او خواستگاری کرده است

پس لیاقت داشت از هر شخص دیگر بیشتر

او اسیری رفته با پای خودش چون دوست داشت

خانه این شاه را از کاخ قیصر بیشتر

حاصل کار تمام انبیا و اولیا

روی زانو روی دستش رفته منبر بیشتر

لحظه تکبیرة الاحرام با یاد پسر

گفته چندین مرتبه الله اکبر بیشتر

از شلوغی ملایک محضر قنداقه است

دور این گهواره میریزد اگر پر بیشتر

حس این فرزند و مادر را میان آیه ها

دیده ام در سوره یاسین و کوثر بیشتر

سامرا جای تشرف هاست چون آقای ما

مادری هست و به مادر میزند سر بیشتر

مسجد سهله به صحن حضرت نرجس رسید
عشق ، آنجا می شود با اسم مادر بیشتر
جمکران هم نذر این مادر پیاده میروند
از کنار دختر موسی بن جعفر بیشتر
حرف از فرزند و مادر می شود در روضه ها
می روم سمت رباب و سمت اصغر بیشتر
میزند قلب رباب و اهل خیمه تندتر
می رود این روضه وقتی رو به اخر بیشتر
این گلورا مانده ام خنجر بریده یا که هست
شعبه های تیر از پهنای خنجر بیشتر

صداق نرجس (علیها السلام) / آرش پور علیزاده

سروده : شاعر دوستدار اهل البیت (علیهم السلام)

آقای آرش پورعلیزاده

از رشت

صداق نرجس (علیها السلام)

آمد به خواب با کمرِ خم ، اشاره کرد

راوی خود گُل است به شبنم اشاره کرد

نوشید نرگس از لبِ زهرا ، شهادتین

آمد به آبِ چشمهٔ زمزم اشاره کرد

مادر دوباره چادرِ خاکی به سر گذاشت

آمد به ماجرای مُحَرَّم اشاره کرد

خیلی پیمبران اولوالعزم آمدند
تا حضرت مسیح به خاتم اشاره کرد
قیصر سؤال کرد، صدای عروس را
خندید جبرئیل و به عالم اشاره کرد
جمع حواریون همگی شمعدان به دست
شمعون به چند آیه محکم اشاره کرد
از عهده ی تولد تو بر نیامدند
روح القدس به حضرت مریم اشاره کرد
تقویم های کهنه نوشتند از ملال
آینه ی زمانه به مرهم اشاره کرد
از راویان، حکایت شیخ صدوق، بس
تاریخ اگر به نام شما کم اشاره کرد

تصویر

الْبَيْتِ عَلَىٰ أَيْمَانِهَا

الْبَيْتِ عَلَىٰ أَيْمَانِهَا

مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا)

سروده: شاعر ولانی و نکته سنج

آقای محسن اسلامی (پویا)

از اصفهان

مادر پاک باران

از قصر قیصر تا آسمان عترت

گفت ای مادر راز برخیز

ای ملیکای اعجاز برخیز

گفت در خواب با او که امشب

بال بگشا به پرواز برخیز

آدمم تا تو را برگزینم

ای عروس شب ناز برخیز

خفته در روم در بسته تا کی؟

مثل ماه فلک باز برخیز

جام وصلت به دست رسول است

با مسیحای اعجاز برخیز

پیش پای قدمهای مریم

دختر عشق پرداز برخیز

دست در دست اعجاز بگذار

سرودر سایه راز برخیز

سینه آماده کن نور جاری است

آتش از سینه ی طور جاری است

ای درخت گهر بار امید

سایه سار تو گلزار امید
روی هر برگ توایم عشق است
چیست بر شاخه ات؟ بار امید
سینه های پُر از آیه یأس
شد ازین وصل سرشار امید
بانگ حق می نوازد لب نی
دائم از نای نیزار امید
زیر هر سقفِ دل می تراود
چلچراغی از انوار امید
حلقه سبز (اثنی عشر) را
دستهای میاندار امید
با حضور تو با ذکر (والعصر)
می سراید سپیدار امید

ص: 283

(مادر پاک باران) توئی تو

مادر صبح دیدار امید

رازی از غیب مشهود داری

مُهری از مِهَرِ موعود داری

گل در آغوش سبز چمن باز

دکمه واگرد از پیرهن باز

می گشاید بروی گل سرخ

باغ آغوشی از نسترن باز

جشن آواز گلبرگ و باد است

روی تن پوش دشت و دمن باز

می کند رقص در برکه خورشید

تا بشوید غباری زتن باز

(دختر روم) در گوش تاریخ

می کند باب سحر سخن باز

می تراود زدل هرچه شعراست

امشب از شوق در ذوق من باز

صد بهاران لب غنچه خندید

تاکه شد باغ (حُسْنِ حَسَن) باز

نوعروسی که از نور آمد

نور در نور مستور آمد

گل به خواب بهاران بر آمد

(مادر پاک باران) بر آمد

بر گلوی عطشناک انسان

نغمه جویباران بر آمد

شمعی از (نسل شمعون) بر افروخت

در شب حق تباران بر آمد

مقدم سبز (خَیْرِ الْإِمَا) را

عشق از شوق خندان بر آمد

خانه ی (هادی) از نور لبریز

نو عروسیش به ایوان بر آمد

چون نسیمی که می پیچد از عشق

از سر چشمه ساران بر آمد

یا گل نقره ای رنگ مهتاب

در شب شب شکاران بر آمد

روشنی را بیا میهمان کن

هرچه می خواهی ای عشق . آن کن

ص: 284

شد به دیدارت ای تا خدا سبز
عشق تا مرز بی انتها سبز
رفتی از باور عشق تا عشق
یعنی از خانه سبز تا سبز
هرکجا میدود چشم سبز است
شد عبورت مگر تا کجا سبز؟
سرخ شد چهره باغ از شوق
تا شد آن قامت حق نما سبز
با پرند سپیدار (نرگس)
بست پیمان دیرینه با سبز
تا ابد عطر شیرین این عشق
مانده در یاد هر آشنا سبز
شد به گرمای خورشید مهرش
عشق در جان اهل ولا سبز
عطر (نرگس) که در باغ جاری است
از تو زیباترین یادگاری است
ای فراتر از اعجاز نرگس
چشم آینه ی راز نرگس
دست خورشید عقد پرن را
می کند پیش تو باز نرگس
می کند باغ سبزینه ها را
در نگاه تو ابراز نرگس
ناز کن مثل شبنم که پر زد

پشتِ آبادی ناز نرگس
ای گلوبند باغ غزل پوش
شعر دیوان ایجاز نرگس
نردبان (ولایت) تورا بُرد
تا بلندای پرواز نرگس
(زُهره می خواند از کوچۀ (شور)
در مدیح تو آواز نرگس
ای تو زیباترین آیه ی صبح
(همسرِ نور) و همسایۀ صبح
نور از ساغر تاک روئید
عشق از نبض ادراک روئید
عطر (موعود) پیچید در دشت
لاله از سینه ی خاک روئید
ماه در آسمان سحرگاه
از گریبان صدچاک روئید
روی آئینه ی روشن ذهن
شور شعر فرحناک روئید
بال خورشیدی آسمان سیر
در فراسوی افلاک روئید

چشم از چشمه نور جوشید

پاک از دامن پاک روید

ذکر تسبیح نورانی عشق

بر لب نسل (لولاک) روئید

بال در بال پرواز گل کرد

باغ در باغ آواز گل کرد

ای درخشان تر از روی مهتاب

عطر پیچیده در کوی مهتاب

آمدی چون گل از شهر خورشید

میروی تا فرا سوی مهتاب

بسکه پیوند با نور داری

هستی آئینه ی روی مهتاب

کیستی ای سراپای خورشید؟

ای رخت باغ مینوی مهتاب

ای رها در نسیم نگاهت

زلف زیبای بانوی مهتاب

خواب آرام دریای چشمت

موج پرواز گیسوی مهتاب

آفتابی ترین خنده ی نور

خنده ی صبح تابنده ی نور

باب کن شهر آئینه ها را

سبز چون شنبه آدینه ها را

دست اعجاز را عیسوی کن

عافیت پوش کن سینه ها را
ای تو موعود عشق و عطوفت
ازدل ما ببر کینه ها را
کیمیای نفس را برآور
گوهری کن سفالینه ها را
باز کن روبه صبح ستایش
چشم سهراب و تهمینه ها را
چارده قرن پرواز کردم
رد شدم دام ها . چینه ها را
تا رسیدم پیام تو امروز
زنده کن یاد دیرینه ها را
سبز در سبز برما گذر کن
تا بهاری شوم یک نظر کن
باز ما را تو مهمان کن امشب
روح را غرق احسان کن امشب
مثل نبض دل ای فرصت عشق
خانه در کوچه جان کن امشب

ای نگاهت مسیحای اعجاز
درد ما را تو درمان کن امشب
در کلاف دل افتاده صد بغض
مشکلش را تو آسان کن امشب
ای فراتر ز فیض بهاران
روح ما را گل افشان کن امشب
ای صدای خدا بار دیگر
خانه در خاک انسان کن امشب
چون حدیث سحر از فروغت
خاک را نور باران کن امشب
سینه چون مُشت هستی فشرده است
دل بنام عزیزت سپرده است
شعرم اعجاز شد بار دیگر
ساز دل ساز شد بار دیگر
شعر . بانام پاک تو گل کرد
قفل دل باز شد بار دیگر
شعر شعرائی ام گشت پویا
با تو دمساز شد بار دیگر
روح آشفته خاطر من
خلوت راز شد بار دیگر
بانگاه تو معراجی از نور
در دل آغاز شد بار دیگر
آمدی و نشستی به چشمم

وقت پرواز شد بار دیگر
با تو پرواز عین رهائی است
شوری از جذبۀ کبریائی است
ای شده باغمت آشنا اشک
ما نوشتیم نام تو را اشک
نام پاکت عجب معجزی داشت
شعر من شد بنام شما اشک
شعر باران شد و ذکرِ شاعر
(عطرِ نرگس) شد و (سامرا) اشک
شعر سرشار از عطر لبخند
شاعر اما ز سر تا پیا اشک
سینه در سینه دل‌های ما شوق
چشمه در چشمه چشمان ما اشک
آفرین آفرین آفرین دل
مرحبا مرحبا مرحبا اشک
آخرین ماه خورشید منظر
بر جمال تو (الله اکبر)

سروده: شاعر نوجوان هفده ساله و ولایتی

آقای علی رضا خیامی

از اصفهان

عطر نرگس

عطر نرگس همه را واله و شیدا کرده است

دیدۀ خشک مرا چشمه و دریا کرده است

شاهزاده نه دگر، گشته چو شهبانویی

که جهان را همه او غرقۀ سودا کرده است

خواب صادق خیر از وصلت عاشق می داد

به همایی که پر و بال ز دل وا کرده است

همچو پروانه در آتش شده لاکن از شوق

راز معشوق به یکباره هویدا کرده است

میتنی بر سر عالم بنهاده است که او

گل نرگس به جهان از گرم اعطا کرده است

کز گل روی گل نرگس زهرا، عالم

وجهه ای تازه و بی شائبه پیدا کرده است

زاده بانوی جهان منجی این عالم را

که همه تلخی این دهر چو حلوا کرده است

(پیچکا) باز بگو بر همه عالم اینکه

عطر نرگس همه را واله و شیدا کرده است

نو عروس فاطمه (علیها السلام) / سید ابوتراب هاشمی (تراب)

سروده: شاعر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

آقای سید ابوتراب هاشمی (تراب)

از اصفهان

نو عروس فاطمه (علیها السلام)

دختر رومی نسب ، حسن المآب

مادر وجه الله و ، ام الكتاب

از نفس هایش معطر شد زمین

ماه رویش طعنه زد بر آفتاب

آسمانی گشته این عیسی تبار

چونکه زهرایش نموده انتخاب

فاطمه گلبوسه از رویش گرفت

با بشارت داد بر او این خطاب

نو عروس خائنه طاهای توئی

« بوی گل را از چه جوئیم از گلاب »

شد حکیمه شاد از دیدار او

بوسه زد بر آن رخ چون ماهتاب

گفت با او : نو عروس فاطمه

مادر خورشید سامرا بتاب

چشم نرگس تا که شد از خواب باز

نیمه شب شد جان او در اضطراب

یاس نرگس یاس یاسین یاس نور

یاس زهرا یاس یاس بوتراب

غنچه لبخند مهدی باز شد
از بهشت آمد تو گوئی درّ ناب
ای عروس خاندان مصطفی
لیلة القدر ولایت در حجاب
نرجس ای بانوی مظلوم و غریب
ای که مظلومیت شد در نقاب
گر چه ما قدر تو را نشناختیم
مهر تو بر ما ببارد چون سحاب
روز رستاخیز دستم را بگیر
« اشفعی لی » خادمتم هستم « تراب »

نرگس که عروس خاندان زهراست
او مادر آئینه و باران بقاست
هر چند که تاج قیصری داشت به سر
مریم صفت است و ، صدف مهدی ماست

ص: 289

در وصف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / رمضانعلی جان نثاری

سروده: حافظ کل قرآن کریم و مدرس حوزه علمیه

آقای شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

از اصفهان

در وصف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

کیست نرجس مهدی صاحب زمان را مادر است

او امام عسگری را همدم است و همسر است

داد کوثر را به پیغمبر خدا و بی گمان

می توان گفتن که نرجس چشمه ای از کوثر است

هست یک معنای کوثر خیر بی حد و حساب

خیر نرجس از همه خیرات عالم اکثر است

حجت ابن العسگری در دامن او رشد یافت

مادری لایق برین فرزند نیکو منظر است

پور نرجس بر زمین و آسمان فرمانرواست

این سمت بر او مقرر از خدای اکبر است

روشنی بخش زمین و آسمان مهدی بود

تابش این نور را نرجس مکان و مظهر است

هم بود زوج الامام و هم بود ام الامام

هم عروس فاطمه است و هم عروس حیدر است

خلق عالم از عطای ابن نرجس جیره خوار

بهره مند از لطف او هر مومن و هر کافر است

در توسل ها به مهدی یابن نرجس هم به جاست

گرچه یابن العسگری با یابن زهرا اشهر است

این سخن در وصف او فرمود امام مجتبی
خیرة النسوان و بر کل کنیزان سرور است
پاک فطرت ، پاک طینت ، نیک رفتار و مدار
آنچنان کز ابتدا او را قیامت باور است
کنیه اش ام محمد ، بُد ملیکه نام او
با حیا و عفت و از دودمان قیصر است
رو توسل جو به او تا حاجتت گردد روا
چون که او را آبرو پیش خدای داور است
هر چه از فرزند خود خواهد اجابت می کند
چون که آن مولا ز جان و دل مطیع مادر است
حق به نرجس کرده ارزانی بهشت جاودان
مهدی او ، از همه زیبا رخان ، زیباتر است
کیست جز نرجس که فرزندی چو مهدی آورد
هست طاووس بهشت ، این گفته پیغمبر است
هست نرجس مادر آن کس که فرموده امام
رتبه او از همه پیغمبران هم برتر است
هر چه خوبی هست در این یک پسر گردیده جمع
غیر نرجس ، کی چنین بانوی فرزند آور است
هر کسی باشد ارادتمند نرجس بی گمان
گر گناهی کرده مغفور است و دور از کیفر است
هست در حق محبان مهربانی شیوه اش
بر محبان خود آن بانو ، شفیع محشر است
از فضیلت های زهرا بهره وافر در اوست

هست نرجس مادر فرخنده مولودی که او
دادگستر در جهان از باختر تا خاور است
یاری دین و امامت کرد تا پایان عمر
دید چون امر امامت بی معین و یاور است
داشت دشمن انتظار قطع نسل عسگری
کرد نرجس ثابت این معنا که دشمن ابر است
کوکب رخشنده در بیت امامت نرجس است
آسمان فضل و تقوا را درخشان اختر است
من کجا قادر به احصای ثنای نرجسم
هر چه گویم باز هم باقی ثنای دیگر است
ما ز درک جاه و قدر و شأن نرجس عاجزیم
گفته ها در این مقال از آن که باید کمتر است
دارد از نرجس امید لطف و احسان (جان نثار)
خاصه در روزی که او بیچاره و بی یاور است

تصویر

□

ص: 292

در مدح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) / سید محمد مهدی جزایری

سروده: شاعر روحانی و دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سید محمد مهدی جزایری

از اصفهان

در مدح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

در کمال صداقت و تسلیم، پاک و دلدادۀ امامان بود

شهر قسطنطنیه میلادش، سرفرازی زینت نامان بود

دوستار عبادت و تقوی، عفتش بی نظیر در آنجا

دور از جمله معاصی او، از کبار زنان به عنوان بود

از تبار شهنشه روم و، در نظرها سبیکه و نرگس

مریم و ماریه سلیل و نسیم، نام های نکوی ایشان بود

خمط یعنی درخت بی خار و، گل آن نیز حضرت مهدی

گل نرگس که خلق گویندش، مادر او ملیکه، ریحان بود

پس از آن آشنائی پر نور، با امامان یازده گانه

مسلمه مؤمنه شد از آنکه، همسرش اهل وحی و قرآن بود

سوسن و هم حدیثه و ورداس، مرضیه راضیه و أم امام

سروری از مسیحیان زمان، در سرای ائمه مهمان بود

گر چه بودش کمال و عزت و شان، مادری بر جلالش افزود

الحق امّ امام گشتن هم، از برایش مزید شایان بود

خواستار عدالت و اسلام، دوستار محمد و قرآن

بر نیاکان خود نمی نازید، فخر او بر امام خوبان بود

همسر عسکری عروس نبی، در دلش عشق حضرت زهرا

اینکه شد میهمان هادی دین، همه از لطف حیّ سبحان بود

زینت فضل حضرت حجت ، در حدیث آمده به مادرشان
مادری در خط ولایت و دین ، در کنار امام ، سلطان بود
حضرت باقر این چنین فرمود ، به فدای نواده ای گردم
که بُود پور حضرت نرجس ، ارزش او چنین نمایان بود
تربیت از حکیمه خاتون داشت ، در مثل گشته بود بی مانند
الحق آن شاهزاده در عزّت ، خود عروس سرای ایمان بود
شد عروس ولایت و عصمت ، تا شود مام آخرین حجّت
پرده دار عدالت و عفت ، عهده دار امام دوران بود
روز قبل از شهادت شویش ، شد روان سوی جنّت از دنیا
تا بدانند شیعیان نرگس ، پیش مرگ امامش از جان بود

لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد

سروده : شاعر ولایتی خاندان رسالت (علیهم السلام)

آقای مصطفی جلیلی نژاد

از مشهد مقدّس

لطف مادری

چه عزت‌یست ز نامت کلام موزون را

که با دعای تو شاعر گرفته مضمون را ...

تو گنج وادی رومی دلیل آن این است

که در وجود تو حق داده دُرّ مکنون را

ملیکه ای که ز بطن تو منجی آمده است...

به افتخار رساندی تو نسل شمعون را...

برای آمدن تو به خانه ی موعود

به صبح روز قیامت ز لطف مادری ات...

به ازدحام بینی تو خلق مدیون را....

تو مادر پسری گشته ای که آمدش ...

به عدل و داد رساند جهان مفتون را....

دعا کنید بینم به حق داغ علی

گرفته حق خود و انتقام آن خون را....

دعا کنید بینم طلوع صبح ظهور

کشد ز خاک و زند سیلی آن دو ملعون را....

تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان

سروده: شاعره خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

خانم عاطفه جوشقانیان

از قم

تسبیحی از انگور عسکری

آکنده از ایمانی و از عشق سرشاری

باید دلت را دست این تقدیر بسپاری

ای دختر قیصر تو باید ساده تر باشی

قلب زمین می لرزد از آداب درباری

هرکس پیاده یا سواره رد شود از قصر

در جیب و در خورجین خشکش ابر می کاری

آماده شو تعبیر شد خوابت ملیکا جان

دیگر نمی گویم ملیکا، نرگسی! آری ...

آنقدر دلتنگ حسن هستی که در دستت

در را برای همسرت واکن که دستت را

در دست های گرم آن خورشید بگذاری

تو حامل یاسینی و در انتظار او

آکنده از ایمانی و از عشق سرشاری

سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی

سروده: شاعره خاندان نبوت و امامت

خانم فاطمه حبیبی

از رشت

سلام ای حضرت نرگس

سلام ای حضرت نرگس، گل زیباتر از زیبا

سلام ای ساحل جاری شده در سینه دریا

سلام آغوش لبریز از شکوه دوستت دارم

سلام ای روشنی بخش دل تنهاتر از تنها

صدای بال پرواز پرستو در خیالی دور

سکوت عابران عاشق سرگرم با رویا

تویی تفسیر بارشهای مطبوع زمستانی

بهار از بارش چشم غزلخیز تو شد پیدا

نسیم غرق در لبخندهای روشن گل ها

که عطرت را خدا با دست خود پاشیده در هر جا

تویی که بی گمان نور حقیقت در دلت داری

از آن روزی که تو پیدا شدی روشن شده دنیا

سرود: شاعر ولانی و با ذوق

آقای احمد حیدری

از مشهد مقدس

عروس خانوادۀ موعود

سحر از آینه اش بی خبر نخواهد بود

به کوی او، ره شب را گذر نخواهد بود

چه نسبتی است میان ستاره و خورشید

به یمن آن دگر از شب اثر نخواهد بود

رسالتی که محول شده به این بانو

نصیب دختر شاهی دگر نخواهد بود

به خانوادۀ موعود، عروس آمده است

صداق آن جز صبح ظفر نخواهد بود

عروس فاطمه بودن! چه نیک مرتبه ای!

سفید بختی از این بیشتر نخواهد بود

به مهر مادری اش قصر نور ساخته است

که مالکش به جز آن گل پسر نخواهد بود

پسر ز طالع مادر طلوع خواهد کرد

به جا ز پرتوش آثار شر نخواهد بود

دعا کنید بیاید کسی که از قدمش

تبرکات جهان، مختصر نخواهد بود

خانه شش گوشه

شاهزاده بود و پیشش منصبش از یاد رفت
عطر نرگس در میان مهملی از باد رفت
عقد او در آسمانها بسته شد ، با این امید
از میان قصر قیصر با خیالی شاد رفت
حلقه ی وصل تمام انبیا این وصلت است
فخر ابنا نور شد ، اینگونه تا اجداد رفت
مثل خورشیدی که از مغرب به مشرق می رود
در صعودی نور او از روم تا بغداد رفت
مادر موعود بود آنکه به بازار جهان
در لباسی از کنیز آمد ولی آزاد رفت
فرش پیش پای او بال ملانک گشته بود
با قدومش لشکر شیطان به صد فریاد رفت
هجرتی تا عرش کرد و ، عشق هم ره توشه شد
از وطن دور است ، اما خانه اش شش گوشه شد

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْعَوْتُ فِي الْإِنجِيلِ
وَالشَّيْبَةُ الْمَرْمُومَةُ وَابْتِحَاحُ رِي عَيْسَى (ع)

يَا سِرُّكَ يَا نَرْجِسُ

آوای حضرت نرجس (علیها السلام) / جواد حیدری

سروده : شاعر اهل بیت علیهم السلام

آقای جواد حیدری

آوای حضرت نرجس (علیها السلام)

من که خود عابده والایم

نرجس-م هم نفس مولایم

از عنایات خداوند کریم

مادر مهدیم و یکتایم

سامره کعبه و هم قبله من

سامره آخرت و دنیایم

نزد حق بوده ام آن قدر عزیز

که عزیز پسر طهایم

نزد پیغمبر و زهرا و علی

باعث آبروی عیسیایم

تا قیامت هم فخرم این است

من مسلمان شده زهرایم

به دو عالم ثمر من مهدی است

گل نرگس پسر من مهدی است

فاطمه گوهر و هم گوهری است

وارث رتبه پیغمبری است

اوپی گوهر ناب است بحق

کار او دُرّ و گُهر پروری است

خواستگارم شد و فخرم بخشید

دل من زنده از این مادری است
عشق نابی به دل من بسپرد
عشق ناب دل من عسکری است
گرچه آغاز مسیحی بودم
مذهب اصلی من حیدری است
من کنیز پسر فاطمه ام
تا ابد شیوه من کوثری است
شیعه را لطف و عطا می بخشم
حبّ مهدی به شما می بخشم
پسرم حاصل عمر زهراست
به خدا در دو جهان بی همتاست
آدم و نوح و شعیب و خضر است
او خلیل است و مسیح و موساست
اوست طاووس بهشت آزلی
هر گل زیاد جمالش زیباست
همه قدرت حق در دستش
گرچه بنده است ولی عین خداست
رزق از او به همه می بخشند
او ثبات همه ارض و سماست

تا شما را برساند به حسین
دل بشکسته دعاگوی شماست
ثمره خط رسالت مهدی است
صاحب تیغ عدالت مهدی است
بهر تحمید و سپاس ای شیعه
پسرم را بشناس ای شیعه
معرفت بر دل او پیدا کن
باش با او به تماس ای شیعه
تا شود عاقبتت خیر بدان
حب او هست اساس ای شیعه
با ولایتش منما عالم را
تو به یک لحظه قیاس ای شیعه
بهر عیدی شب قدر بگیر
از کف یار لباس ای شیعه
تا که خسران زده هرگز نشوی
مهدیم را بشناس ای شیعه
معرفت بر گل زهرا مظهر
از نماز تو بود واجب تر
پسرم آید و غوغا بکند
زشت ها را همه زیبا بکند
حب آن تشنه لب زینب را
علنی در همه دنیا بکند
اشک او خون دلش گردد تا

یاد از زینب کبری بکنند
بعد تکیه زدنش بر کعبه
تربت فاطمه پیدا بکنند
او خودش طالب حکم فرج است
از خدا اذن تمنا بکنند
خشک بر آن کس که برای فرجش
خویش را خوب مهیا بکنند
شه رانده ز وطن می آید
به یقین یوسف من می آید
پسرم منتقم کرب و بلاست
غصه دار سر از جسم جداست
داغ دار گلوی اصغر اوست
روزه دار تن ارباً اریاست
بوسه بر دست علم دار زند
تشنه آب ز مشک سقااست
زائر قبر رقیه مهدی است
سحر از داغ رقیه شیدااست
هر کجا مجلس روضه باشد
بانی و گریه کن بزم شماست
به خدا راه رسیدن بر او
گریه و معرفت کربلاست
در پی هدیه مهدی باشید
سائل گریه مهدی باشید

شبيه امّ موسى (عليه السلام) / مجتبیٰ خرسندی

سروده: شاعر جوان و ولایتی آل الله

آقای مجتبیٰ خرسندی

از قم

شبيه امّ موسى (عليه السلام)

زدی پیوند "آل هاشم" و "آل یشوعا" را
که تو از سال های قبل، دیدی خواب حالا را
اگر چه جسم تو در بند کاخ روم بود، اما
دلت از شوق اقیانوس طی می کرد دریا را
کسی یارای هم کفو تو بودن را نخواهد داشت
که تنها خود خبر داری دلیل این معما را
اگر ذکر تو "لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ" شد در آن غربت
شنیده بوده ای از قبل "لَا هُمْ یَحْزَنُونَ" ها را
چنان از شوق «سُرَّ مَنْ رَاءَ» از قصر می رفتی
که انگاری شبيه كعبه می دیدی کلیسا را
در آن شیرین ترین رؤیا چه ها رخ داد ای بانو
که در دامان خود دیدی مسیحای مسیحا را
همین که نام نرجس را برای خود پسندیدی
از آن پس تا ابد نشناختی دیگر ملیکا را
عروس حضرت زهرا شدن آن قدر لذت داشت
که با سختی نمی رفتی تو دشت و کوه و صحرا را
زبان شاعران حقا که در وصف تو الکن شد
چه باید گفت اوصاف "شبيه امّ موسى" را

جهان از ابجد نام بلند تو یقین دارد
که روزی فتح خواهد کرد فرزند تو دنیا را
گنه کاریم ، اما آرزوی وصل او داریم
بیا لطفی کن ای بانو شفاعت کن دل ما را

تمنای تو نه والا شدن بود
نه صاحب نام در دنیا شدن بود
کمال آرزوهای تو تنها
عروس حضرت زهرا شدن بود

هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار

سروده : شاعر دلباخته حضرت بقية الله (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

آقای سید مسعود داستار

شهرضا از استان اصفهان

هم نفس و همقدم نور

ای عروس علی و فاطمه نرجس خاتون

به تو و عطر دل آرای تو گل ها مدیون

گر چه از ایل و تبار و نسبی والایی

فخر تو این که کنیز پسر زهرایی

اهل رومی و تورا سوی عراق آوردند

تا که درمان بشود درد فراق آوردند

بود تقدیر تو تا از وطنت دور شوی

همسر و هم نفس و هم قدم نور شوی

مصلحت بود به بازار کنیزان بروی

مصلحت بود که در نزد عزیزان بروی

ص: 302

تا به بازار ، خریدار خودت را دیدی
لحظه ای خنده زدی و به خودت بالیدی
آمدی تا که پیام آور شادی باشی
نو عروس پسر حضرت هادی باشی
آمدی هم نفس روح عبادات شوی
تا عروس پسر مادر سادات شوی
خانه داری تو بر پایه احسان بوده
روز و شب تکیه کلام تو حسن جان بوده
خوش به حال تو که اینقدر امانت داری
در گلستان وفا نرگس بی تکراری
سوسن و سنبل و مریم همه پابست تواند
عطر تو می وزد و شاپرکان مست تواند
چه مقامی که سر آغاز سر آغاز شدی؟
شد عنایت به تو و محرم این راز شدی
تو سر آغاز شدی شام به پایان برسد
تا نسیم سحری بر نفس جان برسد
تو رسیدی که رسد بغض رسالت پایان
تو رسیدی که شود معنی کامل ایمان
آمدی تا در توحید خدا باز شود
باز از دامن تو معجزه آغاز شود
آمدی همسر خورشید هدایت باشی
مادر شمع فروزان ولایت باشی
به تو ای مادر ارباب ارادتمندیم

درد ما را تو دوا کن همه حاجتمندیم

تو دعا کن که ظهور پسرت دیر شده

نوکرش از غم هجران رخس پیر شده

ص: 303

نام او را همهٔ اهل کسا می بردند

غصهٔ آمدنش را همگی می خوردند

مادری در پس در ناله زد ای مهدی جان

پدری وقت سحر ناله زد ای مهدی جان

حسن پاره جگر ناله زد ای مهدی جان

کربلا پیکر و سر ناله زد ای مهدی جان

در دعاهاى سحرگاه ، امام سجاده

کرده از روز ظهور پسرت مهدی یاد

حضرت باقر و صادق که صدایش کردند

سر سجاده نشستند و دعایش کردند

نام او ذکر لبی گوشه ی زندان بوده

راحت جان و دل شاه خراسان بوده

ذکر او بوده شب و روز به لبهای تقی

در قنوت سحر و نافله و وتر تقی

پدرش گفت کجایی پسرم مهدی جان

آه از درد جدایی پسرم مهدی جان

مادر نور دعا کن که بیاید پسرت

عجل الله بگو وقت قنوت سحر

حال تو از غم او فوق بیان است هنوز

« چشم نرگس به شقایق نگران است هنوز »

به دعای تو رخ شمس عیان می گردد

« عالم پیر دگر باره جوان می گردد »

همنشین گل زهرا (علیها السلام)
دل کننده بودی از همه گل های صحرا
با پای دل می آمدی دریا به دریا
هدهد برای تو خبر آورد نرگس
از هم نشینی با گل زیبای زهرا
تعبیر رویای تو عشق و دلبری شد
قلبت قدمگاه امام عسکری شد
شان تو ای بانوی مادرها نهان است
عطر نفس های شما آرام جان است
نازل شدی سوی عراق ای سوره روم
داری از عشق و عاشقی معنا و مفهوم
وقتی که آغاز تو حا و سین و نون است
تفسیر تو انا الیه الراجعون است
امشب به شعر مثنوی باران گرفته
از فیض تو مرغ خیالم جان گرفته
با واژه ها امشب دلم را صاف کردم
از درد هجران رو به سوی قاف کردم
با شوق وصل یار ، بال و پر گشودم
دل کننده از عالم به سویس رو نمودم
صحرا به صحرا پر زدم ، پرواز کردم
دلنتگ بودم عقده از دل باز کردم

با گریه گفتم ای گل نرگس کجایی؟

ای مهدی زهرا امان از این جدایی

نرگس معطر کن خودت دنیای ما را

بالا بیار ای مادرم دست دعا را

مادر دعا کن مونس دل ها بیاید

داغ رخ زیبای او بر دل نماند

حضور سبز حضرت نرجس (علیها السلام) / مهدی داعی

سروده شاعر و ذاکر اهل بیت (علیهم السلام)

و دلدادۀ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آقای مهدی داعی

از اصفهان

حضور سبز حضرت نرجس (علیها السلام)

سلام مادر باران سلام مادر عشق

سلام اسوه ی پاکی تمام باور عشق

سلام ای گل ایمان شکفته در جانت

کویر روح بشر تشنه کام بارانت

سلام بر تو و فرزند برگزیده ی تو

که روشن است از او چلچراغ دیده تو

حضور سبز تو زیباتر از بهاران بود

و چشمت آینه گردان روی جانان بود

تو جان به پیکر افسرده جهان دادی

نوید آمدن صاحب الزمان دادی

و اعتبار تو پیوند با ولایت بود

و اتصال به زنجیره ی امامت بود

ص: 306

به خاک تشنه تو دادی نوید باران را

صلای سبز شکوفایی بهاران را

شبیهِ مادر موسی و نسل شمعی

به آخرین غزل عاشقانه مضمونی

طلوع ماه تو پایان ظلمت شب بود

شروع روز رهائی و رحمت رب بود

در انتظار قدمش فرشته چشم به راه

به دست او علم لا اله الا الله

که آن ذخیره خلقت ز پرده کی آید؟

ظهور او گر از کار بسته بگشاید

که ناگهان همه جا پر ز عطر نرگس شد

(ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد)

چمن چمن گل نرگس به هر دیار شکفت

جوانه زد گل و از مقدمش بهار شکفت

سروش مزده رسانید بر تمام فرق

که نوبت (زهق الباطل است و جاء الحق)

به صف شوید خلائق که شاه می آید

به شام تیره ی ما نور ماه می آید

خبر دهید که فصل ظهور شد امشب

همه زمین و زمان مهد نور شد امشب

خدای را مددی ای نسیم صبح بهار

سلام این دل عاشق بپر به محضر یار

بگو که جان به لب عاشقان رسید بیا

شبی به خلوت این جمع نا امید بیا

دهان به خنده گشودی بهار پیدا شدز

روی و موی تو لیل و نهار پیدا شد

ص: 307

آرامش بعد از طوفان / محسن درویش هرندی

سروده: شاعر نکته سنج ولانی

آقای محسن درویش هرندی

از اصفهان

آرامش بعد از طوفان

در خواب تا دیدار جانان شد نصیبم

در ابتدای راه ، هجران شد نصیبم

وقتی اسیر عشق آل الله گشتم

همراه بودن با اسیران شد نصیبم

آشوب دریا را که پشت سر نهادم

آرامشی از بعد طوفان شد نصیبم

در دین عیسی بودم اما زندگانی

در سایه ی آیات قرآن شد نصیبم

من دختر شهزاده ی رومم که با صبر

در سامرا فرزندسلطان شد نصیبم

خوشبخت تر از من در این دنیا زنی نیست

زیرا پناه اهل ایمان شد نصیبم

تقدیر تا نام مرا نرگس رقم زد

هم صحبتی با باغ وریحان شد نصیبم

در دامنم خورشید عالم پرورش یافت

آن مهر که در ماه شعبان شد نصیبم

مام ختم الأوصيا / محمد رضا رضانی (ذوالفنون)

سروده : شاعر و مداح دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

آقای محمدرضا رضانی (ذوالفنون)

از قم

مام ختم الأوصيا

السلام ای فخر و عز رومیان

السلام ای مادر صاحب زمان

السلام ای معدن حجب و حیا

السلام ای مام ختم الاوصيا

ای عروس خاتم پیغمبران

برسرت لطف الهی سایه بان

قدر تو داند امام عسکری

میشناسد قدر گوهر گوهری

در میان قوم خود بودی عزیز

گشتی اما بیت زهرا را کنیز

مرحبا بر بخت و بر اقبال تو

هستی زهرا همه شد مال تو

مهدی ات دار و ندار فاطمه

در دو عالم افتخار فاطمه

این فضیلت بس تو را در برتری

قائم آل نبی را مادری

صد چو مریم مبتلای بند تو

صد چو عیسی در پی فرزند تو

ذات یزدان ارزیاب مهدی ات
پور مریم در رکاب مهدی ات
مهدی ات بر روزگاران حکمران
حکمرانیش از کران تا بیکران
عالمی روشن ز نور مهدی ات
کی رسد بانو ظهور مهدی ات
کاش آید آن شه والا مقام
گیرد از هر جبت و طاغوت انتقام
چون که او میگسترد در این جهان
سایه عدل و عدالت هر زمان
میکنم من جان فدای مهدی ات
سر بلندم از دعای مهدی ات
نیست وصف در توان ذوالفنون
عاجز از مدحت بیان ذوالفنون
واژه ها نارس زبان الکن بود
وصف تونه کار همچون من بود

بخت بلند حضرت نرجس (علیها السلام) / محمد حسن زاده (راضی)

سروده : شاعر دلداده و دلسوخته اهل بیت (علیهم السلام)

آقای محمد حسن زاده (راضی)

از اصفهان

بخت بلند حضرت نرجس (علیها السلام)

دنیا به درد و رنج و مصیبت دچار بود

دلها برای امر فرج بیقرار بود

شیعه برای آل علی عده کمی

دشمن برای آل علی بیشمار بود

حق شد به دست لشکر باطل محاصره

چشم انتظار دست خدا ذوالفقار بود

دلهای غصه دار غم غربت علی

امیدشان به آخر این انتظار بود

لطفی شد و دوباره برای مقدمه

رو کرده بود چشم قضا سوی فاطمه

زهرا اراده کرد و پیمبر شروع کرد

بختی بلند قسمت بنت یشوع کرد

عیسی رسول ، مریم و زهرا برابرش

عرض ادب به محضرشان با خشوع کرد

ذکر شهادتین ملیکه به روی لب

یعنی که او به اصل وجودش رجوع کرد

آرام شد به دیدن محبوب ، قلب او

خورشید در برابر چشمش طلوع کرد

خود را اسیر کرد که آزادگی کند
با یار دلربای خودش زندگی کند
آماده بود تا که شود همسر حسن
همراه و همنفس و یاور حسن
رنج سفر کشیده، رسیده، به سامرا
با شوق و عشق آمده در محضر حسن
مثل صدف به دامن دریا رسیده تا
پیدا شود به دامن او گوهر حسن
آری اراده کرده خداوند فاطمه
ظاهر کند برای همه حیدر حسن
در مکتب حکیمه رسیده به معرفت
اسلام را شناخته با این مصاحبت

ص: 310

نرگس ملیکه ای به زمستان این جهان
نوریه ای که نور خدا را دهد نشان
نرگس حکیمه ای که امامان ستوده اند
در وصف شأن او همه هستیم ناتوان
نرگس عقیقه ای که خدا برگزیده تا
خورشید روی مهدی زهرا شود عیان
هر کس شود به او متوسل بدون شک
پاسخ دهد به او پسرش صاحب الزمان
(راضی) بیا زیارت مهدی از او بخواه
با واسطه به یوسف زهرا بپر پناه

ای واسطه سرّ الهی نرجس
بر هادی دین انیس راهی نرجس
زهرا که تو را برای خود خوانده عروس
بر پاکی تو داده گواهی نرجس

دختر مریم و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) / اطهره رضائی

سروده: شاعره ولایی

خانم اطهره رضائی

از آران و بیدگل

دختر مریم و عروس حضرت زهرا (علیها السلام)

دختر شاهزاده ای از روم

یا کنیزی عرب زبان باشد

این که فرقی ندارد آن بانو

مال هر جای این جهان باشد

نسبش می رسد به چشمه و ماه

او که تقدیر روشنی دارد

سادگی در مرام او هر چند

قصر سبز و مزینی دارد

هم ملوکانه هم ملیکانه

هم در آئینه ها تماشایی

دشت نرگس شکفته در چشمش

مادرش زاده ای مسیحایی

باغ انگور عسکری گل کرد

یک شبی در حلول رؤیایش

ص: 311

خواب خورشید سامرا را دید
بعد از آن شد قشنگ ، دنیایش
شرح این عاشقانه طولانی است
باید آورد قول محکم را
با خلوص و صفا رعایت کرد
شان دوشیزه ای مکرّم را
اصلاً این داستان بگو جعلی است
اصل این ماجرا نجابت اوست
قدر او کم نمی شود هرگز
او که آیینگی اصالت اوست
دختر مریم است و بعد از آن
نوعروس عزیز زهرا شد
تا به او مژده پسر دادند
در دلش آسمان شکوفا شد
مادری از تمام خوبان سر
از تمام بهشتیان بهتر
این جهان تا کنون ندیده به خود
پسری بهتر و چنین مادر
آن که احیاکننده عشق است
نبض تند و تپنده عشق است
لا اله به جز اله العشق
هر که با اوست بنده عشق است
بعد از او نور در جهان جاری است

عشق یک انتخاب اجباری است

او که اعجاز سبز لبخندش

فصل پایان هر گرفتاری است

در روایات آمده یک روز

بی گمان آن سوار می آید

سر هر کوچه سرو می کارد

در زمستان بهار می آید

مادرانه بخوان به نام پسر

آیه های زلال کوثر را

اوشکوهی دوباره خواهد داد

دین عین یقین مادر را

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ

سروده: شاعر جوان و دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علی رضوانی

از قم

قلب حضرت صدیقه میهن او

اسیر لکننت محضیم از ستودن او

قلم به حال سجود است در سرودن او

حجابِ نور، نگهبان معجز نور است

و چشم‌ها همه کورند وقت دیدن او

رُم است خانه اجداد طاهریش؟؟ نه

که قلب حضرت صدیقه است میهن او

دخیل بسته به حبل المتین که از آغاز

علیست نقش نگین مدالِ گردن او

در آن مقام که او سید کنیزان است

به روی خاک مذلت نشسته دشمن او

به عرشیان برسانید ای ملائک نور

که مهدِ مهدی زهراست عرشِ دامن او

سلام بانوی عصمت به عصمت سوگند

به اشک شوق تو در لحظه چکیدن او

«ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد»

عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام) / عباس جواهری (رفیع)

سروده: شاعر خوش ذوق آل عصمت (علیهم السلام)

آقای عباس جواهری (رفیع)

از قم

عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام)

خدا در اوج شادی، گاه غم بخشید انسان را

در آغوش بهار انداخت سرمای زمستان را

یقین در تار و پود پيله ها پروانه خواهد شد

تحمل میکند هر کس مصیبت‌های زندان را

به حکم البلاءِ لِلْوَلایِ عشق، تن داده

اگر شهزاده ای بر تن کند رخت کنیزان را

تورا در خواب، زهرا خواستگاری کرده از مریم

که حق پیوند داده است از ازل انجیل و قرآن را

عروس خاندانِ عصمتی آنگونه که خالق

گزیده از میان سوره های خویش رحمان را

توراضیه، تو مرضیه، تو نرگس هستی و بی شک

گرفتی از خود زهرا کرامات فراوان را

سه شنبه عطر تو در جمکران می پیچد و جمعه

تحمل میکنی مانند ما اندوه هجران را

شبی از راه می آید سوار سبزپوش تو

کویر تشنه میفهمد از آن پس طعم باران را

شبیہ حضرت زهرا (علیها السلام) / احمد رفیعی وردنجانی

سرودہ : شاعر اہل البیت (علیہم السلام)

آقای احمد رفیعی وردنجانی

از شہرکرد

شبیہ حضرت زهرا (علیها السلام)

اگر چه دختری از قصر قیصری بانو

برای دین خداوند یاوری بانو

شبیہ حضرت زهرا، ولی شناس شدی

که در مسیر خدا، یارِ حیدری بانو

کجا اریکہ قیصر چنین توانی داشت

ز عشق یافته ای این توانگری بانو

به دست خالق بخشنده برگزیده شدی

که نور را تو به دنیا بیاوری بانو

تویی که همسر نوری و بعد مادر نور

شده ست سهم تو ہم نورگستری بانو

بہشت لطف خدا آنِ توست وقتی کہ

عروس حضرت زهرا ی اطہری بانو

دروڈ حضرت نرجس، درود أم امام

ز ما بہ ساحت پاک و مقدس تو سلام

تو آمدی پسر ت منجی جهان باشد

تو آمدی پسر ت صاحب الزمان باشد

تو آمدی کہ نماوند غریب مظلومی

تو آمدی پسر ت یار بی کسان باشد

تو آمدی که پس از هر سلام بر مهدی
همیشه نام تو هم ورد هر زبان باشد
تو آمدی که امانت به دست تو بدهند
تو آمدی پسر ت بر جهان ، امان باشد
اگر چه هست به غیبت ولی به واسطه اش
برای خلق عنایات حق ، عیان باشد
تو آمدی که حضور و ظهور فرزندت
برای پیکر رنجورِ دهر ، جان باشد
درود مادرِ والا مقامِ ماهِ تمام
ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام
دوباره بر سر سجاده ، در دعا مادر
بخواه آمدنش را تو از خدا مادر
بخواه آمدنش را که سخت دلتنگیم
از این زمانه لبریز از ریا مادر
دعا بکن که دعای تو مستجاب شود
دعا بکن تو برای دعای ما مادر
دعا بکن ، به دعای تو منتقم برسد
برای خون شهیدان کربلا ، مادر
دعا بکن که همه کائنات منتظرند
شکوه آمدن مهدی تو را مادر
دعا بکن که مگر زودتر بیاید او
جهان رها شود از جور اشقیای مادر

دعا بکن که بگیرد جهان مان آرام
ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام
تو آمدی که شود زاده تو نور نجات
تو آمدی پسرت روشنی دهد به حیات
به صبح آمدنش زندگی شود آغاز
خدا به لطف حضورش دهد به خلق ، برات
به صبح آمدنش ، وقت انتقام شود
شود به هر قدمش وعده های حق اثبات
تو آمدی که ز عطر تبسم پسرت
رسد برای زمین و زمان ما برکات
به ما همیشه نظر می کند ، امام زمان
ولی چقدر غریب است بین ما ، هیئات
تو مادرانه دعا کن برای ما ، مادر
دعا بکن که نظر می کند خدا به دعوات
شود دعای تو منجر به صبح سبز قیام
ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش)

سروده: شاعر مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

آقای حسین برادران (روشن)

از اصفهان

نوعروس حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت نرجس امید شیعیان

آن گرامی مادر صاحب زمان

چون امام عسکری آن مقتدا

همسر او گشت از امر خدا

گر چه او از ائمت عیسی بود

نوعروس حضرت زهرا بود

چون حکیمه شد بر او آموزگار

یافت مجد و اعتبار و افتخار

با کفایت مادری عظمی است او

مادر منجی این دنیا است او

چونکه باشد مادر صاحب زمان

فخر این دنیا بود در هر زمان

او که بر نسوان دوران سرور است

مادر نوباوه ای از حیدر است

مایه فخر امام عسکری است

هم امید فاطمه هم حیدری است

چون قبول حق دعای مادر است

وین بیان از جانب پیغمبر است

حضرت نرجس! دعا بنما ز جان

بر ظهور حضرت صاحب زمان

تا بیاید منجی خلق جهان

تا شود دنیا سراسر گلستان

با ظهورش این جهان گیرد صفا

عدل او باشد چو عدل مرتضی

روز « روشن » شد قرین شام تار

از غم هجر رخ آن شهریار

ص: 318

تمام عزت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان)

سروده: شاعر و مداح دلسوخته اهل البيت (عليهم السلام)

آقای علی پاکدامن (روضه خوان)

از مشهد مقدس

تمام عزت نرجس

سلام الله علی نرجس کنیز حضرت یکتا

سلام الله علی نرجس شبیه مریم عذرا

سلام الله علی نرجس عزیز عترت طاها

سلام الله علی نرجس عروس حضرت زهرا

که امشب در بغل دارد سلام خالق مٔان

سلام الله علی نرجس بر او که فخر عیسا شد

بر او که مریم عذرا به پیش پای او پا شد

به مدحش بس نصیب او تمام هست زهرا شد

پس از نامش دگر واجب سلام الله علیها شد

که او شد مادر مهدی یگانه منجی دوران

سلام الله علی نرجس فلک قربان این بانو

حیا مبهوت این بانو شرف حیران این بانو

به حیرت مؤمنون آری شد از ایمان این بانو

پسندیده خدا تنها که در دامان این بانو

گشاید چشم خود مهدی چه زهرا بیست این دامان

سلام الله علی نرجس بنام حضرت نرجس

به نام پاکی و شرم و وقار و عصمت نرجس

نصیبم تا کند رحمان نگاه رحمت نرجس
بخوانم مدح مهدیش تمام عزّت نرجس
به جمع عاشقان او به شوق نیمه شعبان
بخوانم مدح آن نوری که نورلا مکان باشد
بگویم فیض خورشیدی که از دیده نهان باشد
نهان از دیده ها اما به هر جایی عیان باشد
دم از یاری زخم امشب که یار بی کسان باشد
بلرزانم تن نحس عدوی عترت و قرآن
به لرزه پیکر اهل سقیفه زین بیان آید
چنان ملعونه میسوزند اسمش بر زبان آید
کسی که می زند آتش تن آن غاصبان آید
یگانه وارث تیغ امیر مؤمنان آید
دو چشم مرتضی روشن لب زهرا شده خندان
کلام و وعده صدق خدای ذوالمنن آمد
تمام چهارده معصوم وجود پنج تن آمد
نبی و فاطمه حیدر حسین آمد حسن آمد
بگوبت های عالم را که از ره بت شکن آمد
خلیل الله می آید تبر بر دوش ای انسان
که باشد او که می پاشد قدومش کاخ استبداد
زیک لبخند او گردد بهاران عالم ایجاد
به کعبه می دهد تکیه به کعبه می زند فریاد
که حق تنها علی باشد همه عالم علی آباد

شود روز ظهور او ظهورش آرزویمان
چه روزی میشود روزی که سوزد قاتل زهرا
کسیکه آتش از کین زد تمام حاصل زهرا
شود راضی ، شود خشنود آن لحظه دل زهرا
دعا کن منتقم آید بگوا ای سائل زهرا
هزاران لعن بر آن دو ، به هر کس پیرو آنان
کسی که بی تبری شد تولی هم ندارد او
نه حقی و ، نه انصافی که عدلی هم ندارد او
خسی خشکیده باشد او ، و فضلی هم ندارد او
به نزد حضرت مهدی ، محلی هم ندارد او
به روز حشر جای او یقیناً می شود میزان
سلام الله علی مهدی ، سلام الله علی مصلح
سلام الله علی المنجی ، علی مولا ابصالح
سلام الله علی جده ، سلام الله علی آله
بر او که می شود ظالم به سُم مرکب او له
بر آن مقصود دوران ها بر آن موعود جاویدان
ندارد عالمی بالله چنین آقا که من دارم
به لب هر روز و شب هر جا ، به شوقش این سخن دارم
،،، مراعه‌دست با جانان ، که تا جان در بدن دارم
هواداران کویش را چو جان خویشتم دارم،،
به پای هر که قربانتش ، شده جان و تنم قربان

سلام الله على غایب ، به رخسار نهان او
ز کی گیرم سراغ او ، کجا جویم نشان او
به خون بنشسته چشمان تمام عاشقان او
خدا دیگر بیاید او ، بیاید او ، به جان او
نفس آمد به لبهامان ، نمانده بر تن ما ، جان
نه سوزی بر جگر مانده ، نه حالی در دعا مانده
نمانده هیچ اخلاصی ، فقط کبر و ریا مانده
زهجرانش فقط کوهی ، ز درد بی دوا مانده
همه گشتیم سرخورده ، همه گشتیم وامانده
فقط لفظ بیا مانده ، ز ندبه های بی پایان
بیا آقای خوب من ، بیا ای جان به قربانت
بیا و یک نگاهی کن ، بر این عشاق گریانت
به راهت منتظر زهرا ، نشسته دل پریشان
به حق عمه ات زینب ، به حق جد عطشانت
بیا و انتقامش را بگیر از لشکر دونان
هنوز از پشت در آید ، صدای ناله مادر
فتاده بر زمین سقا پر از خون اکبر و اصغر
هنوز عمه زند بر سر ، کنار پیکر بی سر
هنوز از گوشه ویران ، رسد آوای یک دختر
به حق مادرت نرجس ، بیا آقای (روضه خوان)

معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی

سروده: شاعر دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

آقای ابراهیم زمانی

از قم

معمای قصر قیصر

اسیر خار ولی مثل گل معطر بود

گلی که تشنه ی پیوند با صنوبر بود

حکیمه ای که به فردا شدن می اندیشید

ملیکه ای که معمای قصر قیصر بود

کنیز نه ... بنویسید ماه بانویی

اسیر جاذبه ی آفتاب دیگر بود

به شب نشینی خورشید سامرا می رفت

به سوی آنچه که در طالع اش مقدر بود

بهشت فرش قدم های ساده اش می شد

بهشت با خبر از احترام مادر بود

و ناگهان خبری سبز مثل گل روید

گلی که ناب ترین یادگار کوثر بود

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند

در آن سیاهی شب آسمان منور بود

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

انیس و مونس شب های تار نرجس شد

به نام دلبر خوش قد و قامت نرجس

ردیف شد غزلی با قیامت نرجس

که سر به زیر ولی سربلند می آید
اسارت است شروع اصالت نرجس
چقدر رفته به زهرا شباهت زینب
چقدر رفته به زینب شهامت نرجس
عزیز حضرت مولاست مهدی موعود
کنیز حضرت زهراست حضرت نرجس
حسن شبیه حسن بوده است اما نه
جفای جعده کجا و نجابت نرجس؟
به جای اشک دو رکعت نماز باران خواند
جوانه زد گل نرگس به حرمت نرجس
بهار منتظران بی خبر رسید از راه
شبیه معجزه ای با کرامت نرجس
ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
انیس و مونس شب های تار نرجس شد
پیاده آمده تا تک سوار ما باشد
قرار شد گل نرگس قرار ما باشد
امام صلح غزل پوش می رسد از راه
که مهربانی او ذوالفقار ما باشد
سپاه گیسوی او تا رها شود در باد
مسیح شانه به شانه کنار ما باشد
به قلب آینه ای کاش آه نشیند
مباد زخمی گرد و غبار ما باشد

عجم قبیله نام آشنای عشق علیست
طلای حضرت سلمان عیار ما باشد
خدا کند که شکوفایی گل نرگس
طلوع تازه ای از روزگار ما باشد
خدا کند که بمیریم انتظارش را
و این نوشته سنگ مزار ما باشد:
ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
انیس و مونس شب های تار نرجس شد

داستان زیبای زندگی حضرت نرجس (علیها السلام) / زهرا محمدی (زمزم)

سروده: شاعره ولائی مکتب امامت

خانم زهرا محمدی (زمزم)

از اصفهان

داستان زیبای زندگی حضرت نرجس (علیها السلام)

ملیکا همان نرجس نامور

از اقوام شمعون نیکو سیر

چو شمعون مسیحائی پاک بود

خداجوی و دارای ادراک بود

ز مادر نسب داشت آن نیک زاد

به شمعون حق جوی نیکو نهاد

نکو دختر پادشاهی زرم

یشوعاش نام و پدر نیست گم

ملیکا مکان داشت در کاخ شاه

ولی بود حق باور و بی گناه

گذشته ز عمرش چو چندین بهار

شده ابن عمش بر او خواستار

به همراه آورده سیصد کشیش

دگر افسران و دگر قوم و خویش

بسی نامداران با فرّ و جاه

بسی شهریاران زرّین کلاه

ص: 325

نشستند و مجلس بیاراستند
ملیکای فرزانه را خواستند
به تختی ز جنس عقیق یمن
که آغشته بود از شمیم ختن
برویش چو داماد شه جا گرفت
در آن بزم ناقوس غوغا گرفت
ز غوغای ناقوس و آواز خوان
شدند اهل مجلس همه شادمان
که ناگاه لرزان شد آن قصر شاه
به هم ریخت آن تخت و آن بارگاه
فتادند داماد و شه روی خاک
کف کاخ گردید همچون مفاک
کشیشی نکو فکرت و پارسا
به شه گفت ما را مرخص نما
که این لرزش قصر امر خداست
نشانی ز خشم همان کبریاست
به فرمان شه گشت مجلس تمام
شدند از پی کار خود خاص و عام
دگر بار روزی به فرمان شاه
شد آماده آن مجلس و بارگاه
که شهزاده دیگری خواستار
شود از همان دختر شهریار
پسر عمّ دیگر چو احضار شد

همان جشن بر پا و تکرار شد
جوان را نشانند بر روی تخت
که او را نمایند بیدار بخت
در اطراف او خیل روحانیان
همه با صلیب و لباس گران
مراسم دگر بار آغاز شد
دلیل همان جشن ابراز شد
در افتاد در قصر لرز دگر
فتادند روی زمین سر بسر
دگر بار شه چونکه آن حال دید
از اقبال فرزند شد ناامید
در آن کاخ سر تا پیا تخت و تاج
میسر نشد بهرشان ازدواج
نشد آخر آن جشن برکامشان
به تلخی گرایید انجامشان
ملیکا به طینت بسی پاک بود
نکو خوی و دارای ادراک بود
چو پیش آمد از بهرش این حادثات
زدرگاه حق خواست راه نجات

به خواب آمدش جدّ و یاران او
که بودند همراه عیسی نکو
نهادند منبر در آن جایگاه
که بود از برای شهان پایگاه
دو با ده نفر مرد صاحب کمال
به همراه شمعون نیکو خصال
یکی زان همه خاتم مرسلین
دگر یازده تن امامان دین
حسن هم روان بود همراهشان
جوانی برومند و نیکو بیان
که ناگاه احمد به عزّ و وقار
بفرمود کی عیسی نامدار
کنم خواستاری ملکای را
ز شمعون بری حسن از شما
مسیحا به شمعون حق جوی گفت
که شد با سعادت نصیب تو جفت
نما خواهش آل احمد قبول
که گردد مرادت به نیکی وصول
پس آنگه محمّد به منبر نشست
میان ملوک و حسن عقد بست
ملیکا به عقد حسن شد بخواب
که راه خدا بود و راه صواب
نهان داشت آن خواب از پادشاه

که افشاء نسازد به کس هیچگاه
شب دیگری باز در خواب دید
که آمد کجاوه ز عرش مجید
خواتین ز هودج برون آمدند
برایش در آن قصر مهمان شدند
به همراهی مریم و فاطمه
رسیده ، نشستند نزدش همه
که ناگه ملیکا چو ابر بهار
فشانند اشک از دیده بی اختیار
بیان کرد بر فاطمه آن زمن
که من شکوه دارم بسی از حسن
نیامد به نزد من آن نیکخو
که با من کند لحظه ای گفتگو
به نرجس بیان کرد خیر النساء
که او از تو می خواهد ای پارسا
پذیرای اسلام و قرآن شوی
به کردار اکنون مسلمان شوی
چو او این سخن را ز زهراشنفت
پذیرفت اسلام و تکبیر گفت

بگفتا شهادت دهم بر اله

بر احمد که باشد به حالم گواه

ملیکا چو پهلوی زهرا نشست

در آن شب به دلخواه خود یافت دست

به او گفت زهرا دهم مژده ای

که دیگر ز هجر حسن و رهی

پس آنگاه شبها بخواب گران

حسن بود در نزد او میهمان

دگر درد و رنجش ز تن دور شد

از او رفع غم گشت و مسرور شد

چنین است کامل از او شرح حال

بیفکن قلم را و طی کن مقال

بپا گشت جنگی در آن مرز و بوم

میان مسلمان و سلطان روم

ملیکا در آن جنگ از رومیان

بیفتاد در چنگ اسلامیان

به بازار بغداد بهر فروش

ببردندش آن مردم سخت کوش

فرستاد هادی کسی را که ، رو

شناسای آن دختر پاک شو

رسان نامه ام را به آن نیک زاد

که دلشاد گردد رسد بر مراد

چو آن نامه بر دست نرجس رسید

دلش گشت سرشار عشق و امید
روان گشت با پیک بر سامرا
همانجا که میداشت هادی سرا
به او گفت هادی که خوش آمدی
تو ای مادر قائم سرمدی
بخواند آن زمان خواهر خویش را
به او گفت اکنون حکیمه ، بیا
به همراه خود نرجستم را ببر
ز قرآن و دینش نما با خبر
به نرجس چنین داد هادی نوید
که تو مادری می شوی رو سفید
حسن آمد و خطبه ای خوانده شد
گلی بر سر هر دو افشانده شد
میسر شد آن ازدواج ، آن زمان
که شد حاصل آن امام زمان
کنون (زمزم) این شرح زیبا سرود
که بر مهدی و مادر او درود

مادر خورشید / ابوالفضل سبزی

سروده: شاعر و نویسنده محقق

آقای شیخ ابوالفضل سبزی

از قم

مادر خورشید

سایه در سایه شب، جلوه گر خورشیدی

چون گهر در دل تاریک سحر تابیدی

چهره در چهره ی خورشید تبسم کردی

گل خورشید بغل کرده و خود ناهیدی

دختر قیصر روم از نسب شمعونی

همچو باران به دل بحر بقا باریدی

دُر پنهان که به جان عطر سلیمان داری

سال ها در صدف پاک زمان خوابیدی

ناگهان همچو گل اندر بغل شاهد عشق

از مسیحا بدمیدی و جهان کاویدی

تا گلستان محمد بر تو پیدا شد

لاله بودی و چو نرگس به رخس خندیدی

دختر شاه بُدی کز ادب در بر ماه

چهره بر خاک قدوم پسرش ساییدی

هرچه دُر بود فرو ریختی و در شب نور

تا ابد بر رخ ماه حسنش بالیدی

جان خود را چو گلی پرپر عشقش کردی

هر ورق را به دو صد شور سرش پاشیدی

جمع در یک نفر آمد همه خوبی ها
و آن نفر را تو شدی مادر و خوش زاییدی
(سبزی) از مهر شما نوکر مهدی ات شد
که به ما مادری و در دل ما جاویدی

همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس (علیها السلام) / سید علی موسوی (سُعا)

سروده: شاعر، نویسنده،

پژوهشگر ادبیات دینی

آقای سید علی موسوی (سُعا)

همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس (علیها السلام)

به خورشید پیوسته تا در مسیر سفر

کند روح باران به دریای ایمان گذر

صدف وار در مبدأ غیبی اش مُنتظر

به مقصد رساند مگر، گوهر حق اثر

معمای پیدایش جلوه سوز از سرشت!

که در سرنوشت از چه لوحی شده جلوه گر؟

قرار است این دختر پاک دامان، نجیب

به دنیای دانی کند هدیه، عالی پسر

که شاید به قحط امیران دارا شکوه

نشیند به دادآوری حضرت دادگر!

گذر کرده از قلب تاریخ، تا طی کند

مسیر پیام آوران را به رنج سفر

مواریث پیغمبران در دل مهر اوست

بهاری موجّه حضور از ظهورِ ثمر

به عفت همانند یاس نبی (ص)، بی نظیر

به عصمت چو نرگس، مهین، مهربان، خوش نظر

بلندآستانه به هر دو جهان، از شرف:

ملائک جبین سایِ درگه، ثناگو بشر!

به فرزند نرجس (س)، تعادل گرفته زمین!

زمان و مکان منشیِ دولتش، سر به سر

ز یمن وجودش، تشییع ضمیر بقاست

به آیین سرمد بود دولتش مستمر

کیان شریعت به گیتی فقط مهدی (عج) است

شده در بسیط زمین و زمان، مستقر

به تعجیل باران بخوان، با «سُعا» ندبه را

حدیث مفصل نگنجد در این مختصر!

مگر حضرت حق دهد، اذن تشریف عشق

سحرگه دمد پرتو مهدی مُنتظر (عج)

الصورة

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ
۱۴۴۱

عروس حضرت فاطمه (علیها السلام) / فریدون آقا لُر (سفیر)

سروده: شاعر ولائی

آقای حاج فریدون آقا لُر (سفیر)

از اصفهان

عروس حضرت فاطمه (علیها السلام)

ملیکه دختر قیصر چگونه مَحْوِ مولا شد

رهینِ مهرِ محبوب و اسیر آن دلارا شد

شبی سیمای دلجویِ حَسَن را دید در رؤیا

در آن رؤیا اسیر مهر آن فرزند زهرا شد

چنان دلدادۀ و دلبستهٔ آن با وفا گردید

که مهر مقتدایش ثبت در خال سویدا شد

چو بود او پیرو آئینِ عیسیای مسیح اللّٰه

به دستِ فاطمه دینِ محمد را پذیرا شد

به همراه اسیران در عراق آمد پی دلدار

خریدارش به بازار آمد و گم گشته پیدا شد

مُزین شد به نرجس نام آن بانویِ زیننده

عروسِ حضرتِ زهرا شد و محبوبِ مولا شد

ازین پس با امامِ عسگری شد همدم و همسر

مبارک گو بر این وصلت به پیغمبر مسیحا شد

به نرجس دختر قیصر ، حکیمه خیرِ مقدم گفت

ازین پیوند زیننده رضا حیّ توانا شد

ازین پیوند میمون و بر این سودای فرخنده

تبارک گو به نرجس ، مریم آن بانویِ عظما شد

انیس و مونس و غمخوار و همراز حسن گردید
عجین با حُسن خلق و خوی آن مولا و آقا شد
امام عسکری در حق آن بانو دعا فرمود
گلِ نرگس سحر از دامن نرجس شکوفا شد
ز بطن پاک نرجس شد نمایان جلوۀ یاسین
ز فیض نوگلِ طاها زمینِ مرده احیا شد
به یمنِ مقدمش باغِ امامت سبز و خرم شد
جهانِ شیعه غرقِ نور، زین مولودِ زیبا شد
ز نورِ چهرهٔ زیبای مهدی منجی عالم
به مسجدها و محفل‌ها نمازِ شکر بر پا شد
به امرِ خالق سرمد شدی در پردهٔ غیبت
به زودی با ظهور او جهان خواهد مصفا شد
وصالِ یوسف زهرای مرضیه، گلِ نرجس
ز لطف حق «سفیرا» بهر ما خواهد مهیا شد

مریمی دیگر / زهرا سلیمی.

سروده: شاعرهٔ ولایتی مکتب امامت (علیهم السلام)

خانم زهرا سلیمی

از قم

مریمی دیگر

آن شاهزاده توی قصرش آرزو می کرد

مرد بزرگی را که دنیا جستجو می کرد

در لابلای خنده های تلخ درباری
با لهجه ای از درد با او گفتگو می کرد
خورشید عادت داشت دایم عطر نر گس را
از غنچه لبخند او هر روز بو می کرد
یک شب تمام باغ های سیب رویدند
خالق برایش از ازل اسرار رو می کرد
او مریمی دیگر برای اهل عالم بود
روحي مسیحاتر عروج از بطن او می کرد
مردی که می آمد اگر امروز یا فردا
چشمان ما را با حقیقت روپرو می کرد

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی)

سروده: شاعره ولائی

خانم تبسم رضا زاده (شدتی)

از ارومیه

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست
هم صاحب قدر و کرم، هم مادر مهدی است
این ماه بانو مهر روز محشر مهدی است
منظومه ی اسرار صبح روشن اندیشان
خورشید دنیای حسن ، تاج سر مهدی است
این نور منفک گشته از شبخانه قیصر
پروانه شمع ولایت مظهر مهدی است
دنیای پاکی مهد عصمت خواستگاه نور

روشن ترین حجت دلیل روشن ایمان
تنها نه مادر روح حق در باور مهدی است
نرگس شدن را خوب می داند اسیری که
مست از شراب عسگری در ساغر مهدی است
هرگز عروس حضرت زهرا نخواهد شد
جز آنکه جانش مست درک محضر مهدی است
مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست
وقتی به روی سینه مادر سر مهدی است
شعرم به پایان آمد و شب انتظاریهام
امیدوار روشنای اختر مهدی است

از قصر قیصر تا بیت کوثر / محمدجواد غفور زاده (شفق)

سروده: شاعر ادیب و نامدار

استاد محمد جواد غفور زاده (شفق)

از مشهد مقدس

از قصر قیصر تا بیت کوثر(1)

بشنو از راویان روایت نور

که به وجد آیی از ترنم و شور

روزی از روزها امام تقی

گفت با خادم سرا « مسرور »:

که برو « بَشْرِ بْنِ سَلیمان » را

به سرا پرده ام بخوان به حضور

این بشارت به بَشْرِ بَرده فروش

چون که ابلاغ شد ، به شوق و به شور

ص: 335

1- . بخشی از ترجیع بند مفصل

به سر آمد ، به پای بوسِ امام
هادی دین و معنی « والَطَّور »
چشم در چشم و لب پر از لبیک
تا چه فرماید آن سالله نور
گفت مولا: بدان به خاطر من
کرده اندیشه ای خطیر ، خطور
بنشین در برم که ره یابی
به امید خدا بدان منظور
پس از آن، آن یگانه آیتِ نصر
که به کف داشت رایتِ منصور
نامه ای با خط فرنگ نوشت
ساخت آن را به مُهر خود ممهور
گفت : ای پیک! این تو این پیغام
گفت : ای دوست! این تو ، این دستور
« بدره ای زر » به او سپرد امام
گفت این زر ، ضمیمه منشور
راه بغداد پیش گیر و برو
با توگل به ذات حیّ غفور
منتظر باش ، بر لبِ ساحل
تا رسد کشتی مراد از دور
کشتی حامل اسیران است
از ایالات دور و خطّه تور
همه را عرضه می کنند و تو هم

در همه حال باش سنگ صبور
تا کنیزی بدین صفات و کمال
کند از آن میان چو ماه ظهور
در حجابِ عفاف و عصمت و قدس
باشد آن گلبن ادب مستور
چون از این نامه مهر برگردد
دیده اش روشنی بیابد و نور
به خریداری اش قدم بگذار
بگذرم... « اِنَّ سَعِيْكُمْ مَشْكُوْر »
او عروس من است ، فرزندم
« عسکری » می پذیردش به حضور
آرزویم طلوع خورشیدی ست
روشنی بخش تر ز جلوه طور
نه همین دارم انتظارش من
که جهان دارد انتظارِ ظهور...
وصف « ماء معین » کنم تا کی؟
« وَ مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٌّ »

پرده تا از رخ پگاه افتاد
در فضا برق یک نگاه افتاد
بود این برق شادی ، از دل « بَشْر »
که نگاهش به دخت شاه افتاد
سجده شکر حق به جای آورد
از غم آسود و در رفاه افتاد
سوی « سامره » هم سفر با او
دخت قیصر « ملیکه » راه افتاد
گفت ای بَشْر! در ولایت روم
به هوای گلی ، گیاه افتاد
بزم عقد من و پسر عمّم
پا گرفت و طرب به راه افتاد
خطبه عقد را نخوانده عجیب
اتفاقی به بزم شاه افتاد
تخت در هم شکست و غوغا شد
لرزه بر کاخ و بارگاه افتاد
دستِ افسوس زد به هم داماد
گویی از آسمان به چاه افتاد
بزم عیش از قضا ، عزا گردید
اُسُقُف از روی جایگاه افتاد...
یا قیامت به پای شد ، یا نه
« پاپ اعظم » به اشتباه افتاد
پس از آن حادثات، بر سر من

سایه رحمتِ اله افتاد

دل و جان در هوای حضرت دوست

سر و کارم به اشک و آه افتاد

تا شبی ، در عوالم رؤیا

چشم مشتاقِ من، به ماه افتاد

دل من سر نهاد بر قدمش

اشک شوقم به خاک راه افتاد

شعله اشتیاق و آتش مهر

در نهادم به یک نگاه افتاد

در شگفتم! کنون که بر سرِ من

سایه آن جهان پناه افتاد

وصف « ماء معین » کنم تا کی؟

« وَ مِنْ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٌّ »

« نرگس » آن عشق مانده در جانم

در دل و دیده گل افشانش

گل سرخ محمدی ، « مهدی »

تا شکوفا شود به دامانش

ص: 337

آورد گلبنی همیشه بهار
چشم بد دور از گلستانش
ماه شعبان ، دو نیمه شد وانگاه
عظمت یافت رتبه و شاننش ...
زادروز « بقية الله » است
آفرین خدای بر جاننش
دفتر مدح اوست « جاء الحق »
« زَهَقَ الباطل » است عنوانش
سوره « هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ »
صورتی از کمال و احسانش ...
میهمان شد به جلوه گاه شهود
دست غیبِ خدا نگهبانش
خواند او را « خلیفة الرَّحمان »
کردگار رحیم و رحمانش
بشریت نداشت تاب ظهور
پرده غیب کرد پنهانش
سیصد و سیزده خدا جویند
جمع یاران و جان نثارانش
طالع سعد بین ! که در همه حال
حافظِ جان اوست جانانش
به امیدی که صبح وصل رسد ،
دست کوتاه ما به دامانش
جانم ارزانی نگاهش باد

پدر و مادرم به قربانش

طوطی طبع من اگر چه شده ست

در پس آینه غزل خوانش

وصف « ماء معین » کنم تا کی؟

« وَ مِنْ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ »

الصورة

□

ص: 338

سروده: شاعر پرکوشش اهل البیت (علیهم السلام)

استاد مصطفی هادوی (شهر)

از اصفهان

ملیکه ولایت

ای نور پر فروع جمال محمدی

ای مادر امام، بگلزار احمدی

خورشید آسمان ولایت بنام توست

چون مادر امام زمانی و سرمدی

در باغ معرفت گل گلزار حیدری

از دودمان رومی و از نسل قیصری

در شأن و در مقام و جلال تو این بس است

در عصر خویش از همه بانوان سری

نور ولایت ازلی در وجود توست

بود و نمود وصل ولایت به بود توست

توریشه ای به نخل ولایت از این جهت

زیرا دوام خط ولایت وجود توست

توپاک ترز پاک و، پاکیزه مادری

تو ماه آسمانی و از آن فراتری

در بوستان پر گل و ریحان، تو نرجسی

ممدوح خلق عالم و محبوب داوری

شکوه آفرینش / صدیقهٔ ازه ای (شیدای اصفهانی)

سروده: شاعرهٔ اهل البیت (علیهم السلام)

خانم صدیقهٔ ازه ای

(شیدای اصفهانی)

شکوه نام زیباییت چه والاست

حیات بی مثال روح افزاست

جمال و حسن خلقت در تو کامل

شکوه آفرینش در تو پیداست

جهان آمادهٔ فصل ظهور است

ظهور او شفای درد و غمهاست

تو ای بانوی باران رحمت و نور

جهان از بهر فرزند تو برجاست

رباعی

خوشبخت ترین بانوی عالم نرجس

محبوب عزیز جان خاتم نرجس

سرچشمه خیر بر تمام هستی

خورشید حیات بخش آدم نرجس

عجب جاه و جلالی داری نرجس

شکوه بی مثالی داری نرجس

عروس خاندان اهل بیتی

جمال بی مثالی داری نرجس

السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ

شادمانی حضرت نرجس (علیها السلام) / زهرا صالحی

سروده : شاعره با ولایت

خانم زهرا صالحی

از اصفهان

شادمانی حضرت نرجس (علیها السلام)

وقتی که در ذهنش گل زهرا تجسم می شود

نرگس به همراه جهان غرق تبسم می شود

مادر شده حتی خدا تبریک می گوید به او

دریای قلبش شادمان پر از تلاطم می شود

فرزند او دارد نشان از یازده نور خدا

می تابد آن خورشید و نور چشم مردم می شود

خوشبوترین گلها، چنین دارند اذعان می کنند

با عطر مهدی عالمی غرق ترنم می شود

تنها به دنبالش دل آدم کجاها می رود

مشهد، نجف، کربلا، و زائر قم می شود

یکروز می آید، و بعد رنج های بی شمار

غم در میان ازدحام خنده ها گم می شود

آسیه، مریم، خدیجه، نور چشم کوثری

مثل این گلها تو از گلهای عالم برتری

دستهای بسته ات حتی گواهی می دهند

در اسارت رو به رویت باز می گردد دری

عاشقانه می روی تا که بیبوندی به نور

یار با یک گل جهانی را گلستان می کند
نرگس ، این گل را تو در دامان خود می پروری
فاطمه در دو جهان با عشق می بالد به تو
روح و جانش ، نور چشمش ، مهدیش را مادری
قلب هر ذره در عالم هم به شادی می تپد
مادرانه نام او را تا به لب می آوری
توی تاریکی فرورفته زمین و ناگهان
کعبه و خورشید و دنیا و طلوع دیگری

عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور

سروده : شاعره نکته سنج و ولایتی

خانم اعظم صباغ خور

از مشهد

عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام)

به گوشت خوانده مشتاقانه اسرار طهارت را

به رویت می گشاید این چنین باب هدایت را

چه کردی با گلستان دلت ای نازنین بانو؟

که پرورد آخرین گلدسته باغ امامت را

از آن روزی که پیمان بستی و بر عهد خود ماندی

بجا آورده با لطفش خدا حق رفاقت را

تو در رؤیای خود دلپسته ماهی دل آرابی

کجا یک خواب آورده چنین وجد و بشارت را؟!

چه گفتی در دعای نیمه شب هایت که اینگونه

خدا تابانده بر قلب تو خورشید اجابت را؟

چه فرقی داشتی با دیگران ای دختر رومی؟!
ربودی از تمام دختران گوی سعادت را
نه کاخ قیصر روم است در شأن و مقام
تو نه دارد هیچ شاهی بر سرش تاج ارادت را
تو در گنجینه قلبت چراغ روشنی داری
به تو ارثیه داده مادر عیسی نجابت را
حکیمه گرچه خاتونی است بی مانند و یکدانه
ولی در حق تو ایراد کرده این عبارت را
همیشه جنگ سوغاتش سر و دست و شهادت نیست
اسیری با خودش آورده این دفعه کرامت را
عروس محفل پیغمبر اسلام و عیسایی
کجا مهریه می گیری به جز اذن شفاعت را؟
گره افتاده در کار زمین و آسمان بانو!
خدا بر تو ببخشد کاش این دوران غیبت را

ستوده در انجیل / زهرا صرامی

سروده: شاعره خاندان رسالت (علیهم السلام)

خانم زهرا صرامی

از خمینی شهر

ستوده در انجیل

نپرس نامم را تیره و نشانم را

که مهر کرده رسیدن به او دهانم را

اگر چه دختر شمعون حواری عیسام

ولی نپرس از این قافله نشانم را

ص: 343

زمین روم به شوق نگاه او لرزید
خدا به راه من آورد آسمانم را
چه عطر یاسی در خواب های من پیچید
چطور پنهان کردم غم نهانم را
بریدم از قصر و با اسیرها رفتم
بریدم مژده موعود تا عنانم را
مسیح آمده انگار باز روی زمین
شبیهِ سوسن و می کند زبانم را
شبیهِ مادر موسام ، رود نیل کجاست؟
فراق سوخته تا عمق استخوانم را
بین که ارزش مادر چقدر محترم است
که خوانده بود به بغداد کاروانم را
مسیح پشت سر او نماز می خواند
بخوان که گفته در انجیل داستانم را

نرجس نیکو سیر / حسنعلی صغیرا

سروده: شاعر دلسوخته اهل البیت (علیهم السلام)

آقای حسنعلی صغیرا

از اصفهان

نرجس نیکو سیر

ماه تابان عقیقان جهان دانی کیست؟

همسر عسکری آن نور عیان دانی کیست؟

مادر شمس فروزان زمان دانی کیست؟

گوهر بحر و بر رفعت و شان دانی کیست؟

گل بی خار جهان نرجس نیکو سیر است

ص: 344

نرجس آن مادر والا گهر حجت حق
نرجس آن کو که بُداین رفعت والاش به حق
نرجس آن بانوی با رفعت و نور مطلق
نرجس آن کو شده بر آل پیمبر ملحق
پیرو راه امامان ز شُبَّیر و شُبَّیر است
نرجس ای گشته تو را مهدی موعود سپر
خوش تو را تاج شرف هست ز معبود به سر
دارد او بر همه آفاق ز اکرام اثر
مولدش نیمه شعبان به جهان گشت خبر
که ز نرجس گل زیبا همه را تاج سر است
لوحش الله که جهان همچو بهشت است عیان
چه بهستی که بود نور هدا ظاهر از آن
ز چنین مادر و فرزند ز پیدا و نهان
نور حق است جهان را ز کران تا به کران
بر جهان نرجس از این نور هدی مفتخر است
بر (ضمیر) آنچه رسد از کرم مهدی اوست
متنعم دو جهان از نعم مهدی اوست
ژاله بر دشت چو بارد ز یم مهدی اوست
فیض مطلق به جهانی ز دم مهدی اوست
روز و شب بر فرجش دست تمنا به سر است

سروده: شاعر و مداح

دلسوخته آل عصمت (علیهم السلام)

آقای هاشم طوسی

از مشهد مقدس

حسرت سلاطین

سلام مطلع فجر و سلام ای باران

سلام حضرت نرجس سلام مادر جان

دوباره از کرمت شعر تازه می خواهم

برای از تو سرودن ، اجازه می خواهم

طلا به نرخ به غیر از طلا نمی ارزد

همین سبب شده که ، کاخ روم می لرزد

بزرگ زاده! بزرگی تو پس از این است

و جایگاه شما حسرت سلاطین است

نصیب عاشق و معشوق دل پریشانی است

ملیکه ای ست که شأنش نه مثل زندانی است

اگر اسیر شدی ، این هم از سعادت توست

پسند حضرت زهرا شدن لیاقت توست

تو آمدی که بتابی به آسمان حسن

تو ای صبورترین یار همزمان حسن

به رکن دین خدا ، تکیه گاه بودی تو

پناه عالمیان را پناه بودی تو

به زخم بی کسی اش التیام می دادی
همین که بر گل رویش سلام می دادی
کریمه ای و ، حکیمه ، نجیب و طاهره ای
حلیمه ، زاکیه ، منصوره ای ، مطهره ای
در آسمان نجابت چو ماه دیده شدی
برای مادری عشق برگزیده شدی
ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد

اسوه تربیت / سعید علامه

سروده : شاعر جوان و خوش ذوق

آقای سعید علامه

از اصفهان

اسوه تربیت

او ملیکا و نرجس دوران

باب حاجات و رحمت است این زن

نه فقط مادر امام زمان

مادری میکند برای من

اهل روم است و جد او قیصر

شهره بوده است در زمان خودش

جان او جان عسکری بوده

جان مولای ماست جان خودش

در مقامش زبان شده الکن

رمز و راز نهفته ای دارد

سینه اش بوده مخزن الاسرار

گفته های نگفته ای دارد

از کرامات او همین باشد

در بلا بوده حامی شیعه

مورد احترام مادرهاست

مادران گرامی شیعه

بیش از اینها بگو تو ای شاعر

اسوه ی تربیت همین بانوست

مادری که برای مادرها

در تمام زمینه ها الگوست

ص: 347

مجموعه رباعیات

در روم سر آمد زنان بودی تو

در عصمت و معرفت نشان بودی تو

وصفت به چهار خط ننگجد ، بانو

چون مادر صاحب الزمان بودی تو

از رتبه در آسمان مکان داری تو

فرزند نه ، صاحب الزمان داری تو

باید چه نوشت بابت اوصافت

صد راز مگو به شاعران داری تو

روزی که به سامرا سفر میکردی

با فاطمه اوقات به سر میکردی

پیوسته به فکر انتقامش بودی

وقتی که به مهدی ات نظر میکردی

هر لحظه که احساس خطر می کردی

از کشف حجاب خود حذر می کردی

از شوق به وجد آمدی وقتی که

بر خط امام خود نظر می کردی

فیض ابدی روح حقیقت با توست

معنای توسل و اجابت با توست

هر چند که از مسیحیانی ، اّما
خورشید درخشان امامت با توست

انگار که شخصیتی دیگر میخواست
او همسری از نسل پیمبر میخواست
در خواب به انتظار خود پایان داد
این کار فقط عزّت و باور میخواست

از نسل حواریون و حق باور بود
در مرتبه اش نمونه ای دیگر بود
در منزلتش همین سعادت کافی است
بر مهدی صاحب الزمان مادر بود

از پرتو تو چراغ جان روشن شد
نرگس نرگس کویر دل گلشن شد
آن روز که مهدی ات به دنیا آمد
عشق آینه دار انتظار من شد

با خواندن حرزت گره از دل وا شد
باران باران دو چشم من دریا شد
هر وقت که نام مهدی ات را بردم
عالم به قیام قائمت برپا شد

ای هستی و روشنی راه امت

شد قبر مط-هّرت پناه امت

افسوس که باز هم نیامد مهدی

پایان بدهد به درد و آه امت

از شأن تو صد کتاب بایست نوشت

هر واژه به انتخاب بایست نوشت

وقتی که پر از محبت زهرایی

از غیرت و از حجاب بایست نوشت

گنجینه ی اسرار الهی از توست

محبوب ترین مقام شاهی از توست

تو نرگسی و مادر باران هستی

این مرتبه ی لایتناهی از توست

از چند رباعی که سرودم حالا

معلوم شده گرفته ای دستم را

خوشبخت ترین آدم دنیا هستم

ممنون توأم عروس بی بی زهرا

تصویر

السَّلَامُ عَلَيَّ وَآلِيَّ وَجِئْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ

یاسی از باغ نرگس ها / احمد علوی

سروة: شاعر نامدار و ولائی

و پرشور اهل البیت (علیهم السلام)

آقای احمد علوی

از قم

یاسی از باغ نرگس ها

تورا وقتی به اقیانوس های بی کران آورد

برایت همسری از عرش از هفت آسمان آورد

خدا تقدیر زیبای تورا با نور معنا کرد

برای خواستگاری حضرت زهرا نشان آورد

شبیبه شهربانو آمدی با عشق ، با لبخند

خدا از باغ نرگس ها چه یاسی ارمغان آورد

نگین حلقه ی عقد تورا با ذکر یا مهدی

جناب جبرئیل آن روز از سمت جنان آورد

تورا تا یازده پله به سمت آسمان بردند

برایت حضرت عیسی بن مریم نردبان آورد

چه عطری از وجود پاک تو در سامرا پیچید

که دستان نسیم آن را به سمت جمکران آورد

به فرزند تو جن و انس می بالند و می گویند

که مولودی از این نیکوتر آیا می توان آورد؟

شفاعت کار مادرهاست ، پس جز نامت ای مادر

نباید هیچ نام دیگری را بر زبان آورد

بانوی دلباخته

بعد از گذر از دلهره ها حضرت نرگس

از لحظه ی اول شده مهمان حکیمه

ای بانوی دلباخته بعد از سفری سخت

چون جان امام است شده جان حکیمه

سرداب که شد نور علی نور حکیمه

آموخت به نرگس هنر بندگی اش را

چادر به کمر بست در آن فرصت کوتاه

تا وقف دو خورشید کند زندگیش را

تصویر

الْبَيْتِ عَلَىٰ أَيْمَانِنَا

الْمَبِيدِ

سروده: شاعر و مداح دلسوخته ولائی و فاضل گرانقدر آقای روح الله فروتن

از اصفهان

دست تو سل بر دامن حضرت نرجس (علیها السلام) (1)

ای راضیه مرضیه، ای بنده معبود

ای آن که در انجیل، خدا مدح تو فرمود

از روز ازل شامل تو لطف خدا بود

تا این که شوی والده مهدی موعود

محبوبه درگاه خدا حضرت نرجس

از مهر تو بر سینه خود گل زده ام من

در مدح تو هم نغمه چو بلبل زده ام من

از خانه دل تا حرمت پل زده ام من

بر دامن تو دست تو سل زده ام من

خالیست بین دست مرا حضرت نرجس

ای سرور والا نسیم مادر مهدی

ای نور درخشان شبیم مادر مهدی

نامت همه دم ذکر لبیم مادر مهدی

من از تو مدد می طلبم مادر مهدی

آمد به سرای تو گدا حضرت نرجس

ص: 353

1- این شعر در اوج کرونا جهت توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سروده شده است.

ای مادر مهدی نظری جانب ما کن
درد دل غمدیده ما را تو دوا کن
این جمع پریشان شده را باز دعا کن
با گوشه چشمی تو ز ما دفع بلا کن
از کار همه عقده گشا حضرت نرجس
اوضاع به هم ریخته ما شده ناجور
بر کار محبان تو خورده گره کور
یا سیدی این چه بلائیست که با زور
با خود ببرد بیک-ر ما را به دل گور
ما را تو ببین غرق عزا حضرت نرجس
ما حوصله طعنه اغیار نداریم
با این همه غم طاقت بسیار نداریم
در موج بلا غیر شما یار نداریم
جز راه توسل به تو معیار نداریم
مائیم و عنایات شما حضرت نرجس
گنجینه اسرار خدا رحم به ما کن
ای گوهر دریای ولا رحم به ما کن
مائیم گرفتار بلا رحم به ما کن
جان پسرت رحم به ما ، رحم به ما کن
محتاج دعائیم و عطا حضرت نرجس
پیدا شده آثار غم از روی محبان
ای روی شفا بخش تو داروی محبان
از به-ر عیادت تو بیا سوی محبان

تا دور شود پای غم از کوی محبتان

ص: 354

کن حاجت ما را تو روا حضرت نرجس
اینان که به جز مهر تو در دل نپذیرند
چندیست که در پنجهٔ این غصه اسیرند
بانو، مددی جا به دل خاک نگیرند
حیف است محبان تو این گونه بمیرند
این شکوه برم سوی کجا حضرت نرجس
اینگونه چرا یار شما زار بمیرد؟
هرگز نپسند این که چنین خوار بمیرد
باید که محب تو علی وار بمیرد
اندر حرم حیدر کرار بمیرد
در گوشهٔ ایوان طلا حضرت نرجس
بانو قسمت میدهم امروز به زهرا
یک جلوه کن و دل بزن ای یار به دریا
تا قدر تو معلوم شود بر همه ما
تا این که شود دفع، به دست تو بلاها
ای شافعهٔ روز جزا حضرت نرجس
یا سیدتی قلب تو غمناک حسین است
اندوه تو از پیکر صد چاک حسین است
مقبول، دعا در حرم پاک حسین است
درمان و شفای همه در خاک حسین است
جز تربت او نیست دوا حضرت نرجس
ای نرگس گلزار خدا ماه فروزان
ای بانوی عیسی نفسم ای به تنم جان

لطفی کن و از تربت آن سید عطشان
با دست عطایت بده بر کام مریضان
تا از تو بگیرند شفا حضرت نرجس
ای کعبه کوی تو عبادتگه جبریل
از جنس بلا ابرهه ای آمده با فیل
با اذن خدا امر بفرما به ابابیل
تا این که بریزند سر ابرهه سجیل
الغوث که شد فتنه به پا حضرت نرجس
ای والده منتقم فاطمه ، الغوث
ای چاره بیچارگی ما همه الغوث
دارم به لبم با دل خون زمزمه الغوث
بر این غم و اندوه بده خاتمه الغوث
فریاد رس غمزده ها حضرت نرجس
این موج بلا ، اوج بلا در نظرم نیست
درد است ولی این همه درد سرم نیست
بالا تر از این درد که مهدی به برم نیست
والله که درد دگری بر جگرم نیست
افتاده ام از شور و نوا حضرت نرجس
دلسوخته غربت آن یار غریبم
داغ غم هجران رخس گشته نصیبم
کی می رسد این دست به دامان طیبیم؟
با دیدن روز فرج یار و حبیبم ؛
لطفی کن و شادم بنما حضرت نرجس

مرهم به دل غمزده ما فرج اوست
آرامش عالم به خدا با فرج اوست
افضل ز تمامی دعاها فرج اوست
کشتی نجات همه دنیا فرج اوست
یومُ الفرجِ عزُّتنا حضرت نرجس
ای مادر خیر و شرف و حُسن و کرامت
ای شوهر تو یازدهم شمس امامت
خواهم ز خداوند که در روز قیامت
محشور شوم با تو به امن و به سلامت
زیباتر از این نیست دعا حضرت نرجس
ای سیده طاهره ای جان جهانم
آتش زده یک غصّه به پیدا و نهانم
ای وای گر از کربلا دور بمانم
ترس من از این است نه از دادن جانم
وا کن تو ره کربلا حضرت نرجس

چاره کار شیعیان

ای مادر نور ، ماه افلاک
ای بانوی عرش ، گوهر پاک
ای عزت و آبروی این خاک
ای شان تو فوق فوق ادراک
ای ذکر تو زینت المجالس
ای سیده جلیله ، نرجس

تا دستِ دلت به یار دادی

پا در حرم حسن نهادی

گویم به تو ای عروس هادی

الحق که توقبله مرادی

ص: 357

با دست شما تمام اوقات
بر ما برسد جمیع خیرات
با تو دلِ سرفراز دارم
با مهر تو امتیاز دارم
من دست پُر از نیاز دارم
چون بانوی چاره ساز دارم
تو چاره کار شیعیانی
تو مادر صاحب الزمانی
ممدوحه ربِّ مَشْرِقینی
بر نور خدا تو نور عینی
تو مادر وارث حسینی
تو پشت و پناه عالمینی
هم خوبی و هم شرافت از تو
هم دفع بلا و آفت از تو
ای مرقد تو پناه یاران
ای اوج نیازِ حق مداران
ای شافعه گناهکاران
ای مادر مهربانِ باران
لطفی کن و اهل طاعتم کن
یا سیدتی شفاعتم کن
ای مادر بیقرارِ مهدی
ای نرگس گل‌عذارِ مهدی
ای در همه جا کنار مهدی

خوردہ گرہ ای بہ کار مہدی

با اذن خدا بہ دستِ زہرا

واکن گرہِ ظہورِ اورا

تصویر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ص: 358

داستان نورانی حضرت نرجس (علیها السلام) / مرحوم فریور (فریور)

سروده: شاعر دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

مرحوم آقای حاج محمد علی فریور (فریور)

از اصفهان

اشاره ای به داستان نورانی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

پادشاه کشور روم و فرنگ

بود او را دختری پاک و زرنگ

عیسوی مذهب ملیکه نام داشت

روزگاری بس خوش و آرام داشت

از قضا شد عاشق و دلداده اش

خواستگارش گشت عمّو زاده اش

در کلیسا از زبان راهبان

عقد جاری شد بر آن شه زادگان

مجلس آرام ناآرام شد

بخت بد دامادیش ناکام شد

از سریر ناز داماد حزین

گشت بیهوش و بشد نقش زمین

زین حوادث شد شاه آزرده دل

نوعروس از اهل مجلس شد خجل

شب شد و در بستر ناز آرמיד

دولت بیدار خود در خواب دید

دید عیسی را بخواب آن مه لقا

ایستاده در کنار مصطفی

مصطفی پیغمبر آخر زمان
بود همراهش یکی رعنا جوان
نوجوان چون لاله گلزار عشق
یوسف سودائی بازار عشق
گفت احمد ز امر باری آدمم
از برای خواستگاری آدمم
آدمم تا ز امر حی ذوالمنن
عقد بندم نرجس از بهر حسن
گفت عیسی بس تبارک آمدی
بهر این وصلت مبارک آمدی
شد قرین ماه آن شب مشتری
بین نرجس عقد شد با عسکری
نرجس از خواب گران بیدار شد
راز مخفی کرد تا بیمار شد
عسکری فرمود در خواب این چنین
بعد از این دیگر نخواهی شد غمین
بین اعراب و فرنگ افتد نفاق
می شود جنگی به پا از اتقاق
تو آلا ای نرجس روشن ضمیر
می شوی با جمع همراهان اسیر

با اسپران می برندت دل خروش
در کنار دجله از بهر فروش
می فرستم یک جوان مانند شیر
نام او بشر و ز من باشد بشیر
چون رسد کشتی از آن دریا کنار
آن غلام من به صد عزّ و وقار
نامه در دست و مددکارش توئی
مشریّ نقد بازارش توئی
الغرض بشر از پی گفت و شنود
آن کنیز از صاحبش با زر خرید
آمد آن بشر سلیمان وان پری
کرد تقدیم امام عسکری
حاصل این زوج نور دائم است
مهدی زهرا امام قائم است
از چنان خاتون بفرمان و دود
مهدی موعود آمد در شهود
آسمان عشق را ناهید بود
نور بر رخ بر لبش توحید بود
شب برفت و صبح صادق بر دمید
نقش جاء الحق بلوح دل کشید
بارالها حق ابن-اء رسول
این قصیده از (فریور) کن قبول

سرّ مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر)

سروده: شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای قاسم قادری زفره ای (قادر)

از اصفهان

سرّ مکتوم

ای بانویی که سرور زنهای عالمی

نور دو چشم حضرت حوا و آدمی

ای مادر حمیده صاحب زمان که هست

فردوس را ز عطر وجود تو شبنمی

گویم اگر که نرگس شهلا تو را خطاست

خوانم اگر که سوسن باشد خطا همی

ص: 360

گویم اگر که ماه تو را باشد اشتباه
زیرا فراتر از مه و خورشید عالمی
دست خرد به وصف تو هرگز نمی رسد
سری نهفته بوده و مکتوم و مبهمی
هم نو عروس حضرت زهرا ی اطهری
هم افتخ-ار دوده والای مریمی
دریای بی کرانه ایمان و عصمتی
مریم خصال ، صاحب روح مکرمی
در بین بانوان سرا پرده عف-اف
بر فاطمه تو آین-ه دار مُسَلَّمی
از نسل پاک حضرت شمعون و یوشعی
رومی نژاد ، وارث عیسی بن مریمی
دربار روم بوده کجا سامرا کجا
الحق به کار حق چه دلیر و مصممی
پرورده ای ز مجلس درس حکیمه ای
مانند کوه در ره دین سخت و محکمی
زهرا به خواستگاری ات از جنت آمده
از بسکه با وقار و عفیف و معظمی
عقد تو را به عرش برین جبرئیل خواند
گویا به عرشیان خداوند محرمی
صدیقه ای ، ملیکه شیدای اهل بیت
نوری جلی و حور صفاتی ، مکرمی
« قادر » چگونه وصف نماید مقام تو

سرود: روحانی و شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای شیخ محمود قاسمی

از اصفهان

رباعی ها

عالم متحیر از وقار و مجدت

عفت قمری در آسمانت نرجس

جز تو که به زرق و برق دنیا پا زد

رو کرد به خاندان عصمت نرجس

ای سیده الاماء ز نسل مریم

تو مادر منجی جهانی نرجس

بر ذره نظر زلطف خود کن مادر

خورشید حقیقت و سعادت نرجس

ای همسر و مادر امامت نرجس

قدیسه عرش و با کرامت نرجس

در مجد و بزرگیت همین بس بانو

خورشید بود محو جمالت نرجس

تصویر

الْبَيْتِ عَلَىٰ عِلْيَاكَ وَإِيَّاهَا



بانوی باران ، حضرت نرجس (علیها السلام) / محمد قدسی (قدسی)

سروده : شاعر دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

استاد محمد قدسی (قدسی)

از اصفهان

بانوی باران ، حضرت نرجس (علیها السلام)

باید شناخت نادره ی روزگار را

یا برگزید آینه ی بی غبار را

باید به چشم باز به خرمهره پشت کرد

تا در کف آوری زر کامل عیار را

باید به سامرا سفری عاشقانه داشت

باید بغل گرفت ضریح نگار را

باید نماز خواند در آن جا ، سپس ستود

آن نوعروس حیدر دلدل سوار را

باید به عجز گفت به خاتون سامرا

بنما به ما ز روی کرم جای یار را

نرجس ، تویی که مادر باران رحمتی

پژمردگی پسند مکن نوبهار را

داری تو عطر مهدی موعود و یافته است

نرگس به باغ بوی تو این اعتبار را

باد صبا به سامره هر صبح بگذرد

تا مشکبار و تازه کند لاله زار را

وقتی نهد به سامره ات زائرت قدم

بوسد ز فرط شوق و شغف آن مزار را

سرداب را به حال و هوایت به بر کشد
مرهم نهد جراحی قلب فگار را
دین مسیح را تو به اسلام پل زدی
دارد مسیح از تو چنین افتخار را
زهر را به خوابت آمد و دین بر تو عرضه کرد
گنجت گرفت این گهر شاهوار را
اکسیر فاطمه به تو خورد و چو جنس خویش
تحویل داد گوهر کامل عیار را
در جنگ اسیر می شدی و باورت نبود
یابی قرارگاه دل بی قرار را
در بیت وحی آمدی از ملک روم و کرد
فیض ازل تمام برای تو کار را
شمعون اگر چه جد تو باشد ولی تو راست
از دودمان فاطمه اصل و تبار را
مهدی است یادگار پیمبر که مال توست
پرورده است دامنت این یادگار را
نور امام عسکری و نور ناب تو
در هم تنید و کرد عیان آن نگار را
همسر برای آن ولی و مادر امام ،
بودی کناره ، این دویم بی کنار را
بهتر ز قرب هممنفسی با امام چیست ؟
تو داشتی لیاقت این غمگسار را

ظرف تو گشت لایق نور امامتش
شامل شدی عنایت پروردگار را
در بانوان پرده نشین نیست چون تو کس،
داری مقام همسری پرده دار را
مهدی که خویش آینه هر دو عالم است
بیند عیان در آینه ات کردگار را
عالم فدای نام بلندش که با ظهور
گلزار می کند به جهان خار زار را
در عصر انتقام جهانی تو می نهی
در دست پر عنایت او ذوالفقار را
چون نو عروس تازه شود این جهان پیر
در گوش خویش چون کند این گوشوار را
ما را که هست سینه پر از شوق دیدنش
دیدار کن میسر و بوس و کنار را
از دیده، اشک ریز غم مهدی توایم،
دیدار بخش دیده ی شب انتظار را
تنها نه پشت ما چو فلک در غمش خمید
چون مابین شکسته دلان صد هزار را
کج بختیم به صبح ظهورش تو راست کن
در هم شکن شب فلک کج مدار را
فرزند توست منبع فیض و ردیف کن
در پیش او تو کار من خاکسار را

از حق برای ما سفر اربعین بخواه
ما را نصیب کن سفر بی شمار را
گرد گناه بر دل و اکنون شکسته وار
در اشک چشم غوطه دهیم این غبار را
روز جزا شفیعۀ ما باش پیش حق ،
خورشید کن ، ز لطف ، من دژه وار را
« قدسی » ز جامتان چو بنوشید آب خضر
آموخت طرز شعر تر آبدار را
یک تکه شعر ریخت به پایت چو برگ سبز
از در مران تو شاعر خدمت گزار را

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فِي الْمَلِكِ الْحَمْدِ
الشرفی

سروده: شاعر ولانی و آئینی

آقای محمد رضا کاکائی

از اصفهان

گل نرگس

خواب دیدم مادر سادات را

عشق آمد از دلم آرام رفت

سوختم در آتش هجران دوست

پختگی آمد خیال خام رفت

خسته از دربار قیصر چشم را

رو به سوی جاده دل دوختم

تا مگر آید به پایان انتظار

عقل را دادم جنون آموختم

پاک تر از جان چه می شد داشتن

«قطره قطره سوختم دریا شدم»

مزد پاکی را گرفتم از مسیح

من عروس حضرت زهرا شدم

طایر بختم به رسم بندگی

همنشین خانه تقدیر شد

شعر عشقم از لب ختم رسل

در نگاه عسکری تفسیر شد

من ملیکا بودم و نرگس شدم

دامنم غرق گل خورشید شد

قلبم از یا اهل العالم جان گرفت

سینه ام دشت گل امید شد

همچو مریم فارغ از آثار حمل

جان هستی در وجودم رشدیافت

تا رسد روزی به پایان انتظار

بهترین اهل عالم رشد یافت

از برای زخمهای بی شمار

مرهمی آمد که نامش نور شد

نوگل نرگس به باغ عالمین

نو بهار دولت منصور شد

ص: 367

رباعی

هم روح خدا و بوی مریم دارد

هم حکم شهنشاهی عالم دارد

بوی گل نرگس از حرم می آید

یعنی که خدا دلیل محکم دارد

از مادر ریشه در اصالت دارد

از سوی پدر مهر امامت دارد

کو آنکه دلیل راه را می پرسید

نرجس خاتون به دست حجت دارد

شد نور و گرفت نام نرجس خاتون

شد عرش برین مقام نرجس خاتون

مادر شد و جبرئیل گفت از سر شوق

از حق به شما سلام نرجس خاتون

خورشیدی و صبح مطلع خورشیدی

از بیت حسن به عالمی تائیدی

نرجس خاتون شدی و از جاری فیض

عالم را به صاحب الزمان بخشیدی

تصویر

بِجَلِّ اللَّهِ فَحَسْبُ الشَّرِيفِ
عَنْ مَوْلَانَا صَاحِبِ التَّقْوَانِ

الْأَرْضُ كَمَا خَلَقُوا مِنْ حَجَاةٍ

الشراف

لِمَا ظَاهَرَ أَوْ مَغْمُورًا

سروده: شاعر مکتب اهل بیت عصمت (علیهم السلام)

آقای محسن کاویانی

از قم

مادر خورشید

نامش چه بوده؟ عدّه ای در نام او ماندند

اصلاً چه فرقی میکند اورا چه میخواندند؟

فرقی میان اسم نرجس با ملیکا نیست

خوشبویی گل ها که بند اسم آن ها نیست

ما رومی رومییم و در این شعر معلوم است

شاعر گدای خنده شهزاده روم است

این شعر، این حس، این قلم تقدیم تو بانو

این شعر نه! جان و دلم تقدیم تو بانو

ای مادر خورشید یک جرعه نگاهم کن

آه ای صراط المستقیم سر به راهم کن

از نسل عیسایی و لبخند تو زهرا بیست

ای آسمان، هُرم نفس هایت مسیحایی ست

وقتی بیاید بارها زهرا به خواب تو

یعنی شده جان جهان بند جواب تو

شرح مسلمان گشتنت جامی پراز باده ست

ناقوس قلب عاشقانت را تکان داده ست

ما را میان لطف بی اندازه ات گم کن

ای از تبار حضرت مریم تبسم کن

ای شانِ مروارید ها ، اصلاً به تنهایی
تو بهترینِ گویِ دنیایِ صدف هایی
فرزندِ ماهتِ منجیِ دنیاست میدانی
جنسِ دعایِ مادریِ گیراست میدانی
بانو دعا کن باز گردد ماهِ دلبندت
زیبا شود دنیا به یک لبخندِ فرزندت
یک روز میفهمم که دینِ یک قلبِ بی کینه ست
وقتی بیاید او که در آن سوی آینه ست
می آید و در مسلکش جز مهربانی نیست
صلح جهانی معنی اش جنگ جهانی نیست...

تصویر



نرگس و الاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان امامت و ولایت

استاد علی غفراللهی

(ماهر اصفهانی)

نرگس و الاتبار

مادر والای مهدی نرگس و الاتبار

پاک بانوی مکرم افتخار هشت و چار

نرگس آن خاتون زنهای بهشتی کز شرف

قدسیان دارند بر دامان پاکش افتخار

گوهر ارزنده ای از بحر موج عفاف

افسر تابنده ای از چرخ عزّ و اعتبار

بانوی زبینه و پاینده از حجب و حیا

در حریم حضرت حق قدسیانش پرده دار

آنکه از الطاف بی پایان حیّ لا یزال

افتخار عالم نسوان شد از عزّ و وقار

شد چو در بیت امام عسکری کابین نشین

گشت سکان سماواتش زجان آئینه دار

بانوی بستِ ولایت کز عطوفت پیشگی

مهر او شد جاگزین در سینه خُرد و کبار

حجت ثانی عشر مهدی چو شد مولود او

در طواف شمع رویش چرخ شد پروانه وار

ای خوشا مولود مسعودی که از تأیید حق

شد بدارالملک هستی بر سلاطین شهریار

داد دامان عقیفش گوهری را پرورش

کان گهر شد جاودان بر عرش یزدان گوشوار

هر که را شد معرفت حاصل از این مولود پاک

در قیامت کی بود در محضر حق شرمسار

حق نمود از چشم زخم دشمنانش در حجاب

تا کند در روز موعودش چو خورشید آشکار

آری این مهدی بود شاهی که دست قدرتش

جمله مستکبران را می نماید خار و زار

«ماهرا» خواهی شوی در روز محشر سرفراز

تا قیامت دست دل از دامن او برمدار

گلشن نرگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

گلشن نرگس

دامن نرگس چه مولودی گران آورده است

این مکان از غیب شاه لا مکان آورده است

گلشن نرگس بروز نیمه شعبان ز مهر

نوگلی خندان بگلزار جهان آورده است

نی غلط گفتم که چون این گل نباشد در جهان

باغ نرگس این گل از باغ جنان آورده است

تا شود گیتی معطر از شمیم روی او

این گل خوشبو زجنت ارمان آورده است

از شمیم گیسوی مهدی امام انس و جان

مشک و عنبر کاروان در کاروان آورده است

من بنام مادرش نرگس که ماهی پُر فروغ
برتر از انوار ماه آسمان آورده است
از دل دریایی خاتون زندهای بهشت
گوهری ارزنده تر از دُرّ جان آورده است
فاش گویم دست حق مولای والا گوهری
همچو مهدی حجّت صاحب زمان آورده است
مصلحی را از مشیت کردگار انس و جان
بهر اصلاح امور انس و جان آورده است
تا سر آید انتظار مردم مظلوم دهر
دست قدرت از کرم مهد امان آورده است
رهبری دانا دل از بهر ره حق باوری
تا نماید ره به هر پیر و جوان آورده است
«ماهر» از صلب حسن، خلاق با وجه حسن
کودکی از بطن نرگس در عیان آورده است

تصویر

□

ص: 373

راز بازگو شده / سید ابوالفضل مبارز

سروده: شاعر و روحانی پرشور و ولایی

آقای سید ابوالفضل مبارز

از مشهد مقدس

راز بازگو شده

ای راز بازگو شده در عطر یاس ها

مبهوت توست خاطر جمع حواس ها

جز گرمی دعای صمیمانه ی تو چیست

در مشت کودکانه ی ما ناسپاس ها

از قصر قیصر آمدی ، ای کنز چون کنیز

کامل شده به لطف تو جنس جناس ها

تو مادر امام زمان تبسمی

در عصر بیقراری این التماس ها

باید نوشت از چه کسی مهربان تری

باید چه گفت در دل تنگ قیاس ها

ما با دعای خیر شما ایستاده ایم

یک عمر پای بیرق اصل و اساس ها

ما از خدا نخواستیم آنچه خواستی

جا مانده ایم از تب این اقتباس ها

سخت است اگر که آه تو بگذارد عاقبت

در کاسه ی قنوت نمک ناشناس ها

گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر)

سروده : شاعر و روحانی

دلباختهٔ خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

از اصفهان

گل باغ ولا

حضرت نرجس گل باغ ولاست

مادر والای ختم الاوصیاست

حضرت نرجس زنی با معرفت

مظهر حیّ تعالی ، در صفت

حضرت نرجس زنی حق باور است

او زنی محبوبه نزد داور است

کرده او حاجات مردم را روا

چونکه که دارد آبرو نزد خدا

بود او یک دختری پاک و خدوم

یادگار قیصر آن سلطان روم

مادرش از نسل شمعون صفاست

که وصی بر حق روح خداست

او زنی با عفت و حُجب و حیاست

زندگی او بسی پر ماجراست

ماجرایی گویم ، اما مختصر

از مطول گویی بنمایم حذر

مجلس جشنی بپا شد بهر او

تا شود تزویجِ فرزندِ عمو
به وقوع پیوست ناگه زلزله
ریخت بر هم مجلس و ، شد ولوله
روز دیگر باز جشنی شد پیا
باز هم تکرار شد آن ماجرا
بار دیگر ریخت آن مجلس به هم
گشت مجلس ، غرق در اندوه و غم
بتود این کار خدا از روی جَدّ
تا نگردد عقد آنها منعقد
مصلحت این بود تا یک گوهری
عرضه گردد بر امام عسکری
حضرت نرجس شبی در خواب دید
داد ختم المرسلین او را نوید
حضرتش با اهل بیت آمد به خواب
بود عیسی همراه ختمی مآب
جَدّ آن بانو هم آمد از وفا
آنکه نامش بود شمعون صفا
جشن شد در عالم رؤیا پیا
نرجس آن شب شد عروس مصطفی

صبح شد ، صبحی دل انگیز و سپید
شادمان نرجس ، از آن خوابی که دید
بعد از آن با حکم شاهنشاه روم
جنگ اسلام اتفاق افتاد و روم
در میان نیزه ها و تیغ و تیر
حضرت نرجس در آنجا شد اسیر
برده شد در شهر بغداد از قضا
آن زن نیکو سرشت و با حیا
از امام هادی آمد یک پیام
بهر آن بانوی صاحب احترام
کرد احضارش امام ممتحن
تا کند تزویج او را با حسن
آن پری ، از روی تسلیم و رضا
رفت با آن پیک ، سوی سامرا
جشن بر پا گشت با صدق و صفا
شد عروس حضرت خیر النساء
همنشین شد با امام عسکری
با شکوه و عزت و کُر و فری
رفت بین خاندان مصطفی
تا شود مام امام عصر ما
حضرت حق داد او را یک نوید
گفت منجی از تو می آید پدید
آید او با ذوالفقار حیدری

تا کند دین خدا را رهبری

گستراند سفره ای از عدل و داد

جمع گردد سفره ظلم و فساد

حامله گردید نرجس در نهان

تا نبیند او گزند از دشمنان

خالق یکتا به او داده پسر

یک پسر نه ، نوگلی والا گهر

بعد از آن نرجس به شهر سامرا

دیده ی خود بست از دار فنا

دفن شد در خاک ، همچون گوهری

در کنار همسر خود عسکری

مرغ روحش رفت در عرش برین

در جوار دخت ختم المرسلین

نیک آوردی به نظم این ماجرا

ای (مسافر) مرحبا، صد مرحبا

نرجس که مقام قرب و شأش عالیست

صاحب نظر و بانوی خوش اقبالی ست

ص: 376

او مادر خورشید امامت باشد
هر چند که جای پسر او خالی ست

این مجلس ما، به نام نرجس بر پاست
او همسر عسکری، عزیز زهراست
از شأن و مقام او، همین یک کافیت
کو مادر، صاحب الزمان در دنیاست

نام نرجس شور بر پا می کند
شادمان حال دل ما می کند
هر که آرد نام نرجس را به لب
از دل خود قفل غم وا می کند

منم نرجس عروس بوترابم
معطر هستم و همچون گلابم
چو بینم مهلیم را غرق در غم
تو گویی روی آتش چون کبابم

ای مادر صاحب الزمان، ادرکنا
ای قدر و کمال تو نهان، ادرکنا
این مجلس ما به نام تو گشته پیا
بگشای گره ز کارمان، ادرکنا

تو آوردی به دنیا شمس خاور
که گردد حجت محبوب داور
اگر چه داغدار جد خویش است
بگیرد انتقام از خصم کافر

ص: 377

سروده: شاعر و مداح

و دلسوخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آقای محمد رضا مسعودی

از اصفهان

عروس آخر زهرا

ز روم آمده یا از بهشت معبر اوست

هزار باغ جنان گوئیا که در بر اوست

ز نفحه نفسش می کشد نفس دل ما

چه نفحه ای که نفس ها همه مسخر اوست

ملیکه ای که زجان مریمش ندیمه بود

مسیح مفتخر از خادمی محضر اوست

عروس آخر زهراست افتخارش بس

که دومین حسن از این نژاد، همسر اوست

مقام مادر مهدی شدن سزاوار است

به بانویی که حیا قطره ای ز ساغر اوست

کسی که عرش زند بوسه فرش راهش را

کسی که تاج ملائک، غباری از در اوست

سزاست وانهد از سر، طلای افسر روم

که پادشاه دو عالم، ز بطن انور اوست

تمام عمر خورم غبطه ها بر آن شاعر

که صفحه بند کتابش نخی ز معجز اوست

شمس و قمر، یک لمعه از انوار رویت
تسنیم و زمزم، قطره ای از آب جویت
روم و عراق آوارگان راه کویت
حجب و حیا سرریز ظرف خلق و خویت
عالم سراسر خاک پای توست بانو
چشم مشاکل بر عطای توست بانو
ذکر گل تو ذکر هر آدینه ماست
بویدن او حاجت دیرینه ماست
آینده چون آینه پیشینه ماست
یعنی همیشه خانه تو سینه ماست
مدح تو زین بهتر کجا یا ام مهدی؟
زهرآ پسندیده تو را، یا ام مهدی
ای فاطمه بنت اسد فانوس راهت
ای مریم و حوا و هاجر در نگاهت
ای آسیه زانو زده در پیشگاهت
خیل ملانک در طواف بارگاهت
دل جز به مادرشوهرت زهرآ نبستی
با ذکر او هم ایستادی هم نشست
جان عزیزی تو، چه کس گفته کنیزی؟
آخر عروس فاطمه، خیلی عزیزی!
زهرآ مسلمانان نموده تا نریزی
جز اشک شوق وصل یار اشکی به چیزی
آرامش تو آتش عشق حسن بود

عشقی خدایی که تو را چون جان به تن بود

ص: 379

هادی تو را داده بشارت بر گل تو
یعنی گل نرگس چراغ محفل تو
آن گل که قبل از واشدن برده دل تو
آن دلبر افلاک ، ماه کامل تو
یعنی همان ماهی که شاه عالمین است
آن منتقم ، کز نسل والای حسین است
ای بنت شمعون الصفا ، ام الصفایی
خود مروه ای، خود مشعریّ و، خود منایی
تنها نه ام مهدی استی ، ام مایی
از ما بگو او را که ای مهدی کجایی؟
ما منتظر بر منتظر هستیم بانو
با مهدی ات پیمان به خون بستیم بانو
حمل تو بر مهدی است همچون حمل موسی
طفلت تکلم کرده در طفلی ، چو عیسی
محو نمازت مسجد و دیر و کلیسا
نامت مسیحای مسلمان است و ترسا
ای سامرایت بام عرش آسمان ها
مدح تو خواهد دفتری از کهکشان ها
بانو دلم را می بری سمت گریزی
تو از کنیزی آمدی دیدی عزیز
باید بیایی بر عزیز اشک ریزی

(کورا غلامی خواست گیرد به کنیزی) (1)

آه از سکینه که عدو در بزم می برد

غم پشت غم، غم پشت غم، غم پشت غم خورد

با اشهد اول از همه بگسستی

با اشهد دوم به خدا پیوستی

فخرت چه از این به ، ز همه دخترها

تنها تو به قلب فاطمه بنشستی

ای نرگس باغ دو جهان، ادرکنی

ای فخر زنان و دختران، ادرکنی

ما رعیت و، تو ملیکه ی سامرا

ای مادر صاحب الزمان ادرکنی

این فخر ندارد نه زنی نه مردی

چون خواستی از مسیحیت برگردی

با فاطمه محشور شدی در خواب و

اسلام به دست حضرتش آوردی

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيَّ

نرگس باغ جنان / پروانه موجودی

سروده : شاعره دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

خانم پروانه موجودی

از اصفهان

نرگس باغ جنان

بانوی بیت عسگری شد دختر ایمان

شد نرگس باغ جنان ، خاتون گرفت عنوان

از انتخاب حضرت کوثر مشخص بود

خواهد شد این محبوبه روزی مادر باران

بارید باران و خدا از عرش نازل کرد

بر جان نرگس آیه سوره انسان

عیسی تباری سامراء ، را باز جان بخشید

عطر گل نرگس صفا بخشید بر هر جان

خورشیدی از جنس ولا در دامش گل کرد

شد از ستاره دامن ناهید گلریزان

شد دامن مادر قرار حجت هستی

تفسیر الله و صمد شد ، آیه ی برهان

حاجت به گفتن نیست روزی می شود هستی

در مقدم این نور دیده روضه رضوان

هر جمعه هستم ندبه خوان شاید به لطف عشق

از شرق هستی گل کند آن جلوۀ تابان

امید آن دارم که این جان پر از دردم

روزی به لطف گوشه چشمی شود درمان

ما را به جان مادرت زهرا شفاعت کن

ای بهترین بهتران در عالم امکان

ص: 382

عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب

سروده: شاعرو لائی و دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

آقای علی مهدوی نسب

از قم

عروس حضرت ختمی مآب

در شعاع نور اهل البیت شد او آفتاب

دامنش شد مأمن خورشید آل بوتراب

یک شبه حبّ الحسن او را به فوق عرش برد

تا مقامش شد عروس حضرت ختمی مآب

در زمانی که بیابان بود تقدیر زمین

آسمان را با قدمش کرد لبریز از سحاب

قطره قطره رحمتش بارید و شد خیرکثیر

بحر شد تا که شود لایق برای دُرّ ناب

گشت نرجس تا ملائک خادم مُلکش شدند

گرچه او خود را کنیز فاطمه کرده خطاب

طاهره بوده ست حتی سایه اش را کس ندید

گوئیا رخسار مهدی بود در پشت نقاب

در خور مدحش نشد تورات و انجیل و زیور

او که مادر شد برای وارث امّ الکتاب

محرم سرّ سه باب اللّه بوده، مهر او

می شود باب الجنان اصلی یوم الحساب

با نگاهش ملک شیعه می شود آخر بهشت

می شود برپا دوباره نرجسیه در بهشت

امتداد شاخهٔ پر برکت طوبا شده
تا ابد تابنده با انوار پا برجا شده
حضرت عیسیٰ غلام مهدی او می شود
پس کنیز او مُسَلِّم مریم عذرا شده
بذر عصمت در زمین پاک ، رویش می کند
دامنش شایستهٔ ذریهٔ مولا شده
لفظ صدیقیه که آمد در زیارت نامه اش
می دهد معنا که او هم جلوهٔ زهرا شده
شأن او از بس تقرب داشت با آل رسول
انتخاب حضرت انسیه الحورا شده
شیعهٔ اثنی عشر هستیم ما با هست او
با وجود او ، وجود شیعیان معنا شده
بس که دارد روح والا زیر بار مدحتش
قامت صاحب قلم های مجرب تا شده
از بیان مدح او هر دعبلی شد بی زبان
لایق مدحش فقط باشد خود صاحب زمان
از زلال روح او روح مطهر آمده
آینه بر حضرت زهرا ی اطهر آمده
یازده خورشید داور شد تجلی در یکی
آن یکی از مشرق چشمان او در آمده
غنچه ای شکفته بوده در میان خار روم
او برای وا شدن در باغ حیدر آمده

تشنهٔ جام وصال حضرت حق بوده است
از سعادت در مسیر حوض کوثر آمده
او لیاقت داشته بین زنان عصر خویش
در تبار او اگر معصوم آخر آمده
می رسد روزی ندای مهدی اش بر گوش خلق
اهل عالم شیعه را مظلومیت سر آمده
اهل عالم مادر مظلومه ام را بد زدند
او فقط بر یاری جان پیمبر آمده
قلب مادر محسن شش ماهه اش بوده چرا
بی اجازه میخ، سمت قلب مادر آمده
با چه جرمی رو به روی کودک معصوم او
بر ضریح صورتش یک دست کافر آمده
چارده قرن است در هجر تو مادر خون جگر
نالۀ یک سوم سادات مانده پشت در

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
التَّقِيُّ التَّقِيَّةُ

سروده: شاعر فرهیخته و نامدار مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

آقای حاج غلامرضا سازگار (میشم)

از تهران

از دربار روم تا مهبط نور

از قلب دریا کاروان نور پیداست

چون مهر تابان کشتی از دور پیداست

کشتی ولی بر عرشه آن قرص خورشید

هرجا درخشید و درخشید و درخشید

از سینه دریا گریبان چاک می کرد

در آب طیّره به سوی خاک می کرد

کشتی ولیکن دامنش دریائی از نور

نزدیک ساحل می رسید از دور از دور

کشتی ولی دریا به پایش گوهر انداخت

پهلو گرفت و نزد ساحل لنگر انداخت

چشم انتظار استاده بشر بن سلیمان

گم گشته اش بین کنیزان بود پنهان

می گشت تا گم گشته خود را بجوید

وز فیض او آئینه دل را بشوید

می کرد فیض فاطمی در خویشتن حس

افتاد ناگه چشم حق جویش به نرجس

از شور و شادی در لبش هنگامه ای بود
وز جانب ابن الرضایش نامه ای بود
می داد آن پیغامبر را دل گواهی
کان نامه سَرّی بود ز اسرار الهی
نرکس گرفت آن نامه را بر چشم مالید
هی خط آن را خواند و هی بوسید بوسید
با رنگ گه افروخته ، گاهی پریده
بگذاشت گه بر روی قلبش ، گه به دیده
هوش از سر بْشُر سلیمان کرد پرواز
گفتش چه اسراری در آن دیدی بگو باز؟
نادیده صاحب نامه را بوسیدنت چیست؟
چون برگ برگ لاله ها بویدنت چیست ؟
ناگه عیان شد بر لبش نقش تبسم
کای پیر پاک با صفای خوش تکلم
من صاحب این نامه را پیش از تو دیدم
وز گلشن حسنش هزاران لاله چیدم
خورشید باشد ذره ای از اختر من
صدیقۀ کبری است مادر شوهر من
رنگ خدا دارد رخ نورانی من
گل بوسه زهراست بر پیشانی من
بین کنیزان گرچه می دیدی نهانم
من دختر نیک اختر شاه جهانم

روزی مرا بر ابن عمّ عقد بستند
در پای تختم جمله قسّیسین نشستند
در هر طرف انجیل ها از هم گشودند
پس خطبهٔ عقد مرا با هم سرودند
ناگه زمین لرزید و داماد نگون بخت
یکباره در کام اجل افتاد از تخت
من غافل از بخت سعید خویش بودم
زین ماجرا هر لحظه در تشویش بودم
شب آمد و در بستر خواب آرامیدم
روی محمّد را به خواب ناز دیدم
لبخند زن بودش به عیسی این بشارت
کای نور چشم مریم عذرا بشارت
من عقد می بندم دو یار آشنا را
فرزند خود را دخت شمعون الصفا را
عیسی به شمعون گفت کای پیر خردمند
اینک مبارک بر تو باد این طرفه پیوند
من یافتم مرآت حسن داوری را
در خواب خورشید جمال عسگری را
آن نازنین ناگه ربود از کف دلم را
سوزاند با برق نگاهی حاصلم را
بیدار چون گشتم سراپا سوز بودم
مشتاق آن ماه جهان افروز بودم

هر روز سر تا پا وجودم درد می شد
روزم سیاه و رنگ سرخم زرد می شد
دل را به عشق دوست دائم رنجه کردم
با مرگ در سنّ جوانی پنجه کردم
شد هر طبیعی عاجز از درمان و دردم
پیوسته می شد زردتر رخسار زردم
می خواست بیتابی ز جسمم جان بگیرد
می رفت تا عمرم دگر پایان بگیرد
یک شب نهادم چون به هم چشم ترم را
دیدم به خواب ناز مام شوهرم را
از جای جستم با ادب بر پا ستادم
با گریه بر روی قدمهایش فتادم
یاقوت سرخ از چشم گوهر بار سفتتم
راز دل خونین به زهرا باز گفتم
کای مادر از کف داده ام جان و دلم را
سوزانده فرزندت ز هجران حاصلم را
زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد
امیدوارم بر وصال عسکری کرد
فرمود گر عزم وصال یار داری
باید شهادت گویی و اسلام آری
من از مرام خویش استغفار کردم
بر لب شهادت راندم و اقرار کردم

زهر از لطف و مهربانی دست افشانند
چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند
بخشید تسکین سینه نورانیم را
بوسید بین ابرو و پیشانیم را
با خنده گفتا کای عروس مهربانم
از امشب آید در برت آرام جانم
ز آن شب دگر من بودم و دلدار با من
من یار او از عنایت یار با من
تا یک شب آن آرام جان با من صفا کرد
خوش وعده و صلح به بیداری عطا کرد
فرمود اوصاف اسیری رفتنم را
در بین کشتی با اسیران خفتنم را
این نامه سر خط وصال یار باشد
پیمان پیوند من و دلدار باشد
بُشر سلیمان شد چو آگه از مقامش
آورد سوی سامره با احترامش
گل بود و شد جا در ریاض مرتضایش
تا بست کابین بر پسر ، ابن الرضایش
چون شد غروب چارده از ماه شعبان
بیت ولایت را حکیمه بود مهمان
می خواست گردد سوی بیت خویشان باز
دادش امام عسکری این طرفه آواز:

کای عمّه امشب را بمان در خانه ما
کامشب ز نرگس بشکفد ریحانه ما
نرگس به سان مادر موسی ابن عمران
حملش به فرمان خداوند است پنهان
می خواست کم کم عمر شب پایان بگیرد
گیتی ز فیض بامدادان جان بگیرد
بگشود نرگس نرگس چشم خود از خواب
بعد از نماز شب به ناگه رفت از تاب
از درد زادن چهره اش افروخت چون بدر
می خواند با دُرْدانه اش خود سوره قدر
بگرفت دورش را در آن دارالولا نور
نور علی نور علی نور علی نور
بشتافت با حیرت سوی مولا حکیمه
کای گفته حق و صفت به آیات کریمه
امید دل با آن نشاط و شور گم شد
نرجس میان پرده های نور گم شد
فرمود عمّه از چه محزون و غمینی
برگرد تا رخسار مهدی را ببینی
فرزند زهرا آمده برگرد عمّه
مهدی به دنیا آمده برگرد عمّه
بوی خوشی را کرد ناگه حس حکیمه
برگشت سوی حجره نرجس حکیمه

بگشود چشم آن عصمت دادار سرمد

بر ماه روی قائم آل محمد

آن رهنمای آسمان در دامن خاک

دستیش بر روی زمین دستی به افلاک

لبهای او اقرار بر توحید می کرد

حکم نبوت را ز جان تأیید می کرد

یا ربّ به امید دل امیدواران

یا رب به اشک دیده شب زنده داران

جام وصال یار را بر ما میپوشان

رخت فرج بر قامت مهدی پیوشان

تصویر



میراث دار فاطمه (علیها السلام) / محسن ناصحی

سروده: شاعر ولائی و نکته سنج

استاد: محسن ناصحی

از اصفهان

میراث دار فاطمه (علیها السلام)

وقتی که در دنیا ستم مرسوم باشد

وقتی عدالت گنگ و نامفهوم باشد

وقتی ظهور از چشم مردم دور مانده

وقتی نفس آلوده و مسموم باشد

وقتی کسی چشم انتظاری را بلد نیست

وقتی بشر از عاشقی محروم باشد

حق می دهم در خانه تاریخ، یک زن

آوازه اش پنهان و نامعلوم باشد

حق می دهم چونانکه زهرا بود مظلوم

میراث دار فاطمه، مظلوم باشد

اما خدا می خواست از میراث مریم

نام زنی در دفترش مرقوم باشد

اما خدا می خواست از زن های تاریخ

با نام نرجس، دفترش مختوم باشد

زهرا عروسش را خودش بر می گزیند

حتی اگر شهزاده ای از روم باشد

باید به چشم حضرت زهرا بیاید

در خانه حیدر چنین مرسوم باشد

تأثير يُذهب ، عنكم الرجس است و قطعاً

نرجس زنی پاکیزه و معصوم باشد

اوصاف او را در کتب کمتر نوشتند

تاریخ باید تا ابد محکوم باشد

فرزند او - موعود - پنهان مانده ، باید

او نیز چون فرزند خود مکتوم باشد

فرزند او یک روز می آید سرانجام

روی لبش آن روز یا قیوم باشد

آن روز ، آری دوستاش شادمانند

آن روز ، آری دشمنش مغموم باشد

تصویر



السَّلَامُ عَلَيْكَ

سروده : شاعر ولایتی خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

استاد سیّد محمود مرتضوی

نائینی (ناظر)

از اصفهان

مادر منجی ، حضرت نرجس (علیها السلام)

زوجه عسگری آن بانوی با عزّت و شان

مادر منجی مظلوم ، ز بند حرمان

سوسن و مریم و ریحانه و نرجس خاتون

نام هایی است از آن مؤمنه فاطمه سان

هست آن محترمه بنت یشوعای بزرگ

نسلی از قیصر رم پادشه آن سامان

مادرش نیز از اصل و نسب شمعون است

آنکه از حضرت عیسی بحق آورد ایمان

سرور خیل کنیزان شریف است این زن

طبق اقوال و احادیث امامان زمان

او که گردید اسیر و به دیار بغداد

شد خریدار ورا حضرت هادی پنهان

برده شد سامره و گفتش امام هادی

خواهم اجری به تو تقدیم نمایم شایان

ده هزار است کنون سگّه طلا ، وان دگر است

مژده ای نیک که گردد دل و جان شادان

داد پاسخ که مرا مژده فرزند نکوست
اگرم لطف کند خالق حیّ مٔان
گفت هادی که خدا بر تو دهد فرزندی
که چو او نیست کسی مجری امر قرآن
مهدی است آن پسر عسکری از نسل نبی
که شود طیّ قرون از نظر خلق نهان
چه شود ظاهر از او معدلت اجرا گردد
دین اسلام از او بار دیگر باید جان
ظلم نابود شود ، عدل مجسم آنگاه
یابد از نهضت او عالم نا امن ، امان
دیده خلق شود (ناظر) آن حجت حق
کافران سر بسر آرند به اسلام ایمان

رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر)

رؤیای ملکوتی
دید در خواب شبی حضرت نرجس خاتون
که بسی حوریه همراه مسیح و شمعون
آمدند از ره و ، در قصر وسیع قیصر
بنشستند و پیا گشت در آنجا منبر
بود آن منبر پر فیض مهیا از نور
که در آن وقت رسول مدنی یافت حضور
بود همراه رسول مدنی شاه ولا
با گروهی ز محبّان همان نور هدا

آن زمان عیسیٰ مریم چو محمد را دید
رفت و او را پی اعزاز در آغوش کشید
گفت احمد که ایا عیسیٰ گردون رفعت
آدم تا که دهم بر تو پیام رحمت
حسن عسکری آن نور دل من اکنون
خواستار است ز ریحانه ، سلیل شمعون
این سخن را چو مسیحاز محمد بشنید
گلی از خنده شادی به لبش گشت پدید
نظری کرد به شمعون و به او آدم گفت
که گل رحمت و حرمت به سرای تو شکفت
از دواجی است بسی نیک به رغبت پذیر
خاصه با آل محمد که خطیرند و کبیر
آن زمان رفت محمد به فراز منبر
خطبه ای خواند به تزویج دو تن نیک سیر
شاهد خواندن آن خطبه غرا آنجا
بود با جمله خواری و محبتان ، عیسی
آل پیغمبر ما نیز که شاهد بودند
همه بر حمد خداوند زبان بگشودند
نرجس آن خواب گران را ز پدر پنهان داشت
گرچه آن را به نظر خواب یقین می پنداشت
(ناظر) آخر حسن عسکری و نرجس را
به هم از راه عنایات رسانید خدا

ای مادر منجی بشر بر تو سلام

ای مهدی ما ، تو را پسر ، بر تو سلام

ای همسر عسکری ، نرجس خاتون

ای بانوی فاطمه سیر ، بر تو سلام

بر حضرت صدیقه کبری تبریک

بر مریم گل ، مادر عیسی ، تبریک

بر امت عیسی و محمد تا حشر

ترویج دو نور عالم آرا تبریک

یا حضرت نرجس ای عروس هادی

بر پاست برای تو لوای شادی

تو مادر آئی که چو گردد ظاهر

بخشد به اسیران ستم آزادی

نرجس ای مادر امام زمان

مادر منجی بشر به جهان

با دعاهاى خویش حق جورا

از حصار غم و بلا برهان

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بَقِيَّةَ الدِّينِ يَا إِصْبَه

می وَزَد اُمید / الهام نجمی

سروده: شاعره ولایتی و دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

خانم الهام نجمی

از کرج

می وَزَد اُمید

گل من، می رسد دوباره بهار جستجو کن، صدا بزن او را

پا به پای شکوفه ها بشمار روزهایی که بوده او تنها

منتظر باش میوه ی دل من گرچه این راه پر خطر باشد

دل به حرف خزان نباید بست باید این باغ پرثمر باشد

در هجوم کلاغ ها هرگز سروها بر زمین نمی افتند

ترس ها، شبهه های کورِ زمان، در دل مؤمنین نمی افتند

عاشقی کن برای باغ خدا، باغبان باش یاس و ریحان را

مهربان باش با کبوترها، منتظر باش فصل باران را

صبح ها همصدای نرگس ها، عهد خود را ببند با خورشید

گوش کن، از دعای منتظران، دشت در دشت می وزد اُمید

فرق دارد کسی که منتظر است بسته او با امام خود عهدی

چشم در راه مانده تا روزی بترسد بانگی از انا المهدی

پذیرایی حضرت خورشید / الهام نجمی

پذیرایی حضرت خورشید

نگاهت بود، بعد از خواب شیرینت تماشایی

چه «سُرَّ مَنْ رَأَى» بی داشت، اینگونه شکوفایی

تمنای کدامین عشق را در خاطرت جان داد؟

در آن لحظه، که می خواندت، نفس های مسیحایی

شکوفا کرد در جانت، هزاران باغ نرگس را

بهشتی که تو را بخشید گل هایی به زیبایی

چه مضمون بلندی بود در آیات چشمانت

که همراز خدا بودی، تو در اوقات تنهایی

برایت قاصدی آمد، دلت شوق زیارت داشت

که از تو حضرت خورشید می کرده پذیرایی

تمام راه را، طی کرده ای با حضرت مریم

به قلبت می نوازد عشق، ناقوس کلیسایی

نگاهت دید در آینه جان، این زهرا را

برای «البلاءُ لِلوِلا» هایش شکیبایی

گلی از بین نرگس زارهای دامنت روید

بهار از عطر او هر بار می گردد شناسایی

اگر چه چشم ها از دیدنش محروم و بی تابند

می آید صاحب دل ها، اثر دارد دعاهایی...

ترنم در ترنم، قطره قطره، می چکد باران

به جان خشک دنیا عاقبت آن ابر دریایی

مخزن اسرار حق / سید مصطفی مهدوی (نحوی)

سروده: شاعر روحانی و ولائی اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سید مصطفی مهدوی (نحوی)

از اصفهان

مخزن اسرار حق

السلام ای نرجس والا مقام

السلام ای مادر آخر امام

بر تو و آباء و اجدادت سلام

بر امانت داریت صد احترام

نرجسا از حال تا یوم القیام

بر تو و بر شوی و فرزندات سلام

آمدی از روم تا بیت الامام

طالع نورانیت را السلام

در رضای حق ز بس کوشا شدی

نو عروس حضرت زهرا شدی

خطبه خوانت حضرت جبریل شد

از خدا مدح تو در انجیل شد

حضرت صاحب زمان را مادری

مخزن اسرار حق داوری

داشتی نه ماه ای نیکو سیر

اشرف اولاد آدم را به بر

تا تولد از تو یابد این نتاج

شد پیمبر عاشق این ازدواج

بوده از اول تو را در جان و تن
نغمهٔ یابن الحسن یابن الحسن
این چنین بودی به روز و ماه و سال
کامدی فی الحال نائل بر وصال
یافتی خوشبختی فرجام را
زان پذیرفتی به جان اسلام را
ای که در دریای عصمت گوهری
چرخ عفت را فروزان اختری
عاشق دیدار ختم المرسلین
حافظ اسرار ربّ العالمین
توز سوی حق مؤید بوده ای
عاشق آل محمد بوده ای
گفتی ای بانوی با مجد و شرف
قصهٔ ای حسّاس با شوق و شغف
پادشاه روم را من دحترم
هم ز فرزندان شمعون مادرم
جدّ من قیصر شد از من خواستگار
بر برادرزاده اش با افتخار
ساخت بر من بزم شادی سو بسو
محفلی پر عشرت و پُره‌های و هو

تا که خود فخریه بر قیصر شوم

بر برادرزاده اش همسر شوم

لیک شد یکباره آن محفل خراب

ریخت بر هم فصل فصل و باب باب

از برای دو مین فرزند او

ساخت محفل باز هم شد زیر و رو

سرّ این غوغا ندانستی کسی

در شگفتی جمله ماندندی بسی

گاه می گفتند سوء طالع است

بخت بد او را در این ره مانع است

لیک چون شب آمد و رفتم به خواب

سرّ مطلب شد عیان چون آفتاب

چون بخواب آمد مرا رخسار عشق

بعد از آن رؤیا شدم بیمار عشق

هی طیب آمد برای یاریم

بی خبر از قلب و از بیماریم

یافتم معشوق خود را بی نقاب

دیگری را کی نمایم انتخاب؟

خویش را در بردگان انداختم

دل به فرزند پیمبر بافتم

دلبری می کرد از من دلبری

بود آن دلبر امام عسکری

آنکه در رؤیا مرا شد مشتری

لایق من نیست جز او دیگری
من به رؤیا غرق در شادی شدم
چون عروس حضرت هادی شدم
کرد آن شب جلوه در چشمم بخواب
با مسیحا حضرت ختمی مآب
آری آمد حضرت ختمی مآب
با وصیّ خویش یعنی بو تراب
دیگر آمد حضرت خیرالنساء
آنکه باشد محور آل کساء
هم حواریون عیسا آمدند
هم امامان جمله آنجا آمدند
شد در آنجا منبر نوری بپا
بر فرازش انبیا و اولیا
تا مرا بهر امام عسکری
خطبه خوانند از برای همسری
پس پیمبر در میان آن شهود
این مبارک عقد را اجرا نمود
تا که گردی (نحویا) روشن روان
داستان حضرت نرجس بخوان

مادر ختم الائمه (علیهم السلام) / علی رضا نصیری

سروده: شاعر ولایتی و دوستدار اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علیرضا نصیری

از تهران

مادر ختم الائمه

مادر شدی برای امامی که مادرش

مادر برای شیعه و کل خلاق است

ایزد تو را به دامن زهرا نشانده است

رجس از عروس آخر این قوم رانده است

از راه دور آمده حیدر بیاورد

نقش نگین خاتم دیگر بیاورد

از کاخ روم آمده تا مادری کند

این آمنه؛ شبیه پیمبر بیاورد

زهرا شده که دشمنش ابتر شود، چه باک

قرآن اگر دو سوره کوثر بیاورد

از بس که شوق کنج دل باغبان نشست

باید که باغ یکسره پر در بیاورد

هر آینه برابر او سنگ می خورد

حتی اگر برادر قیصر بیاورد

او از ازل عروس خداوند بوده است

اول شده که آیه آخر بیاورد

شعر از شماسست سفره دل پهن کرده ام

دل می دهم به قافیه با هر "بیاورد"

بانوی شعر ، مادر ختم الائمة است

شاعر چگونه واژه بهتر بیاورد؟

مدح تو نا تمام گذارم مباد که

شعر ضعیف حوصله را سر بیاورد ...

گیتی نیاز داشت به فرجام نسل تو

گیتی نیاز داشت به فرجام وصل تو

تصویر



همای بخت نرجس (علیها السلام) / عبدالحسین نظری (عبدالحسین)

سروده: شاعر روحانی و ولایتی خاندان عصمت و امامت (علیهم السلام)

آقای شیخ عبدالحسین نظری

(خادم الشریعه)

(عبدالحسین)

از قم

همای بخت نرجس (علیها السلام)

سپیده سر بزند عاقبت در این شب شوم

مگر بناست بماند همیشه حق مکتوم؟

بناست معنی احلی القَصَص شود معلوم

رسید جذبه ی عشق حسن به وادی روم

به آن ستاره که ماه میان مجلس بود

کسی که گشت خریدار عشق، نرجس بود

مسیر عشق گذار از حریق می خواهد

مهاجرت به دیار رفیق می خواهد

وصال سامره طی طریق می خواهد

رکاب حلقه ی عصمت، عقیق می خواهد

جهان ندیده چنین بانویی که دریا، دل

به شوق نور هدایت زند به دریا، دل

سلام بر جلوات تو، مخزن الاسرار

بر آن ودیعۀ ذات خدا، امانت دار

خریدی آن همه زحمت، به شوق دیدن یار

ملیکه ای که در آمد به شکل خدمتکار

خدای عالی اعلی سعادت داده
به روز حشر مقام شفاعت داده
سلام ای که شبیه به اُمّ موسایی
تویی که سوسن و نرگس ، تو که ملیکایی
تو فخر نسل حواریّ پاک عیسایی
هنوز قدر تو مخفیّ ، و چون معمایی
سلام کرده به رویت در اولین لحظات
ولّیّ عصر که بر ماه روی او صلوات
الا که خادمهٔ تو حکیمه خاتون است
مقام و شأن تو از درک عقل بیرون است
وجود تو همهٔ فخر آل شمعون است
کسی که منکر فضل تو بود ، ملعون است
الا که وجد ز توصیف تو کند انجیل
الا که خدمت فرزند تو کند جبریل
بگو از آن شب فرخنده و نسیم سحر
که باخود از سوی دلبر رسانده بود خبر
زبزم خواستگاری ، ز آن دو پیغمبر
گذاشت بر دل و جان نگاه یار ، اثر
همین که حُسن حَسَن را خدا نمایان کرد
عروس فاطمه را فاطمه مسلمان کرد
بنای مهدویت چیده گشته ، خشت به خشت
امام هادی علیه السلام نامه نوشت

به دست بُشیرِ سلیمانِ پاک و نیک سرشت
رسید تا که به آن بانوی بزرگ بهشت
به دیده اش بنهاد و وصال را حس کرد
همای بخت عجب رو به سوی نرجس کرد
بگو از آن سحر غرق نور و شور فلک
بگو از آن که به بازوش بسته جاء الحق
بگو از آن یم رحمت ، هدایت مطلق
از آن که شیعه شد از باقی گِلش مُشتَق
از آن امید تمام عوالم ملکوت
همان که دشمن جبت است و دشمن طاغوت
قدم به چشم زمین تا که زد امام زمان
سپردیش به حکیمه ولی شدی نگران
امام عسکری از او شنید صوت اذان
صدا زد عمه ، گُلم را به مادرش برسان
از این نگاه پر از اشتیاق و حال خراب
گریز شعر کشیده به سمت طفل رباب
سپرد دسته گلش را به عمه و نگران
دخیل ، گوشه گهواره بست و شد گریان
که ای خدای در و دشت و ساحل و باران
علی اصغر من را دوباره برگردان
سه شعبه آبروی آب را عجب برده
گلوی کودک شش ماهه ای به هم خورده...

قسم به ماه رجب ، حقّ نیمه شعبان

قسم به ليله ی قدر و به نیمه رمضان

قسم به غربت نرجس میان آن زندان

خدا ! امام زمان را به داد ما برسان

همان که داروی چشمان ثامن الحجج است

قسم به روضه یابن الشّیب او ، فرج است...

نگاه کن که اسیریم ، دور از یاریم

بین که مضطر و بیچاره ایم ، بیماریم

بخوان دعای فرج را که بد گرفتاریم

مگر به غیر شما چاره ساز هم داریم

مگر شود تو که از خاندان زهرایی

نظر به نامه (عبدالحسین) نمایی

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَمِيدِ
الْقَدِيمِ الْحَكِيمِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

مادری بر حجت حق / سید علی مهدوی (والا)

سروده: شاعر ولایتی اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سید علی مهدوی (والا)

از اصفهان

مادری بر حجت حق

این لیاقت را که دارد؟ همچو اطهر دختری

دختری از امپراطوران روم خاوری

این لیاقت را که دارد؟ همچو آن دختر که بود

مادر او سبط شمعون با خوی پیغمبری

این لیاقت را که دارد؟ جز ملیکا آنکه داشت

عفت و حجب و حیایی باب شان حیدری

دختری چون او که قبل از فیض اقبال به دین

با نهادی پاک دارد خلق و خوی کوثری

او که دارد همره خود طالعی خورشید وار

بخت و اقبالی درخشان بهر اختر پروری

خواستگارانیش به رویا دیده در بیت پدر

اولیا را از پیمبر تا امام عسکری

او که دیده جایگاهش را به نزد اولیا

رخ نماید کی دگر بر خواستگار دیگری

نام نرگس شد بر او تثبیت از حسن قضا

چون گل نرگس کند تا از ولایت دلبری

قدر او را زرشناسی داشت چون ابن الجواد

قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری

نیکبخت و نیک سیرت با سر انجامی نکو

شد عروس خانۀ هادی به شان همسری

گشت خاتون ولایت همسر مولا حسن

بر امام عصر مادر شد چه نیکو مادری

مادری بر حجت حق شمس عالمتاب دین

او که نورانی کند عالم ز پرتو گستری

قائم آل محمد خوانده نام مادرش

سیده خیرالماکان هست از دانشوری

می دهد « والا » نویدی از کلام راویان

اینکه دارد نام نرجس بعد زهرا برتری

حضرت نرجس دعاکن بهر تعجیل فرج

تا رسد آن منجی ما با دعای مادری

شد حضرت نرجس به سرور و شادی

تا یافت به دست نور حق آزادی

شد مادری حجت حق طالع او

آمد چو عروس بر امام هادی

ملیکه کل جهان / مرضیه سادات هاشمی

سروده: شاعره با ایمان و مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

خانم مرضیه سادات هاشمی

از معصومیه ، استان مرکزی

ملیکه کل جهان

تویی ملیکه کل جهان ، ملیکه روم!

زنی رها شده از ننگ پادشاهی شوم

تو سوسنی وسط خارها نمی روی

بیا که نور بکاری در این جهانِ سموم

بین که نرگس نورت ، چقدر شاد کند

دو چشم منتظر هر چهارده معصوم

کنیز آل علی بودن افتخارت شد

به پیشگاه تو حالا مایکند خدوم

به کوکب و قمر و کهکشان بشارت داد

حضور تک پسرت را خدای علم نجوم

برای کشتن ابلیس ها دعا کن تا

ظهور حضرت او غصه را کند معدوم

تصویر

السلام عليك يا سفير النجاة
كثيري

سروده: شاعر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

آقای عباس همتی

از قم

شکوفائی نرگس

پر از لبخند، از آن خواب شیرین چشم وا کردی

نگاه انداختی در آینه خود را صدا کردی

ملیکا! نه، درون آینه نرگس شکوفا شد

خودت را با خودت یک بار دیگر آشنا کردی

زدی از قصر بیرون، رفتی و دروازه را بستی

به روی «أَلْبَلَاءُ لَلْوَلَا» آغوش وا کردی

در آن صبحی که هرچه بادبان شوق زیارت داشت

دلت را همسفر با کشتی باد صبا کردی

به جای «مُرْقُوسٌ وَ مَتَّى» [\(1\)](#) گرفتی انس با «مریم»

از آداب کلیسایی، مسیرت را جدا کردی

بهشتی با خودت داری که سامزای غربت را

برای حضرت خورشید، «سُرَّ مَنْ رَعَا» کردی

شنیدی قصه بعد از خودت را قلب، تو لرزید

دعا کردی فرج نزدیک باشد، گریه ها کردی

از اینجا داستان، داستان مادر موساست

که حتی شعر هم در انتظار دیدن فرداست

1- نام دو انجیل از انجیل های چهارگانه

باعث بقاء امامت / م ، یا وری

سروده : شاعره دوستدار خاندان امامت

خانم : م ، یاوری

از مشهد مقدس

باعث بقا امامت

سلام حق به شما مادر گل نرگس

درود و تحنیت باد حضرت نرجس

چه جایگاه عظیمی و شان والایی

عروس فاطمه گشتی و برحسن مونس

(علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد)

پس اینکه زلزله آمد ، و قصر شد ناقص

برای اینکه بمانی شما برای امام

که هست شان طلاباطلا نه آهن و مس

بزرگ عالم هستی چو شد نصیب شما

بزرگ زادگی خویش را نکردی حس

خوشابه این همه خوشبختی و سعادتتان

که بر بقاء امامت شما شدی باعث

تمام چشم امیدم بود به احسانت

که دست خالی من پرکنی در این مجلس

نام تو مشکل گشا / سمیرا یکه تاز

سروده: شاعره دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

خانم سمیرا یکه تاز

از مامونیه، استان مرکزی

نام تو مشکل گشا

گر چه از شهرت به تنهایی گذشتی بی قرار

بوی گلها می کشاندت رو به سوی این دیار

تاج شاهی را سپردی بر نگاه دیگران

تاج گل را می گذارد بر سرت پروردگار

واژه ها را می شمارم جمله ها بی طاقت اند

پس کی از مرز سپیده می رسد خندان بهار؟

ماه نو از دست تو تابیده یک روز بلند

مادر صبر و سکوت و اقتدار و انتظار

پا به پایت کوچه ها را می گذارم زیر پا

جای پای مادری دنبال رد پای یار

تو زلال لحظه هایی ندبه ها را دیده ای

خرده های آینه در گریه های بی شمار

باغبان غنچه ی دردانه ی دشت بهشت

سیب سرخ آورده ای تا که بماند یادگار

نام تو مشکل گشا و چادرت چتر نجات

نرگس چشمت ستاره در شبی دنباله دار

بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور

سروده: شاعر خوش قریحه ولائی

آقای مسعود یوسف پور

از مشهد مقدس

بزرگترین تعبیر خواب

نرگس، روایتی ست ز عطر بهار تو

مریم، گلی ست حاکی از ایل و تبار تو

تعبیر خواب هیچ کس این قدر خوب نیست

ای «سُرَّ مَنْ رَاءَ» ای خدا بی قرار

تو ای شاهزاده! در تب و تاب چه یوسفی

افتاده سمت برده فروشان گذار تو؟

مستوره ای که روی تو را صبح رُم ندید

خورشید سامره ست به گرد مدار تو

پنهان شده ست سرّ تو چون ماه در مُحاق

ای آسمان نشانِ دل رازدارِ تو دنیا

دلش خوش است، اگر بغض اجازه داد

یک صبح جمعه ندبه بخواند کنار تو

کم زائر آمده ست... دلت خواست بیشتر

مثل مزار فاطمه باشد مزار تو

شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور

شرف الشمس خاندان

بر تن روزگار جان بودن

شهره هفت آسمان بودن

در زمین فخر بانوان بودن

نه چنان این نه مثل آن بودن

ص: 415

مریم دوم زمان بودن
مهرو مهتاب توامان بودن
در محاق حیا نهان بودن
در نجابت سر زبان بودن
خارج از قدرت بیان بودن
شرف الشمس خاندان بودن
مادر صاحب الزمان بودن
این همه کار کیست جز آن ذات
هدیه به پیشگاه او صلوات
همسر نور و مادر نور است
روم تا روم ماه مستور است
ام موسای ملت طور است
شاهزاده، ملیکه حور است
روح تطهیر و آیه نور است
بر درش جبرئیل مأمور است
مدحت او اگر چه دستور است
طبع شاعر ز فهم او دور است
اوست خورشید و چشم ما کور است
دل و جان امام منصور است
هدیه کن باز هم در این مجلس
صلواتی به حضرت نرجس

تصویر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
كَثْرَتُهُ

همه اش لطف حضرت زهراست / یونس وصالی (یونس)

سروده : شاعر دلدادۀ آل عمصت (علیهم السلام)

آقای یونس وصالی (یونس)

از اصفهان

همه اش لطف حضرت زهراست

قلم عاجز به وصفت می شود ، ... قاصر زبان بانو

که درکِ توست بالاتر ز حدِ انس و جان بانو

اگر ذرات عالم روز و شب وصفِ تو را گویند

نخواهد شد نمی از بحر تو حتی بیان بانو

عُقولِ عاقلان یک سر بود حیرانِ ز قَدْرِ تو

شبیهِ حضرت زهراست قدر تو نمان بانو

یقین دارم که این دنیا نمی گردد عیان شأنت

که محشر می شود قدر و جلال تو عیان بانو

تویی که مادرِ آن وعده حق خداوندی

که از ظرفِ وجودت شد عیان صاحب زمان بانو

تورا بر حق فرزندت ، دعایی کن که از لطفت

خدا پایان دهد این انتظارِ نوکران بانو

به امرِ مهدی ات ، ذکر امیرالمؤمنین حیدر

شود روزی شعارِ مُطلقِ کلّ جهان بانو

سروده : شاعر روحانی

و خطیب ولائی آقای ...

از اصفهان

نوعروس آل عصمت (علیهم السلام)

مادر خورشید عالم ، همسر بدرالدور

مُظهر نور الهی ، مُظهر الله نور

مادر مهدی زهرا ، عرش حق را قائمه

نوعروس آل عصمت نور چشم فاطمه

حضرت خاتون ، ملیکه ، نرجس آل رسول

مادر طاوس جنت ، عشق زهراى بتول

نرجس بی رجس عالم عروة الوثقی دین

نرگس بی مثل و مانند امیر المؤمنین

از ازل همتا ندارد این گل یکتای حق

زینت دامان او شد نور بی همتای حق

گنج بی پایان عصمت ، دُرّ ایمان را صدف

دلبر دردانه ی زهرا و سلطان نجف

آنکه مریم پیش او باید یقین زانو زند

خاک راهش را ملک با مژه اش جارو زند

خاک پایش طوطیای چشم حوران بهشت

اوست تنها غنچه دُرّدانه عصمت سرشت

حور و غلمان بهشتی ، جیره خوار درگهش

حضرت جبریل می روید غبار درگهش

او یقیناً چشمه بی انتهای عصمت است
اوست قرآنی که جایش در نهاد عترت
است

نرجس زهرا یقیناً انعکاس زینب است
ذوالفقار مرتضی و پادشاه مکتب است
حضرت نرجس بر این عالم امامت میکند
امر او را حضرت مهدی اطاعت میکند
انتخاب حضرت حق است این بانوی پاک
نور مهدی گشته از نور وجودش تابناک
بوسه بر دستش زند مهدی یقین هر صبح و شام
می زند زانو به پیش حضرتش با احترام
بر در این خانه باید عرشیان زانو زنند
ما سوی الله جمله باید دم از این بانو زنند
گر ملیک مُلک حق حکم ظهور امضا کند
قفل غیبت را فقط با یک اشاره وا کند
مادر باران اگر فرمان دهد بر ابرها
می دهد پایان به درد و غصه ها و صبرها



السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْعَوْتَرُ فِي الْإِحْيَاءِ
 وَالسَّيِّئَةِ الْمُرْتَوِيَّةِ وَأَيْتَهُ كَلِمَةُ عَيْنِي (ع)

يَا سَيِّدَةَ حَسْرٍ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ

مجلس توسل و بزرگداشت

در آستانه نیمه شعبان و ایام میلاد مقدس منجی عالم بشریت ، حضرت
بقیة الله الاعظم امام زمان (عج)
 به قصد توسل ، مراسم بزرگداشت و تجلیل از مقام قدسی عروس حضرت زهرا (س)

نرجس خاتون (س)

در حسینیه حضرت جواد الائمه (ع) واقع در
 چهارراه شکرشکن ، روز جمعه دهم شعبان ۱۴۰۱/۱۲/۱۲
 از ساعت ۹/۵ الی ۱۱/۵ صبح برگزار می گردد
 حضور مخلصانه و با حالت التجاء دلباختگان آستان مقدس مهدوی
 و منتظران ظهور و کرامت پناه عالم

صاحب العصر والزمان (عج)

زمینه ساز اجابت دعاها و ثمربخشی استغاثه ها
 و نزول برکات الهی خواهد بود.

سید حجة موحد ابطحی















حضور پرشکوه علماء و روحانیون عظیم الشان
در مجلس بزرگداشت حضرت نرجس (س)



گوشه ای از جلسه بزرگداشت حضرت نورجس (س)
در اصفهان، حسینیه جواد الائمه (ع)

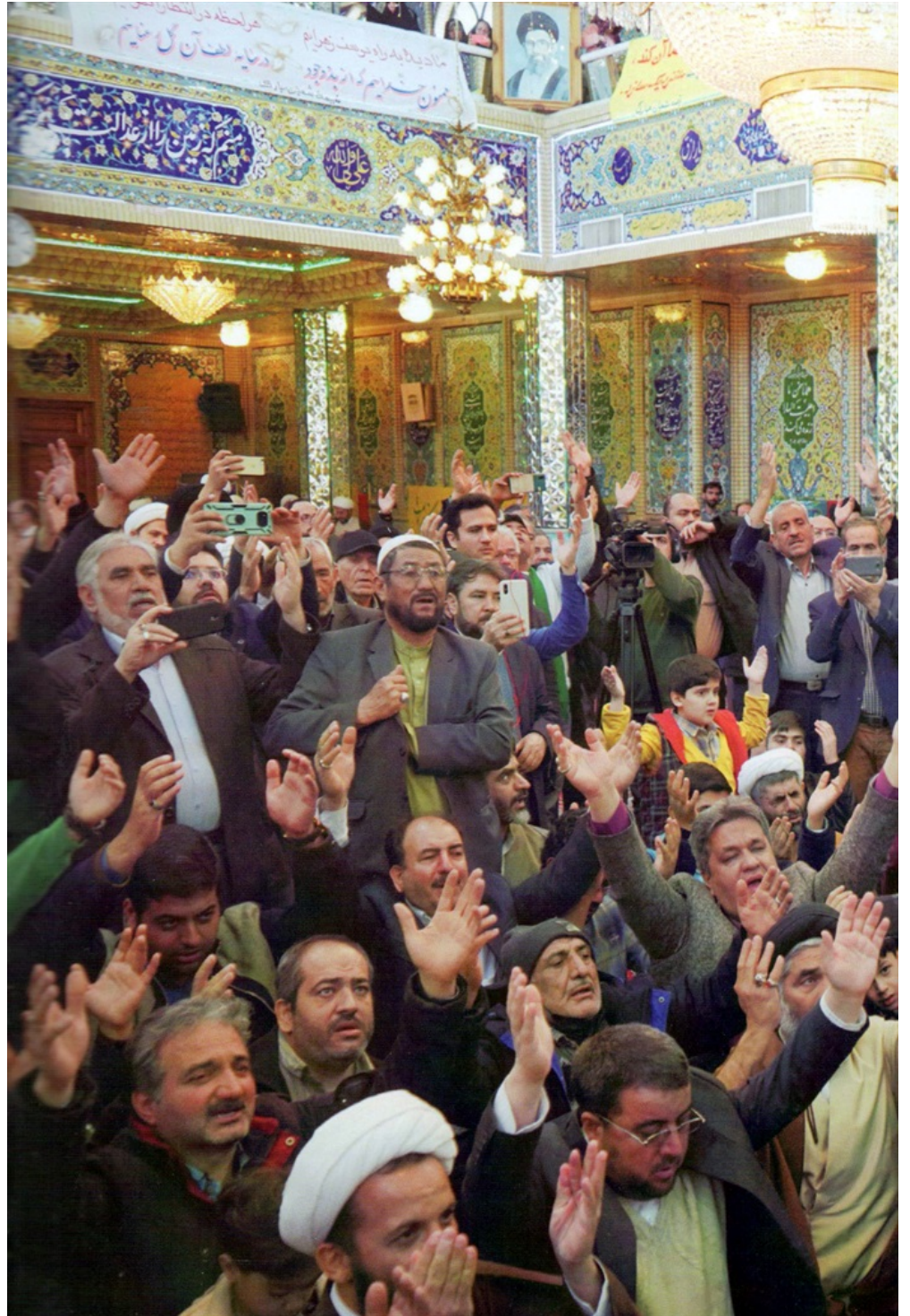














دلدادگان امام زمان (عج) در جلسه بزرگداشت حضرت نرجس (س)
در حال استغاثه و توسل به آن حضرت



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

